

# سالنامه بین الملل

بررسی مهمترین تحولات جهان در سال ۱۴۰۲

مخبرگزاری مهر



- برآوردها در باره آینده غزه
- روزشمار وقایع «طوفان الاقصی»
- ضربه راهبرد «وحدت میدان ها» به تل آویو
- شکست پروژه انزوای دمشق
- ماجرای خطرناک ترکیه
- همکاری استراتژیک تهران - دمشق
- ۲ سلاح مؤثر حزب الله در نبرد با صهیونیسم
- پیروزی اردوغان و پایان قلیچدار اوغلو
- ورود یمن به جنگ غزه
- جنگ اوکراین و شکست حملات بهاره
- آغوش باز اروپا برای راست افراطی
- بازگشت ترامپ به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا
- کودتاهای متوالی در قاره آفریقا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مهر خبرگزاری مهر

[www.mehrnews.com](http://www.mehrnews.com)

خبرگزاری مهر، گروه بین الملل

مدیر مسئول: محمد مهدی رحمتی

شورای سردبیری: حسین طاهری، محمدرضا مرادی

تحریریه: محمد علی دستمالی، سید رضی عمادی،

محسن فائزی، محمد بیات، حسن شکوهی نسب،

وجیهه سادات حسینی و هدی یوسفی

مدیر هنری: بهمن وخشور

ویراستار: محسن وفاپی، رامین حسین آبادیان

تلفن گویا:

(+۹۸ ۲۱) ۴۳۰۵۱۰۰۰

روابط عمومی:

(+۹۸ ۲۱) ۸۸۸۰۵۸۰۷

آدرس: ایران، تهران، خیابان استاد نجات الهی،

کوچه رضا مقدسی، پلاک ۱۸

کدپستی: ۱۵۹۹۸۱۴۷۱۳



# فهرست مطالب

## پرونده غزه

- سال به سال مسئله فلسطین با پیچیدگی - ۷
- «طوفان الاقصی»: احیاگر مساله فلسطین/ وقتی «بازدارندگی مقاومت» حیاتی دوباره یافت - ۸
- فعال شدن گسل ژئوپلیتیکی در فلسطین اشغالی/ رقابت ژئواستراتژیک قدرت‌های بزرگ - ۱۰
- واکاوای جایگاه کرانه باختری در منظومه مقاومت فلسطین/ خیزش سراسری در راه است؟ - ۱۲
- آینده غزه چه می‌شود؟ بررسی سناریوهای چهارگانه در مرحله پسا جنگ - ۱۵
- تشدید اختلافات در صفوف صهیونیست‌ها پس از «طوفان الاقصی»/ سقوط قریب‌الوقوع نتانیاهو - ۱۸
- روزشمار وقایع «طوفان الاقصی»: از غافلگیری تل‌آویو تا کشتار بزرگ میدان «نابلسی» - ۲۰
- راهبرد «وحدت میدان‌ها» چگونه به تل‌آویو آسیب زد؟ ارتقاء جایگاه مقاومت در منطقه - ۲۴

## پرونده سوریه

- احیای روابط سوریه با جهان عرب؛ شکست پروژه انزوای دمشق - ۲۸
- تداوم اشغالگری آمریکا در سوریه؛ از غارت نفت تا تقویت تروریسم و ترویج نا امنی - ۳۱
- ژست فریبکارانه آنکارا برای عادی‌سازی روابط با دمشق/ ماجراجویی خطرناک ترکیه - ۳۳
- چه کشورهایی در بازسازی سوریه مشارکت دارند؟ همکاری استراتژیک تهران - دمشق - ۳۵
- «تروریسم اقتصادی»: راهبرد آمریکا و غرب برای نابودی زیرساخت‌های اقتصادی سوریه - ۳۸

## پرونده لبنان

- «هوش مبارزاتی» و «قدرت نرم»: سلاح مؤثر حزب الله در نبرد با صهیونیسم - ۴۲
- لبنان و بحران پناهندگان؛ چرا غرب در روند بازگشت آوارگان سنگ می‌اندازد؟ - ۴۴

## سالنامه بین‌الملل

بررسی مهمترین تحولات جهان در سال ۱۴۰۲

مرکز پژوهش‌ها



- برآوردها در باره آینده غزه
- روزشمار وقایع «طوفان الاقصی»
- ضربه راهبرد «وحدت میدان‌ها» به تل‌آویو
- شکست پروژه انزوای دمشق
- ماجراجویی خطرناک ترکیه
- همکاری استراتژیک تهران - دمشق
- سلاح مؤثر حزب الله در نبرد با صهیونیسم
- پیروزی اردوغان و پایان قلندار اوغلو
- ورود یمن به جنگ غزه
- جنگ اوکراین و شکست حملات بهاره
- آغوش باز اروپا برای راست افراطی
- بازگشت ترامپ به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا
- کودتاهای متوالی در قاره آفریقا



ابعاد چندلایه بحران سیاسی در لبنان؛ چه کسانی مانع خروج از بن‌بست هستند؟ - ۴۶

تداوم بحران گازی میان لبنان و اسرائیل در مدیترانه شرقی / تلاش تل‌آویو برای امنیت‌سازی و حفظ بقاء - ۴۸

اهداف تل‌آویو از راه‌اندازی جنگ آب علیه لبنان و کشورهای عربی چیست؟ - ۵۰

## ■ پرونده عراق

نمایش اقتدار گردان‌های مقاومت عراق در میدان طوفان الاقصی - ۵۴

راهبرد نظامی مقاومت در اخراج اشغالگران آمریکایی از عراق - ۵۶

خروج جریان صدر از روند سیاسی عراق؛ راهبردی موقت برای بازگشتی دوباره - ۵۸

روابط عراق و عربستان از تفاهم‌نامه‌های مشترک تا راه‌اندازی شورای هماهنگی - ۶۰

برگزاری انتخابات شوراهای استانی عراق پس از ۱۰ سال - ۶۲

## ■ پرونده خلیج فارس

راهبرد امنیتی نوین کشورهای جنوب خلیج فارس؛ تعادل از روابط سیاسی تا نظامی - ۶۶

حوزه خلیج فارس؛ رونق گردشگری زیر سایه سنگین رکود اقتصاد نفتی - ۶۸

حسن همجواری؛ کلیدواژه روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس - ۷۰

الگوسازی سازمانی؛ دروازه ورود به جهان چندقطبی - ۷۲

مانیفست شورای همکاری خلیج فارس در منطقه؛ امنیت، ثبات، توسعه - ۷۴

## ■ پرونده ترکیه

دلایل پیروزی مجدد اردوغان در انتخابات اردیبهشت ماه - ۷۸

چرا بحران اقتصادی در ترکیه تداوم دارد؟ - ۸۰

ترکیه، ناتو و تردید در سیاست خارجی ترکیه - ۸۲

ترکیه و تهدیدات امنیتی و تروریستی - ۸۴

ترکیه، قدرت سخت و صنایع دفاعی - ۸۶

## ■ پرونده یمن

جنگ یمن در سال گذشته؛ توقف غیررسمی جنگ بدون دستاورد نظامی معتبر - ۹۰

مذاکرات یمن و عربستان؛ دستاوردها و ناکامی‌ها - ۹۲

وضعیت انسانی و بهداشتی یمن در سال گذشته - ۹۴

صحنه سیاسی - نظامی داخلی یمن طی یک سال گذشته - ۹۶

ورود یمن به جنگ غزه؛ ابعاد و پیامدها - ۹۸

## ■ پرونده اوکراین

جنگ اوکراین در سال ۱۴۰۲ چگونه پیش رفت - ۱۰۲

غرب در حمایت از اوکراین طی سال ۱۴۰۲ چه کرد؟ - ۱۰۴

چرا رویای الحاق اوکراین به ناتو و اتحادیه اروپا تحقق نیافت؟ - ۱۰۶

جنگ اوکراین در سال ۱۴۰۲ و مخاطره‌های کاربرد سلاح‌های ممنوعه - ۱۰۸

میانجی‌گران جنگ اوکراین در سال ۱۴۰۲؛ کلاف سردرگمی که باز نشد - ۱۱۰

## ■ پرونده اروپا و آمریکا

اروپای ۱۴۰۲ در گیرودار دوگانه «مهاجرت» و «معیشت» - ۱۱۴

آغوش باز اروپا برای راست افراطی در سال ۱۴۰۲ - ۱۱۷

پشت پرده پروژه قرآن‌سوزی‌های مکرر در اروپا طی سال ۱۴۰۲ - ۱۲۰

راهبرد شکست‌خورده بایدن از غزه تا اوکراین در سال ۱۴۰۲ - ۱۲۲

رقابت‌های انتخاباتی آمریکا در سال ۱۴۰۲؛ بایدن و ترامپ کجا ایستادند؟ - ۱۲۴

## ■ پرونده آفریقا

کودتا و ناامنی در آفریقا - ۱۲۸

تحولات مصر، از انتخابات تا بحران اقتصادی - ۱۳۰

اقدام تاریخی آفریقای جنوبی در قبال نسل‌کشی اسرائیل در غزه - ۱۳۲

چشم‌انداز رقابت‌های اقتصادی چین و دیگران در آفریقا - ۱۳۴

آفریقا، تغییرات اقلیمی و مهاجرت - ۱۳۶



# طوفان الاقصی

## پرونده فلسطین

چکیده:

سال به سال مسئله فلسطین با پیچیدگی، غافلگیری و بحران‌های بیشتری روبرو می‌شود. در ۳ سال اخیر و بویژه از زمان جنگ سیف القدس به این طرف، تحولات و رویدادهای فلسطین و داخل سرزمین‌های اشغالی بسیار پرشتاب و تاثیرگذار پیش می‌رود.

طوفان الاقصی و ۷ اکتبر را می‌توان نقطه عطف تمام تحولات سال‌های اخیر منطقه و حتی جهان دانست؛ عملیاتی که معادلات را به قبل و بعد خودش تقسیم کرد. طوفان الاقصی معادلات امنیتی، نظامی و سیاسی درون سرزمین‌های اشغالی را به طور جدی دچار تحول کرده و پرونده فلسطین را بعد از ۲ دهه دوباره به محوری‌ترین مسأله منطقه و حتی جهان مبدل ساخته است.

در این پرونده سعی شده است مهمترین اتفاقات سال ۲۰۲۱ و آینده پیش روی فلسطین و سرزمین‌های اشغالی در سال ۲۰۲۱ با تمرکز ویژه بر طوفان الاقصی بررسی شود. تغییرات امنیتی سیاسی در رژیم، آینده نوارغزه و کنترل آن، تاثیر طوفان الاقصی بر قدرت و بازداندگی مقاومت، تاثیر تحولات یک سال اخیر بر کرانه باختری، تاثیر طوفان الاقصی بر رقابت بازیگران جهانی نظیر چین، روسیه و آمریکا از جمله مهمترین مطالبی است که در پرونده بررسی شده‌اند.





## جنگ غزه به روایت آمار

تعداد شهدا و مفقودین: ۳۷۰۰۰+

تعداد مجروحین: ۶۸۰۰۰+

تعداد شهدا: ۳۰۰۰۰+

کودک: ۳۱۰۰۰

زن: ۸۸۰۰

۴۳۰ کادر درمان

۳۱۰ خبرنگار

۷۴ پلیس

تخریب ۲۰۸ مسجد به طور کامل

تخریب ۳ کلیسا

تخریب ۱۰۰ مدرسه و دانشگاه به طور کامل

تخریب ۳۰۴ مدرسه و دانشگاه به طور جزئی

توقف فعالیت های ۳۱ بیمارستان از ۳۴ بیمارستان در نوار غزه

توقف فعالیت های ۵۳ مرکز درمانی از خدمت

تخریب ۷۰۰۰۰ هزار خانه به طور کامل

تخریب ۹۲۰ هزار خانه به گونه ای که قابل سکونت نیستند

شهادت ۳۰۰ نفر در کرانه باختری

دستگیری بعد ۷ اکتبر: ۶۵۰۰+ نفر

تعداد کشته های نظامی صهیونیستی:

پس از ۷ اکتبر: ۵۷۸ نفر

عملیات زمینی در نوار غزه: ۲۳۹ نفر

زخمی های نظامی صهیونیست:

پس از ۷ اکتبر: ۳۰۰۰+ نفر

عملیات زمینی در غزه: ۱۴۳۰ نفر





## «طوفان الاقصی»؛ احیاگر مساله فلسطین / وقتی «بازدارندگی مقاومت» حیاتی دوباره یافت

هم از لحاظ نظامی، هم از لحاظ اطلاعاتی، یک شکست غیر قابل ترمیم خورده؛ شکست را همه گفتند، تأکید من به غیر قابل ترمیم بودن است. من می گویم این زلزله‌ی ویرانگر توانسته است بعضی از سازه‌های اصلی حاکمیت رژیم غاصب را ویران کند که تجدید بنای آن سازه‌ها به این آسانی امکان‌پذیر نیست. بعید است که رژیم غاصب صهیونیستی با همه‌ی های‌وهویی که می کند، با همه‌ی حمایت‌هایی که امروز در دنیا از سوی غربی‌ها از او می شود، بتواند آن سازه‌ها را ترمیم کند. من عرض می کنم از شنبه پانزدهم مهر، رژیم صهیونیستی [دیگر] رژیم صهیونیستی قبلی نیست و ضربه‌ای که خورده است به این آسانی قابل جبران نیست.»

مقاومت فلسطین و رهبران آن همانگونه که بارها اعلام کرده بودند، هدفشان از طوفان الاقصی، نجات مسجدالاقصی، کاهش محاصره نوارغزه و آزادی اسرایشان بود. مجموعه اهدافی که می توان آن‌ها را تغییر معادلات و بازگشت توان بازدارندگی در مقابل اشغالگری و سیاست‌های آن نامگذاری کرد. جنبش حماس در نشریه‌ی ای در آستانه صدمین روز از طوفان الاقصی یادآور شد:

از طرف اسرائیلی دال بر پیش بینی چنین حمله‌ای و به تبع آن آمادگی لازم برای مقابله با آن وجود نداشت.

این اقدامات در قالب یک برنامه ریزی دقیق علیه ارتش رژیم صهیونیستی انجام شد. آموس هرئیل تحلیلگر نظامی روزنامه عبری زبان هآرتص فاش کرده است: «تعداد نظامیان اسرائیلی مستقر در اطراف نوار غزه همزمان با حمله هفتم اکتبر حماس ۰۰۴ نفر بوده که ۲۱ تانک نیز همراه آن‌ها بوده و تعداد نظامیان کشته شده در آن روز بیش از ۰۰۳ نفر اعلام شده که این بدان معناست تمامی نظامیان مستقر در این منطقه کشته یا اسیر شدند.»

### تغییر معادلات امنیتی و صحنه فلسطین

طوفان الاقصی عملیاتی است که در تاریخ مقاومت فلسطین بی سابقه بود و دستاوردهای ماندگاری را به دنبال داشت. این عملیات بزرگ و سرنوشت ساز، مسیر تاریخ فلسطین را ورق زد. آیت الله خامنه‌ای در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح فرمودند: «در این قضیه پانزدهم مهر به این طرف، رژیم غاصب صهیونیستی،

با گذشت بیش از ۵ ماه از جنگ در نوارغزه و ثبت جنایات بزرگ صهیونیست‌ها در این باریکه کوچک، اما ۷ اکتبر ۲۰۲۲ به روزی تبدیل شد که مساله فلسطین را به قبل و بعد از خودش تقسیم کرد. نمی توان به مساله فلسطین در سال ۲۰۴۱ پرداخت و ۵۱ مهر (۷ اکتبر) را نقطه عطف آن ندانست.

صبحگاه ۷ اکتبر نیروهای مقاومت فلسطین در یک عملیات دقیق و هماهنگ ضمن عبور از مرزهای غزه و ورود به شهرک‌های اشغالی در اطراف نوارغزه، در کمتر از نیم ساعت بیش از ۵ هزار راکت و موشک به سمت سرزمین‌های اشغالی شلیک کرده و همچنین حدود ۰۰۳ صهیونیست‌ها را هم اسیر کردند. تصاویر فرار صهیونیست‌ها با لباس شخصی، کشته شدن نظامیان مرزی، غنمیت گرفته شدن ماشین‌ها حتی تانک‌های اسرائیلی در پاسگاه‌های مرزی همگی نشان از عمق غافلگیری صهیونیست‌ها داشت.

حملات غافلگیرکننده طوفان الاقصی، کابینه نتانیاهو را در برابر یک شکست اطلاعاتی و امنیتی قرار داد، به گونه‌ای که در روزها و ساعات قبل از آغاز طوفان، هیچ نشانه‌ای





بار دیگر مسائلی نظیر برپایی دولت مستقل فلسطین و لزوم توجه به اشغالگری های رژیم صهیونیستی را یادآوری کردند؛ یادآوری ای که موجب ایجاد معادلات جدیدی در بازدارندگی مقابل اقدامات اشغالگرایانه صهیونیست ها خواهد شد. همچنین عملیات طوفان الاقصی ضربه ای کاری و تاریخی به امنیت، اقتصاد و وجهه جهانی رژیم صهیونیستی وارد کرد. در مورد میزان این ضربه و پیامدهای آن می توان تا پایان طوفان الاقصی و تحولات آن صبر کرد؛ اما تاثیر این طوفان بر اقتصاد و امنیت داخلی رژیم صهیونیستی در ۵ ماه گذشته عیان و قابل توجه است.

این ضربه را می توان در تصمیم دیگر بازیگران محور مقاومت برای حمله به رژیم صهیونیستی مشاهده کرد. اقدامات بی سابقه حزب الله و عبور از خط مرزی سال ۲۰۰۶، نمونه ای واقعی از شکسته شدن خط بازدارندگی صهیونیست ها است. تل آویو اکنون به دنبال برگرداندن شرایط مرزی سرزمین های اشغالی و لبنان به وضعیت قبل از ۷ اکتبر است؛ شرایطی که حتی با هزینه های سنگینی چون جنگ احتمالی هم غیرممکن است. بزرگترین دستاورد و هدف ۷ اکتبر، تغییر وضعیت بازدارندگی و عقب راندن سیاست های صهیونیستی در فلسطین، نوارغزه و حتی مرز لبنان بود. این تغییر آینده پرورنده فلسطین را با دگرگونی های مهمی روبرو خواهد کرد.

را حمایت از مسجدالاقصی و اسرا دانستند. ضمن آنکه ۷۷ درصد طوفان الاقصی را یک تصمیم صحیح می دانند.

طوفان الاقصی یک سد جدی پیش روی تفکرات خطرناک صهیونیستی برای ادامه سیاست های یهودی سازی مسجدالاقصی، مصادره شهر قدس و کرانه باختری، شهرک سازی ها و تداوم محاصره و مرگ تدریجی مردم نوار غزه بود. طوفان الاقصی باری دیگر مساله فلسطین را در عرصه عمل زنده کرد.

### جمع بندی

حماسه ۷ اکتبر، مساله فلسطین را باری دیگر به موضوع نخست نه تنها جهان عرب و اسلام، بلکه به یکی از موضوعات شاخص جهانی تبدیل کرد. پس از ۷ اکتبر رسانه ها و سیاست مداران

«نبرد ملت فلسطین علیه اشغالگری و استعمار روز هفتم اکتبر ۲۰۲۳ آغاز نشد، بلکه قبل از این و طی ۵۰۱ سال اشغالگری آغاز شد یعنی ۰۳ سال تحت استعمار انگلیس و ۵۷ سال هم اشغالگری رژیم صهیونیستی.» این نشریه می افزاید: «در سایه جنایات صهیونیسم، جهان از ملت ما چه انتظاری دارد؟ این ملت در مقابله با طرح های یهودی سازی مسجد الاقصی چکار باید کند؟ این ملت در مقابله با اقدامات صهیونیست ها برای سیطره بر کرانه باختری و طرح کوچاندن ملت فلسطین، چکار باید کند؟ این ملت برای آزادی هزاران اسیر فلسطینی از زندان های چکار باید کند؟»

ناگفته نماند که این نیت و هدف از سوی جامعه فلسطینی باور و درک شد. مرکز نظرسنجی و مطالعات سیاسی فلسطین (RSP) که مقر آن در رام الله و نزدیک به تشکیلات خودگردان است، یک نظرسنجی را پیش از پایان ماه سوم طوفان الاقصی انجام داد که در آن ۱۸ درصد فلسطینی ها دلیل واقعی انجام طوفان الاقصی



نگنه هونین - رامیم







## فعال شدن گسل ژئوپلیتیکی در فلسطین اشغالی / رقابت ژئواستراتژیک قدرت‌های بزرگ

و تضعیف کنند. از سال ۲۰۱۴ (جنگ کریمه) کشورهای حوزه یوروآتلانتیک با معرفی مسکو به عنوان «تهدید هیبریدی» علیه اروپا- آمریکا و سپس وضع سخت‌ترین رژیم تحریمی تاریخ علیه اقتصاد روسیه، جایگاه روسیه را از قدرت بزرگ جهانی به سطح قدرت منطقه‌ای فرسوده تقلیل دهند. حمایت مالی- تسلیحاتی از کی‌یف و تلاش برای طولانی کردن این بحران ژئوپلیتیکی اقدامی آشکار از سوی غرب برای تضعیف ساکنان کاخ کرملین است. حال پس از فعال شدن گسل ژئوپلیتیکی در فلسطین اشغالی، واشنگتن مجبور است تا بخشی از تمرکز و کمک‌های جبهه غرب را در اختیار اسرائیل قرار دهد. زمین گیر شدن ارتش آمریکا در شرق مدیترانه و اخیراً در محدوده دریای سرخ فرصت لازم برای روس‌ها فراهم خواهد کرد تا ضمن ترمیم جایگاه اخلاقی خود در افکار عمومی، از موضع قدرت به کشورهای غربی پیشنهاد آتش‌بس پایدار در جبهه اوکراین دهد.

پس از روس‌ها، چین دومین برنده جنگ طوفان الاقصی است. در نگاه دولتمردان چینی هرگونه اختلال در روند «چرخش به آسیا» آمریکا فرصت جدیدی برای پکن فراهم خواهد کرد تا بتوانند ضمن افزایش قدرت- ثروت ملی، ابر پروژه «یک کمربند- یک جاده» را با سرعت بیشتری تکمیل کنند. پس از انعقاد توافق پکن میان ایران و پادشاهی عربی سعودی و در عی حال ناکامی واشنگتن برای رسیدن به نقطه صلح در غزه، حال فرصت مناسبی برای چینی‌ها فراهم شده تا در صورت شکست آمریکایی برای پایان دادن بحران در غزه، وارد میدان شده و با همکاری روسیه، کشورهای عربی و ایران به تحقق آتش‌بس پایدار در فلسطین اشغالی کمک کند. همچنین افزایش شکاف میان خاورمیانه عربی و اسرائیل؛ ادغام رژیم صهیونیستی در منطقه و ایجاد بلوک واحد در برابر قدرت‌های نوظهور را به تاخیر انداخته است. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد مسکو- پکن ترجیح می‌دهند تا ضمن فرسایشی شدن جنگ غزه، در هنگام اعلام آتش‌بس موازنه قدرت در منطقه به نفع محور مقاومت تغییر کند.

خبرگزاری مهر، گروه بین‌الملل: دهه سوم قرن بیست‌ویکم را می‌توان دوران از سرگیری «جنگ سرد جدید» و تلاش قدرت‌های جهانی برای صف بندی مجدد در نظام بین‌الملل دانست. با آنکه آمریکا همچنان بالاترین تولید ناخالص داخلی و بزرگ‌ترین ارتش جهان را در اختیار دارد اما ظهور قدرت‌های نوظهور در نقاط مختلف جهان سبب به چالش کشیده شدن هژمونی آمریکا در منطقه اوراسیا- ایندوپاسفیک شده است؛ کما اینکه افزایش سطح تنش‌ها میان آمریکا با چین و روسیه موجب تحریک و فعال شدن گسل‌های ژئوپلیتیکی در نقاط مختلف جهان شده است. به عنوان مثال پس از تلاش نافرجام غرب برای ادغام اوکراین در پیمان آتلانتیک شمالی و عملیات نظامی ویژه روسیه در این کشور، حال کی‌یف در خط مقدم تقابل میان واشنگتن- مسکو قرار گرفته است.

در آن سوی اقیانوس هند، واشنگتن ضمن تحریک اقلیت اوغورها علیه حاکمیت مرکزی پکن، در امور داخلی تایوان و مناقشات دریای چین جنوبی نیز مداخله کرده و قصد دارد تا چین را وارد بازی‌های نظامی- امنیتی کند. در شرایطی که نظم بین‌المللی بیش از پیش تحت تاثیر اراده قدرت‌های منطقه‌ای قرار دارد، وقوع عملیات طوفان الاقصی سبب باز شدن جبهه جدیدی در روند رقابت ژئواستراتژیک میان واشنگتن، مسکو و پکن شده است. برخی تحلیلگران معتقدند بحران کنونی در نوار غزه نتیجه برخورد منافع میان قدرت‌های جهانی و تلاش غرب برای ایجاد بلوک جدید در برابر خیز قدرت‌های نوظهور است. بر همین اساس در ادامه این گزارش سعی خواهیم کرد تا نگاهی به تاثیر عملیات طوفان الاقصی بر رقابت ژئواستراتژیک آمریکا با چین و روسیه داشته باشیم.

### زمین گیر شدن واشنگتن در بانلاق خاورمیانه

عقل گرایی راهبردی، اتخاذ رویکرد مناسب و فرصت شناسی بازیگران در عرصه بین‌المللی این امکان را برای آنها فراهم خواهد کرد تا بدون کمترین هزینه بتوانند ضمن افزایش قدرت ملی، رقبای خود را در جبهه مختلف مهار





### مسکو - پکن؛ برندگان بزرگ طوفان الاقصی

از سال‌های پایانی دوران ریاست جمهوری باراک اوباما، واشنگتن برای مهار خیزش چین و روسیه سعی کرد تا

پس از امضای توافق «برجام» با تهران، پروژه عادی سازی روابط میان رژیم صهیونیستی و خاورمیانه عربی را در دستور کار قرار دهد. در این ابرپروژه واشنگتن ظاهراً برای مهار نفوذ منطقه‌ای ایران و محور مقاومت پایتخت‌های عربی را تشویق به عادی سازی روابط با تل‌آویو می‌کند تا پیش از فرا رسیدن سال ۲۰۳۰ بلوک واحد اقتصادی-امنیتی در برابر قدرت‌های نوظهور است. انتشار رسمی طرح «معامله قرن»، «پیشنهاد تشکیل ناتوی خاورمیانه»، «صلح آبراهام»، «تشست‌های امنیتی النقب»، «کریدور امنیت غذایی ۱2U2»، «رونمایی از کریدور ایمک در اجلاس گروه ۲۰» و در نهایت «تلاش برای عادی سازی روابط ریاض-تل‌آویو» سلسله اقدامات واشنگتن برای بازتعریف نظم منطقه خاورمیانه با هدف حفظ هژمونی و تسلط سنتکام بر بازار انرژی و کریدورهای جدید ارتباطی بود.

وقوع عملیات طوفان الاقصی در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ و به دنبال آغاز لشکرکشی ارتش اسرائیل به باریکه غزه سبب تعلیق طرح‌های واشنگتن تا زمانی نامعلوم شد. برخی تحلیلگران معتقدند پس از ضربه نظامی-امنیتی وارد شده به تل‌آویو و در عین نسل کشی بی‌سابقه این رژیم در غزه، ریاض نمی‌تواند ریسک عادی سازی روابط با اسرائیل را در کوتاه مدت بپذیرد. گروهی دیگر اما با رد این نظر معتقدند که پادشاهی عربی سعودی از قبل تصمیم نهایی برای صلح با صهیونیست‌ها را اتخاذ کرده و حتی ممکن است از فرصت آتش‌بس نهایی در غزه برای رسیدن به نقطه صلح با اسرائیل

استفاده کند. به گزارش وال استریت ژورنال، تیم سیاست خارجی دولت بایدن به صورت همزمان در حال پیشبرد سه پرونده «آتش‌بس و تبادل اسرا»، «عادی سازی روابط عربستان سعودی-اسرائیل»

و «شناسایی دولت مستقل فلسطین» است. اتخاذ چنین رویکردی از سوی دموکرات‌ها ناشی دهنده عدم ناامیدی آنها برای کسب دست آوردی قابل توجه در آستانه انتخابات ۲۰۲۴ است.

### بهره سخن

فارغ از رقابت ژئواستراتژیک میان حافظان وضع موجود و قدرت‌های تجدیدنظرطلب، برخورد منافع قدرت‌های بزرگ سبب ایجاد فرصت‌های جدیدی برای ارتقای جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران شده است. در دوران جدید تهران و محور مقاومت می‌توانند با داشتن دست برتر در مناسبات منطقه‌ای قدرت چانه‌زنی خود را در برابر بلوک‌ها و بازیگران تاثیرگذار در منطقه افزایش دهند و بدل به کانون بازتعریف نظم جدید منطقه شوند. پیش از این آمریکا قصد داشت تا از طریق دنبال کردن صلح عبری-عربی و وضع رژیم تحریمی علیه اقتصاد ایران، تهران را در وضعیت انزوا و ضعف قرار دهد اما تحولات جاری در شرق مدیترانه حاکی از گسترش دامنه مقاومت تا مرزهای اروپا است. اثبات نقش تعیین کننده و ثبات ساز ایران در معادلات غرب آسیا این فرصت را در اختیار کشور قرار خواهد داد تا بتواند جایگاه خود را در کریدورهای چینی-آمریکایی ارتقا بخشیده و تبدیل به باریگری تعیین کننده در زنجیره تامین جهانی شود. به عبارت دیگر تامین امنیت مسیرهای ارتباطی و انرژی بدون در نظر گرفتن منافع ایران و احترام به جایگاه صلح‌ساز مقاومت در خاورمیانه امکان پذیر نیست.





# واکاوی جایگاه کرانه باختری در منظومه مقاومت فلسطین / خیزش سراسری در راه است؟

باختری ترتیب داد. در جریان یکی از حملات به خودرویی در محله جنین دست کم یک نفر شهید و حدود ۱۵ نفر زخمی شدند. به نوشته ایمن نوبانی خبرنگار میدانی الجزیره در نابلس، اسرائیل حملات هوایی علیه شمال کرانه باختری به ویژه منطقه جنین را متوقف نمی‌کند؛ زیرا این ناحیه برای مردم فلسطین بسیار الهام بخش بوده و نماد مقاومت است. وی در ادامه گزارش خود پیش‌بینی می‌کند که احتمالاً این حملات تا پیش از فرا رسیدن ماه رمضان افزایش یافته و به سطح بی‌سابقه‌ای برسد.

تداوم سیاست شهرک‌سازی‌های غیرقانونی اسرائیل در کرانه باختری یکی دیگر از مصادیق آشکار تجاوز اسرائیل به قوانین بین‌المللی و زیر پا گذاشتن حق مسلم فلسطینی‌ها در سرزمین مادری‌شان است. به گزارش «تایمز اسرائیل» اصموطریخ وزیر

در پنج ماه گذشته کرانه باختری تحت شدیدترین تدابیر امنیتی از سوی صهیونیست‌ها قرار داشته است با این حال اقدامات استشهادهای افراد یا هسته‌های وابسته به مقاومت توانسته ضربات سختی به ساختارهای امنیتی اسرائیل وارد کند. ابتکار عمل مقاومت در کرانه باختری سبب شده است تا بن گویر در آستانه فرا رسیدن ماه مبارک رمضان از نتانیاهو بخواهد تا دسترسی مسلمانان به مسجد الاقصی به شدت محدود و کنترل شود. به گزارش معاریو با وجود پیشنهاد بن گویر اما نهادهای امنیتی مانند شین‌بت نظری متفاوت داشته و خواستار اقدامات امنیتی در خارج از محدوده مسجد الاقصی هستند.

روز پنج شنبه بیست و دوم فوریه ارتش اسرائیل پس از تیراندازی در نزدیکی شهرک «معاله آدومیم» حملاتی را در سراسر کرانه

خبرگزاری مهر، گروه بین‌الملل: طی سه دهه اخیر کرانه باختری در کنار باریکه غزه یکی از دو کانون اصلی مقاومت در برابر باریکه غزه بوده است. جنبش حماس با انتشار کتابچه‌ای با عنوان «این است روایت ما؛ چرا طوفان الاقصی؟» یکی از دلایل عملیات هفتم اکتبر علیه عمق سرزمین‌های اشغالی را اقدامات اسرائیل در جهت اعمال حاکمیت در کرانه باختری اعلام کرده بود. به عبارت دیگر برنامه‌ریزی و تلاش افراد افراطی همچون ایتمار بن گویر وزیر امنیت داخلی و بتسلانیل اصموطریخ وزیر دارایی اسرائیل با هدف یهودی‌سازی قدس یا تجاوزات پی‌درپی برای از بین بردن هسته‌های کوچک مقاومت در کرانه باختری سبب احساس خطر مقاومت و اجرایی کردن پلن حمله مستقیم به داخل اراضی فلسطین اشغالی شد.







به عنوان مثال چندی پیش سه تن از نیروهای صهیونیستی با استفاده از پوشش دکتر و پرستار وارد طبقه سوم بیمارستان «ابن سینا» در کرانه باختری شده و سه مجاهد فلسطینی به نام‌های باسل ایمن الغزوی، برادر باسل و محمد ولید جلامنه به شهادت رسیدند. در جریان یکی دیگر از این حملات نظامی نیروهای صهیونیست به طوباس و اردوگاه الفارعه کرانه باختری حمله کرده و احمد دراعمه فرمانده تیمی طوباس وابسته به گردان‌های القدس شاخه نظامی جهاد اسلامی را به شهادت رساندند.

نزدین المیمی سخنگوی دانشگاه کرانه باختری اعلام کرد که نیروهای ویژه ارتش اسرائیل با لباس‌های شخصی وارد دانشگاه شده و «صالح حسن» رئیس شورای دانشجویی و «عمر ظلوم» دبیر کمیته ورزش دانشگاه را ربودند. به گفته این شخصیت آگاه تاکنون ۱۲۰ دانشجوی فلسطینی از سوی صهیونیست‌ها بازداشت و در زندان‌های اسرائیل به سر می‌برند. برای ناظران بیرونی و نهادهای حقوق بشری اما اتخاذ چنین سیاستی از سوی ارتش اسرائیل امری عجیب به نظر نمی‌رسد. از ابتدای جنگ تاکنون (۲۷ فوریه ۲۰۲۴) ۹ دانشگاه در غزه و ۲ ساختمان دانشگاه در کرانه باختری یا نابود شدند یا بخشی از آنها تخریب شده است.

قرار گرفتند، بلکه صهیونیست‌ها اقتصاد و معیشت مردم کرانه باختری را نیز هدف قرار دادند. در ماه‌های ابتدایی جنگ، ارتش اسرائیل در سرقتی آشکار با حمله به چند صرافی در کرانه باختری حدود ۲,۵ میلیون دلار پول را مصادره کرد! براساس بیانیه ارتش اسرائیل دلیل چنین اقدامی همکاری صرافی‌ها با گروه‌های مقاومت اعلام شده است! به عنوان مثال پس از آغاز عملیات «شمشیرهای آهنین» در نوار غزه، رژیم صهیونیستی مجوز کار ۲۰۰ هزار نیروی کار فلسطینی در داخل سرزمین‌های اشغالی را تا اطلاع ثانوی باطل کرد. علاوه بر این تل‌آویو از دادن مالیات‌های مربوط به تشکیلات خودگردان خودداری کرده است. براساس برآوردهای صورت گرفته پس از پایان جنگ بین ۱ الی ۲ سال زمان نیاز است تا اقتصاد کرانه باختری به شرایط پیش از هفتم اکتبر باز گردد.

یکی دیگر از سیاست‌های تهاجمی اسرائیل در قبال کرانه باختری حمله به مراکز دولتی، خصوصی و حتی آموزشی با هدف ربودن افراد طرفدار مقاومت یا معترض به اشغالگری است. ارتش و یگان‌های امنیتی رژیم برای پیشبرد عملیات نظامی خود در کرانه باختری از یگان‌های عرب نما برای نفوذ در میان مردم، دستگیری و ترور نیروهای مقاومت استفاده می‌کنند.

دارایی رژیم اخیراً در واکنش به عملیاتی در نزدیکی شهرک «معاله آدومیم» پیشنهاد ساخت ۳۳۴۴ خانه جدید را در کرانه باختری به شخص نخست وزیر ارائه داده است. براساس آمار منتشر شده در رسانه‌ها ۱۴۴ شهرک اسرائیلی در کرانه باختری ساخته شده که مجموعاً میزبان ۴۵۰ هزار صهیونیست است. به غیر از موارد فوق، اسرائیل بیش از ۱۰۰ پایگاه غیرقانونی در این منطقه دارد.

میزان خشونت ارتش اسرائیل و شهرک نشین‌های صهیونیست در کرانه باختری به قدری شدید بوده است که سبب تحریم ۴ صهیونیست ساکن این منطقه شد. وزارت امور خارجه آمریکا با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که ما برای (رژیم) اسرائیل روشن کردیم که باید شهرک‌نشینانی را که در این خشونت‌ها دخالت داشتند دستگیر کرده و محاکمه شوند. به دنبال این تصمیم لندن نیز اعلام کرد که این ۴ نفر را در لیست تحریم‌های خود قرار داده است. در واکنش به این تصمیم دفتر نخست وزیر و وزاری افراتی کلینیه اسرائیل لب به اعتراض گشوده و در اظهاراتی مضحک دولت‌های غربی را حامی حماس دانستند!

پس از عملیات طوفان الاقصی تنها مردم باریکه غزه نبودند که تحت فشار و سیاست «مجازات دسته جمعی» رژیم صهیونیستی





### هسته‌های مقاومت در کرانه باختری

طی دو دهه اخیر رژیم صهیونیستی همواره سعی داشته است تا با جدا کردن حاکمیت سیاسی کرانه باختری و نوار غزه از یکدیگر اجازه اتحاد میان نیروهای فلسطینی و حاکم شدن گفتمان مقاومت در سرزمین‌های پاد شده را ندهد. حال پس از وقوع عملیات طوفان الاقصی یکی از سناریوهای پررنگ در خصوص آینده غزه ادغام تشکیلات خودگردان و حماس در یکدیگر و شکل‌گیری تشکیلات سیاسی تکنوکرات در کرانه باختری و غزه است. اعلام استعفای محمد اشتیه نخست وزیر تشکیلات خودگردان شاید یکی از نخستین نشانه‌ها در خصوص آغاز اصلاحات در این سازمان فلسطینی باشد. با توجه به اهمیت یافتن جایگاه سیاست کرانه باختری در معادلات سیاسی میان کشورهای منطقه و قدرت‌های غربی به نظر می‌رسد مقاومت باید گام‌های مهمی برای تثبیت پایگاه خود در این منطقه فلسطینی‌نشین بردارد. بقا و رشد هسته‌های وابسته به جنبش حماس و جهاد اسلامی زمینه لازم برای تداوم مبارزه مدنی- مسلحانه با رژیم صهیونیستی را پس از جنگ طوفان الاقصی فراهم خواهد کرد.

### بهره سخن

به گزارش الجزیره از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ تا پایان فوریه ۲۰۲۴، دست کم ۴۰۰ فلسطینی در کرانه باختری شهید و ۴۴۵۰ نفر هم زخمی شدند. علاوه بر آمار فوق تاکنون بیش از ۷ هزار نفر در این منطقه از سوی نیروهای صهیونیست بازداشت شدند. مهم‌ترین دغدغه امنیتی اسرائیل پس از پایان جنگ در غزه، امکان شعله ور شدن انتفاضه سوم در کرانه باختری است. کشتار وسیع فلسطینی‌ها، تشدید مشکلات اقتصادی- معیشتی و حملات نامنظم ارتش و نیروهای امنیتی رژیم به نقاط مختلف کرانه باختری انگیزه لازم برای خیزش سراسری در این منطقه را فراهم کرده است. با توجه به شرایط حاکم بر میدان و در عین حال برنامه‌ریزی غربی‌ها برای بازسازی و اصلاح تشکیلات خودگردان این احتمال بیش از پیش وجود دارد تا پس از پایان تجاوز نظامی اسرائیل به غزه، مناطق فلسطینی‌نشین در اقدامی یکپارچه و هماهنگ قیام سراسری علیه نیروهای اشغالگر را آغاز کنند. تحقق این سناریو ضمن یادآوری مبارزات مردم فلسطینی در سال‌های پایانی قرن بیستم و آغازین قرن بیست و یکم، می‌تواند اهرم فشار جدیدی علیه تل آویو برای تن دادن به قطعنامه‌های شورای امنیت باشد.



## آینده غزه چه می شود؟ بررسی سناریوهای چهارگانه در مرحله پسا جنگ

رژیم صهیونیستی از نوار غزه به واسطه عدم توانایی کنترل مقاومت در سپتامبر ۲۰۰۵ اتفاق افتاد و پیروزی بزرگی نصیب فلسطینی ها شد. عقب نشینی صهیونیست ها بدون هماهنگی و یا حتی مذاکره و امتیاز گیری از تشکیلات خودگردان، وجهه محمود عباس و حامیان پیمان اسلو را در مقابل مخالفان مسیر سازش دچار خدشه کرد.

پس از انتخابات و پیروزی حماس در سال ۲۰۰۶، پارلمان پیشین که در اختیار فتحی ها بود در یک اقدام غیرمعمول قوانینی را تصویب کرد تا از اختیارات نخست وزیر انتخابی پارلمان کاسته و به رئیس تشکیلات خودگردان یعنی محمود عباس واگذار شود. این اقدام از سوی حماسی ها کودتای سفید نامگذاری شد.

پارلمان جدید فلسطین بالاخره در حالی هتیه را به عنوان نخست وزیر انتخاب کرد که چالش و اختلافات حقوقی، بلوکه شدن اموال تشکیلات خودگردان توسط تل آویو و درگیری های مسلحانه میان طرفداران حماس و تشکیلات خودگردان در ماه های پایانی سال ۲۰۰۶ به اوج خود رسیده بود. در سال ۲۰۰۶ این درگیری ها و اختلافات که از سوی محمد دحلان مسئول امنیتی تشکیلات خودگردان دامن زده می شد، منجر به کشته شدن ۲۶۰ نفر از طرفین فلسطینی گردید.

وضعیت یاد شده جنبش حماس را به سمت اقدام سرنوشت ساز نظامی خود علیه جریان کودتاگر مزدور در داخل و باطل کردن سناریوی خطرناک آمریکایی - صهیونیستی سوق داد و حماس در فاصله ۳ روز در ششمین ماه سال

یکی از موضوعات مهم در سال ۱۴۰۲ فلسطین، آینده نوار غزه و ساکنان آن پس از طوفان الاقصی است. ساکنان نوار غزه در دهه های گوناگون تغییر کرده است. از زمان اشغال تا کنون مصر، تشکیلات خودگردان فلسطین و رژیم صهیونیستی هر کدام در برهه ای مدیریت این باریکه را پیش از آنکه حماس از سال ۲۰۰۷ کنترل سیاسی آن را به دست بیاورد، بر عهده داشته اند.

—————ماجرا از کجا شروع شد؟

پس از آغاز اشغال فلسطین در سال ۱۹۴۸ نوارغزه به واسطه فروپاشی حکومتداری در فلسطین تحت کنترل سیاسی و مدیریت مصر قرار گرفت. این کنترل حدود ۲۰ سال یعنی تا جنگ شش روزه پابرجا ماند تا اینکه با اشغال این منطقه و صحرای سینا غزه هم به کنترل رژیم صهیونیستی درآمد. اما با توافق اسلو در سال ۱۹۹۳، بخشی از مدیریت امنیتی، سیاسی و خدمات شهری نوارغزه به تشکیلات خودگردان فلسطین به رهبری یاسر عرفات واگذار شد.

این واگذاری با چالش و تحولات گوناگونی روبرو گردید. با شروع سال ۲۰۰۵ با توافقی که میان تشکیلات خودگردان به رهبری محمود عباس با دیگر گروه های فلسطینی از جمله حماس برای برگزاری انتخابات به منظور تشکیل دولت فلسطین در کرانه باختری و نوارغزه حاصل شد، انتفاضه تقریباً رو به خاموشی رفت و جریان ها وارد فضای انتخاباتی شدند.

در حالی که فضای انتخاباتی برقرار بود، عقب نشینی کامل







نمی‌تواند برای مدت نامعلومی در غزه باقی بماند.»  
 واشنگتن اصرار دارد که تشکیلات خودگردان فلسطین در نهایت می‌تواند خلأ موجود را با یکپارچه سازی سیاسی کرانه باختری و نوار غزه پر کند و مسیر رسیدن به راه حل نهایی تشکیل دو دولتی را هموار کند. اما باید توجه داشت که واقعیت تشکیلات خودگردان در کرانه باختری نشان می‌دهد که اکنون در بحران مشروعیت و محبوبیت بسر می‌برد و پذیرش آن از سوی مردم با چالش جدی روبرو است. نظرسنجی‌های اخیر هم نشان می‌دهد تشکیلات خودگردان پس از ۷ اکتبر با کاهش محبوبیت روبرو شده است.

### دولت ملی فلسطینی در چارچوب راهکار دو دولتی

اما سناریوی دیگر بازگشت به گذشته‌های نه چندان دور و نه چندان موفق، یعنی دوران تشکیل دولت وحدت ملی است. هفته گذشته نخست وزیر تشکیلات خودگردان فلسطین استعفای خود را تقدیم محمود عباس کرد. هرچند او دلیل استعفایش را بحران غزه، نسل کشی صهیونیست‌ها و چالش‌های اقتصادی نام برده بود، اما تحلیلگران استعفای او را به رایزنی‌های جریان‌های فلسطینی با یکدیگر در خصوص دولت وحدت ملی پس از طوفان الاقصی مربوط می‌دانند. یک روز پس از این استعفای اسامه حمدان از حماس در سخنانی گفت: «ما با گروه‌های فلسطینی بر سر تشکیل دولتی برای کمک رسانی به فلسطینی‌ها، بازسازی غزه و آماده سازی برای انتخابات عمومی به توافق رسیدیم.» در این سناریو حماس بخشی از اختیارات خود در نوار غزه را با هدف بازسازی این منطقه به دولت وحدت ملی واگذار خواهد کرد. به نظر میرسد حماس برای بازسازی نوار غزه از این سناریو استقبال می‌کند.

۲۰۰۷ توانست باریکه غزه را تحت کنترل خود بگیرد. رژیم صهیونیستی پس از این اتفاقات محاصره نوار غزه را آغاز کرد. با طوفان الاقصی و تحولات ادامه دار بعد از آن، یکی از مسائلی که مطرح شده است، واگذاری سکان‌داری نوار غزه به بازیگری جدید است. اکنون سؤالی که وجود دارد این است که پس از طوفان الاقصی چه سناریوهایی پیرامون آینده غزه مطرح است؟

### نوار غزه بدون حماس فاقد قدرت خواهد بود

نخستین طرح که به نظر می‌رسد دور از واقعیت هم باشد، بازگشت نوار غزه به دوران پس از جنگ شش روزه و پیش از توافق اسلو است؛ یعنی دورانی که مدیریت سیاسی، امنیتی و نظامی آن در کنترل صهیونیست‌ها بود. تحلیلگران معتقدند که تحقق این سناریو برای رژیم صهیونیستی بسیار هزینه بر خواهد بود. علیرغم چالش‌ها و ابهامات، پس از طوفان الاقصی نتایج بارها مطرح کرده که ایده او برای نوار غزه پس از جنگ، همین گزینه است. نتایج بارها مخالفت خود با این پیشنهاد را که پس از جنگ کنترل غزه به دست تشکیلات خودگردان فلسطینی بیفتد، اعلام کرده است. نتایج معتقد است میان حماس و تشکیلات خودگردان تفاوتی نیست.

### بازگشت نوار غزه به کنترل تشکیلات خودگردان فلسطین

اما ایده دوم که به ایده اعلامی آمریکایی‌ها و به ویژه دموکرات‌ها نزدیک تر است، واگذاری نوار غزه به تشکیلات خودگردان فلسطین است. بنی گانتز، رئیس حزب «وحدت ملی اسرائیل» پس از پیوستن به ائتلاف کابینه جنگ بنیامین نتانیاهو بلافاصله خواستار تدوین راهبردی برای خروج از نوار غزه شد و گفت: «ایالات متحده آمریکا نیز هشدارهای لازم را داده بود که اسرائیل



### واگذاری نوارغزه به بازیگر بین المللی

این شرایط تضمین‌های امنیتی منطقه‌ای و بین‌المللی از سوی تل آویو دریافت خواهد شد. علاوه بر ایالات متحده، همسایگانی چون مصر و اردن و همچنین قطر و کشورهای دیگری روابط خود را با رژیم صهیونیستی در چارچوب پیمان آبراهام عادی‌سازی کرده‌اند باید مسئولیت اداره غزه را بر عهده گیرند. البته ناگفته نماند که این سناریو در برهه‌ای از سوی نتانیاهو هم مطرح شد. او تاکید کرد که بازیگران مورد تاییدش در این سناریو عربستان و امارات هستند نه قطر یا ترکیه.

اما سناریوی آخر که بیشتر از سوی بازیگران عربی، منطقه‌ای و برخی کشورهای اروپایی دنبال می‌شود، وجود بازیگر سوم (غیر از دو بازیگر صهیونیستی و فلسطینی) برای کنترل نوارغزه حداقل در برهه بازسازی نوارغزه پس از طوفان الاقصی است.

این سناریو که نشانه آن باز شدن کنترل شده نوار غزه در چارچوب یک توافق منطقه‌ای است، عملیاتی می‌شود. در



### جمع بندی

آینده نوارغزه پس از طوفان الاقصی به شرایط این منطقه پس از آتش بس و نوع توافق بستگی دارد و ممکن است تلفیقی از سناریوهای بالا اجرایی شود. اما اکنون و علیرغم گذشت ۵ ماه از جنگ، صهیونیست‌ها می‌دانند که با سناریوی حذف کامل حماس فاصله زیادی دارند و سناریوی کنار گذاشتن این جنبش از نوارغزه تا تسلط کامل خودشان بر این باریکه دور از دسترس و پر هزینه خواهد بود. ارتش رژیم صهیونیستی اکنون علیرغم خروج نیروهای نظامی خود از شمال غزه، وضعیت این منطقه را در حالت غیر عادی و جنگی نگه داشته تا در کنار حجم تخریب و بحران‌های غذایی و انسانی، حماس را مجبور کند برای بازسازی غزه برخی بازیگران را برای اداره این باریکه دخیل نماید. اقدامات جنایاتکارانه این رژیم مانند حمله به مردم چشم انتظار رسیدن کمک‌های بشردوستانه در میدان نابلسی غزه را هم می‌توان در این راستا تحلیل کرد. به هر ترتیب، به نظر می‌رسد حتی اگر کنترل نوار غزه به دولت وحدت ملی واگذار شود چنین چیزی گزینه‌ای معقول برای حماس خواهد بود. از سخنان رهبران حماس نیز اینگونه بر می‌آید که چندان مخالف این سناریو نیستند.



## تشدید اختلافات در صفوف صهیونیستها پس از «طوفان الاقصی»/ سقوط قریب الوقوع نتانیاهو



مراکز افکارسنجی و نظرسنجی حکایت از تمایل به افراد و احزاب دست راستی دارد اما میزان اعتماد عمومی نسبت به شخص نخست وزیر به شدت کاهش پیدا کرده است. براساس انتشار نتایج نظرسنجی صورت گرفته در کانال ۱۳ رژیم صهیونیستی در بیست و دوم ژانویه ۲۰۲۴ کماکان میزان اعتماد افکار عمومی به حزب لیکود و شخص نتانیاهو روند نزولی دارد. در این نظرسنجی اردوگاه ملی به رهبری بنی گانتز با ۳۷ کرسی، لیکود به رهبری بنیامین نتانیاهو با ۱۶ کرسی، یش عتید به رهبری یائیر لاپید با کسب ۱۴ کرسی، اسرائیل بیتنا به رهبری آویگدور لیبرمن با ۹ کرسی، شاص به رهبری آریه درعی با ۹ کرسی، عوتصماه یهودی به رهبری ایتامار بن گویر با ۸ کرسی، یهودیت متحده توراه به رهبری ییتصخاک گولدکترف با ۷ کرسی، صهیونیسم مذهبی به رهبری بتصلائل اصموطریچ با ۶ کرسی و در نهایت حزب عربی رعم به رهبری منصور عباس با کسب ۵ کرسی در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. براساس نتایج منتشر شده در این نظرسنجی اگر همین امروز در سرزمین‌های اشغالی انتخابات برگزار شود، نیروهای اپوزیسیون به رهبری بنی گانتز قادر به کسب ۶۹ کرسی خواهند بود. به نظر می‌رسد جامعه اسرائیل پس از عملیات طوفان الاقصی میل بیشتری به احزاب میانه پیدا کرده و به دنبال عبور از رادیکالیسم راست-مذهبی در پست نخست وزیری است.

### از اصلاحات قضایی تا طوفان الاقصی

قریب به یک سال پیش هنگامی که بنیامین نتانیاهو و متحدان راست‌گرای وی موفق شدند تا با کسب ۶۴ کرسی قدرت را در سرزمین‌های اشغالی به دست بگیرند؛ کمتر کسی تصور می‌کرد که این ائتلاف سیاسی خیلی با چالش‌های پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی مواجه شود. پس از ارائه لوایح اصلاحات قضایی از سوی یاریو لوین وزیر دادگستری و سیمچا روتمن رئیس کمیته قانون اساسی کنست، نیروهای اپوزیسیون به رهبری بنی گانتز و یائیر لاپید خیابان‌های فلسطین اشغالی را به بهانه دفاع از نهادهای به اصطلاح دموکراتیک در اسرائیل به اشغال خود درآوردند. به گزارش تایمز اسرائیل در جریان اعتراضات-اعتصامات سراسری در رژیم صهیونیستی، گاهی بیش از ۱۰۰ هزار نفر در خیابان شهرهای بزرگ همچون تل‌آویو نسبت به طرح پیشنهادی دست به اعتراض زدند. علاوه بر این افراد شاغل در پست‌های دولتی، خصوصی، نظامی و حتی اطلاعاتی با اعتصاب یا انفصال از خدمت سعی کردند تا مخالفت خود را با اقدامات کابینه مستقر اعلام نمایند.

پس از وقوع عملیات غافلگیرکننده طوفان الاقصی، با آنکه دولت از کنار گذاشتن تصویب لوایح اصلاحات قضایی خبر داد و نوعی «آتش بس» میان دولت و اعضای اپوزیسیون وضع شد؛ اما میزان نارضایتی عمومی از شخص نتانیاهو افزایش یافت. نتایج به دست آمده در

خبرگزاری مهر، گروه بین‌الملل: از لحظه شکل‌گیری رژیم صهیونیستی تا به امروز، کمتر رخدادی به مانند عملیات طوفان الاقصی توانسته تا زلزله‌ای بزرگ در ساختارهای سیاسی، نظامی، امنیتی و اقتصادی صهیونیست‌ها ایجاد کند. برخی کارشناسان مسائل فلسطین اشغالی با مقایسه حمله هفتم اکتبر با رخدادهای بزرگی همچون جنگ «استقلال» یا جنگ «یوم کیپور» سعی دارند تا ضمن اشاره به دامنه این واقعه، به صورت غیرمستقیم از تأثیرات احتمالی آن بر سپهر سیاسی اسرائیل سخن بگویند. در جریان جنگ یوم کیپور/ رمضان در سال ۱۹۷۳ با آنکه ارتش اسرائیل توانست تا شکست‌های ابتدایی را چیران و بر کشورهای همسایه پیروز شود. با این حال پس از پایان جنگ اعتبار شخص گلدمایر و جریان سیاسی چپ در اسرائیل به خاطر غافلگیر شدن در این جنگ به شدت آسیب دید و سبب تقویت جایگاه راست‌گرایان در سرزمین‌های اشغالی شد. بر همین اساس برخی اندیشکده‌ها و تحلیلگران معتقدند که پس از اعلام آتش‌بس پایدار در غزه این احتمال وجود دارد تا با تشکیل کمیته حقیقت‌یاب تحقیقات و محاکمه شخص نتانیاهو، اعضای کابینه، سران ارتش و سازمان‌های اطلاعاتی آغاز شود. در صورت تحقق این سناریو، حزب لیکود و راست‌گرایان ضربه سختی دریافت کرده و این موضوع می‌تواند در میان مدت به قدرت‌گیری جریان راست-چپ میانه در فلسطین اشغالی منجر شود.



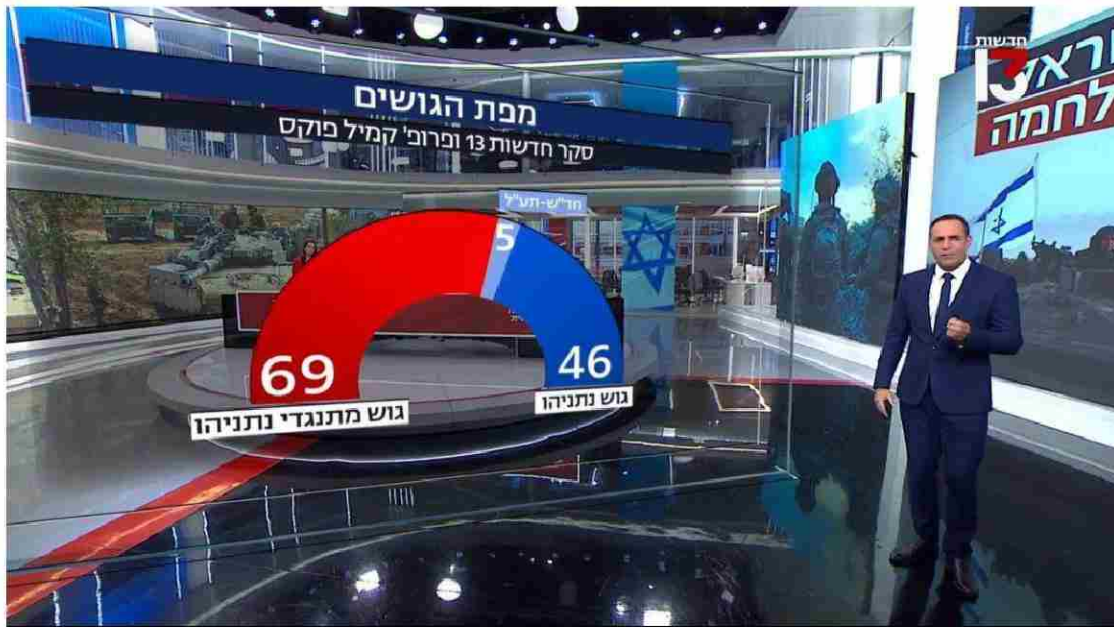
رسیدن به نقطه صلح با ریاض، اما به نظر می‌رسد فشار اعضای راست‌گرای کابینه مانند بن‌گویر و اصموطریچ فرآیند عادی‌سازی روابط میان اسرائیل و عربستان سعودی را سخت و پیچیده کرده است. به عنوان مثال وزیر امنیت ملی اسرائیل تهدید کرده است که اگر نتانیاهاو تن به شروط واشنگتن-ریاض در خصوص تشکیل دولت فلسطین دهد، آنگاه وی از کابینه خروج کرده و دولت سقوط خواهد کرد. برهمین اساس یکی از احتمالات جدی در خصوص صلح عبری-عربی ائتلاف نتانیاهاو با اپوزیسیون جهت جلوگیری از سقوط کابینه و پیچیده‌تر شدن شرایط سیاسی در سرزمین‌های اشغالی است.

در غزه، «عادی‌سازی روابط تل‌آویو-ریاض» و «تشکیل دولت مستقل فلسطین» فشارهای سیاسی بر تل‌آویو را افزایش داده است. برهمین اساس دستگاه سیاست خارجی دولت سعودی اعلام کرد که یکی از شروط اصلی این کشور برای عادی‌سازی روابط با تل‌آویو اعلام تشکیل دولت مستقل فلسطینی براساس طرح صلح عربی است. در واکنش به افزایش فشارها برای تشکیل دولت فلسطین، کنست اسرائیل با رای قاطع ۹۹ مخالفت خود را در جهت به رسمیت شناخته شدن یکجانبه تشکیل کشور فلسطین اعلام کرد.

با وجود تمایل شخص نتانیاهاو برای

## تغییر قدرت در تل‌آویو و آینده پروژه تطبیع

یکی از متغیرهای تأثیرگذار در روند بقا یا سقوط کابینه فعلی اسرائیل، آینده عادی‌سازی روابط با عربستان سعودی است. در حال حاضر ریاض به دلیل افزایش احساسات ضداسرائیلی در جهان اسلام به راحتی نمی‌تواند پروژه عادی‌سازی روابط با تل‌آویو را ادامه دهد و زمینه ادغام این رژیم در منطقه امنیتی-اقتصادی خاورمیانه عربی را فراهم کند. دولت بایدن نیز برای رسیدن به دستاوردی قابل توجه در آستانه برگزاری انتخابات ۲۰۲۴ به صورت همزمان مذاکرات «آتش بس



## بهره سخن

به گزارش دوماهنامه فارن افرز، کابینه نتانیاهاو تنها در ۱۰۰ روز ابتدایی جنگ در غزه معادل سه بمب اتمی در این جنگ نابرابر استفاده کرده که موجب تخریب ۷۰ درصد خانه‌ها و آواره شدن ۸۵ درصد ساکنان این منطقه شده است. برخی تحلیلگران معتقدند نخست‌وزیر کنونی اسرائیل قصد دارد تا از طریق تحقق اهدافی همچون نابودی حماس یا تغییر وضعیت ژئوپلیتیکی غزه و همچنین گسترش دامنه بحران به خارج از سرزمین‌های اشغالی، همچنان شانس خود برای بقا در قدرت را امتحان کند. با این حال جدی‌ترین سناریو در خصوص آینده سیاسی اسرائیل پس از طوفان الاقصی این است که به احتمال زیاد کابینه نتانیاهاو سقوط کرده و کمیته حقیقت‌یاب روند تحقیقات و محاکمه افراد یا دستگاه مقصر در وقوع حمله هفتم اکتبر را آغاز خواهد کرد. در صورت تحقق این سناریو به احتمال زیاد چهره‌های راست میانه مانند بنی گانتز، نفتالی بنت و حتی یوسی کوهن شانس زیادی برای قرار گرفتن در پست نخست‌وزیری خواهند داشت.



## روزشمار وقایع «طوفان الاقصی»؛ از غافلگیری تل‌آویو تا کشتار بزرگ میدان «نابلسی»

طوفان الاقصی و بیش از ۱۵۰ روز جنگ در نوارغزه پر است از اخبار، تصاویر، موضع گیری ها و تحولات گوناگون. در این بخش سعی خواهیم کرد با انتخاب مهمترین رویدادهای تایم لاین مختصر و مفیدی از روند تحولات را یک نگاه بررسی کنیم:

### ● ۱- ۷ اکتبر: اعلام آغاز عملیات و نامگذاری طوفان الاقصی از سوی محمد ضیف

سحرگاه ۷ اکتبر ۲۰۲۳ در یک اقدام غافلگیرانه، بزرگترین و نخستین جنگ نظامی و زمینی علیه صهیونیست ها آغاز شد. این عملیات موجب کشته شدن حداقل ۱۳۰۰ صهیونیست و زخمی شدن ۲ هزار نفر دیگر در یک روز شد. همچنین حداقل ۳۰۰ صهیونیست دیگر هم به اسارت درآمدند. غافلگیری اطلاعاتی و امنیتی، ویژگی نخست عملیاتی بود که محمد ضیف فرمانده گردان های عزالدین قسام، شاخه نظامی حماس نام آن را طوفان الاقصی گذاشت؛ طوفانی که او دلیل آن را نجات مسجدالاقصی، پاسخ به هتک حرمت به مسجدالاقصی و آزادی اسرای فلسطینی عنوان کرد.



### ● ۲- ۹ اکتبر (روز سوم): اعلام رسمی جنگ جدید و آغاز حملات هوایی

صهیونیست ها پس از شوک بزرگ ۷ اکتبر، با مدیریت آمریکایی ها و ارسال چندین هواپیما تجهیزات و مستشار، حملات هوایی را علیه نوارغزه با شعار نابودی حماس و آزادی تماس اسرایشان آغاز کردند.

### ● ۳- ۱۷ اکتبر (روز یازدهم): حمله به بیمارستان المعمدانی

صهیونیست ها که حملات هوایی را جنون آمیز شروع کرده بودند، با گذشت یک هفته بیمارستان المعمدانی را در شمال نوارغزه مورد هدف قرار دادند و نزدیک به ۵۰۰ نفر به شهادت رسیدند. فاجعه ای که نشان از آغاز تیردی طولانی مدت با جنایات بی سابقه داشت.

### ● ۴- ۲۷ اکتبر (روز بیست و یکم): اعلام رسمی و آغاز حمله زمینی به نوارغزه

در روز بیست و یکم طوفان الاقصی، رژیم صهیونیستی حمله زمینی به نوارغزه را پس از بمباران های گسترده هوایی در دو استان شمالی نوارغزه، رسماً آغاز کرد. این اقدام از سوی رژیم صهیونیستی به مرحله دوم ارتش رژیم صهیونیستی مشهور شد.

### ● ۵- ۲ نوامبر (روز بیست و هشتم): حمله موشکی مقاومت عراق به بندر ایلات

در حالی که مقاومت عراق، لبنان و یمن در حمایت از مقاومت مردم نوارغزه از همان روزهای ابتدایی وارد طوفان الاقصی شده بودند، حمله موشکی مقاومت عراق به بندر ایلات در جنوبی ترین نقطه فلسطین اشغالی، صهیونیست ها را شوکه کرد.





### ● ۶-۱۹ نوامبر (روز چهل و چهارم): ورود یمن به طوفان الاقصی با توقیف کشتی گلکسی لیدر

ارتش یمن در اقدامی مهم و جدی که برخی آن را نقطه عطف ورود انصارالله به معادلات طوفان الاقصی می دانند، یک کشتی صهیونیستی را توقیف و به ساحل منتقل کرد. یحیی سریع، سخنگوی ارتش یمن در سخنانی گفت: نیروی دریایی ما موفق شد یک کشتی را در دریای سرخ توقیف و به سواحل یمن ببرد. عملیات ما فقط برای کشتی های مقصد سرزمین های اشغالی و کشتی های متعلق به صهیونیست هاست.

### ● ۷-۲۴ نوامبر (روز چهل و نهم): آغاز آتش بس موقت

در حالی که کشتار صهیونیست ها موجب شهادت بیش از ۱۵ هزار فلسطینی از جمله ۶ هزار کودک و ۴ هزار زن شده بود، نتانیاهو به واسطه عدم دستیابی به هدف اولیه یعنی آزاد کردن حتی یک اسیر در دست حماس پس از حدود ۵۰ روز کشتار تن به آتش بس موقت داد. در این آتش بس به ازای هر اسیر صهیونیستی، ۲ اسیر فلسطینی آزاد شدند.

### ● ۸-۳۰ نوامبر (روز پنجاه و پنجم): پایان آتش بس موقت

پس از ۷ روز آتش بس به واسطه عدم توافق طرفین در خصوص شیوه و اسامی اسرا برای آزادی پایان یافت. این آتش بس منجر به آزادی ۱۰۵ غیر نظامی، از جمله ۸۱ زن و کودک، ۲۳ شهروند تایلندی، و یک فیلیپینی در مقابل ۲۴۰ اسیر فلسطینی شامل ۷۱ اسیر زن و ۱۶۹ کودک شد.



### ● ۹-۹ دسامبر (روز شصت و چهارم) صدور مجوز فروش هزاران سلاح به تل آویو توسط بایدن با دور زدن کنگره

دولت بایدن که در هفته نخست نزدیک به ۱۴ میلیارد دلار کمک مالی و تسلیحاتی به صهیونیست ها برای رهایی از شوک بزرگ ۷ اکتبر و آغاز جنگ طولانی مدت انجام داده بود، با مانع کنگره و اختلافات داخلی برای کمک به تل آویو روبرو شد. اما در اقدامی بی سابقه بایدن کنگره را دور زد تا بتواند مجوز فروش هزاران سلاح را به صهیونیست ها صادر کند.

### ● ۱۰-۱۶ دسامبر (روز هفتادم): اعتراف ارتش تل آویو به خودزنی ۳ اسیر در نوارغزه

صهیونیست ها که بعد از آتش بس نخست، عملیات نظامی زمینی را به سمت جنوب نوارغزه هدایت کردند با گذشت ۷۰ روز در آزادی اسرایشان ناکام مانده بودند که انتشار خبر خودزنی ۳ اسیر توسط ارتش شوک بزرگی به صهیونیست ها وارد کرد و انتقادات به نتانیاهو را شعله ور ساخت.



● ۱۱-۲۱ دسامبر (روز هفتاد و ششم): خروج تیپ گولانی از غزه

صهیونیست ها هر چه جلوتر می روند در میدان با بحران های جدی تری روبرو می شوند. رسیدن جنگ به نیمه های ماه سوم و طولانی شدن بیش از حد انتظار، انتقادات و حاشیه ها را بیشتر کرده است. خروج رسمی تیپ گولانی از نوارغزه بواسطه تلفات بالا، شوک تکمیل کننده وضعیت میدانی نامساعد صهیونیست ها بود.

آغاز سال ۲۰۲۴

● ۱۲-۲ ژانویه (روز هشتاد و هشتم): ترور شیخ صالح العاروری معاون سیاسی جنبش حماس در بیروت

در بامداد دومین روز سال جدید، رژیم صهیونیستی برای نخستین بار پس از جنگ ۲۳ روزه ۲۰۰۶ بیروت را مورد هدف قرار داد که در پی آن صالح العاروری از رهبران شاخص و معاون سیاسی جنبش حماس به شهادت رسید.



● ۱۳-۶ ژانویه (روز نود و دوم): اعلام آغاز مرحله سوم جنگ و عقب نشینی از شمال غزه

ارتش رژیم صهیونیستی پس از ورود به ماه چهارم نبرد در نوارغزه، به واسطه عدم تحقق اهداف اعلامی نابودی حماس و آزادی اسرا در کنار افزایش تلفات نظامیان، تصمیم گرفت راهبرد خود را تغییر دهد؛ تغییری که از سوی رئیس ستاد کل ارتش، مرحله سوم به منظور حملات هدفمند نامگذاری شد. با شروع این مرحله، بیشتر تیپ ها از شمال خارج شدند و تمرکز میدانی بر روی خان یونس آغاز شد.

● ۱۴-۸ ژانویه (روز نود و چهارم): ترور وسام حسن طویل، از فرماندهان میدانی حزب الله

یک هفته پس از ترور العاروری رژیم صهیونیستی دست به ترور وسام الطویل یکی از فرماندهان برجسته میدانی حزب الله دست زد. سید حسن نصرالله در مورد این شهید می گوید: شهید وسام الطویل از زمان آغاز تجاوزگری رژیم صهیونیستی به غزه یکی از فرماندهان اساسی در جبهه جنوب هم مرز با فلسطین اشغالی بود.

● ۱۵-۱۱ ژانویه (روز نود و هشتم): رژیم صهیونیستی در دادگاه دیوان بین المللی دادگستری

شکایت کشور آفریقای جنوبی از رژیم صهیونیستی در دادگاه لاهه به اتهام نسل کشی در نوارغزه، صهیونیست ها را با بحران جدیدی در عرصه بین المللی و رسانه ای مواجه کرد. اقدام خوب آفریقای جنوبی و آغاز این پرونده در دیوان بین المللی دادگستری با استقبال حامیان فلسطین همراه شد.

● ۱۶-۲۲ ژانویه (روز صد و هشتم): مرگبارترین روز برای رژیم صهیونیستی

در حالی که سران نظامی سیاسی رژیم صهیونیستی بارها در سخنانشان از نابودی حماس و حذف بیش از ۷۰ درصد اعضای آن خیر می دادند، در روز صد و هشتم در یک اتفاق ۲۱ نفر و در اتفاقی دیگر ۳ نفر از نظامیانشان به هلاکت رسیدند. شوک این اتفاق چنان سنگین بود که به سیاه ترین روز در میان صهیونیست ها پس از ۷ اکتبر مشهور شد.



### ● ۱۷- ۲۸ ژانویه (روز صد و چهاردهم): حمله پهبادی به پایگاه آمریکایی و کشته شدن ۳ نظامی

۲۸ ژانویه یکی از عجیب ترین شب های ماه های اخیر برای آمریکایی ها بود. حمله پهبادی به پایگاه آنها در اردن و عدم رهگیری آن و کشته شدن ۳ سرباز در کنار زخمی شدن نزدیک به ۵۰ نفر، آن ها را به شوک فرو برد.

### ● ۱۸- ۳۰ ژانویه (روز صد و شانزدهم): ترور ۳ عضو جهاد اسلامی در بیمارستان جنین

جنایت بزرگ صهیونیست ها با انتشار تصاویر مداربسته بیمارستان ابن سینا شهر جنین در کرانه باختری دنیا را شوکه کرد. نیروهای ویژه ارتش رژیم صهیونیستی در حالی که با لباس مبدل وارد بیمارستان می شوند، ۳ نفر از مبارزان فلسطینی را در حالی که روی تخت بیمارستان بستری بودند به گلوله بسته و آن ها را به شهادت رساندند.

### ● ۱۹- ۳ فوریه (روز صد و بیستم): حملات گسترده آمریکا به مقاومت عراق

به دستور بایدن حملات گسترده ای به ۵۸ نقطه از عراق در پاسخ به حمله پهبادی به پایگاه آمریکایی ها در اردن انجام شد. این حملات که منجر به شهادت ۱۶ عراقی شد با واکنش رسمی و شدید عراقی ها هم همراه گردید.

### ● ۲۰- ۱۲ فوریه (روز صد و بیست و نهم): آغاز حمله هوایی به رفح و آزادی دو اسیر صهیونیست

در آستانه آغاز چهارمین ماه جنگ غزه که بحران اجتماعی و انسانی در نوارغزه به واسطه نبود غذا و کالاهای پزشکی و کمبود انرژی به اوجش رسیده بود، رژیم صهیونیستی حمله ای شدید به رفح در جنوبی ترین نقطه نوارغزه را که بیش از یک و نیم میلیون نفر در آن پناه گرفته بودند، آغاز کرد. ساعتی پس از حملات هوایی که منجر به شهادت بیش از ۱۰۰ فلسطینی هم شد، ارتش رژیم صهیونیستی از عملیات موفق آمیز آزاد سازی ۲ اسیر صهیونیستی خبر داد.

### ● ۲۱- ۲۹ فوریه (روز صد و چهل و ششم): کشتار بزرگ در میدان نابلسی شهر غزه

در حالی که محاصره و طولانی شدن جنگ شرایط انسانی ۷۰۰ هزار فلسطینی را در شمال نوارغزه به اوج خودش رسیده و مذاکرات برای آتش بسی جدید در جریان است، خبر کشتاری عجیب دنیا را شوکه کرد. در حالی که هزاران فلسطینی ساعت ۴ و نیم صبح در انتظار رسیدن کامیون های کمک های غذایی از جنوب به شمال نوارغزه بودند مورد حمله صهیونیست ها قرار گرفتند و به دنبال این حادثه ۱۱۲ نفر شهید و حدود ۸۰۰ نفر نیز مجروح شدند.





# راهبرد «وحدت میدان‌ها» چگونه به تل‌آویو آسیب زد؟ ارتقاء جایگاه مقاومت در منطقه



خبرگزاری مهر، گروه بین‌الملل؛ پانزدهم مهرماه ۱۴۰۱ (هفتم اکتبر ۲۰۲۳) واحدهای نظامی جنبش اسلامی حماس موسوم به عزالدین القسام در عملیاتی غافلگیرکننده و برق آسا وارد عمق ۲۴ کیلومتری اطراف غزه شده و برای چند روز بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی را تجربه کردند. در جریان عملیات طوفان الاقصی بیش از ۱۳۰۰ صهیونیست کشته و قریب به ۲۵۰ نفر به اسارت گرفته شدند. پس از ضربه شدید به ساختارهای نظامی-امنیتی رژیم صهیونیستی، نتایجی از تشکیل کابینه اضطرار ملی با حضور بنی گانتز و یوآو گالانت جهت برنامه‌ریزی برای آغاز تهاجم همه جانبه به نوار غزه و نابودی حماس خبر داد. همزمان واشنگتن و تروئیکای اروپایی ضمن محکوم کردن حمله حماس، اقدام به اعزام ناوهای جنگی، هواپیماهای جنگی-اطلاعاتی و ارسال کمک‌های نظامی به تل‌آویو و پایگاه‌های ناتو در شرق مدیترانه کردند.

مقاومت لبنان بیش از ۲ هزار صهیونیست کشته و زخمی شدند، ۲۶ مرکز فرماندهی مورد حمله قرار گرفت، ۴۳ شهرک تخلیه و ۲۳۰ هزار نفر آواره شدند. با ورود جنگ به ماه پنجم حال به نظر می‌رسد خطوط قرمز میان حزب الله و رژیم صهیونیستی تغییر کرده باشد. ارتش اسرائیل با زیرپا گذاشتن خطوط قرمز نبرد با مقاومت، هدف قرار دادن نقاط غیرنظامی در مناطقی همچون نبطیه (از پایگاه‌های شیعیان) و صیدا (مرکز اهل سنت لبنان) را در دستور کار خود قرار داده است. در پاسخ به این حمله حزب الله پایگاه هوایی میرون و شهر صفد را هدف قرار داد. اکنون برخی تحلیلگران معتقدند با آنکه همچنان حزب الله علاقه‌ای به گسترش دامنه جنگ با تل‌آویو ندارد اما ممکن است نتایج و متحدان راست‌گرای وی برای فرار از سقوط به دنبال باز کردن جبهه جدیدی در شمال فلسطین اشغالی باشند.

## دربای ناامن سرخ برای اسرائیل

همزمان با حملات هدفمند مقاومت لبنان به اهداف نظامی در شمال فلسطین اشغالی، ارتش ملی یمن نیز با صدور بیاتیه‌ای اعلام کرد که براساس رسالت دینی، عربی و انسانی خود جنوب سرزمین‌های اشغالی؛ به ویژه بندر ایلات را هدف قرار خواهد داد. سلسله حملات مقاومت یمن به شهر بندری سبب شد تا تقریباً فعالیت عادی تجاری در ایلات متوقف شود. با آغاز

اسرائیل یک‌سوم از استعدادهای نظامی خود را در یگان‌های مختلف راهی مرز مشترک با لبنان کند. پس از مدت کوتاهی طرفین منازعه با انتخاب نقاط نظامی و در مناطق مرزی سعی کردند تا به نقطه موازنه دست یابند؛ اما روند پیش‌روی ارتش اسرائیل در غزه سبب افزایش تبادل آتش در نقاط مرزی شد. همین موضوع موجب انتقال بین ۸۰ هزار (منابع عبری) الی ۲۰۰ هزار شهرکنشین (منابع لبنانی) در شعاع ۱،۲۵ مایلی آواره شد و آسیب جدی به اقتصاد اسرائیل وارد کرد. تشدید بار امنیتی-اقتصادی اقدامات حزب الله در شمال فلسطین اشغالی موجب تهاجمی‌تر شدن اقدامات ارتش اسرائیل در جنوب لبنان شد. به عنوان مثال در ماه ژانویه ۲۰۲۴ جوخه ترور ارتش اسرائیل اقدام به ترور صالح العاروری نائب رئیس دفتر سیاسی حماس در بیروت، ترور و سام الطویل معاون فرمانده یکی از یگان‌های نیروهای تکاوری رضوان و عباس الدبیس مسئول عملیات حزب الله در استان نبطیه کرد.

از روز هشتم اکتبر تا نوزدهم فوریه حزب الله بیش از ۲۰۰ شهید در راه دفاع از قدس و امنیت ملی لبنان تقدیم کرده است. پنجم فوریه حزب الله به بهانه گذشت صدوبیستمین روز از عملیات طوفان الاقصی اقدام به انتشار آماری در خصوص آخرین اقدامات این جنبش علیه ارتش اسرائیل کرد. به گزارش واحد رسانه‌ای حزب الله در مدت یاد شده به دنبال حملات

در واکنش به بسیج نیروهای ذخیره و اصلی ارتش اسرائیل برای آغاز حمله بزرگ به باریکه غزه، گروه‌های وابسته به شبکه «محور مقاومت» تصمیم گرفتند تا براساس راهبرد «وحدت میدان‌ها» و با توجه به شرایط داخلی هر یک از اعضای مقاومت، عملیات علیه منافع اسرائیل و متحدان آن را در منطقه آغاز کنند. ایجاد این حلقه بازدارنده در سه لایه «فلسطین اشغالی»، «جبهه شمالی-جنوبی» و در نهایت حوزه «شرق عربی» تقسیم بندی شد. هدف از این سیاست تشدید فشار نظامی، سیاسی و اقتصادی به تل‌آویو با هدف پایان جنگ و اعلام آتش‌بس در غزه اعلام شده است. در ادامه این گزارش سعی خواهیم کرد تا نگاهی به تقابل محور مقاومت با اسرائیل و متحدان غربی آن در منطقه خاورمیانه داشته باشیم.

## تخفیر در جبهه شمالی

تنها ساعتی پس از عملیات طوفان الاقصی حزب الله لبنان به همراه شاخه‌های حماس و جهاد اسلامی در جنوب لبنان اقدام به هدف قراردادن ایستگاه‌های جاسوسی، پادگان‌ها و نیروهای نظامی اسرائیل در جبهه شمالی کرد. سلسله حملات محدود اما هدفمند حزب الله سبب شد تا پس از گذشت مدت کوتاهی ارتش



سرخ اعلام آتش‌بس در غزه و رفع محاصره این منطقه فلسطینی نشین است.

### سنتکام زبر آتش مقاومت

منطقه شامات دیگر میدان برخورد میان محور مقاومت و سنتکام است. گروه‌های مقاومت عراقی - سوری پس از آغاز جنگ طوفان الاقصی با هدف قرار دادن پایگاه‌ها و منافع مرتبط با آمریکا و در برخی موارد حمله به اهدافی در سرزمین‌های اشغالی، ضمن ایجاد بازدارندگی در برابر بازیگران فرمانطقه‌ای، زمینه صلح در باریکه غزه را فراهم آوردند. به گزارش فاکس نیوز از هفتم اکتبر تا پنجم فوریه نیروهای مقاومت ۱۶۸ حمله موشکی - پهپادی علیه منافع آمریکا در عراق و سوریه ترتیب دادند. اما شاید اوج حملات مقاومت هدف قرار دادن «برج ۲۲» در نزدیکی پایگاه سری التنف در مرز سوریه - اردن در روز یکشنبه بیست‌وهشتم ژانویه ۲۰۲۳ باشد. در جریان این حمله حداقل ۳ آمریکایی کشته و ده‌ها نفر زخمی شدند.

در پاسخ به این حمله شامگاه جمعه دوم فوریه نیروهای فرماندهی مرکزی آمریکا با انتشار بیانیه‌ای از حمله هوایی به ۸۵ هدف در ۱۲ نقطه در المیدین، البوکمال و گذرگاه القاتم خبر داد. در جریان این تجاوز آشکار به حاکمیت و تمامیت ارضی عراق - سوریه، ارتش آمریکا از ۱۲۵ مهمات دقیق استفاده کرد. براساس اخبار تایید نشده از سوی منابع عراقی در مورد این حمله حداقل ۱۶ شهروند عراقی در غرب استان الایبار شهید و ۲۵ نفر دیگر مجروح شدند. به فاصله چند روز آمریکا در حمله‌ای پهپادی به بغداد، دو تن از فرماندهان کتائب حزب الله به نام‌های ارکان العلیاوی و ابو باقر الساعدی را به شهادت رساند. با آنکه مقامات و رسانه‌های نزدیک به دولت بایدن در تلاش‌اند تا حمله دوم فوریه و ترور هدفمند فرماندهان میانی کتائب حزب الله را پیروزی نظامی و دستاوردی بزرگ نشان دهند اما شواهد حاکی از آن است که افکار عمومی این کشور و نیروهای اپوزیسیون حملات هوایی آمریکا به مراکز متروکه را شکستی بزرگ توصیف کرده و لب به انتقاد از بایدن گشودند.



واشنگتن برای بازگشت امنیت به دریای سرخ سبب شد تا این کشور به همراه ژاپن اقدام به ارائه پیش‌نویس و تصویب قطعنامه ۲۷۲۲ در شورای امنیت سازمان ملل کند تا از این طریق زمینه قانونی برای اقدام علیه صنعا فراهم شود.

پس از تصویب این قطعنامه آمریکا و انگلیس با همراهی استرالیا، کانادا، هلند و بحرین در بامداد دوازدهم ژانویه ۲۰۲۴ به وسیله ۷۰ حمله هوایی بیش از ۶۰ نقطه راهبردی را در سی سایت به وسیله ۱۵۰ موشک هدایت شونده در صنعا، الحدیده، تعز، زمار، ریمه، عیس، کمران و زبید هدف قرار دادند. در نیمه شب شنبه سیزدهم ژانویه ناو آمریکایی یو اس اس کارنی به وسیله موشک هدایت شونده تامهاوک سایت راداری انصارالله را هدف قرار داد. پس از موج اولیه حملات علیه اهداف مقاومت یمن، واشنگتن - لندن پس از هر اقدام مقاومت یمن سعی کردند تا با حمله هوایی - موشکی به آن پاسخ دهند. نکته جالب توجه آن است که این اقدام نیز تاکنون به نتیجه نرسیده و صنعا همچنان اهداف مرتبط با رژیم صهیونیستی و اخیراً آمریکا - انگلیس را هدف قرار می‌دهد. به عنوان مثال روز دوشنبه نوزدهم فوریه ۲۰۲۴ یحیی سریع سخنگوی نیروهای مسلح یمن اعلام کرد که کشتی انگلیس به نام «RUBYMAR» و پهپاد آمریکایی «MQ9» را در محدوده خلیج عدن و استان الحدیده هدف قرار داده است. صنعا اعلام کرده است که تنها راه توقف اقدامات این کشور در دریای

حمله زمینی ارتش اسرائیل به غزه و محاصره کامل این باریکه سبب شد تا ارتش ملی یمن از نوزدهم نوامبر ۲۰۲۳ عملیات ضدصهیونیستی علیه کشتی‌های وابسته به رژیم صهیونیستی را آغاز کند. به گزارش بلومبرگ اقدامات صنعا علیه اسرائیل سبب به خطر افتادن ۱۲ درصد تجارت جهانی در محدوده شمال اقیانوس هند شد. مجموع این حملات سبب شد تا شرکت‌های بزرگ کشتیرانی مانند مدیترانه، گروه سی.ام.ای سی.جی.ام، مرسک، هاپاگ - لوید و کشتی‌های شرکت نفتی بریتیش پترولیوم با انتشار بیانیه‌های مختلف اعلام کنند که به جای عبور از مسیر سنتی سوئز - باب المندب (۲۴ روز) از مسیر دورتر یعنی دماغه امیدنیک (۳۴ روز) برای رسیدن به بازارهای هدف اقدام خواهند کرد. اتخاذ چنین تصمیمی سبب افزایش قیمت سوخت و بیمه کشتی‌ها در بازارهای جهانی و تشدید فشار شرکت‌های چندملیتی به دولت‌های غربی برای مقابله با اقدامات صنعا شد.

نخستین گام آمریکا برای مقابله با ارتش ملی یمن و عقب راندن مقاومت، ایجاد سازوکار امنیت دریایی «تنگه‌بانان سعادت» با حضور قریب به ۱۰ کشور بود. پس از مدتی کشورهای استرالیا و یونان نیز به این ائتلاف پیوستند. براساس اعلامیه منتشر شده از سوی سنتکام، مأموریت این گروه دریایی ایجاد خط امن برای عبور کشتی‌های تجاری از دریای سرخ و دفع حملات مقاومت اعلام شد. شکست طرح اولیه

### بهره سخن

با گذشت بیش از چهارماه از جنگ اسرائیل و جنبش حماس به نظر می‌رسد همچنان واشنگتن - بروکسل گروگان سیاست‌های تهاجمی نتانیاهو در باریکه غزه و اخیراً شمال سرزمین‌های اشغالی هستند. در حالی که محور مقاومت و آمریکا، به دلایل مختلف، خواستار توقف جنگ در غزه و جلوگیری از صدور بحران به سایر نقاط منطقه هستند اما جنگ سالاران در تل‌آویو برای حفظ قدرت برنامه‌ای برای پذیرش شروط آتش‌بس و پایان بحران در شرق مدیترانه ندارند. بر همین اساس به نظر می‌رسد تا زمانی که تغییر جدی در وضعیت میدانی - انسانی غزه رخ ندهد، گروه‌های وابسته به شبکه مقاومت همچنان براساس راهبرد «وحدت میدان‌ها» به منافع تل‌آویو و واشنگتن در سراسر منطقه حمله خواهند کرد تا از این طریق ابزار چانه‌زنی و اعمال فشار بر صهیونیست‌ها برای پذیرش آتش‌بس پایدار فراهم شود.







## پرونده سوریه



### چکیده

در اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۲ و پس از یک غیبت ۱۲ ساله، سوریه مجدداً به اتحادیه عرب بازگشت. بدون شک، این رویداد یکی از مهمترین تحولات سیاسی مرتبط با سوریه در یک سال اخیر بود و به عنوان شکستی سنگین برای آمریکا و رژیم صهیونیستی تلقی شد.

در سال ۱۴۰۲ همچنان شاهد تداوم حضور نظامیان آمریکایی در خاک سوریه بودیم. تداوم حضور نیروهای آمریکایی در شرق فرات و به ویژه در استان استراتژیک و مهم حسکه و همچنین حضور آنان در مرز سوریه و اردن، از نکات مهمی است که همچنان امنیت و ثبات سوریه را در چنبره تهدید نگاه داشته است.

چند سال از رفع تهدیدات تروریستی و اقدامات ضدامنیتی در سوریه سپری شده اما این کشور، همچنان با پیامدهای تلخ هجوم تروریست‌ها و تکفیری‌ها روبروست. ورود مهاجمین تکفیری از چندین کشور جهان به سوریه و لطمات شدید آنها به شهرها، زیرساخت‌ها و اقتصاد سوریه کار بازسازی را دشوار کرده و رسیدن به سوریه آبادانی متضمن تامین اعتبارات کلان است.

بعد از اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۲ به یکباره شاهد برچیده شدن بحث عادی سازی در روابط آنکارا - دمشق بودیم چرا که تیم اردوغان به دنبال اقداماتی نمایشی جهت مصرف داخلی بود و حاضر به پذیرفتن شروط منطقی بشار اسد نشد.

بخش قابل توجهی از تهدیدات تروریستی و اقدامات ضدامنیتی در سوریه رفع شده اما این کشور در سال ۱۴۰۲ با مشکلات اقتصادی متعددی روبرو ماند. یک سال اخیر برای مردم سوریه در شرایطی پایان یافت که این کشور، هنوز هم بر منابع نفتی خود تسلط ندارد و با تحریم بین المللی روبرو است.



# احیای روابط سوریه با جهان عرب؛ شکست پروژه اتزوی دمشق

در اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۲ و پس از یک غیبت ۱۲ ساله، سوریه مجدداً به اتحادیه عرب بازگشت. بدون شک، این رویداد یکی از مهمترین تحولات سیاسی مرتبط با سوریه در یک سال اخیر بود. دریافت دعوتنامه امارات متحده عربی برای حضور رییس جمهور سوریه در نشست آب و هوا و همچنین دریافت دعوت از بن سلمان برای حضور اسد در عربستان، نویدبخش آغاز دوران جدیدی در تاریخ روابط سوریه و کشورهای عربی بود.

حضور فیصل مقداد وزیر خارجه سوریه در نشست وزرای امور خارجه اعضای اتحادیه عرب و دیدار او با وزرا، مسیری را رقم زد که بدون شک تحولی مهم در پرونده سوریه و در سال ۱۴۰۲ بود. بشار اسد رییس جمهور سوریه نیز در روز ۲۸ اردیبهشت وارد جده شد. سازمان ملل متحد در همان روز ابراز امیدواری کرد که حضور بشار اسد در نشست سران جده در پیشبرد روند سیاسی نقش داشته باشد.

همچنین محمد بن سلمان ولیعهد عربستان سعودی اعلام کرد: «از حضور بشار اسد، رئیس جمهور سوریه بسیار خرسند هستیم و امیدواریم که بازگشت سوریه به اتحادیه عرب در حمایت از امنیت سوریه نقش داشته باشد و به پایان بحران در این کشور منجر شود. این همه سال نزاع و درگیری که ملت‌های ما از آن رنج بردند برای ما کافی است». همچنین قیس سعید رئیس جمهوری تونس و ایمن بن عبدالرحمن، نخست وزیر الجزایر و دیگر سران عرب، به گرمی از حضور اسد در جده تمجید کردند. اسعد بن طارق آل سعید معاون نخست وزیر عمان نیز ابراز امیدواری کرد که سوریه جایگاه خود را به عنوان «چراغ راه عربی» به دست آورد.

آرون لوند تحلیلگر امور خاورمیانه و یکی از کارشناسان موسسه Century International معتقد است که بازگشت سوریه به اتحادیه عرب، یک دستاورد و پیروزی بزرگ برای دولت سوریه است. او در ادامه گفته است: «سوریه در حال ادغام مجدد در منطقه و همکاری با کشورها است. حالا دیگر سران عرب اطمینان دارند که باید با دمشق همکاری کنند. پس قبول کنیم که این یک پیروزی سیاسی برای دولت دمشق است».

عکس دیدار بشار اسد رییس جمهور سوریه و محمد

بن سلمان ولیعهد عربستان سعودی در جده، به عنوان تصویری از یک تحول دیپلماتیک مهم، با تحلیل‌های متعددی روبرو شد و در اغلب تحلیل‌ها، به این نکته اشاره شده که عربستان و دیگران، به خوبی متوجه شدند که باید در برابر مقاومت دور و دراز دولت سوریه، احترام نشان دهند.

## بشار اسد و «بیت عربی»

با وجود حضور رسمی بشار اسد در جده، برخی رویکردهای منفی نیز درباره این سفر مشاهده شد. از جمله اینکه امیر قطر پیش از آغاز سخنرانی بشار اسد در جده، این نشست را ترک کرد و حاضر به شنیدن صحبت‌های رییس جمهور سوریه نشد. اما سخنرانی بشار که به شکلی هوشمندانه تنظیم شده بود، حاوی معانی و عبارات دقیقی بود که مواضع غلط ترکیه و قطر را زیر سوال برد.

بشار اسد در سخنان خود به صورت تلویحی کنایه‌هایی را به قطر وارد کرد و ضمن تأکید بر این که کشورهای عربی نباید در امور داخلی هم دخالت کنند و دست به بحران آفرینی بزنند، تصریح کرد: «سوریه همیشه متعلق به جهان عرب خواهد بود. مهم است که امور داخلی به مردم کشورها واگذار شود؛ زیرا آنها به بهترین نحو می‌توانند امور خود را مدیریت کنند». بشار اسد همچنین از توسعه اندیشه‌های نو عثمانی گری و اخوانی ابراز نگرانی کرد و گفت: «با خطرات اندیشه توسعه طلبانه عثمانی با رنگ و بوی منحرف اخوانی مواجه هستیم».

یکی از مهمترین عبارات به کار رفته در سخنرانی بشار اسد در نشست اتحادیه عرب در جده «بیت عربی» بود. او گفت: «من خواهان آن هستم که در منشور اتحادیه عرب و اساسنامه آن توسعه و بازنگری صورت گیرد تا با ملزومات عصر کنونی، انطباق و همخوانی داشته باشد. یک فرصت تاریخی برای ساماندهی مجدد بیت عربی به دست آمده تا با کمترین میزان مداخله خارجی خانه خود را اداره کنیم».

رئیس جمهور سوریه در رد سیاست مداخله گرایی گفت: «جهانیان باید مسائل داخلی را به دست ملت‌ها بسپارند و ما باید با مداخله‌های خارجی مخالفت کنیم. فعالیت مشترک عربی نیازمند یک سیاست یکپارچه و



در خرداد ماه ۱۴۰۲ ریاض و دمشق توافق کردند همکاری تجاری را از سر بگیرند و چند مجمع اقتصادی را برای افزایش تراز تجاری بین ۲ طرف ایجاد کنند. این توافق در جریان دیدار حسن بن مجیب الحویزی، رئیس اتاق های بازرگانی عربستان با محمد ابوالهدی اللحام، رئیس اتاق های بازرگانی سوریه و هیئت همراه وی در حاشیه شرکت در کنفرانس تجاری در ریاض، منعقد شد.

### شکست سنگین آمریکا و اسرائیل

نکته مشترک بسیاری از تحلیل های سیاسی درباره اهمیت بازگشت سوریه به اتحادیه عرب، شکست آمریکا و رژیم صهیونیستی اسرائیل است. آمریکا نخستین کشوری بود که به تصمیم اعضای اتحادیه عرب اعتراض کرد. وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد که این کشور هیچ برنامه ای برای عادی سازی روابط با سوریه ندارد و از دیگران نیز در این باره حمایت نمی کند. سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در آستانه اجلاس سران جده گفت: «به باور ما، سوریه شایستگی بازگشت به اتحادیه عرب را ندارد و این موضوع را با شرکای منطقه ای خود مطرح کرده ایم. تردید داریم که بشار اسد تمایل داشته باشد بحران کشورش را حل کند».

مکانیزم های شفاف است. با همگرایی عربی - عربی و حرکت به سمت مرحله ای جدید از همکاری مشترک؛ امید در حال افزایش است».

### نگرش عربستان سعودی

یکی از مهمترین مسائل مربوط به بازگشت سوریه به اتحادیه عرب، بررسی نگرش عربستان سعودی است چرا که این کشور در دوران بحران سوریه و با همدستی امارات، نقش مهمی در حمایت از معارضین سوری داشت. اما نهایتاً با درک شرایط عینی میدان، رویکرد خود را تغییر داد. ریاض در مذاکرات مربوط به تغییر دیدگاه کشورهای عربی به تحولات سوریه، با اصل موضوع مخالفتی نکرد و میزبانی از دو هیات سیاسی سوریه در مدتی کوتاه، یک تحول مهم بود.

اندکی پس از برداشتن مانع حضور سوریه در اتحادیه عرب، یک هیات سیاسی از عربستان سعودی به ریاست غازی بن رافع العنزی برای بررسی روند بازگشایی سفارت این کشور در سوریه، به دمشق سفر کرد و این اقدام نشان داد که رویکرد ریاض درباره پرونده سوریه، وارد فاز جدید شده است.







علاء عانم، مسوول برنامه‌ریزی سیاسی در «شورای سوری- آمریکایی» و «ائتلاف آمریکایی برای سوریه» و تیمی از کارشناسان امنیتی آمریکا تلاش کردند مانع از عادی شدن روابط سوریه و کشورهای عربی شوند و ۱۰ سازمان آمریکایی متخصص در امور سوریه که در واشنگتن فعالیت دارند، در این زمینه اقدام کردند اما تلاش آن‌ها به نتیجه نرسید و این شکستی بزرگ برای سیاست خارجی آمریکا در سال ۱۴۰۲ بود.

سفرهای بشار اسد به ایران، امارات، عمان و روسیه در سال ۱۴۰۱ و دو سفر مهم او به عربستان سعودی و چین در سال ۱۴۰۲ نشانه تداوم آرام و منطقی بازگشت سوریه به صحنه سیاست بین الملل و شکست مخالفین دمشق است.

روزنامه ی‌دی‌سی‌اچ نوشت که رژیم صهیونیستی نگران پیامدهای بازگشت سوریه به اتحادیه عرب به ویژه درباره حملات این رژیم به سوریه است. این روزنامه فاش کرد که اسرائیل پس از بازگشت سوریه به اتحادیه عرب، پیام‌های روشنی به جامعه بین المللی ارسال کرده است. همچنین یوآو گالات، وزیر جنگ اسرائیل در نشست با فرماندهان ارتش، بازگشت بشار اسد رئیس جمهوری سوریه به جهان عرب را یک تحول منفی دانست که باعث شده اسرائیل، امکان حملات هوایی پراکنده به سوریه را از دست دهد.

نکته مهم در مورد تداوم خصومت آمریکا با سوریه این است که کمیسیون روابط خارجی در مجلس نمایندگان آمریکا با اکثریت قاطع پیش‌نویس قانون «مقابله با عادی‌سازی روابط با نظام سوریه» را تصویب کرد. محمد



# تداوم اشغالگری آمریکا در سوریه؛ از غارت نفت تا تقویت تروریسم و ترویج نا امنی



در سوریه، یکی از موضوعات مهمی است که نه تنها آمریکا، بلکه همه اعضای ناتو را نگران کرده است و همین موضوع است که باعث شده علاوه بر چهره‌های نظامی و امنیتی آمریکا، برخی از سران ناتو نیز از جو بایدن بخواهند که سوریه را به طور کامل ترک نکند. البته لازم است به این نکته نیز اشاره شود که ادامه حضور در سوریه به خودی خود یک

رانت مالی عظیم برای برخی از مقامات پنتاگون و پیمانکاران شریک نهادهای دفاعی و امنیتی آمریکا به وجود آورده و سالانه، میلیون‌ها دلار درآمد پیدا و پنهان عاید آن‌ها می‌شود. بنابراین، ترک کامل سوریه به معنای از دست رفتن این رانت عظیم است و بسیاری از کارشناسان عالی‌رتبه پنتاگون، نمی‌خواهند از این درآمد کلان محروم شوند.

## هراس آمریکا از تحولات غزه

یکی از رویدادهای سیاسی بسیار مهم سال ۱۴۰۲، حمله مبارزان فلسطینی به رژیم صهیونیستی تحت عنوان عملیات طوفان الاقصی بود. پس از این حمله، شاهد کنش‌های مبارزاتی گسترده‌ای علیه اسرائیل و آمریکا در منطقه بودیم و حالا کم نیستند مفسران و اندیشکده‌هایی که به تیم جو بایدن می‌گویند ترک سوریه دست کم در شرایط کنونی، به صلاح آمریکا نیست و نباید منطقه را به قدرت منطقه‌ای مهمی همچون ایران سپرد.

ترک کند. در واقع، واشنگتن مایل است منابع سوریه را کاهش دهد و مقامات ارشد مانند رئیس جمهور، وزیر دفاع، وزیر امور خارجه و رئیس سیا زمان کمتری را صرف کار در سوریه می‌کنند، زیرا آن‌ها مشغول کار هستند. آن‌ها با اولویت بالاتری مانند اوکراین و غزه درگیر هستند».

## آمریکا و ترس از رقیب

اثرگذاری مهم و استراتژیک روسیه و جمهوری اسلامی ایران بر معادلات سیاسی-امنیتی سوریه، یکی از سنگین‌ترین شکست‌های سیاست خارجی آمریکا در یک دهه اخیر بوده است چرا که حضور روسیه و به ویژه ایران، مانع از سقوط دولت سوریه شد و مشارکت جمعی بسیاری از کشورهای منطقه‌ای، غربی و تروریست‌های تکفیری، نتوانست بر تصمیم و اراده تهران-مسکو غالب شود.

پایگاه‌های نظامی روسیه در سوریه و دسترسی ارتش روسیه به دریای مدیترانه از طریق حضور

طی سالیان گذشته، نیروهای آمریکایی به طرز خفت باری از افغانستان، عراق و مناطق دیگر خارج شده‌اند اما در سال ۱۴۰۲ همچنان شاهد تداوم حضور نظامیان آمریکایی در خاک سوریه بودیم. تداوم حضور نیروهای آمریکایی در شرق فرات و به ویژه در استان استراتژیک و مهم حسکه و همچنین حضور آنان در مرز سوریه و اردن، از نکات مهمی است که همچنان امنیت و ثبات سوریه را در چنبره تهدید نگاه داشته است.

کاخ سفید همچنان به بهانه‌های واهی، ماندن نیروهای نظامی خود در سوریه را توجیه می‌کند اما شواهد عینی نشان دهنده این است که این حضور برای واشنگتن، فرجامی جز شکست نداشته است. حالا حتی استراتژیست‌های سیا و پنتاگون نیز ادامه حضور در سوریه را به نفع آمریکا نمی‌دانند و معتقدند که دولت جو بایدن باید درباره ترک سوریه تصمیم بگیرد.

برخی تحرکات بقایای داعش در استان‌های دیرالزور، حمص و رقه سوریه و همچنین موضوع ادلب، به عنوان اصلی‌ترین بهانه‌های ادامه حضور آمریکا در سوریه مطرح شده‌اند اما واقعیت این است که آمریکا جنگ و دعوایی با داعش ندارد و پایان کامل کار داعش و بازگشت امنیت و ثبات به سوریه را به عنوان وضعیتی علیه منافع خود تحلیل می‌کند.

قرار گرفتن تنف در چند کیلومتری گذرگاه مرزی ولید عراق و سوریه، این نقطه را به عنوان یک پایگاه شنود اطلاعاتی در مورد فعالیت‌های روسیه تبدیل کرده که برای آمریکایی‌ها ارزش ویژه دارد. چاس فریمن سفیر سابق ایالات متحده در عربستان سعودی و مقام پنتاگون گفته است: «در روابط بین الملل، سیاست اعلام شده و سیاست واقعی به ندرت منطبق هستند. حضور آمریکا در سوریه اهداف زیادی دارد که تنها یکی از آن‌ها مبارزه با افراط‌گرایان است اما حمایت از اسرائیل، و تضعیف سوریه و ممانعت از خطوط تدارکاتی ایران به حزب‌الله و دولت اسد اهمیت حیاتی دارد».

همچنین رابرت فورد سفیر سابق آمریکا در سوریه در مصاحبه با شبکه خبری روداو گفته است: «دولت بایدن نمی‌خواهد پول بیشتری خرج کند و ارتش بیشتری به سوریه بفرستد یا آنجا را کاملا







نیروهای آمریکایی، داعش را توانمند می‌سازد. اظهارات باراک اوباما درباره جایگزین شدن داعش به جای القاعده را به خاطر بیابورید و فراموش نکنید که آمریکا از دوران جورج بوش پسر، چه خطاهای بزرگی مرتکب شد و چه نقش مهمی در شکل‌گیری گروه‌های تروریستی و افراطی داشت.»

### پیامدهای حضور آمریکا در سوریه

بدون شک، یکی از مهمترین پیامدهای منفی حضور آمریکا در سوریه، اشغال مناطق استراتژیک سوریه و تداوم تاراج منابع نفتی این کشور توسط متحدها واشنگتن است. بنابراین، خروج آمریکا از سوریه می‌تواند موجب شود تا دولت دمشق کنترل ثروت‌ها و منابع خود را در دست گرفته و از بحران اقتصادی خارج شود. نکته دوم این است که شبه نظامیان کرد نزدیک به گروه تروریستی که با نام «قسد» یا «نیروهای سوریه دموکراتیک» شناخته می‌شوند، حاکمیت سیاسی دولت مرکزی را در شمال سوریه مختل کرده‌اند و رفتن آمریکا می‌تواند شکست آنان و بازگشت نیروهای دولت اسد به کل مناطق شمالی را میسر کند.

داعشی تحت کنترل کردها در عمل به عنوان یک تهدید پنهان و مهم علیه خود آمریکا تلقی می‌شود. به عنوان مثال، اگر کردها تحت حمله بزرگ ترکیه قرار بگیرند یا آمریکا از سوریه خارج شود، ۱۰ هزار زندانی داعشی به یکباره همچون یک ارتش خطرناک به میدان جنگ باز می‌گردند. باید قبول کنیم که یک ارتش واقعی داعش در بازداشت است که در صورت آزاد شدن می‌تواند به سرعت، تهدیدی بزرگ علیه منافع جهانی باشد.»

آرون لوند، یکی از پژوهشگران سیاسی **Century International** می‌گوید: «تصمیم در مورد سوریه آسان نیست. اگر ناگهان ببینید که هزاران جنگجوی سرسخت داعش از زندان‌های تحت کنترل کردها آزاد می‌شوند، به زودی در این مناطق با مشکل مواجه خواهید شد.»

کریم امل بیطار، استاد روابط بین الملل در دانشگاه سنت ژوزف بیروت، استدلال احیای خطر داعش در سوریه در صورت عقب نشینی آمریکا از این کشور را «کاملاً مضحک» می‌داند و می‌گوید: «به نظر می‌رسد کسانی که این بحث‌ها را مطرح می‌کنند در سی سال گذشته در سیاره دیگری زندگی کرده‌اند. ما اکنون شواهد زیادی داریم که چه در عراق و چه در سوریه، حضور

جورجیو کافایرو، استادیار دانشگاه جورج تاون و عضو کمی در پروژه امنیت آمریکا، آشکارا موضوع غزه و سوریه را به هم ربط داده و معتقد است که با توجه به تحرکات نیروهای همسو با ایران علیه آمریکا و اسرائیل، ممکن است جان ۹۰۰ نظامی آمریکایی در سوریه هم به خطر بیفتد و به همین دلیل، خروج نظامی از این کشور، منطقی نیست.

کافایرو اعلام کرده که عقب نشینی ناموفق آمریکا از افغانستان در آگوست ۲۰۲۱ یک رویداد تلخ برای آمریکا بود و حالا دولت بایدن نمی‌خواهد با اعلام تصمیم خروج کامل از سوریه، بهانه به دست مخالفان بدهد.

### آمریکا اسیر دست داعش!

یکی از اشتباهات استراتژیک آمریکا در دوران بحران سوریه، سپردن زندانیان داعشی به دست شبه نظامیان کرد در شمال سوریه بود. این خطای راهبردی باعث شد که عملاً به جای آنکه داعشی‌ها اسیر شوند، خود آمریکا در دام اسارت بیفتد و همه تصمیمات خود را با حفاظت از زندانیان تروریست تنظیم کند!

مونا یاکوبیان، مشاور ارشد مؤسسه صلح ایالات متحده، گفته است: «محل بازداشت نیروهای



# ژست فریبکارانه آنکارا برای عادی سازی روابط با دمشق / ماجرای جوی خطرناک ترکیه



اصلی ترین شروط اعلام شده توسط دولت بشار اسد برای عادی سازی روابط با ترکیه عبارت بودند از:

۱. دولت ترکیه تمام نظامیان خود را از خاک سوریه خارج کند و پایگاه‌های خود را ترک کند.

۲. دولت ترکیه به حمایت از معارضان مسلح و غیرمسلح سوری خاتمه داده و به حمایت مالی و تسلیحاتی از آنان پایان دهد.

این دو شرط، نشان دهنده نگاه راهبردی و دوراندیشانه دولت سوریه و شناخت عمیق دمشق از رفتارهای احتمالی تیم اردوغان بود. با این حال، بی‌اعتنایی ترکیه به شروطی که برخاسته از حقوق طبیعی و حاکمیتی دولت سوریه است، نشان داد که آنکارا در مسیر عادی سازی با دمشق، رویکرد صادقانه‌ای ندارد.

## ماجرای جوی خطرناک ترکیه در سوریه

اردوغان در سال ۱۴۰۲ برخی از پروژه‌های عادی سازی در سیاست خارجی را پیگیری کرد که اقدامات لازم برای آن‌ها از قبل انجام شده بود. به عنوان نمونه، روابط ترکیه با مصر، رژیم صهیونیستی، ارمنستان، عربستان سعودی و امارات متحده عربی وارد فاز رسمی و عادی شد. اما سوریه با تمام این موارد متفاوت است چرا که دولت ترکیه به طور رسمی و آشکار در یک دوران طولانی ۱۰ ساله عملاً به بخشی از بحران سوریه تبدیل شد و از معارضان تجزیه طلب سوری حمایت کرد تا یک دولت دست نشانده را در دمشق بر قدرت حاکم کند. از این گذشته، سرویس اطلاعاتی «میت» ترکیه چشمان خود را به روی وضعیت مرزهای جنوبی خود بست و اجازه داد که افراطی‌ها از ده‌ها کشور جهان برای جنگ به سوریه بروند. بنابراین، عقب‌گرد کامل از این سیاست تهاجمی برای ترکیه آسان نیست.

تیم سیاسی-امنیتی رجب طیب اردوغان رهبر جمهوری ترکیه از اواخر سال ۱۴۰۱ تلاش برای عادی سازی رابطه با سوریه را به عنوان یک تصمیم مهم ابلاغ کرد و در آغاز سال ۱۴۰۲ نیز این موضوع، بارها مورد تأکید اردوغان و دیگر مقامات ترکیه قرار گرفت. اما بعد از اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۲ به یکباره شاهد برچیده شدن بحث عادی سازی در روابط آنکارا-دمشق بودیم. اما سؤال این است که چرا این اتفاق افتاد؟ یافتن پاسخی برای این سؤال مهم، می‌تواند ما را با یکی از مهمترین ابعاد سیاست خارجی ترکیه در مورد سوریه و رویکرد امنیتی تیم اردوغان نسبت به همسایه جنوبی ترکیه آشنا کند.

شواهد نشان می‌دهد که نمایش تلاش برای عادی شدن روابط بین ترکیه و سوریه که از سوی تیم اردوغان اجرا شد، اقدامی برای مصارف داخلی سیاست حزب حاکم بود و حزب حاکم قصد داشت با این کار، در انتخابات سراسری امتیاز بیشتری به دست آورد. محاسبات تیم اردوغان این بود که پس از عادی شدن رابطه می‌تواند به مردم وعده دهد که به زودی با هماهنگی دولت دمشق نزدیک به ۴ میلیون آواره سوری خاک ترکیه را ترک می‌کنند. اما دولت اسد با نگرشی هوشمندانه، بازی تیم اردوغان را به هم زد و شروط منطقی خود را برای عادی شدن روابط پیش کشید.





### ترکیه و معادلات شمال سوریه

حضور هزاران شبه نظامی وابسته به گروه تروریستی اوجالان و حزب کارگران کردستان ترکیه در شمال سوریه، بهانه به دست ترکیه داده تا به منظور حمله به آنان، حاکمیت ملی سوریه و تمامیت ارضی این کشور را نادیده بگیرد. ترکیه بارها به صورت هوایی، زمینی و توپخانه‌ای به شمال سوریه حمله کرده و موجبات ناامنی را در این کشور فراهم آورده است.

ترکیه به بهانه رفع تهدیدات پ.ک.ک در غرب فرات، شهر عفرین و مناطق پیرامون آن را به اشغال خود درآورد و اداره محلی این منطقه را به معارضان اسد سپرد. افزون بر این، ترکیه با دست زدن به اقداماتی همچون فروش غیرقانونی نفت سوریه و کاستن از میزان آب ورودی به سوریه، مشکلات بزرگی برای این کشور به وجود آورده است. بنابراین، دولت سوریه و مردم این کشور هنوز هم نتوانسته‌اند برای حرکت در یک مسیر همکاری سیاسی جدید، به ترکیه اعتماد کنند.

ترکیه اولین کشور جهان بود که گروه غیرقانونی و سنییزه جوی موسوم به ارتش آزاد سوریه را به رسمیت شناخت و امکانات مالی و تسلیحاتی در اختیار آن قرار داد و شرایط را برای مردم و دولت سوریه دشوارتر و پیچیده‌تر کرد. آنکارا در ادامه، دولت غیرقانونی موسوم به «معارضان سوری» در ترکیه را به رسمیت شناخت، پرچم جعلی آن را پذیرفت. تمام مقامات دولتی ترکیه به شکل رسمی و آشکار با نخست وزیر خودخوانده دولت پادشده دیدار کردند و جالب اینجاست که ساختار دولتی مذکور، هنوز هم منحل نشده است.

یکی دیگر از رویکردهای خصمانه دولت ترکیه نسبت به سوریه در چند سال اخیر، ادغام ده‌ها گروه مسلح مخالف بشار اسد در یک گروه غیرقانونی به نام ارتش ملی سوریه بود. آمارهای رسمی و اخبار آشکار رسانه‌های ترکیه حاکی از این است که ترکیه نزدیک به ۲۰۰ هزار نفر از معارضان سوری را تسلیح و سازماندهی کرده و در برخی استان‌ها قرارگاه در اختیار آنان گذاشته است. دولت ترکیه همچنین چندین ساختمان و دفتر هم در آنکارا و استانبول در اختیار معارضان سیاسی اسد گذاشته است.





# چه کشورهایی در بازسازی سوریه مشارکت دارند؟ همکاری استراتژیک تهران - دمشق



بسیاری از خانواده‌های ثروتمند و صاحبان شرکت‌های بزرگ و انتقال سرمایه‌های آنان به خارج از سوریه است.

گفته می‌شود در چند سال گذشته، بیش از ۶۵۰ شرکت عمده تجاری، تولیدی و خدماتی توسط فعالان اقتصادی سوری در ترکیه تاسیس شده و دولت آنکارا در سال ۱۴۰۲ نیز به تعداد قابل توجهی از سرمایه داران سوری تابعیت ترکیه داده است. در نتیجه سوریه برای امر بازسازی نیاز به سرمایه گذاری خارجی دارد. با این حال، در این مسیر نیز موانع متعددی وجود دارد و دولت بشار اسد در حال تلاش برای رفع این موانع است. زکی مهشی، از اعضای اندیشکده چتم هاوس انگلیس، به سه دلیل عمده برای عدم امکان ایفای نقش بخش خصوصی خارجی در سوریه اشاره کرده است: «عدم تمایل سران کشورهای ثروتمند همچون

منزل توسط آژانس پناهندگان سازمان ملل (UNHCR) در طول یک سال، حتی از عدد ۱۵۰ خنجه فراتر نرفته است.

یکی از ابعاد ستودنی در بازسازی سوریه، ابتکارات مردمی محلی در بخش‌های مختلف کشور این کشور است. به عنوان مثال، در درعا، حمص، و حومه روستایی دمشق، فعالان مذهبی، سران قبایل و و نهادهای مدنی رهبری، اقدامات مثبتی انجام داده‌اند. فعالان مدنی در درعا، با جمع آوری کمک‌های مردمی و تلمین ۳ هزار نفر نیروی دواطلب، توانسته‌اند گامی در خور توان خود برای بازسازی سوریه بردارند.

## نقش بخش خصوصی در بازسازی سوریه

یکی از مشکلات جدی در زمینه بازسازی سوریه، این است که بخش خصوصی حضور فعالی ندارد. یکی از دلایل عمده این وضعیت، مهاجرت

چند سال از رفع تهدیدات تروریستی و اقدامات ضدامنیتی در سوریه سپری شده اما این کشور همچنان با پیامدهای تلخ هجوم تروریست‌ها و تکفیری‌ها روبروست. ورود مهاجمان تکفیری از چندین کشور جهان به سوریه و لطمات شدید آن‌ها به شهرها، زیرساخت‌ها و اقتصاد سوریه کار بازسازی را دشوار کرده و رسیدن به سوریه آباد، متضمن تامین اعتبارات کلان است.

سپردن بازسازی منازل آسیب دیده به ابتکارات محلی و سازمان‌های غیردولتی، یکی از سیاست‌های دولت دمشق در سالیان اخیر بوده است چرا که دولت، نهایتاً فقط می‌تواند برای بازسازی مجدد زیرساخت‌ها هزینه کند. اما مساله اینجاست که با وجود برخی کمک‌های سازمان ملل متحد و سازمان‌های غیردولتی، تعمیر خانه‌ها و تاسیسات عمومی به دلیل هزینه های بالا، در سال ۱۴۰۲ هم پیشرفت چندانی نداشت. کل پروژه‌های تعمیر





سوریه، بازگشت روابط دیپلماتیک و تجاری این کشور با اتحادیه عرب، شرایط را تا حد قابل توجهی تغییر داده است. سوریه نیاز به بازسازی و سرمایه گذاری‌های عربی دارد. این امر می‌تواند میلیون‌ها شغل برای مردم سوریه ایجاد کند.

تاثیر فشار کشورهای عربی به آمریکا

«عمار الاسد» نائب رئیس کمیته روابط خارجی پارلمان سوریه معتقد است که کشورهای عربی باید برای پیشبرد پرونده بازسازی سوریه به ویژه آمریکا و کشورهای غربی فشار بیاورند تا آن‌ها اقدامات یکجانبه علیه مردم سوریه را لغو کنند و شرکت‌ها برای حضور در سوریه هراسی نداشته باشند. این ایده در میان دیگر کارشناس و سیاستمداران عربی نیز طرفداران فراوانی دارد. حسام عایش کارشناس اقتصادی اردنی نیز در مصاحبه با اسکای نیوز عربی با اشاره به احتمال تاثیر قانون سزار آمریکا در روابط اقتصادی سوریه با کشورهای عربی گفته است: «آمریکا نمی‌تواند در برابر خواسته کشورهای عربی برای مبادله تجاری با سوریه مقاومت کند. کشورهای عربی می‌توانند با خیال راحت، در حوزه‌هایی همچون انرژی و به ویژه خطوط انتقال برق از ظرفیت‌های سوریه استفاده کنند».

کشورهای عربی با سوریه را برای هر دو طرف سودمند خواند و اعلام کرد: «روابط دمشق و کشورهای عربی تاثیر مثبتی برای اقتصاد ما دارد. افزایش چرخه تولید و دو برابر شدن سرمایه گذاری‌ها و مبادلات تجاری بین سوریه و کشورهای عربی می‌تواند ما را در امر بازسازی کشورمان یاری دهد». هیات سوریه اعلام کرده که پروژه‌های بزرگ مانند انتقال برق اردن به لبنان از طریق سوریه و یا حتی پروژه انتقال گاز مصر از طریق اردن و سوریه به لبنان می‌تواند تاثیرات اقتصادی شگرفی برای تمام طرف‌ها داشته باشد چرا که این پروژه‌ها، افق‌های اقتصادی را خواهد گشود و تحریم‌های اقتصادی آمریکا را مهار می‌کند.

برخی از کارشناسان سوری بر این باورند که یکی از هوشمندانه‌ترین راه‌ها برای تامین اعتبارات لازم در روند بازسازی سوریه، استفاده از ظرفیت‌های جایگاه سوریه در اتحادیه عرب است. ابوبکر الدیب مشاور مرکز مطالعات و تحقیقات عربی اعلام کرده که بازگشت سوریه به اتحادیه عرب، اتفاق مثبتی بوده که مسیر تامین اعتبار برای بازسازی سوریه را هموارتر کرده است. با توجه به منابع طبیعی و منابع انسانی عظیم دولت

عربستان سعودی و امارات عربی متحده به سرمایه گذاری خصوصی در سوریه، اعمال تحریم‌های گسترده و بین‌المللی و همچنین عدم امکان سرمایه گذاری خارجی در بخش نفت و گاز سوریه».

### تلاش برای جذب سرمایه عربی در سوریه

یکی از تحولات مهم در راستای ایجاد امکان بازسازی سوریه در سال ۱۴۰۲ هجری شمسی، سفر هیات سیاسی اقتصادی دولت دمشق به عربستان سعودی برای شرکت در نشست جده بود. رانیا احمد دستیار وزیر اقتصاد و تجارت خارجی در امور بین الملل سوریه، در این نشست تاکید کرد: «دولت دمشق به موضوعاتی همچون بازسازی و بازگشت آوارگان به شهرها و خانه‌های خود، اهمیت فراوانی می‌دهد و این امر مستلزم احیای تحرک اقتصادی و ایجاد شرکت‌های کوچک و متوسط در بخش‌های مختلف است. ما خواهان اقدام برای برداشتن محدودیت‌های تعرفه‌ای هستیم؛ به شکلی که امکان آزاد تجارت با کشورهای عربی، فراهم آید. در نشست اقتصادی جده، محمد ربیع قلعه چی رئیس کمیته بودجه پارلمان سوریه بازگشت روابط



ایران و سوریه بر تجارت دو کشور تاثیر می‌گذارد اما ما دست برنمی‌داریم و این موانع را پشت سر می‌گذاریم. برنامه توسعه تجارت با سوریه را دنبال می‌کنیم و به حضور شرکت‌های ایرانی در نمایشگاه‌های سوریه اهمیت می‌دهیم. توافق سه جانبه ای بین ایران، سوریه و عراق بر سر مسیر حمل و نقل کالا حاصل شده است. بر اساس این توافق، کامیون‌های سوری کالاها را از مرزهای جمهوری اسلامی به سمت البوکمال عراق حمل و از آنجا به سوریه می‌برند». همه این‌ها در حالی است که بحث‌های اولیه احداث بانک مشترک بین ایران و سوریه انجام شده و این بانک به دور از تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و سوریه عمل خواهد کرد.

و همچنین سفر نخست وزیر سوریه به تهران، زمینه برای همکاری‌های اقتصادی دو طرف هموارتر شد. پس از این سفرها بود که برگزاری گردهمایی بازسازی سوریه در تهران و در اسفند ماه سال ۱۴۰۲ به یک نقطه عطف مهم در مورد تبیین نقش شرکت‌های ایرانی در سوریه تبدیل شد.

عبدالامیر ربیهاوی سرپرست دفتر غرب آسیای سازمان توسعه تجارت ایران، در این گردهمایی اعلام کرد که شرکای بزرگ ایرانی در کنار صدها تیم متخصص فنی و مهندسی، آماده ایفای نقش در بازسازی سوریه هستند. این مقام اقتصادی ایرانی همچنین در مورد برنامه‌های آتی گفت: «تحریم‌های ظالمانه علیه

ایمن سمیر، کارشناس روابط بین الملل هم معتقد است که سوریه توانمندی‌های ویژه‌ای دارد که علاوه بر تامین هزینه‌های مورد نیاز برای بازسازی، قادر به ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای کشورهای دیگر است چرا که کارخانه‌های حلب در حال بازگشت به رونق سابق خود هستند و کالاهای تولیدی آن‌ها همچنان مورد نیاز بازارهای عربی است. همچنین در سایه جنگ اوکراین که کشورهای عربی با کمیبود غلات روبرو هستند، سوریه که روزی اثار غله کشورهای عربی بود، می‌تواند باز هم گندم به آنجا صادر کند.

### سهام ایران در بازسازی سوریه

به دنبال سفر آیت الله رسی رییس جمهور ایران به سوریه در سال ۱۴۰۲





# «تروریسم اقتصادی»؛ راهبرد آمریکا و غرب برای نابودی زیرساخت‌های اقتصادی سوریه



قرار دارد. سوریه به دارا بودن نوع خاصی از نفت سبک و همچنین استخراج فسفات معروف است اما با توجه به آنکه هنوز هم دولت سوریه، به خاطر سیاست‌های مداخله جویانه و اشغالگرانه آمریکا نتوانسته بر منابع نفتی خود کنترل داشته باشد، دولت برای تامین هزینه‌های اداره کشور با مشکل روبرو شده و از این گذشته، تامین سوخت و انرژی دشوار است.

اگرچه ذخایر میادین نفتی سوریه در مقایسه با کشورهای منطقه در سطح بالایی نبود، اما در هر حال منابع موجود برای جمعیت ۲۲ میلیون نفری سوریه کافی بود و دولت با مدیریت صحیح سوخت و انرژی، نیازهای کشور را فراهم می‌کرد. با این حال، حالا این میادین نفتی در مناطق شرقی سوریه و به ویژه در دیرالزور در اختیار شپه نظامیان کرد و ابسته به آمریکا هستند. کردها نیز نفت میادین مذکور را را به شکل غیرقانونی و با قیمت پایین به فروش می‌رسانند. یکی از تحولات نفتی مهم سوریه در سال ۱۴۰۲ این بود که متخصصان و مهندسان ایرانی قبول کردند تعمیرات تاسیسات پالایشگاه حمص سوریه را بر عهده بگیرند. به این ترتیب، با بازسازی این تاسیسات، شرایط بهتری برای سوریه به وجود خواهد آمد.

عقيل الطائي از کارشناسان امنیتی منطقه در

اقتصادی به وجود نیامده، به تعویق انداخته شود. سوریه در سال ۱۴۰۲ نیز علاوه بر لطمات متعدد ناشی از حضور ۱۰ ساله تروریست‌ها با پیامدهای زلزله سال ۲۰۲۳ نیز روبرو بود و در این شرایط، دولت بشار اسد برای تامین نیازهای شهروندان، مسیر سختی را پیموده است.

## دلایل مهم بحران اقتصادی در سوریه

کاهش ارزش لیره سوریه و تنگناهای مالی دولت و بخش خصوصی، باعث تورم روزافزون شده و قدرت خرید مردم سوریه به شدت پایین آمده است. بررسی عینی و واقع‌بینانه دلایل بروز بحران اقتصادی در سوریه، ما را با این واقعیت روبرو می‌کند که بخش قابل توجهی از مشکلات معیشتی کنونی مردم سوریه، دلایل خارجی دارد. برخی ز این دلایل، به شرح زیر است:

## الف) عدم کنترل دولت سوریه بر منافع نفتی این کشور

نفت ستون فقرات اقتصاد سوریه است و میزان ذخایر نفتی این کشور ۴/۲ میلیارد بشکه و میزان ذخایر گاز طبیعی سوریه ۲۴۰ میلیارد مترمکعب برآورد شده است. حوزه های نفتی سوریه عمدتاً در بخش های شرقی و شمالی در نزدیک مرزهای عراق و ترکیه

سال ۱۴۰۲ برای مردم سوریه در شرایطی پایان یافت که این کشور، با وجود رفع تهدیدات تروریستی و اقدامات ضدامنیتی، شرایط اقتصادی و معیشتی سختی را از سر گذراند. با وجود آن که شرایط اقتصادی دشواری بر سوریه حکمفرما شده، کشورهای لبنان و ترکیه در سال ۱۴۰۲ نیز بارها موضوع ضرورت بازگشت آوارگان سوری را مطرح کردند. با توجه به این که مجموعاً در ترکیه و سوریه نزدیک به ۵ میلیون آواره سوری زندگی می‌کنند، حتی بازگشت نیمی از آنان، سوریه را با شرایط اقتصادی دشوارتری روبرو خواهد کرد. در نتیجه به جرات می‌توان گفت با وجود تلاش ارزشمند مردم و نیروهای دفاعی و امنیتی سوریه برای تحمیل شکست بر تروریست‌ها و تجزیه طلبان، این کشور در شرایط کنونی، با نوع دیگری از ناامنی مواجه شده که فقدان امنیت اقتصادی و به ویژه امنیت غذایی است.

آدام کوگل معاون مدیر خاورمیانه در موسسه دیده بان حقوق بشر بر این باور است که تلاش برای بازگرداندن آوارگان سوری به سرزمین‌شان در شرایط فعلی واقع‌بینانه نیست و مردم سوریه به طور فزاینده‌ای به حمایت و کمک‌های بشردوستانه نیاز دارند. لذا ضروری به نظر می‌رسد که بازگشت آوارگان به سوریه تا زمانی که شرایط امن





تاجر را مسدود کرده و امکان صادرات کالا به سوریه یا اقدام به سرمایه گذاری در این کشور را بسیار محدود ساخته است.

### ج) شرایط دشوار در بخش کشاورزی سوریه

از زمان آغاز بحران سوریه، خسارات بخش کشاورزی در این کشور افزایش یافته و تامین هزینه‌های تولید مشکل شده است. به خاطر ناامنی و شرایط سخت، بخش قابل توجهی از کشاورزان، کشاورزی را متوقف کرده‌اند و تامین آب مداوم برای آبیاری به دلیل قطع برق مشکل شده است.

جلال العطار، مهندس کشاورزی و از مسوولین کمیسیون انرژی اتمی سوریه گفته است: «با توجه به مشکلات بزرگی که در حوزه آبیاری به وجود آمده، کشاورزان به دنبال راهکارهای بومی رفته‌اند. کشاورزان به خرید ژنراتورهای الکتریکی روی آوردند تا در مواقع لزوم از پمپ‌های آب استفاده کنند، اما به دلیل قیمت بالای سوخت، این راه حل نیز کارساز نبوده و قیمت مشتقات نفتی به طور مداوم در حال افزایش است. در همین حال، بسیاری از ماشین آلات کشاورزی آسیب دیده‌اند و کشاورزان به دلیل کمبود منابع و گرانی قطعات یدکی، توان پرداخت هزینه‌های نگهداری از ماشین آلات را ندارند».

باید به این نکته هم اشاره کرد که حضور اشغالگرایان آمریکا در شمال و شرق سوریه، حضور غیرقانونی نیروهای نظامی ترکیه در مناطقی از غرب رود فرات، حمایت آنکارا از گروه‌های مسلح علیه بشار اسد و نیز تداوم حضور گروه‌های افراطی در ادلب، از دیگر عوامل تداوم ناامنی در خاک سوریه هستند که به طور مستقیم بر وضعیت اقتصادی این کشور، تاثیر منفی می‌گذارند.

اقتصادی علیه مردم این کشور است. این تحریم که اصطلاحاً از آن به عنوان قانون قیصر یا سزار نام برده می‌شود، در چند سال گذشته مشکلات بسیاری برای سوری‌ها به وجود آورد و در سال ۱۴۰۲ نیز دمشق به خاطر این مانع بزرگ، نتوانست به روابط اقتصادی و تجاری خود با کشورهای دیگر سر و سامانی بدهد. تحریم‌های قیصر با هدف به زانو درآوردن دولت سوریه در برابر خواسته‌های آمریکا اعمال شده اما دمشق استقلال خود را حفظ کرد و با وجود شرایط سخت و بحرانی، تلاش کرده کشور را از مهلکه بیرون ببرد. تحریم‌ها مانع از همکاری و تجارت و سرمایه‌گذاری هر کشور، نهاد و فردی در سراسر جهان با مقامات دولتی یا نهادهای سوریه شده‌اند. علاوه بر این، تحریم‌ها اجازه بازسازی کشور جنگ زده سوریه را نیز نخواهند داد.

دولت دمشق بارها در مجامع جهانی، اقدام آمریکا برای تحریم اقتصادی مردم سوریه را تروریسم اقتصادی قلمداد کرده است. از سوی دیگر تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا دارایی‌های دولت سوریه و صدها شرکت و

پاییز سال ۱۴۰۲ اعلام کرد که ارتش آمریکا به صورت غیرقانونی کنترل منابع ارزشمند سوریه در استان‌های دیرالزور، الحسکه و الرقه را به دست گرفته است. بزرگترین میادین نفتی سوریه در همین مناطق قرار دارند و عناصر ارتش آمریکا اقدام به قاچاق و سرقت نفت از سوریه و انتقال آن به شمال عراق از طریق گذرگاه غیرقانونی الولید می‌کنند.

آمریکایی‌ها کاری کرده‌اند که با تامین امنیت بسیاری از مسیرهای مرزی، شبه نظامیان وابسته به آن‌ها یعنی نیروهای سوریه دموکراتیک یا «قسد» با خاطری آسوده نفت را با تانکر به مقاصد نامعلوم بفرستند و بدون هیچ نظارتی، پول آن را دریافت و خرج کنند. پیشتر جان بل، مدیر عامل شرکت گولف سندس انگلیس اعلام کرده بود که نیروهای دموکراتیک سوریه، ۳۷ میلیون بشکه نفت خام از این بلوک نفتی استخراج کرده‌اند که بهای آن حدود ۲.۵ میلیارد دلار است. آمارها نشان داده که حتی با وجود برداشت غیرحرفه‌ای و غلط از میادین مزبور، روزانه بیش از ۷۰ هزار بشکه به دست می‌آید و نمی‌توان ارزش ارزی چنین ثروتی را نادیده گرفت.

در سال ۱۴۰۲ فیصل المقداد وزیر امور خارجه سوریه دو بار اعلام کرد که آمریکا عامل و مقصر اصلی در تاراج نفت و گاز و غلات سوریه است و در مجموع، ارزش نفت دزدیده شده سوریه از سوی آمریکا به ۱۱۵ میلیارد دلار رسیده است. المقداد خواستار بازگرداندن این ثروت عظیم به دولت سوریه شد و از جامعه بین‌المللی و سازمان ملل خواست که آمریکا را به خاطر سرقت نفت سوریه مورد بازخواست قرار دهند.

### ب) سیاست ظالمانه تحریم

یکی از اقدامات ظالمانه و خصمانه آمریکا علیه سوریه، اعمال تحریم بین‌المللی









### چکیده:

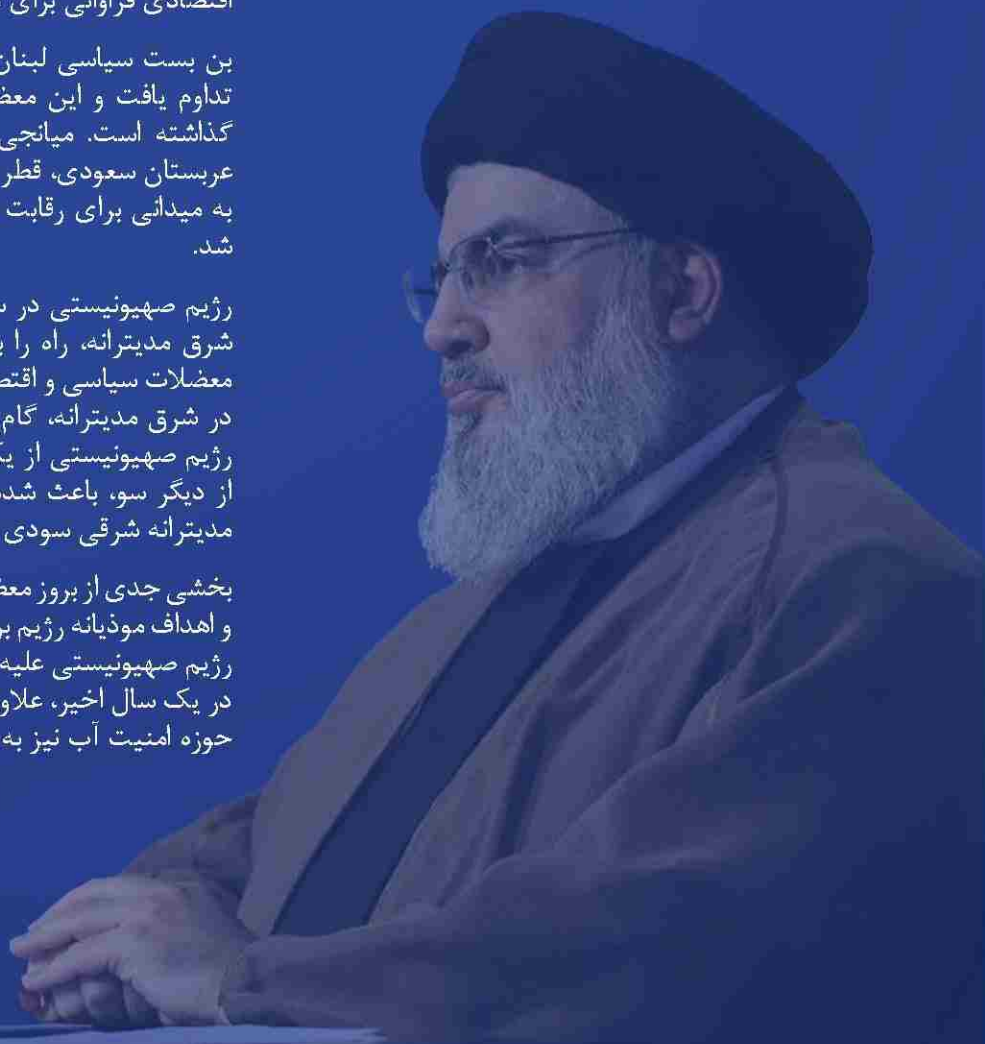
یکی از مهمترین رویدادهای لبنان در سال ۱۴۰۲ هجری شمسی، اثرگذاری رویدادهای پس از عملیات طوفان الاقصی بر این کشور بود. پس از عملیات تاریخی حماس علیه رژیم صهیونیستی در مهر ماه سال ۱۴۰۲، مهمترین پرسش طرح شده درباره لبنان، این بود که آیا قرار است این کشور نیز وارد جنگ شود یا خیر؟ این پرسش، متضمن اهمیت راهبردی قدرت نظامی حزب الله لبنان است که به نگرانی و دغدغه اصلی صهیونیست‌ها تبدیل شده است. جریان مزبور، بدون آنکه به شکل گسترده وارد جنگ شود، قدرت بازدارندگی خود را به رخ رژیم صهیونیستی کشید و شرایطی به وجود آمد که رژیم ناچار شد در تمام تصمیمات عملیاتی خود، چشمی به کنش‌ها و واکنش‌های احتمالی حزب الله داشته باشد.

موج ورود آوارگان سوری به لبنان، حتی در سال ۱۴۰۲ نیز ادامه داشت و بیروت معتقد است که آمریکا بانی و مقصر این مشکل است. شرایط بحرانی در اقتصاد لبنان در سال ۱۴۰۲ نیز ادامه داشت و یکی از عوامل تاثیرگذار، حضور میلیون‌ها آواره در این کشور است. حضور نزدیک به ۲ میلیون آواره در لبنان، علاوه بر تنگناهای امنیتی و اجتماعی، معضلات اقتصادی فراوانی برای دولت بیروت به وجود آورده است.

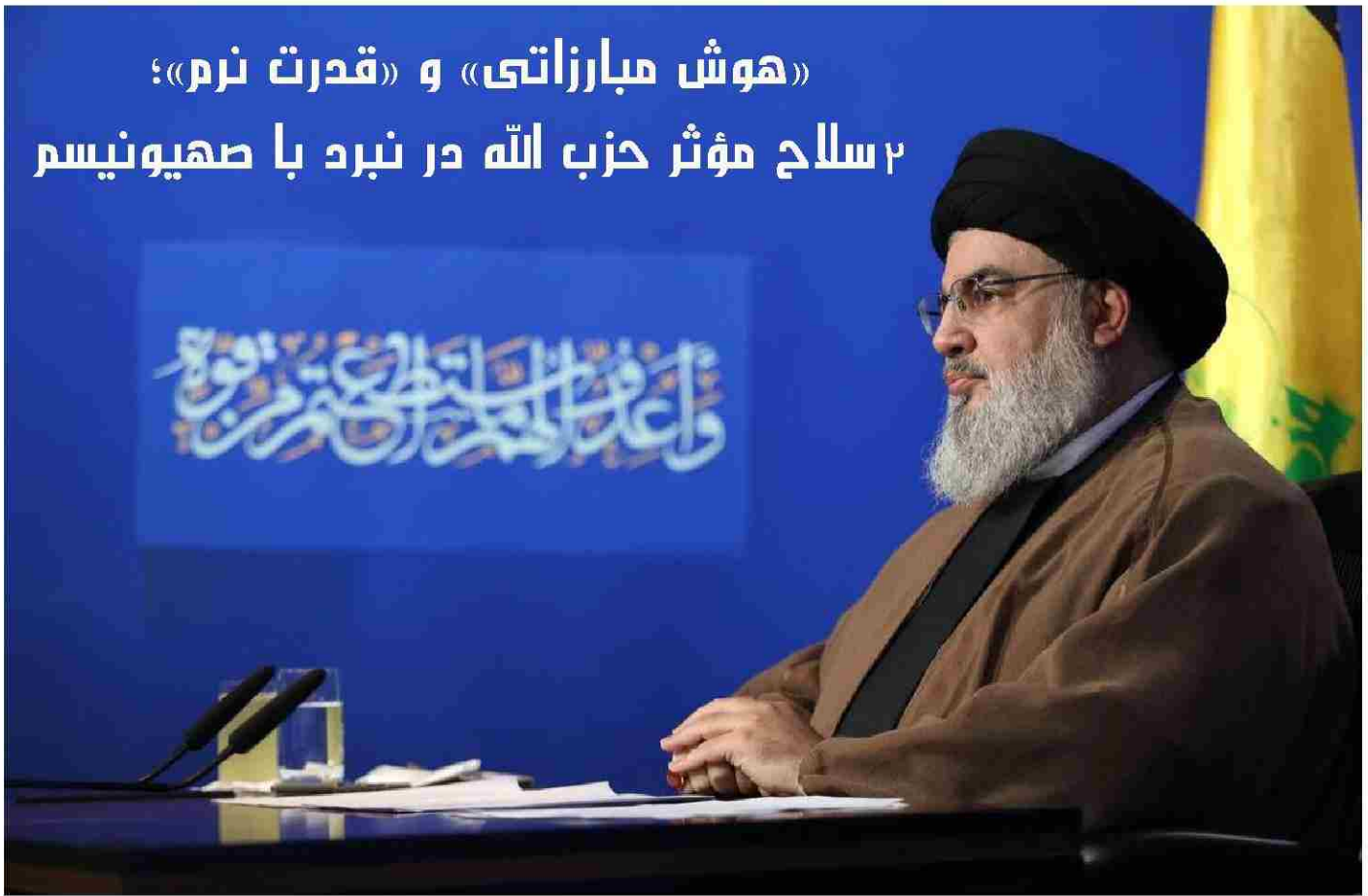
بن بست سیاسی لبنان برای انتخاب رییس جمهور در سال ۲۰۴۱ نیز تداوم یافت و این معضل، بر تمام ارکان زندگی مردم این کشور تاثیر گذاشته است. میانجی‌گری کمیته ۵ جانبه با حضور آمریکا، فرانسه، عربستان سعودی، قطر و مصر نیز عملاً بی‌تاثیر بود و این کمیته تبدیل به میدانی برای رقابت قدرت‌ها و مداخله آنها در مسائل سیاسی لبنان شد.

رژیم صهیونیستی در سالیان اخیر، با بهره برداری مداوم از منابع گازی شرق مدیترانه، راه را برای انتفاع لبنان بسته است. لبنان نیز به خاطر معضلات سیاسی و اقتصادی داخلی، نتوانسته برای استفاده از حقوق خود در شرق مدیترانه، گام موثری بردارد. کارشکنی و ایجاد ناامنی از جانب رژیم صهیونیستی از یک سو و عدم پایبندی توتال فرانسه به تعهداتش از دیگر سو، باعث شده در سال ۱۴۰۲ نیز، لبنان نتواند از منبع گازی مدیترانه شرقی سودی به دست آورد.

بخشی جدی از بروز معضل آب در لبنان ناشی از حملات رژیم صهیونیستی و اهداف موزیانانه رژیم برای اعمال فشار بر لبنانی‌ها است. اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه لبنان در سال ۱۴۰۲ هم ادامه داشت و این رژیم در یک سال اخیر، علاوه بر تهدیدات مستقیم تروریستی و ضدامنیتی، در حوزه امنیت آب نیز به لبنان لطمه زده است.







## «هوش مبارزاتی» و «قدرت نرم»؛ ۲ سلاح مؤثر حزب الله در نبرد با صهیونیسم

این ها، ترور صالح العاروری از رهبران مقاومت فلسطین در خاک لبنان، از جمله اقدامات صهیونیست‌ها بوده است.

سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله لبنان در مراسم بزرگداشت شهید حاج جواد اعلام کرد: «ما با افتخار، اسامی و آمار شهدای خود را اعلام می‌کنیم، اما دشمن آمار تلفات و شکست‌های خود را پنهان می‌کند. ما را با یگان‌های خسته، شکست خورده و هراسان اسرائیل در شمال غزه تهدید می‌کنند ولی به شما می‌گوییم کسی که باید از جنگ بترسد، اسرائیل و شهرک نشینان آن هستند. دشمن، راهی غیر از پذیرش شروط مقاومت غزه نخواهد داشت و این به معنای پیروزی موعود است.»

سید حسن همچنین آشکارا اعلام کرد که اگر رژیم صهیونیستی به لبنان حمله کند، رزمندگان مقاومت کاری می‌کنند که این رژیم به عصر حجر بازگردد. او بر این مسأله تأکید کرد که توان رزمی مقاومت در سطح بالایی است و اسرائیل نمی‌تواند لبنان را تهدید کند.

**استراتژی پیشرفته حزب الله لبنان در برابر اسرائیل**

در سال ۱۴۰۲ هجری شمسی، شرایط میدانی غزه، باعث شد ابعاد دیگری از هوش و توان رزمی مقاومت، پدیدار شود. راهبرد هوشمندانه

کیفیت آموزش نیروهای خود، صاحب موقعیت روانی و معنوی خاصی شده که باعث می‌شود هیچ کدام از قدرت‌های منطقه، نتوانند این عمل مهم را از محاسبات خود حذف کنند.

**تهدید معنادار سید حسن نصرالله علیه اسرائیل**

حزب الله لبنان، در چندین نوبت، حملات دقیق و هدفمندی علیه ارتش صهیونیستی انجام داد و علاوه بر هدف قرار دادن نیروهای نظامی، بارها پهپادهای رژیم را ساقط کرد و با قدرت موشکی و توان نفوذ مرزی، اسرائیل را در تنگنا قرار داد. این بخش مهم و حیاتی جنبش مقاومت، در این مسیر از ایثار و شهادت باکی نداشته و چندین فرماتده ارشد حزب الله لبنان، در سال ۱۴۰۲ و در دفاع از آرمان فلسطین به شهادت رسیدند. شهید وسام حسن الطویل مشهور به حاج جواد از فرماندهان ارشد لشکر رضوان حزب الله لبنان، شهید حسن حسین سلامی از اعضای یگان ناصر حزب الله در جبهه الحجیر و شهید عباس الدبس مسئول عملیات حزب الله در استان نبطیه لبنان چند تن از چهره‌های سرشناس حزب الله بودند که در سال ۱۴۰۲ به شهادت رسیدند. انجام سوءقصد پهبادی و عملیات ترور علیه فرماندهان و اعضای ارشد حزب الله لبنان و دیگر گروه‌های مقاومت، از جمله ابعاد اصلی عملیات ارتش رژیم صهیونیستی بوده و علاوه بر

پس از عملیات تاریخی حماس علیه رژیم صهیونیستی در مهر ماه سال ۱۴۰۲، مهمترین پرسش طرح شده درباره لبنان، این بود که آیا قرار است این کشور نیز وارد جنگ شود یا خیر؟ این پرسش، متضمن اهمیت راهبردی قدرت نظامی حزب الله لبنان است که به نگرانی و دغدغه اصلی صهیونیست‌ها تبدیل شده است.

یکی از ابعاد مهم نقش حزب الله لبنان در تحول سال ۱۴۰۲ هجری شمسی، این است که جریان مزبور، بدون آن که به شکل گسترده وارد جنگ شود، قدرت بازدارندگی خود را به رخ رژیم صهیونیستی کشید و برای نخستین بار، شرایطی به وجود آمد که رژیم ناچار شد در تمام تصمیمات عملیاتی خود، چشمی به کنش‌ها و واکنش‌های احتمالی حزب الله داشته باشد. تأکید مداوم سران رژیم صهیونیستی بر نبودن کامل حماس، در میدان عمل نقش بر آب شده اما با این حال، حزب الله در سال ۱۴۰۲ بارها اعلام کرد که نبودن مقاومت اسلامی فلسطین را به عنوان یک خط قرمز مهم و حیاتی تلقی می‌کند و در صورت لزوم، بخش‌های دیگری از قدرت و توان خود را به نمایش می‌گذارد.

حزب الله لبنان در سالیان اخیر، برای دست یافتن به جایگاه فعلی تلاش بسیار کرده و علاوه بر تامین تسلیحات و تجهیزات نظامی و ارتقای





خاک لبنان، پاسخ دریافت کرده و به جنگی منطقه ای خواهد انجامید».

بسیاری از مقامات صهیونیستی نیز در سال ۱۴۰۲ به این واقعیت اذعان کردند که جنگ با رمنندگان لبنان، پیامدهای دهشتناکی برای رژیم خواهد داشت. شبکه کان از رسانه های عبری رژیم صهیونیستی بعد از تهدیدات سیدحسن نصرالله، دبیر کل حزب الله از قول دانی یاتوم رییس اسبق موساد اعلام کرد: «گشودن جبهه جنگ با حزب الله، به نفع اسرائیل نیست. ما گمان می کردیم در حال جنگ با حماس هستیم اما در ۷ اکتبر، زمانی که متوجه شدم برای نجات اسرائیل نیاز به ۲ ناو هواپیمابر داریم، بسیار شوکه شدم. اسرائیل باید از این واقعیت درس بگیرد».

همچنین گرشون هکوهین فرمانده سابق ستاد ارتش صهیونیستی هم گفت: «ما در یک وضعیت بی سابقه و فاجعه بار قرار داریم و شرایط منطقه شمال بسیار وحشتناک است». شبکه ۱۳ تلویزیون رژیم صهیونیستی نیز در همین زمینه اعلام کرد: «ما در سال ۱۹۶۷ نیستیم، هیچ ارتشی وجود ندارد و قدرتی هم نداریم تا وارد یک عملیات زمینی برای عقب راندن حزب الله شویم».

با آن که در جریان رویدادهای پس از مهر ماه ۱۴۰۲ در فلسطین، گروه های متعدد مقاومت به رژیم صهیونیستی اسرائیل ضربه زدند، اما به جرات می توان گفت، علاوه بر قدرت سخت و توان رزمی حزب الله لبنان، هوش مبارزاتی و قدرت نرم این جنبش، در مقایسه با همه گروه های دیگر، موثرتر و کارآمدتر بوده و نمونه بارزی از جنبشی را به نمایش گذاشته که در میدان رزم، آبدیده شده و تجارب گرانبهایی اندوخته است.

ما همچنان از این آرمان حمایت می کنیم. کشور ما، هزینه گزافی برای حضور در کنار فلسطین پرداخت کرده، اما این را مشیت خود می دانیم. چرا که اگر خدای ناکرده منطقه جغرافیایی نوار غزه و کرانه باختری قدس شریف سقوط کند، تنها به مثابه سقوط فلسطین نیست و چنین چیزی را به عنوان سقوط و فروپاشی امنیت ملی عربی و فروپاشی تمامی انسانیت تلقی می کنیم».

همچنین عبدالله بو حبیب وزیر خارجه لبنان بارها در اعلام مواضع خود درباره اسرائیل، به این اشاره کرده که دولت لبنان، رایزنی و ارتباط با حزب الله است را حفظ کرده و در برابر فرستادگانی که پیام تهدیدآمیز اسرائیل را منتقل کرده اند، چنین پاسخی داده است: «ما خواهان حفظ صلح در مرزهای لبنان هستیم، اما در صورت تحمیل جنگ، دارای آمادگی کامل هستیم. اسرائیل باید از سرزمین های ما عقب نشینی کند. صراحتا اعلام کرده ایم؛ هرگونه هجوم از سوی رژیم صهیونیستی به



حزب الله لبنان؛ این بوده که نشان دهد به شکل دقیق تحولات غزه را رصد می کند و هر آن، آماده کنش و واکنش است.

حزب الله لبنان در جریان تحولات غزه در سال ۱۴۰۲ نشان داد نیروی بی تجربه ای نیست که به شکل سراسیمه و هیجان زده، تمام توان رزمی و تسلیحاتی خود را در یک مدت کوتاه به نمایش بگذارد. بلکه به شکل تدریجی و حساب شده، سلاح های خود را رو کرد. در ابتدا حزب الله با موشک های کورنت و حملات خمپاره ای به اهدافی در شمال فلسطین اشغالی حمله می کرد اما در اواخر سال ۱۴۰۲ هجوم خود را با موشک های قدرتمند برکان و پهپادهای انتحاری اجرا کرده است.

از حیث تاکتیک روانی، حزب الله لبنان کاری کرده که اسرائیل در هر دو منطقه شمال و جنوب، ترس و هراس همزمان داشته باشد و تمرکز و توان دفاعی رژیم برای ادامه حملات، مختل شود. چنین راهبردی باعث شده که مقاومت فلسطین در نوار غزه نیز حال و روز مساعدتری برای ادامه جنگ داشته باشد.

حزب الله لبنان در نیمه دوم سال ۱۴۰۲ در یک راهبرد نظامی گسترده و چندجانبه، علاوه بر فلج کردن اقتصاد رژیم صهیونیستی، عملیات های هوشمندانه ای را علیه تجهیزات راداری و جاسوسی را اجرا کرد و با حملات حساب شده، بیش از ۲۰۰ هزار صهیونیست شهرک نشین را وادار به ترک منطقه کرد. یکی دیگر از ابعاد بازدارندگی لبنان در برابر اسرائیل، طرح معادله غیرنظامی در برابر غیرنظامی است؛ به این معنا که حزب الله، صراحتا اعلام کرده حملات رژیم صهیونیستی علیه مردم لبنان را به سرعت پاسخ می دهد و اجازه نمی دهد جان مردم لبنان، مورد تهدید قرار بگیرد. به عنوان مثال، پس از حمله ارتش صهیونیستی به یک خودرو در جنوب لبنان که موجب شهادت چند غیرنظامی شد، حزب الله لبنان بلافاصله اقدام به موشک باران شهرک های شمال سرزمین اشغالی از جمله شهرک کریات شومونه کرد.

### تأثیر آشکار مقاومت حزب الله بر مواضع لبنان

پافشاری حزب الله بر دفاع از آرمان فلسطین، بسیاری از سیاستمداران دیگر را نیز به سمت موضع گیری در برابر اسرائیل سوق داد. یکی از این سیاستمداران، نیبه بری رییس پارلمان لبنان است که بیش از سایرین، با صدایی رسا و جسورانه، در برابر اسرائیل موضع گرفت. او درباره دفاع از آرمان فلسطینی اعلام کرد: «با امید و مسرت می گویم؛ اکنون فلسطین تنها نیست و در شرایطی که برخی خود را از آرمان فلسطین و خون ملت فلسطین کنار کشیده اند،





## لبنان و بحران پناهندگان؛

### چرا غرب در روند بازگشت آوارگان سنگ می‌اندازد؟

علاوه بر آوارگان سوری، ۵۰ هزار نفر آواره عراقی و ۲۷۰ هزار نفر آواره فلسطینی ساکن لبنان هستند که در ۱۲ اردوگاه به سر می‌برند.

در شهریور ۱۴۰۲ یک بار دیگر موجی از آوارگان مناطق شمال و شرق سوریه به سوی لبنان رفتند و هکتور حجار وزیر امور اجتماعی لبنان، اعلام کرد که این وضعیت، بیروت را با شرایط سخت‌تری مواجه می‌کند. او حضور آمریکا در شمال سوریه و اقدامات مداخله جویانه و تحریک آمیز نیروهای آمریکایی را به عنوان عامل جدید آوارگی‌ها ذکر کرد. این مقام لبنانی همچنین اعلام کرد که تلاش ارتش و سرویس‌های امنیتی لبنان برای جلوگیری از ورود آوارگان جدید به این کشور اثر چندانی نداشته است. لبنان نیازمند ۴۰ هزار نظامی است تا کنترل مرزهای مشترک با سوریه را به دست گیرد و این در حالی است که هم اکنون، فقط ۸ هزار نیرو در این مناطق حضور دارند.

#### تصمیم موزیانه اروپا درباره آوارگان ساکن لبنان

یکی از رویکردهای مهم اتحادیه اروپا در سالیان گذشته این بوده که مانع از ورود آوارگان سوری به کشورهای عضو اتحادیه شود و آنان را در خاک کشورهای هم‌چون لبنان، ترکیه و عراق نگه دارد. در تابستان سال ۱۴۰۲، پارلمان اروپا در اقدامی غیرانسانی و مداخله جویانه، به اتفاق آرا تصویب کرد که آوارگان سوری مقیم لبنان، باید تا مدتی نامعلوم در خاک این کشور باقی بمانند. نکته تاسف بار اینجاست که پارلمان

شرایط بحرانی در اقتصاد لبنان در سال ۱۴۰۲ نیز ادامه داشت و یکی از عوامل تاثیرگذار، حضور میلیون‌ها آواره در این کشور است. حضور نزدیک به ۲ میلیون آواره در لبنان، علاوه بر تنگناهای امنیتی و اجتماعی، معضلات اقتصادی فراوانی برای دولت بیروت به وجود آورده است.

لبنان از دیرباز با مشکلات حضور آوارگان روبرو بوده اما در شرایط کنونی، با توجه به دشواری‌های بسیاری که در تامین مواد غذایی، انرژی و مسکن وجود دارد، موضوع آوارگان بیش از هر زمان دیگری توجه اذهان عمومی را به سوی خود جلب می‌کند. به ویژه با توجه به حضور آوارگان سوری، شرایط برای مردم لبنان سخت‌تر شده و به نظر می‌رسد که این معضل، در میان مدت قابل حل نیست.

با آن که خود لبنان کشور پرجمعیتی نیست و به عنوان یک کشور کوچک مدیریت‌شده‌ای، کمتر از ۶ میلیون نفر جمعیت دارد، اما بر اساس برآوردهای کمیساریای عالی آوارگان سازمان ملل که در سال ۱۴۰۲ انجام شده، لبنان پذیرای بیشترین تعداد آواره به ازای هر کیلومتر مربع در جهان است. اغلب آوارگان و پناهجویانی که ساکن لبنان هستند، از اهالی عراق، فلسطین و سوریه هستند و گفته می‌شود بیش از ۱ و نیم میلیون آواره سوری، سر از مناطق مختلف لبنان درآورده‌اند. این در حالی است که نه زیرساخت‌های بهداشتی و آموزشی و نه زیرساخت انرژی و حمل و نقل در لبنان، حتی کفاف خود لبنانی‌ها را نمی‌دهد و بدون شک، حضور آوارگان، به معنی تحمیل بار اضافی بر نظام اقتصادی سست و این کشور است.



آغوش باز از آوارگان سوری استقبال کرده و مردم این کشور، و هرچه را داشتند با آنها تقسیم کردند و حامی‌شان بوده‌اند.

### آوارگان، تورم و اقتصاد لبنان

داده‌های برنامه اسکان ملل متحد گویای این واقعیت است که بعد از بحران سوریه، به راه افتادن موج عظیم آوارگان به سوی لبنان، شرایط سختی را برای بازار مسکن کشور مقصد رقم زده و نقش فراوانی در افزایش تورم داشته است به نحوی که قیمت فروش و اجاره املاک و مستغلات در لبنان، به سطحی رسید که خود خانواده‌های لبنانی و به ویژه طبقه متوسط این کشور، تحت تاثیر رشد فزاینده تورم قرار گرفتند و لطمه دیدند. این همان متغیری است که باعث تشدید بحران اقتصادی در میان طبقه متوسط در لبنان گردید. بر اساس گزارش بانک جهانی، در یک سال اخیر، رشد ناخالص داخلی لبنان با کاهش سالانه ۲،۸۵ درصدی روبرو شد و افزایش تقاضا برای خدمات عمومی، مخارج سالانه دولت لبنان را از یک میلیارد دلار بالاتر برد.

### نگاه دولت لبنان به حل معضل آوارگان

بحران آوارگان در سال ۱۴۰۲ همچنان به عنوان یکی از مهم‌ترین مشکلات لبنان، دولت و مردم این کشور را با شرایط سخت مواجه کرد و تاثیر این موضوع بر معضلات اقتصادی لبنان، غیرقابل انکار است و موضوع آوارگان و بحران اقتصادی در یک سال اخیر، بر یکدیگر مترتب شدند به نحوی که از یک طرف، معیشت آوارگان تحت تاثیر تنش، ناآرامی و بی‌ثباتی اقتصادی لبنان قرار گرفت و از دیگر سو، جمعیت بالای آوارگان، باعث شد لبنان با معضلات پیچیده و در هم تنیده اقتصادی، امنیتی، و اجتماعی مواجه شود.

مقامات دولت لبنان در سال ۱۴۰۲ بارها اعلام کردند با توجه به اینکه درگیری‌ها در سوریه پایان یافته، باید برنامه روشنی برای بازگشت امن و مطمئن همه آوارگان سوری به وطنشان، طراحی و اجرا شود. بیروت خواهان توجه جدی سازمان‌های بین المللی است و از آن‌ها می‌خواهد، به جای پرداخت یک وجه ناچیز به منظور تامین هزینه اقامت آوارگان سوری در لبنان، این مبالغ را در اختیار خود آوارگان و دولت سوریه بگذارد و مقدمات بازگشت امن را برای آن‌ها فراهم کند.

اروپا، حتی ابایی نداشت که این اقدام بیش‌رمانه را پنهان کند. تی پری ماریانی نماینده فرانسه در پارلمان اروپا اعلام کرد که تصمیم مزبور، با رای اکثریت، منجر به صدور یک قطعنامه شده که از ماندن آوارگان سوری در لبنان حمایت می‌کند و این تصمیم از طریق یک پیام ویدئویی به مقامات بیروت ابلاغ شده است!

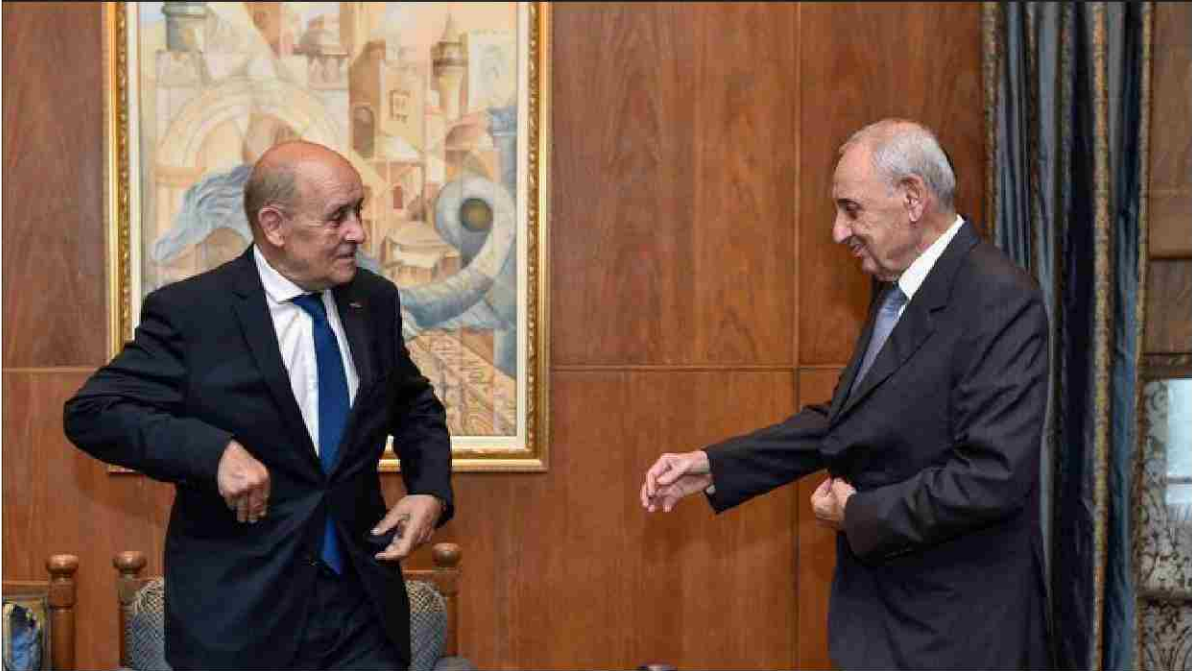
اقدام پارلمان اروپا با واکنش منفی خیل کثیری از سیاستمداران لبنانی مواجه شد و آن‌ها این اقدام مداخله‌جویانه را غیرانسانی و نقض حقوق بین الملل دانستند. عصام شرف‌الدین وزیر امور مهاجران دولت پیشبرد امور لبنان، تصمیم پارلمان اروپا را به عنوان دخالت در امور داخلی کشورش دانست و آن را محکوم کرد. او اعلام کرد که برخلاف تصور غلط مقامات اروپایی، لبنان نه یک مستعمره غربی، بلکه یک کشور مستقل است و دیگران حق ندارند در مورد آن، تصمیم‌گیری کنند. وی با اشاره به تلاش بیروت برای پیشرفت در موضوع بازگشت آوارگان سوری به زادگاهشان، از پارلمان اروپا درخواست کرد بابت این مصوبه غیرانسانی، از مردم و دولت لبنان عذرخواهی کند. همه این‌ها در حالی بود که به منظور حل معضل آوارگان، در سال ۱۴۰۲ چندین نشست بین مقامات دمشق و بیروت برگزار شد و هم‌اکنون نیز رایزنی و همفکری ارزشمندی بین لبنان و سوریه در جریان است.

همچنین نجیب میقاتی نخست وزیر دولت پیشبرد امور لبنان، طی سخنانی در کنفرانس بین المللی «روند رم»، که با هدف رسیدگی به معضل مهاجرت غیرقانونی، با حضور نمایندگان کشورهای مدیریتانه و خاورمیانه در ایتالیا برگزار شد، مراتب اعتراض کشورش به تصمیم پارلمان اروپا را اعلام کرد و گفت: «اتخاذ تصمیم جدید پارلمان اروپا درباره آوارگان سوری ساکن کشور ما، مصداق نقض حاکمیت لبنان بوده و غیرقابل قبول است». میقاتی همچنین به این موضوع اشاره کرد که حل این معضل، نیازمند یک مشارکت استراتژیک و تقویت هماهنگی بین اتحادیه اروپا، کشورهای مدیریتانه و لبنان است تا از این راه، صلح و امنیت لبنان محافظت شود و اروپا نیز به حل برخی مسائل مرتبط به مهاجرت و آوارگان کمک کند. میقاتی در عین حال، تاکید کرد که خود لبنان، با وجود اثرات منفی بحران اقتصادی و داشتن فرصت‌های شغلی بسیار محدود، با





## ابعاد چندلایه بحران سیاسی در لبنان؛ چه کسانی مانع خروج از بن بست هستند؟



اختلافات سیاسی لبنان را به نام خود تمام کند اما نشست مزبور نیز به شکست انجامید.

بعدها مشخص شد که در جریان نشست نیویورک، آمریکا از دیدگاه‌های قطر حمایت کرده و عربستان سعودی و فرانسه نیز در جبهه مشترکی قرار گرفته‌اند. به این ترتیب، کمیته‌ای که قرار بود به عنوان میانجی دیپلماتیک؛ موانع موجود را رفع کند، در میدان عمل به عامل تشدید اختلافات تبدیل شد. نکته شایان توجه این است که سیاست آمریکا در مورد لبنان، ابعاد موزیانه خود را رو کرد و باربرالیف، نماینده آمریکا در این نشست پنج جانبه تاکید کرد که به خاطر عدم توافق، واشنگتن تمایلی ندارد به کمک‌های خود به ارتش لبنان ادامه دهد.

روزنامه‌های لبنانی در سال ۱۴۰۲ بارها به سوءنیت آمریکا در مورد روند سیاسی بیروت اشاره کرده و نوشتند: «آنچه که واشنگتن به دنبال آن است، عبور از بن بست سیاسی در لبنان نیست بلکه به دنبال این است که مدیریت پرونده لبنان در دست فرانسه نباشد و صفر تا صد آن در اختیار دیپلمات‌های آمریکایی باشد». روزنامه الاخبار لبنان هم اشاره کرده که در طول سال ۱۴۰۲ مقامات واشنگتن به دنبال آن بوده‌اند که در برابر جبهه متشکل از فرانسه-عربستان، دیپلمات‌های قطری را به سوی خود

داد که در سال ۱۴۰۲ در نشست‌های پارلمان، اختلاف در جبهه مسیحیان و همچنین تفاوت دیدگاه جدی بین اهل سنت، نقش مهمی در شکست مذاکرات داشته و ادعاهای آمریکا، صحت نداشته است. جایگاه لبنان در منطقه، از منظر سیاسی و امنیتی اهمیت حیاتی دارد و علاوه بر اهمیت ژئوپولیتیک، پیشینه و اعتبار فکری و فرهنگی شایان توجهی دارد. اما لبنان امروز، گرفتار مشکلات و معضلات بزرگی همچون بن بست سیاسی و بحران اقتصادی است. در نتیجه رئیس جمهور جدید، برای تعامل با نخست وزیر و کابینه او و هدایت سیاست داخلی و خارجی کشور بر اساس توجه به استقلال، ثبات و وحدت، بسیار مهم است.

### ابتکار کمیته ۵ جانبه، یانچگیری یا رقابت؟

چندین کشور برای حل معضل سیاسی لبنان در حال رایزنی هستند و در تابستان سال ۱۴۰۲ کمیته پنج جانبه‌ای متشکل از سفرای مصر، قطر، عربستان، فرانسه و آمریکا جلساتی را با رئیس پارلمان لبنان به منظور توافق بر سر گزینه ریاست جمهوری برگزار کردند.

یکی از مهمترین نشست‌های کمیته ۵ جانبه در نیویورک برگزار شد و دولت جو بایدن به دنبال این بود که پیروزی دیپلماتیک پایان دادن به

مدت مدیدی از پایان دوران ریاست جمهوری میشل عون رئیس جمهور سابق لبنان سپری شده است. ماموریت او ۳۱ اکتبر ۲۰۲۲ میلادی پایان یافت اما از آن دوران تاکنون، برای انتخاب جایگزین عون توافقی صورت نگرفته است. در نتیجه لبنان عملاً در یک بن بست قرار گرفته و ناتوانی در تشکیل دولت و انتخاب رئیس جمهور در لبنان، در سال ۱۴۰۲ نیز تداوم یافت و این معضل، بر تمام ارکان زندگی مردم این کشور تاثیر گذاشته است.

لبنان از سال ۲۰۱۹ میلادی در یک بحران طاقت فرسای سیاسی و اقتصادی قرار گرفته و مدت‌هاست توسط کابینه موقت اداره می شود و عملاً رئیس جمهور ندارد. چندین نشست پارلمان لبنان در سال ۱۴۰۲ برای انتخاب رئیس جمهور جدید، بی نتیجه ماند و سه گروه سیاسی اصلی این کشور یعنی مسیحیان، مسلمانان اهل تشیع و مسلمانان اهل سنت، برای انتخاب رئیس جمهور جدید، به توافق نرسیدند.

قانونگذاران لبنانی ۱۲ بار در انتخاب رئیس جمهور جدید شکست خوردند. آمریکا تلاش کرده تا شکست در پارلمان لبنان را به اثرگذاری جمهوری اسلامی ایران بر تصمیمات حزب الله و شیعیان لبنان ربط دهد. اما شواهد روشن نشان



سیاسی لبنانی به دنبال انتخاب گزینه سوم و به طور مشخص ژنرال جوزف عون فرمانده ارتش هستند. اما در این زمینه هم توافق و اجماع وجود ندارد.

### ایهام درباره تصمیم سعد حریری

علاوه بر بن بست و انسداد در مورد انتخاب رئیس جمهور، درباره پست نخست وزیری نیز مشکلات قابل توجهی در فضای سیاسی لبنان در جریان است. یکی از رویدادهای سیاسی لبنان در سال ۱۴۰۲ اظهارات جدید سعد حریری نخست وزیر اسبق این کشور بود.

حریری در بهمن ماه از هواداران خود خواست یک راهپیمایی به راه اندازند و وانمود کنند که به صورت خودجوش، خواهان بازگشت حریری به صحنه سیاست هستند. هواداران جریان المستقبل، مدعی شدند که علاوه بر آن ها، چندین روحانی طراز اول لبنان نیز مصراحتاً از سعد حریری خواسته‌اند هر چه زودتر به دنیای سیاست بازگردند. در این میان، روزنامه الجریده چاپ کویت نیز به نقل از برخی فعالان سیاسی جریان المستقبل لبنان اعلام کرد که عبداللطیف دریان مفتی اهل سنت لبنان، مستقیماً از حریری خواسته در بیروت به فعالیت سیاسی بازگردد اما حریری پاسخ روشن و قاطعانه‌ای نداده و سیگنال‌های او در مورد بازگشت یا عدم بازگشت، نامفهوم مبهم است.

قبول همگان باشد.

### فرنجیه؛ سیاستمداری که نمی‌خواهد باج بدهد

با وجود حمایت چند جریان سیاسی لبنان از فرنجیه، هنوز هم توافق نهایی حاصل نشده است. اظهارات و مواضع سیاسی پیشین سلیمان فرنجیه نشان داده که او از توانایی بالایی برای تعامل با همه گروه‌های سیاسی برخوردار است و همچنین برای استقلال سیاسی کشورش، بهای ویژه‌ای می‌دهد. او قبلاً گفته بود که به هیچ وجه حاضر نیست پست ریاست جمهوری را گدایی کند. معنا و مفهوم این سخن هوشمندانه فرنجیه، این است که اهل باج دادن برای رسیدن به پست و مقام نیست و اصول سیاسی و اخلاقی را فدای معامله با گروه‌هایی نمی‌کند که به دنبال کسب رانت‌های مالی از قدرت سیاسی هستند.

تداوم وضعیت بن بست در فضای سیاسی لبنان و عدم انتخاب رئیس جمهور، به موازات پافشاری احزاب و جریان‌های سیاسی بر مواضع و نامزدهای خود، فرایند انتخاب رئیس جمهور جدید را وارد یک مسیر پیچ و خم کرده و عبور از این تنگنا، نیاز به توافق یا تغییر در موازنه قوای داخلی دارد. در سال ۱۴۰۲ حزب الله و جنبش امل لبنان حمایت خود را از سلیمان فرنجیه رئیس جریان المرده به عنوان نامزد تصدی پست ریاست جمهوری اعلام کردند اما جناح مقابل، همچنان از جهاد ازعور حمایت کرد. در عین حال، برخی از دیگر جریان‌های

جذب کنند و طرحی را در لبنان پیش ببرند که برخلاف خواسته‌های سیاسی و امنیتی پاریس و ریاض باشد».

دسیسه آمریکایی‌ها برای اثرگذاری بر روند توافق لبنان، باعث شده فرانسه نیز در اعمال دیدگاه‌های خود ناکام بماند و آشکارا به مقامات بیروت بگوید که تنها راه ممکن برای گذار از وضعیت موجود، توافق بین خود گروه‌های سیاسی لبنان است و نباید از دیگران انتظاری داشته باشند.

در تابستان سال ۱۴۰۲ دولت فرانسه بارها به منظور تسریع در حل معضل سیاسی لبنان وارد صحنه شد. دیدار مداوم دیپلمات‌های فرانسوی با نبیه بری رئیس قدرتمند پارلمان لبنان و دیگر رهبران سیاسی به نتایج روشنی نرسید و رایزنی با کشورهای دیگری همچون قطر و عربستان سعودی نیز کمکی به روند مزبور نکرد.

در آذر ماه سال ۱۴۰۲ نزار العلو مشاور دربار پادشاهی عربستان و ولید بخاری سفیر این کشور در لبنان با همراهی دیپلمات‌های فرانسوی، با نمایندگان اهل سنت در پارلمان لبنان از جمله وائل ابو فاعور و فؤاد مخزومی دیدار کردند و به آنها اعلام کردند که پاریس و ریاض، دیدگاه واحدی دارند. آن ها تأکید کردند که رئیس جمهور جدید لبنان نباید برای یک از سه طرف سیاسی پارلمان چالش آفرین باشد، بلکه باید نماینده ای از طرف تمامی احزاب و جریانات سیاسی لبنان بوده و مورد







## تداوم بحران گازی میان لبنان و اسرائیل در مدیترانه شرقی / تلاش تل‌آویو برای امنیت‌سازی و حفظ بقاء

ارائه داده است. اما برخلاف ادعای آمریکا، لبنان هنوز هم شرایط بهره برداری از منابع مزبور را در اختیار ندارد. رژیم صهیونیستی با ادامه استخراج گاز، مایع کردن آن در مصر و صادرات به سمت اروپا، درآمدهای کلانی به دست می‌آورد.

اسرائیل حقوق کامل و بلامنزاع بر میدان گازی «کاریش» را به دست آورده و لبنان در میادین موسوم به قانا یا صیدا، اقدام خاصی صورت داده است. شرکت انرژی قانا که در بلوک ۹ لبنان واقع شده، باید بر اساس توافق قبلی ۱۷ درصد از درآمد نهایی خود را به اسرائیل بدهد. اما مساله اینجاست که رژیم صهیونیستی با کارشکنی و ایجاد مانع، شرایط را به نفع خود پیش برده است. از دیگر سو، شرکت فرانسوی توتال نیز برخلاف تعهدات قبلی، اکنون اقدام خاصی انجام نداده که سودی برای لبنان داشته باشد.

برخی از کارشناسان معتقدند که رژیم صهیونیستی، شرایط را به نحوی رقم زده که لبنان عملاً متضرر شود. با آنکه اسرائیل متعهد شده که در اجرای توافق، حُسن نیت نشان دهد اما به باور سهیل شتیلا کارشناس مالعات انرژی، رژیم صهیونیستی در موقعیتی قرار گرفته که می‌تواند حتی بر سر راه توتال نیز مانع تراشی کند و کاری کند که توسعه استخراج در میدان گازی قانا برای لبنان ناممکن شود. در همین حال، کارشناسان غربی همچون مایک آزار، کارشناس امور مالی انرژی به این اشاره کرده‌اند که اسرائیل، مسائل کلیدی اقتصادی و مالی مربوط به مشارکت در سود را روشن نکرده و همه را به آینده موکول کرده است. در نتیجه، فعالیت لبنان برای اکتشاف و توسعه میدان گازی قانا منوط به تایید اسرائیل و ترتیبات مالی آتی بین توتال و رژیم است. یعنی به عبارتی روشن، استخراج گاز در میدان کاریش به دست اسرائیل، کاملاً ممکن و مسیر آن هموار است و لبنان در دسری برای اسرائیل به وجود نمی‌آورد اما کار در قانا برای لبنانی‌ها، در حاله‌ای ابهام است.

رژیم صهیونیستی در سالیان اخیر با بهره برداری مداوم از منابع گازی شرق مدیترانه، راه را برای انتفاع لبنان بسته است. لبنان نیز به خاطر معضلات سیاسی و اقتصادی داخلی، نتوانسته برای استفاده از حقوق خود در شرق مدیترانه، گام موثری بردارد.

نیاز روزافزون غرب به گاز طبیعی به ویژه پس از جنگ روسیه-اوکراین، باعث شده که توجه به منابع مدیترانه شرقی اهمیت بیشتری پیدا کند. در این میان رژیم صهیونیستی، به دنبال آن است که در این میدان نقش اساسی را بر عهده داشته باشد و مانع از کنشگری لبنان، سوریه، مصر و دیگران در موازات آتی اقتصادی منطقه شود.

کشف حدود ۶۰ تریلیون فوت مکعب گاز در حوزه شرق مدیترانه، اهمیت استراتژیک این منطقه را بیشتر کرده و بررسی های زمین شناسی موسسات غربی، نشان داده که امکان اکتشاف میادین بزرگی با ۱۲۲ تریلیون فوت مکعب گاز و ۱.۷ تریلیون بشکه نفت خام، دور از ذهن نیست. حتی بر محققین گازی، بر این باورند که میزان گاز موجود در اعماق دریای مدیترانه قادر است پاسخگوی مصرف گاز کل اتحادیه اروپا برای ۷۶ سال باشد و چنین چیزی می‌تواند روابط رژیم صهیونیستی و اتحادیه اروپا را در آینده دستخوش تحول کند.

### عدم پایبندی اسرائیل به توافق با لبنان

با وجود توافقاتی که به وجود آمد و راه را برای حفظ حقوق دریایی لبنان هموار کرد، اما با این حال، در سال ۱۴۰۲ نیز بهره برداری رژیم صهیونیستی و محرومیت لبنان از منابع گازی مزبور، ادامه یافت.

آمریکایی‌ها در سال ۲۰۲۲ میلادی، اعلام کرده بودند که توافق بین لبنان و اسرائیل، یک راه حل دائمی و عادلانه



به وجود آمده تا در حوزه اقتصادی نیز لبنان را در تنگنای بیشتری قرار دهند. این درحالی است که خود رژیم با برداشت گاز از میدین لویاتان و تامار، به خودکفایی گازی یافته و حتی موفق به صادرات گاز شده است. رژیمی که قبلاً از مصر گاز وارد می‌کرد، حالا در یک روند معکوس، به مصر گاز می‌فرستد تا در آنجا به حالت مایع درآمد و با کشتی‌های مخصوص روانه بازار اروپا شود.

برجسته شدن اهمیت استفاده از گاز طبیعی به عنوان یک ابزار اقتصادی و سیاسی، بر سیاست خارجی رژیم صهیونیستی نیز تاثیر گذاشته است. هدف عمده اسرائیل از پیشبرد سیاست‌های انرژی، امنیت‌سازی و حفظ بقا است. لذا تل‌آویو برای دستیابی به هدف مزبور و ایجاد هم‌مونی گازی در شرق مدیترانه از همه ابزارها استفاده می‌کند. به طور طبیعی، ممکن است در این مسیر، طرح‌های توسعه طلبانه و اشغالگرانه رژیم صهیونیستی به گونه‌ای پیش برود که لبنان از آن متضرر شود. امروزه در لبنان، تامین بنزین و همچنین تامین گاز و سوخت برای مصرف خانگی و نیروگاهی، به یک معضل جدی تبدیل شده و در صورتی که دولت لبنان بتواند حقوق گازی خود را در مدیترانه شرقی حفظ کند و از منابع موجود بهره برداری کند، بخش قابل توجهی از مشکلات لبنان حل خواهد شد.

تحقیقات شرکت انگلیسی اسپکتروم بر روی منطقه دریایی مزبور نشان داده که ذخایر گاز قابل استحصال در لبنان حدود ۲۵.۴ تریلیون فوت مکعب است. اما خود مقامات لبنانی برآوردهای بالاتری دارند ولی تلاش آن‌ها برای کار با توتال فرانسه و شرکت ایتالیایی ائی به نتیجه نرسیده است. یک مدل تحقیقاتی بررسی میزان ذخایر شرق مدیترانه که توسط لبنان اجرا شده، حاکی از این است که امکان برداشت ۶ میلیارد دلاری لبنان، می‌تواند بخشی از مشکلات اقتصادی این کشور را حل کند.

در شرایطی که بسیاری از منازعات و چالش‌ها در منطقه خاورمیانه بر سر منابع و سوخت‌های فسیلی است، توجه به منابع شرق مدیترانه، اهمیت حیاتی پیدا کرده است. آن هم در شرایطی که لبنان به عنوان یکی از ذینفع‌های منابع مزبور، در شرایط اقتصادی سخت و ناگواری قرار دارد. رژیم صهیونیستی در نقطه کانونی منازعه بر سر منابع گازی مدیترانه شرقی، می‌کوشد در جمع فروشندگان گاز، جایی برای خود دست و پا کند. در همین حال، نیاز راهبردی اسرائیل به گاز و دیگر منابع دریای مدیترانه، شرایط امنیتی نوینی را به وجود آورده است که می‌تواند منافع ملی لبنان را حتی با وجود توافق پیشین، به خطر اندازد. در شرایطی که منابع گازی به عنوان یک منبع جدید چالش و تنش در منطقه مورد توجه قرار گرفته، فرصتی برای صهیونیست‌ها







# اهداف تل‌آویو از راه‌اندازی جنگ آب علیه لبنان و کشورهای عربی چیست؟

است و میانگین استاندارد سازمان بهداشت جهانی (WHO) نزدیک به ۱۵۰ لیتر است. از زمان امضای توافقنامه صلح بین اردن و اسرائیل در سال ۱۹۹۴ میلادی، رژیم صهیونیستی متعهد شده که سالانه بین ۲۵ تا ۵۰ میلیون مترمکعب آب اردن را تامین کند اما بارها این تعهد را نقض کرده و اردن را در شرایط دشوار قرار داده است. موضوع آب اکنون در کانون تنش‌های ژئوپلیتیکی بین اسرائیل و قرار دارد. ایمن صفدی وزیر امور خارجه اردن اعلام کرده در شرایطی که اسرائیل به کشتار مردم غزه ادامه می‌دهد، نمی‌تواند کنار یک وزیر صهیونیست بنشیند و توافقنامه آب و برق امضا کند.

عالم سبانه، کارشناس ژئوپلیتیک در اردن بر این باور است که صلح بین اسرائیل و اردن شکننده است زیرا اردن با یک بحران عمیق مواجه است و ناچار مانده بخش مهمی از آب مورد نیاز خود را از اسرائیل تامین کند.

تلاش‌های اسرائیل برای افزایش امنیت آبی، علاوه بر لبنان، سوریه، فلسطین و اردن را نیز با شرایط دشواری روبرو کرده است. رژیم صهیونیستی، آشکارا به منابع آب اردن و سوریه دست اندازی کرده و بر خلاف قرارداد سال ۱۹۹۴ در مورد تقسیم آب رود اردن، حقله را به نصف رسانده است. در همین حال، تشکیلات خودگردان فلسطین از حوضه آبی کوهستان ساحل غربی رود اردن سهم ناچیزی دارد و با

روزانه حدود ۱۲۰۰۰ متر مکعب آب پمپاژ می‌کند و آب ۷۰ روستا و شهر را تامین می‌کند اما حالا و به دنبال تخریب تاسیسات مزبور، عملاً در خط مرزی، بحران شدید آب آشامیدنی به جود آمده است. در همین حال، شرایط خطرناک نظامی مانع دسترسی ساکنان جنوبی به رودخانه و چشمه‌ها می‌شود.

حملات هوایی و توپخانه‌ای رژیم صهیونیستی به مرز لبنان، باعث ایجاد کمبود آب آشامیدنی شد و مرزنیسان، با جمع آوری آب باران و کشیدن آن از طریق لوله‌های پلاستیکی از پشت بام منازل خود، به شکل محدود و سخت، آب مورد نیاز خود را تامین می‌کنند. در مناطق دیگر نیز، روستاییان لبنان، به حفر چاه روی آورده‌اند که بهداشت و سلامتی آنان را به خطر می‌اندازد. بر اساس داده‌های وزارت کشور لبنان، جمعیت منطقه مرزی جنوب لبنان تقریباً ۱۳۳۶۰۰ نفر است که در ۸۳ شهر و روستا پراکنده شده و حالا دست کم نیمی از این جمعیت، برای تامین آب آشامیدنی دچار مشکل هستند.

## تهدید آبی اسرائیل علیه اردن

این تنها لبنان نیست که با اقدامات ددمنشانه و غیرانسانی اسرائیل در حوزه امنیت آبی روبرو است. اردن نیز چنین وضعیتی دارد. اردن در سال ۱۴۰۲ نیز به خاطر اقدامات مودیانه اسرائیل، بارها با مشکل کمبود آب روبرو شد. آن هم در شرایطی که متوسط مصرف روزانه آب در اردن تنها ۷۰ لیتر

اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه لبنان در سال ۱۴۰۲ هم ادامه داشت و این رژیم در یک سال اخیر، علاوه بر تهدیدات مستقیم تروریستی و ضدامنیتی، در حوزه امنیت آب نیز به لبنان لطمه زده است. مقامات بیروت گفته‌اند که در یک سال گذشته، دهه شهر و روستای مرزی در جنوب لبنان از کمبود شدید آب رنج می‌برند. چرا که ارتش اسرائیل اکثر زیرساخت‌ها و تاسیسات تصفیه و تامین آب آشامیدنی را ویران کرده است. در پاییز سال ۱۴۰۲ پروژه ایستگاه پمپاژ آب چشمه وازانی، بزرگترین ایستگاه پمپاژ آب در جنوب لبنان به خاطر حملات هوایی لبنان ویران شد. حق پمپاژ آب از رودخانه حسیانی از سال ۲۰۰۲ یکی از مهمترین مناقشات بین لبنان و اسرائیل بوده است.

احمد المحمد، از مقامات محلی لبنانی اعلام کرده که حملات اسرائیل به تجهیزات برق، پمپ‌ها و شبکه‌های توزیع پروژه آب آسیب رسانده و منجر به توقف پمپاژ آب به روستاها و شهرهای متعدد در منطقه مرزی شده است. رژیم حتی اجازه نداده که کارگران فنی، برای تعمیر تاسیسات به منطقه بروند و با توپ باران مسیر، مانع از بازسازی تاسیسات شده است.

همچنین علی الزین، رئیس سابق فدراسیون شهرداری‌های جبل عامل که زمانی بر ساخت پروژه آب وازانی تا افتتاح آن نظارت داشت، اعلام کرده که این پروژه





صدور قطعنامه ۲۴۲ سازمان ملل متحد، رژیم صهیونیستی از آنجا خارج نشده است. یکی از دلایل علاقه اسرائیل به جولان این است که این منطقه سرچشمه منابع آبی مناطق مجاور و منبع بسیار مهمی برای اراضی این منطقه بوده و از حیث منابع آب سطحی و زیرزمینی بسیار غنی است. دریاچه مسعد در شمال شهر قنيطرة و مشرق شهر مسعد، و دریاچه طبریه یا دریای جلیل میان جولان و فلسطین و رودهای پرآبی چون رود اردن در مغرب جولان و رقاد در شمال جولان، باعث شده که رژیم صهیونیستی همچنان به شکل اشغالگرانه در این منطقه بماند.

مرور دیدگاه‌های سیاسی ضدانسانی رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد که این رژیم از نیم قرن قبل جنگ آب را آغاز کرده و امروز که به مرور جنگ آب به موضوعی محتمل در خاورمیانه تبدیل می‌شود، اسرائیل از منابع آبی جولان دست نخواهد کشید. کما اینکه در اجلاس اول صهیونیست ها در شهر بازل سوئیس در آگوست سال ۱۸۹۷ میلادی به این مساله اشاره شده که بدون آب، تاسیس دولت صهیونیستی ممکن نخواهد بود.

پروژه‌ای به نام حامل ملی آب ایجاد کرده که شامل کانال‌ها، خطوط لوله و ایستگاه‌های پمپاژ است و آب را از دریای جلیل از مناطق پر آب شمالی به بخش‌های مرکزی و جنوبی منتقل می‌کند.

بلندی‌های جولان در جنوب غربی ترین بخش خاک سوریه، از سال ۱۹۶۷ در اشغال رژیم صهیونیستی است. جولان یک فلات استراتژیک است که در میان اسرائیل و سوریه واقع شده و مشرف به جنوب لبنان است. این منطقه فقط ۷۰ کیلومتر از دمشق فاصله دارد. ارتفاع بلندی‌های جولان از سطح دریا بین ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ متر متغیر است. این منطقه از نظر نظامی، ارتفاعات استراتژیک قلمداد می‌شود. جولان در سال ۱۹۶۷ به تصرف اسرائیل درآمد و با وجود

مشکل جدی مواجه مانده است. در دیگر سو، اشغال بلندی‌های جولان، سوریه را از منابع آبی دریاچه جلیل محروم ساخته است. در این شرایط، اسرائیل انگیزه‌ای قوی برای توسعه تکنولوژیکی به منظور بهبود امنیت آبی داشته و در حوزه شیرین‌سازی نیز اقداماتی انجام داده تا آب مورد نیاز خود را به راحتی تامین کند. اسرائیل با اتکا بر ظرفیت بالای شیرین‌سازی،

با استفاده از پنج کارخانه بزرگ تولید آب شیرین در سورک و اشداد، در شرایط ایده آل قرار گرفته اما زندگی را برای مردم لبنان، فلسطین و اردن، سخت کرده است.

اسرائیل متکی به دو سفره اصلی زیرزمینی شامل سفره آب زیرزمینی ساحلی و سفره آب زیرزمینی کوهستان است که هر دو آنها، زیر غزه و زیر کرانه باختری قرار دارند. آب‌های سطحی اسرائیل، عمدتاً در شمال و شرق متمرکز شده و دست‌اندازی به منابع رود اردن، شرایط را برای اردن و سوریه سخت کرده است. اسرائیل، بدون آنکه مرزهای فیزیکی خود را افزایش دهد، منابع آبی داخلی خود را گسترش داده و خطر درگیری‌های بین‌المللی بر سر آب را کاهش داده است. همچنین تل‌آویو









## پرونده عراق

چکیده:

از جمله تحولات سیاسی مهم عراق برگزاری اولین انتخابات شوراهای استانی عراق بعد از ۱۰ سال بود. این انتخابات با وجود آنکه از سوی جریان صدر تحریم شده بود مردم عراق از آن استقبال خوبی کردند. بر اساس گفته کارشناسان عراقی می توان گفت که دولت السودانی موفق شد حیثیت دولت و دستگاه های امنیتی را بازگرداند و السودانی در مدت یک سال از دوره خود موفق شد نقش خود و دولت را به عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح اثبات کند. این امر به وضوح در تدارکات امنیتی پیش از انتخابات محلی منعکس شد که در نوع خود از نظر حفظ امنیت و عدم نقض امنیت از سال ۲۰۰۸ بی نظیر بود.

یکی دیگر از تحولات سیاسی مهم عراق آغاز رویکرد هم گرایانه عراق و عربستان بود. پس از آنکه عراق دوران مبارزه با تروریست های تحت حمایت آمریکا و عربستان سعودی را پشت سر گذراند و تصمیم عربستان و ایران برای آغاز روابط دیپلماتیک پس از وقفه ۷ ساله از سوی همه کشورهای منطقه به جز اسرائیل اتفاق خوشایندی تلقی شد روابط سیاسی عربستان و عراق نیز به سمت مسیر هم گرایی پیش رفت. عراق در سال گذشته شاهد رفتارهای جدیدی در عرصه اقتصادی بود. آخرین نقطه عطف در روابط ریاض و بغداد این بود که شهر جده عربستان میزبان پنجمین نشست شورای هماهنگی بین دو کشور شد.

همزمان با آغاز عملیات طوفان الاقصی گروه های مقاومت اسلامی عراق اعلام کردند در دفاع از ملت فلسطین و پایان دادن به اشغالگری آمریکا پایگاه های نظامی این کشور در منطقه را هدف قرار می دهند. این اقدام داوطلبانه در ساحت سیاسی داخلی عراق با واکنش های متعددی روبرو شد. اراده مردمی، در صحنه سیاسی شیعه نیز مردود شد.





# نمایش اقتدار گردان‌های مقاومت عراق در میدان طوفان الاقصی



عنوان بخشی از تلاش در برابر اشغالگران آمریکایی در عراق و در پاسخ به قتل عام اسرائیل در غزه انجام شده است.

خبرگزاری مهر، گروه بین الملل: گروه‌های مقاومت اسلامی عراق از روزهای آغازین عملیات طوفان الاقصی در کنار سایر نیروهای

## شهادت مقاومت در راه قدس

گروه‌های مقاومت اسلامی عراق در دفاع از ملت مظلوم غزه و اخراج اشغالگران آمریکایی از کشورشان در نبرد با آمریکا تعدادی از فرماندهان ارشد خود را تقدیم خط مقاومت نمود.

منابع عراقی، دهم فوریه از حمله پهپادهای ناشناس به یک خودروی غیرنظامی در شرق بغداد خبر داده بودند که به دنبال آن، گزارش‌هایی از شهادت چند نفر در برخی رسانه‌ها منتشر شد. ساعتی بعد گروه مقاومت کتاب حزب‌الله در بیانیه‌ای تایید کرد که «ابو باقر الساعدی» از فرماندهان ارشد این گروه و سازمان الحشد الشعبی، در این حمله تروریستی آمریکا به شهادت رسیده است.

## عبور آمریکا از خط قرمز و تجاوز به حاکمیت عراق

حملات آمریکایی‌ها به پایگاه‌های حشد الشعبی و نیروهای مقاومت اگر چه تازگی ندارد اما این بار این اقدام با واکنش چارچوب هماهنگی شیعیان روبرو شد و از دولت عراق خواسته شد نسبت به این تجاوز واکنش مطلوبی از خود نشان دهد.

فرودگاه الحریر ۱۰ بار و مواضع ارتش آمریکا در پایگاه عین الاسد ۱۶ بار هدف حملات راکتی و پهپادی گروه‌های مقاومت قرار گرفتند.

همچنین گروه‌های مقاومت عراق در این مدت بارها سرزمین‌های اشغالی به ویژه شهر ایلات را هدف حملات راکتی و پهپادی خود قرار دادند.

محور مقاومت عراق علیه پایگاه‌های ارتش آمریکا به عنوان پشتیبان اصلی جنگ غزه، عملیات‌های نظامی مهمی را انجام داد. یکی از نقاط هدف، منطقه التنف اشغالی بود که باعث واکنش شدید ایالت متحده از یک سو و وارد کردن فشار سیاسی بر دولت عراق برای جلوگیری از ادامه حملات گروه‌های مقاومت اسلامی علیه مواضع این کشور عراق و منطقه از سوی دیگر بود.

خبرگزاری «اسپوتنیک» به نقل از یک منبع میدانی در سوریه خبر داد پایگاه «التنف» در مثلث مرزی عراق، سوریه و اردن با ۴ پهپاد هدف حمله قرار گرفته است. این منطقه در کنترل ارتش آمریکا است. فرماندهی مرکزی ایالات متحده آمریکا (سنتکام) اعلام کرد که سه سرباز این کشور در جریان یک حمله پهپادی کشته شدند.

مقاومت عراق اعلام کرد که این عملیات‌ها به

مقاومت منطقه با دو هدف توقف وحشگری و تجاوز رژیم صهیونیستی به غزه و بیرون کردن نیروهای نظامی آمریکا از عراق مواضع و پایگاه‌های آمریکایی در عراق و منطقه را هدف قرار دادند.

گروه‌های مقاومت در حمایت از مردم فلسطین سلسله حملاتی را علیه نیروهای پشتیبانی ارتش اسرائیل در منطقه (تروریست‌های سنتکام) و سرزمین‌های اشغالی آغاز کردند. آنها در جریان این حملات، پایگاه‌های متعلق به اشغالگران آمریکایی در منطقه و مواضع ارتش رژیم صهیونیستی در فلسطین اشغالی را با استفاده از راکت، پهپاد و موشک‌های مختلف مورد هدف قرار دادند.

گروه‌های مقاومت عراق پس از آغاز درگیری‌های اخیر در منطقه، در یک ماه و نیم بعد از جنگ غزه حداقل ۲ حمله علیه پایگاه تل بیدر، ۶ حمله علیه پایگاه الشدادی، ۶ حمله علیه پایگاه کونکو، ۱۲ حمله علیه پایگاه العمر، ۶ حمله علیه پایگاه التنف، ۴ حمله علیه پایگاه الرمیلان (خراب الجیر)، ۱ حمله علیه پایگاه قسرک و ۱ حمله علیه پایگاه المالکیه در سوریه ترتیب دادند. در عراق نیز پایگاه ویکتوری و مواضع آمریکایی‌ها در فرودگاه اربیل هر کدام ۱ بار،



از مزدوران عراقی از مرزها و منافع ملت عراق حفاظت کردند اما با نفوذ برخی از مزدوران که اطلاعات مقاومت را در اختیار دشمن آمریکایی قرار دادند برخی از فرماندهان مهم خود را در این ایام از دست دادند.

شیخ «اکرم الکعبی» دبیرکل جنبش مقاومت اسلامی النجباء عراق طی پیام مهمی در خصوص توقف موقت حملات گروه‌های مقاومت اعلام کرد: «آرامش فعلی، تاکتیکی موقت برای تجدید آرایش نیروهای ماست و آرامش پیش از طوفان به حساب می‌آید. با توجه به وجود خائن و مزدورانی که اطلاعات مقاومت و مواضع ما را در اختیار دشمن قرار دادند، ضروری بود که جهت حمایت از برادرانمان، در ساختار و آرایش خود تغییراتی ایجاد کنیم. شگفتی در راه است و هرکس آگاهی نظامی داشته باشد، می‌داند که این رویکرد ما به چه معناست. تصمیم ما ثابت، واضح و صریح است: متوقف نخواهیم شد و سازش نخواهیم کرد. به حمایت از غزه و اخراج اشغالگران از سرزمین‌مان ادامه خواهیم داد. سینه ما از برخی خودی‌ها به درد آمده است. درست زمانی که به مقابله با اشغالگران برخاسته‌ایم و در این راه خون می‌دهیم، خنجر به پهلویمان می‌زنند.»

رایزنی‌های سیاسی را با دولت‌های منطقه از جمله مسئولان سیاسی عراق داشتند. آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا که برای رایزنی و کاهش فشارها به اسرائیل در منطقه در رفت و آمد است تلاش می‌کند تا هم‌پیمانان آمریکا را برای آرام کردن اوضاع در غزه با خود همراه کند. درخواست از دولت عراق برای آرام کردن گروه‌های مقاومت عراقی که پایگاه‌های آمریکایی را از آغاز حمله اسرائیل به غزه مورد حمله قرار داده‌اند یکی از اهداف مهم سفر وزیر خارجه آمریکا به منطقه بود.

بلینکن تلاش کرد تا دولت سودانی را برای تغییر مواضع خود درباره غزه تحت فشار قرار دهد و از سوی دیگر برای توقف حملات گروه‌های مقاومت اقدام نماید.

نخست وزیر عراق نیز بعد از حمله مهم مقاومت به التنف اشغالی برای جلوگیری از تشدید تنش‌های جدید تلاش‌های فشرده‌ای را آغاز کرد که کمترین نتیجه آن این بود که کتائب حزب الله طی بیانیه‌ای از تعلیق موقت حملات خود به پایگاه‌های آمریکایی خبر داد.

### خنجر مزدوران خودی به پهلوی مقاومت

سال‌ها است که گروه‌های مقاومت اسلامی و بسیج مردمی عراق در شرایط خیانت برخی

کمیته هماهنگی شیعیان در عراق موسوم به «الاطار التنسیقی» ضمن محکوم کردن جنایت ترور شهید ابو باقر الساعدی خواستار اتخاذ موضعی ملی، سیاسی برای توقف این حملات شد و اعلام کرد که آمریکا از خطوط قرمز عراق عبور کرده و دولت می‌بایست به تلاش‌های خود برای پایان دادن به ماموریت ائتلاف بین‌المللی و حملات سریالی و خصمانه آن و حفظ امنیت شهروندان ادامه دهد.

### خط و نشان آمریکا برای دولت عراق و توقف حملات مقاومت

به دنبال کشته شدن سه سرباز آمریکایی در حمله پهبادی گروه‌های مقاومت در نزدیکی مرز اردن و سوریه پنتاگون اعلام کرد که ردپای کتائب حزب الله در این حملات دیده می‌شود.

اگرچه ایالات متحده نیز در این مدت حملاتی را علیه گروه‌های مقاومت عراق انجام داد که منجر به شهادت عده‌ای از فرماندهان و مجاهدان مقاومت شد اما آنها با تلاش‌های سیاسی خود در این مدت سعی کردند دولت عراق را تحت فشار قرار دهند تا از این طریق بتواند از حجم حملات گروه‌های مقاومت علیه اشغالگران آمریکایی در منطقه بکاهد.

مقامات سیاسی آمریکا در ماه‌های اخیر



### بهره سخن

گروه‌های مقاومت اسلامی عراق از سال ۲۰۰۳ تاکنون در حفظ امنیت و ثبات این کشور حامی ملت و منافع عراق بودند. پس از شهادت فرماندهان مقاومت و مصوبه اخراج نیروهای اشغالگر آمریکایی و تعلل در اجرای این قانون گروه‌های مقاومت به دنبال اخراج نیروهای اشغالگر آمریکایی با انجام عملیات نظامی برآمدند. پس از عملیات طوفان الاقصی گروه‌های مقاومت به دنبال هدف دوگانه خود در دفاع از ملت مظلوم غزه و اشغال اخراج نیروهای اشغالگر آمریکایی پایگاه‌های آمریکا را در عراق و منطقه را مورد حملات شدیدی قرار دادند. در واقع نقش راهبردی گروه‌های مقاومت اسلامی عراق بعد از طوفان الاقصی در ساحت سیاسی این کشور بسیار تعیین کننده خواهد بود و آمریکا نمی‌تواند بدون توجه به جایگاه مردان مقاومت برای آینده سیاسی عراق تصمیم‌گیری کند.



## راهبرد نظامی مقاومت در اخراج اشغالگران آمریکایی از عراق



گزینه بیرون رفتن اشغالگران آمریکایی از خاک عراق را گزینه نظامی معرفی کردند.

در نیمه دوم سال گذشته گروه‌های مقاومت اسلامی عراق با شروع عملیات طوفان الاقصی با دو هدف دفاع از ملت مظلوم غزه و مبارزه با اشغالگری آمریکا حملات خود را علیه پایگاه‌های نظامی آمریکا در عراق و منطقه آغاز کردند.

در این مدت پایگاه‌های آمریکایی بارها مورد حملات نظامی گروه‌های مقاومت قرار گرفتند و متحمل خسارات جانی و مالی شدند. آمریکایی‌ها نیز در این ایام با حمله به مقرهای مقاومت برخی از فرماندهان حشدالشعبی و نیروهای مقاومت عراق را به شهادت رساندند.

در این میان شخصیت‌های سیاسی عراق در پی حمله به فرماندهان مقاومت به عنوان حافظان امنیت عراق توسط اشغالگران آمریکایی خواستار اخراج نیروهای بیگانه و خصوصا آمریکایی‌ها از این کشور شدند.

محمدشیاع السوداني، نخست‌وزیر عراق در دیدار با یتس استولتنببرگ، دبیرکل ائتلاف نظامی ناتو تأکید کرد موضوع خروج نظامیان خارجی از کشورش در دستورکار کابینه وزرا قرار گرفته و آماده اجرایی شدن است.

«هادی العامری» دبیر کل سازمان بدر با صدور بیانیه‌ای از دولت عراق خواست تا تمام اقدامات لازم را برای تعیین یک جدول زمانی «کوتاه» برای خروج نظامیان ائتلاف بین المللی به سرکردگی آمریکا از عراق انجام دهد. وی گفت: پس از همه دستاوردها و پیروزی‌های بزرگی که نیروهای امنیتی و نظامی ما در نبرد با گروه تروریستی داعش به دست آورده‌اند و در اوج توانایی خود قرار دارند، واقعا شرم آور است که برخی استدلال کنند که به بهانه کمک به نیروهای امنیتی عراق برای از بین بردن بقایای هسته‌های تروریستی نیروهای ائتلاف باید باقی بمانند. وی در این بیانیه از دولت عراق خواست تا به دور از مراحل تعلل که قبلا رخ داده است، تمام اقدامات لازم را برای تعیین جدول زمانی جدی، مشخص و کوتاه مدت جهت خروج نیروهای ائتلاف بین المللی از عراق انجام دهد.

خبرگزاری مهر، گروه بین الملل: نیروهای اشغالگر آمریکا قریب به دو دهه به بهانه‌های مختلفی چون مبارزه با تروریسم و حفظ منافع خود در عراق در شهرهای مختلف این کشور مستقر شدند.

به گفته مقامات عراقی تقریباً ۳۰ پایگاه نظامی آمریکایی حاوی سلاح سبک و سنگین در خاک عراق وجود دارد، بنابراین وجود نیروهای نظامی آمریکایی با این تعداد بالا و همچنین سلاح سنگین چیزی به جز اشغالگری نیست.

پس از جنایت آمریکا در ترور فرماندهان ارشد مقاومت شهید سردار سلیمانی و شهید ابو مهدی المهندس عزم ملت و نمایندگان پارلمان عراق در اخراج نیروهای اشغالگر آمریکایی منجر به مصوبه قانونی در ژانویه ۲۰۲۰ مبنی بر بیرون رفتن نیروهای نظامی آمریکا از عراق شد. مصوبه‌ای که به گفته مایک پمپئو، وزیر امور خارجه سابق آمریکا تعداد نظامیان آمریکایی را از ۵ هزار نفر در ۲۰۱۹ میلادی به حدود ۲ هزار و ۵۰۰ نفر کاهش داد.

اما این مصوبه در طول چهار سال گذشته با سنگ‌اندازی ایالات متحده به‌طور جدی اجرایی نشده است. آمریکایی‌ها در این مدت با دادن وعده و وعید به دولت‌های مختلفی که بر سر کار آمدند مذاکرات و توافقاتی را با سیاستمداران عراقی انجام دادند. آمریکا در توافقنامه موسوم به «گفت و گوی راهبردی» که در جولای ۲۰۲۱ منعقد شد، به موضوع حفاظت از منافع آمریکا در عراق که به دولت این کشور سپرده شده بود، اهمیت بسیار داد و در این توافق تأکید شده بود که نیروهای آمریکایی، نیروهای ائتلاف تحت سرکردگی واشنگتن، مستشاران نظامی و کاروان‌های نظامی وابسته به آن‌ها باید مورد حمایت دولت عراق قرار بگیرند که این مسئله، بهانه‌ای برای نگه داشتن نیروهای اشغالگر در این کشور به‌عنوان اولین نقطه دفاع از رژیم صهیونیستی باشد.

### طوفان مقاومت پایگاه‌های آمریکایی در عراق را لرزاند

پس از بی نتیجه ماندن مذاکرات سیاسی بر سر اجرای مصوبه بیرون رفتن نظامیان آمریکا از عراق گروه‌های مقاومت تنها



### راهبرد نظامی مقاومت و اخراج اشغالگران آمریکایی

سال گذشته حملات گروه‌های مقاومت علیه پایگاه‌های آمریکا در عراق و منطقه افزایش یافت به طوری که سابرینا سینگ، سخنگوی وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) به شدت یافتن دامنه حملات به نیروهای آمریکایی مستقر در عراق طی سال گذشته در مقایسه با ۱۰ سال پیش اعتراف کرد. این راهبرد نظامی مقاومت موجب توجه بیشتر مقامات سیاسی و اثر گذار عراقی و طرف آمریکایی به احیا مصوبه پارلمانی عراق برای خروج نیروهای نظامی بیگانه از عراق شد.

همانطور که در بین سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ حملات مقاومت عراق علیه نیروهای آمریکایی شدت یافته بود و همین امر سبب خروج فوری آن‌ها از عراق شد در سال گذشته نیز شدت یافتن حملات مقاومت علیه نیروهای نظامی اشغالگر آمریکا توانست آمریکایی‌ها را مجبور به مذاکرات جدی تری برای خروج نیروهای نظامی آمریکا از عراق کنند.

مذاکرات سیاسی برای خروج نیروهای نظامی آمریکا از عراق به اعتقاد کارشناسان منطقه‌ای بیشتر جنبه تزئینی و تبلیغاتی دارد از این رو مردم و مقاومت عراق بر اساس تجربیات سالهای گذشته امیدی به این مذاکرات ندارند.

شیخ اکرم الکعبی دبیر کل جنبش مقاومت اسلامی النجباء با اشاره به رایزنی‌های سیاسی دولت عراق با آمریکا در خصوص بیرون رفتن نظامیان آمریکایی از عراق گفت: «مقاومت، رایزنی حکومت برای عقب‌نشینی نیروهای آمریکایی از کشور را رد نمی‌کند؛ در عین حال تأکید می‌کنیم که اشغالگران دروغگو و فریبکار هستند و توقع خروج آن‌ها با گفتگو و رایزنی، یک توهم است. آمریکای شرور، شیطانی در قالب یک حکومت است که جز منطق زور و سلاح، هیچ منطقی در برخورد با آن کارساز نیست و مقاومت، با این شیطان بزرگ سازش نخواهد کرد.»

«عادل عبدالمهدی» نخست وزیر اسبق عراق در پی حمایت صریح آمریکا از حملات رژیم صهیونیستی علیه مردم مظلوم فلسطین و ارسال کمک‌های نظامی واشنگتن به این رژیم در بیانیه‌ای خواستار اجرای فوری مصوبه این کشور مبنی بر خروج نیروهای آمریکایی از عراق شده بود.

### بهبان‌های آمریکایی برای ماندن در عراق

با وجود درخواست سیاستمداران عراقی و ملت و مرجعیت عراق مبنی بر اخراج اشغالگران آمریکایی، دولت آمریکا به دنبال مذاکرات سیاسی بر سر نحوه اجرای قانون بیرون رفتن نظامیان آمریکایی از خاک عراق است.

روزنامه واشنگتن تایمز با اشاره به زمزمه آغاز مذاکرات میان مقامات بغداد و واشنگتن درباره خروج احتمالی دست‌کم ۲۵۰۰ نظامی آمریکایی از خاک عراق نوشت: با شدت گرفتن جنگ در غزه و حملات پی‌درپی گروه‌های مقاومت عراقی به پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه طی چند ماه گذشته، اکنون در پارلمان عراق نیز مطالبات برای خروج آمریکا از خاک این کشور افزایش یافته است.

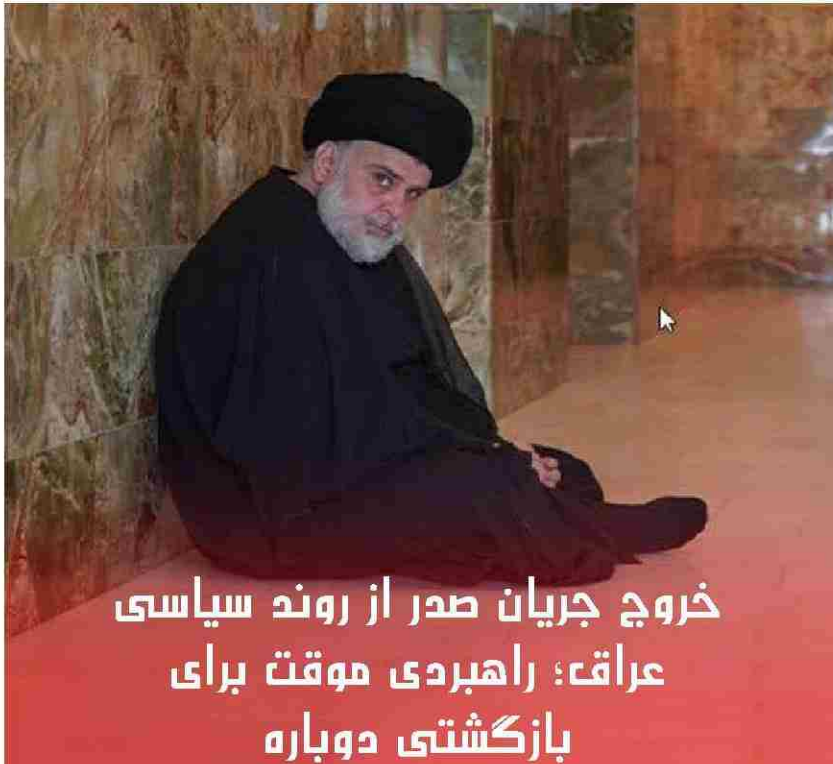
این گزارش می‌افزاید: «طبق اظهارات مقامات وزارت خارجه آمریکا، مذاکرات برای کاهش تدریجی و حساب شده مستشاران نظامی آمریکا و هم‌پیمانانش در عراق با هدف پایان دادن به مأموریت نظامی نیروهای ائتلاف بین‌المللی در عراق به زودی آغاز خواهد شد.» به نوشته واشنگتن تایمز، مقامات آمریکایی با اذعان به ده‌ها مجروح و آسیب مغزی نیروهای نظامی تحت امر خود به دنبال حملات گروه‌های مقاومت عراقی به محل استقرار نظامیان فاش ساختند که از زمان آغاز حملات از سه ماه گذشته تاکنون، برخی از نیروها نیز دارای جراحات عمیق و وضعیت وخیمی دارند.

### نتیجه

سال گذشته نقطه عطف مهمی در تاریخ مقاومت عراق بود، چرا که نیروهای مقاومت اسلامی عراق شجاعانه با دو هدف مقدس دفاع از ملت مظلوم غزه و مبارزه با اشغالگران نظامی آمریکا دولتمردان آمریکایی را با چالشی بزرگ روبرو کردند تا آنجا که آنها در کنار تهدید و ترور جمعی از فرماندهان مقاومت ناچار به انجام مذاکرات سیاسی برای بیرون بردن نیروهای نظامی خود از عراق شدند. اما به گفته رهبران مقاومت اسلامی عراق و کارشناسان غرب آسیا تنها گزینه اخراج نیروهای اشغالگر آمریکایی از منطقه و از جمله عراق گزینه مقاومت است نه مذاکره و رایزنی.







## خروج جریان صدر از روند سیاسی عراق؛ راهبردی موقت برای بازگشتی دوباره

این کشور به درخواست رهبر این به صورت جمعی استعفا دادند. محمد

الحلبوسی، رئیس پارلمان

عراق بلافاصله موافقت خود را با این درخواست نمایندگان جریان صدر عراق اعلام کرد.

پس از کناره گیری جریان صدر، رهبر این جریان خواستار اعتراضات گسترده مردمی شد و پیروان خود را به تحصن در پارلمان و اشغال ساختمان مجلس تشویق کرد و دست آخر خواستار برگزاری انتخاباتی دیگر شد. هواداران جریان صدر با انجام اعتراضاتی خواستار موافقت دادگاه عالی فدرال عراق با درخواست انحلال پارلمان شده بودند. در پی این حادثه، پایتخت عراق به صحنه ناآرامی‌ها تبدیل شد که طی آن ۳۰ نفر کشته و بیش از ۷۰۰ نفر دیگر زخمی شدند. در واکنش به این تحولات، مخالفان او، یعنی جریان چهارچوب هماهنگی شیعیان، وفاداران خود را به منطقه سبز بغداد فرستاد که از لحاظ تعداد به مراتب بیش از جریان صدر بودند.

### دلایل کناره گیری صدر از جریان سیاسی عراق

مقتدی صدر همیشه یک خصلت یا صفتی داشته که تلاش کرده در عرصه سیاسی عراق یک بازیگر اصلی و تأثیرگذار باشد؛ او در کابینه و در حکومت‌هایی که تشکیل شده، تلاش کرده در داخل و خارج به عنوان یک اپوزیسیون جریان سازی کند. به همین دلیل در تمام حکومت‌ها و دولت‌هایی که تشکیل شده، و تأثیر بسزایی داشته و صاحب قدرت بوده است. همزمان طرفداران صدر یا شخص او تلاش کرده اند که پرچمدار اصلاح و حامی اجتماعات ضد حکومت باشند.

با وجود برتری نسبی در انتخابات پارلمانی، از تشکیل دولت و انتخاب رئیس جمهور همسو ناکام ماندند و این موضوع باعث شد صدر برای چندمین مرتبه در حیات سیاسی خود به خداحافظی از فرآیند سیاسی حاکم بر عراق روی آورد؛ موضوعی که بلافاصله به استعفاي جمعی نمایندگان متحد وی در مجلس عراق منتهی شد.

مقتدی صدر دلیل اصلی خود از کناره گیری از فرآیند سیاسی حاکم بر عراق را دوری از مفسدین در دنیا و آخرت مطرح کرد.

خبرگزاری عراق «واع»، در این باره نوشت؛ مقتدی صدر، رهبر جریان صدر عراق در جریان دیدار با اعضای فراکسیون صدر در نجف اشرف خاطرنشان کرد: «با سلام و درود به شما و قبل از وداع با یکدیگر و پیش از تشکر به خاطر مواضع و وحدت و یکپارچگی شما، می‌خواهم شما را از موضوعی مطلع سازم؛ من تصمیمی مبنی بر خروج از فرآیند سیاسی گرفته‌ام تا با مفسدین نه در دنیا و نه در آخرت تحت هیچ شرایطی شراکت نداشته باشم. وی افزود: من می‌خواهم به شما بگویم که با وجود مفسدین، در انتخابات آتی شرکت نخواهم کرد. این یک پیمان میان من و خداوند و میان من و شما و مردم است. مگر آنکه خداوند فرجی بدهد و مفسدین و تمام غارتگران عراق و کسانی که از عراق سرقت کرده و خون‌ها را مباح کردند، کنار بروند.»

نمایندگان فراکسیون صدر عراق در پارلمان

خبرگزاری مهر، گروه بین الملل: از مقتدی صدر و جریان وابسته به وی به عنوان یکی از جریان‌های

با نفوذ سیاسی عراق در دو دهه اخیر نام برده می‌شود. پیشینه خانوادگی صدر و شخصیت وی موجب شده است در سال‌های پس از سقوط صدام یکی از جریان‌های کلیدی عراق به شمار رود.

مقتدی صدر با وجود اشتراکات بسیاری که با سایر گروه‌ها و احزاب شیعی در عراق دارد همچون مخالفت با اشغالگری نظامیان آمریکا و دفاع از قضیه فلسطین اما در زمینه سیاست داخلی عراق و رابطه با همسایگان بویژه ایران و عربستان با برخی از شیعیان و جریان مقاومت دارای اختلاف نظر بوده است.

### آغاز اختلافات بر سر انحلال پارلمان و گروه‌های مقاومت

سال ۱۴۰۱ و پس از انتخابات پارلمانی عراق مقتدی صدر در اقدامی عجیب خواهان انحلال همه گروه‌های مسلح مدعی مقاومت شد. «صالح محمد العراقی» سخنگوی مقتدی صدر در بیانیه‌ای اعلام کرد که برای حفاظت از اقتدار نهاد حکومت و پایان دادن به حضور «شبه نظامیان» در اماکن حساس، پیشنهادهایی را با مصطفی الکاظمی فرمانده کل نیروهای مسلح مطرح می‌کند. سخنگوی جریان صدر افزود: «پیشنهاد دوم به مصطفی الکاظمی نخست‌وزیر، صدور دستوری قاطع برای انحلال همه گروه‌های مسلح مدعی مقاومت است.»

با وجود اختلافات تاکتیکی و حتی راهبردی صدر با دیگر گروه‌های عراقی جریان سائرون متشکل از جریان صدر و حزب کمونیست عراق





این بازگشت یا از طریق بازگشت جنبش صدر به رهبری مقتدی صدر و یا از طریق جدایی یک فراکسیون سیاسی از آن خواهد بود که نام جریان صدر را یدک می‌کشد، اما در در عین حال به صدر مرتبط نخواهد بود. اینکه صدری‌ها به عرصه سیاسی عراق بر می‌گردند یا نه بستگی به دیدگاه مقتدی صدر دارد که بنا به اظهارات او از بازگشت امتناع می‌ورزد، اما ممکن است اتفاقات آتی باعث شود تا او در این تصمیم بازنگری کند. این احتمالی است که مراکز خارجی نیز در حال بررسی آن هستند.»

سید مقتدی صدر به عنوان یکی از رهبران جبهه شیعه عراق در سال‌های اخیر رفتارهای متناقضی را از خود نشان داده که این برخوردها در برهه‌هایی موجب اتسداد سیاسی در این کشور و بلا تکلیفی مردم شده است. برپایی تظاهرات‌های اعتراضی در کف خیابان منجر به هرج و مرج و کشته شدن عده‌ای از مردم عراق شد.

سیاسی خود، نخست وزیری را به صلاح کشور می‌دانست که مستقل از نیروهای مسلح باشد.

### احتمال بازگشت جریان صدر به روند سیاسی این کشور

از آنجا که مقتدای صدر در سال‌های اخیر رفت و آمد زیادی به جریان سیاسی عراق داشته با کناره گیری سال گذشته وی از روند سیاسی عراق باز هم گمانه زنی‌هایی مبنی بر بازگشت وی به عرصه سیاسی عراق وجود دارد.

سید مقتدی صدر دنبال آن است که بتواند بازیگر اصلی در عرصه سیاسی عراق باشد. یعنی به طوری پیشوا و زعیم سیاسی جبهه شیعه در عراق باشد تا بتواند ضمن مدیریت این جبهه، زعامت این حوزه را در اختیار داشته باشد.

«سعد المطلبي» سیاستمدار مستقل عراقی در خصوص بازگشت مجدد مقتدی صدر به ساحت سیاسی عراق گفت: «من معتقدم که

سال گذشته عراق شاهد رویارویی دو جبهه یکی جبهه سید مقتدی صدر و جبهه دیگر چارچوب هماهنگی بود که احزاب دیگر شیعه در کنار آنها قرار گرفتند و یک سری افراد مستقل که به عنوان بازیگر در این عرصه محسوب می‌شوند. زمانی که سید مقتدی صدر ۷۳ کرسی از ۳۲۹ کرسی پارلمان را به دست آورد و در آن دوره تلاش کرد تا با همپیمانان خود و اهل سنت حکومت تشکیل دهد، یعنی خواستند در این زمینه کاری انجام دهند که در سال‌های گذشته انجام نشده بود.

این باعث شد که صدر به فکر اتحاد با کردها در قالب حزب دموکرات و احزاب سنی که صدر آنها الحلبوسی به عنوان رئیس پارلمان قرار داشت، بیفتد. خمیس الخنجر هم به آن پیوست تا این سه ضلع بتوانند حکومت تشکیل بدهند. آنها در یک برهه‌ای محمد حلبوسی را به ریاست پارلمان برگزیدند اما پس از آن نتوانستند دیگر آن تعداد لازم را برای انتخاب رئیس جمهور به دست آورند.

چارچوب هماهنگی شیعه از سوی دیگر تلاش کرد تا بتواند با صدر به یک نقشه راه واحدی برسند و حکومت را مانند گذشته و به صورت متحد با یک جبهه واحد شیعی تشکیل دهند. همچنین با کردها و اهل سنت رایزنی کردند تا بتوانند حکومت تشکیل دهند اما سید مقتدی صدر اصرار بر این داشت که من با نوری مالکی حکومت تشکیل نمی‌دهم؛ موضوعی که منجر به آن شد که ۷۳ نماینده آقای صدر از پارلمان به دستور وی استعفا بدهند و نمایندگان دیگری جایگزین آنان شوند.

سرانجام چارچوب هماهنگی شیاع السودانی را به عنوان نخست وزیر معرفی کرد. وی از حامیان حشدالشعبی است و رابطه حسنه‌ای با رهبران بسیج مردمی دارد، اما صدر در خطی مشی‌های





## روابط عراق و عربستان از تفاهم نامه‌های مشترک تا راه‌اندازی شورای هماهنگی



### روابط همگرایانه عراق و عربستان برای تامین امنیت عراق

کشور عراق سال‌ها است که به دلیل حضور اقوام و مذاهب مختلف از یک سو و دخالت بلوک غربی و عربی در این کشور عرصه اختلافات و ناامنی‌های متعدد بوده است. طرف‌هایی که از اختلافات منطقه‌ای، مذهبی و نژادی (مانند درگیری‌های بارزانی‌ها و جریان‌های تندروی بعثی و سنی و...) را تغذیه می‌کردند، به گفته کارشناسان عراق پس از برقراری ارتباط عمیق عراق با عربستان مسئولان سیاسی و امنیتی این کشور فرصت دیگری برای از بین بردن بسیاری از بحران‌های داخلی به خصوص در مورد تندروهای سنی‌ها و کردها پیدا خواهند کرد.

### راه‌اندازی شورای هماهنگی عراق و عربستان در ریاض و جدّه

در راستای تعمیق روابط عراق و عربستان این دو کشور در سال‌های اخیر اقدام به راه‌اندازی شورای هماهنگی نمودند. به گزارش شفق نیوز عراق، طبق بیانیه دفتر محمد شیاع السودانی، نخست‌وزیر عراق، السودانی در حاشیه برگزاری نشست سران کشورهای عربی و چین در ریاض با محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی دیدار و گفت‌وگو کرد. طبق بیانیه یادشده، دو طرف درباره سازوکارهای راه‌اندازی شورای هماهنگی عراق و عربستان و اجرای توافقنامه‌ها و یادداشت‌های دو کشور گفت‌وگو کردند.

السودانی در این دیدار بر اهمیت نشست سران کشورهای عربی و چین برای رسیدن به یکپارچگی اقتصادی در راستای منافع ملت‌های منطقه تاکید و آمادگی عراق را برای توسعه روابط دوجانبه با عربستان به ویژه در حوزه اقتصاد و سرمایه‌گذاری اعلام کرد. ولیعهد سعودی نیز در این دیدار بر تمایل عربستان به استمرار روابط خود با عراق برای همکاری‌های متقابل بیشتر در زمینه‌های مختلف تاکید کرد.

پس از دیدارهای دو جانبه و رفت و آمدهای دیپلماتیک بین طرف‌های سیاسی عراق و عربستان در ۲۵ ماه می سال گذشته پنجمین دور نشست شورای هماهنگی عراق و عربستان در جدّه به ریاست ماجد بن عبدالله القصبی، وزیر تجارت عربستان، و محمد علی تمیم، وزیر برنامه ریزی عراق، برگزار شد.

خبرگزاری مهر، گروه بین الملل: پس از شکست داعش و اخراج نیروهای تروریستی تحت حمایت عربستان سعودی و آمریکا از عراق، مسئولان سیاسی عراق از سال ۲۰۱۹ در پی برقراری روابط عمیق‌تر سیاسی و اقتصادی با عربستان سعودی هستند.

مسئولان عراقی با توجه به شرایط خاص عراق و مشکلات اقتصادی و بدهی‌های ناشی از جنگ و اشغال گری آمریکا طی دو دهه در عراق به شدت این کشور را نیازمند ثبات سیاسی و اقتصادی می‌بینند از این رو به دنبال برقراری روابط خوب و حسنه با دو بازیگر مهم منطقه‌ای ایران و عربستان هستند.

با روی کار آمدن شیاع السودانی نخست‌وزیر جدید عراق وی به موازات تعمیق روابط کشورش با عربستان میانجیگری میان ایران و عربستان را بر عهده گرفت.

پس از برقراری روابط اولیه سیاسی میان ایران و عربستان تلاش سیاستمداران عراقی برای رویکرد همگرایانه با عربستان شدت بیشتری گرفت.

### رویکرد اقتصادی همگرایانه عراق و عربستان

پس از شکست ژئوپولیتیک داعش در اواخر سال ۲۰۱۷ در عراق، مقامات عراقی به دنبال تأمین نیازهای بازسازی و رفع مشکلات اقتصادی بلندمدت این کشور هستند، بانک جهانی نیازهای بازسازی عراق پس از داعش را ۸۸ میلیارد دلار تخمین زده است. از این رو عراق به دنبال تأمین مالی برای بازسازی این کشور است.

در کنفرانس کمک به بازسازی عراق که در فوریه ۲۰۱۸ در کویت برگزار شد، میزان وعده‌های کمک‌های اعلامی به عراق از سوی عربستان سعودی ۱.۵ میلیارد دلار مطرح شد. علاوه بر این کمک مالی، پایان دادن به بدهی ۷۰ میلیارد دلاری عراق به عربستان و کویت، طی تصمیم اتحادیه عرب در آوریل ۲۰۱۹ به‌عنوان فرصتی دیگر برای عراق جهت زمینه‌سازی بیشتر برای گسترش روابط با عربستان را فراهم آورد. این کشور برقراری روابط پایدار، مثبت و سازنده با همه کشورهای را زمینه‌ای برای تحقق هدف بازسازی عراق می‌داند.



وزارت برق عراق گفت که کشورش در حال ایجاد و آماده سازی ایستگاه‌هایی برای ارتباط میان عراق و عربستان است.

به گفته «احمد موسی»، عراق یادداشت تفاهمی با طرف سعودی در ارتباط با اتصال برق دو کشور امضا کرده و وزارت برق این کشور گام‌های مهمی در این ارتباط برداشته است. او هدف اصلی از اجرای پروژه‌های اتصال برق را آمادگی و پایداری شبکه برق و نیز معرفی کشور عراق به بازار انرژی اعم از کشورهای عربی، کشورهای حوزه خلیج فارس یا سایر کشورها دانست. موسی می‌گوید عراق تحت این پروژه‌ها یکی از اعضای مهم بازار انرژی برای دستیابی به ثبات شبکه است و همچنین در روزهای آینده، محافظ و مجرای انرژی خواهد بود.

به اعتقاد کارشناسان حوزه انرژی در حال حاضر ۸۰ درصد برقی که در نیروگاه‌های عراق تولید می‌شود، به گاز وابسته است و برق عراق وابسته به گاز ایران است اما به هر حال سیاستمداران عراقی برای تامین بخشی از نیازهای برق عراق همکاری‌هایی را با عربستان آغاز کردند.

همچنین عادل کریم وزیر سابق برق عراق در واکنش به قرارداد برقی با عربستان گفت: این قرار داد که تا ۳ سال دیگر به نتیجه می‌رسد، ۵ درصد مشکل برق عراق را هم حل نمی‌کند.

وزیر برق عراق با اشاره به گفت و گوهای طولانی میان بغداد و ریاض طی یک سال گذشته قبل از قرار داد گفت: اجرای این قرارداد عملاً آغاز شده است، اما دستکم دو سال طول می‌کشد تا طرح اتصال برق عربستان به عراق تکمیل شود.

عراق و عربستان بر عزم خود برای تقویت روابط دوجانبه در همه زمینه‌ها تاکید کردند. براساس بیاتیه پایانی این نشست، دو طرف بر اهمیت گسترش چشم اندازهای همکاری دوجانبه و تقویت آن در زمینه‌های مختلف به ویژه سیاسی، امنیتی، تجاری، سرمایه گذاری، فرهنگی، آموزشی، گردشگری و انرژی تاکید کردند.

عراق و عربستان، تلاش‌های موفق کشورهای اوپک پلاس در تحکیم ثبات بازار جهانی نفت را تحسین و بر اهمیت تداوم این همکاری و لزوم پایبندی همه کشورها به توافق اوپک پلاس تاکید کردند. عراق و عربستان بر اهمیت همکاری و انسجام و تلاش برای ایجاد شراکت استراتژیک در مناطق اقتصادی ویژه عربستان و عراق از طریق تلاش برای احداث منطقه اقتصادی ویژه در مرز دو کشور تاکید کردند.

در این بیاتیه به تداوم همکاری مشترک در مقابله با خطر افراط گرایی و تروریسم به عنوان تهدیدی وجودی برای کشورهای منطقه و جهان اشاره شده است و دو کشور بر تداوم حمایت از تلاش‌های عراق با همکاری با ائتلاف بین المللی برای مقابله با تروریسم و افراط گرایی توافق و بر اهمیت همکاری برای تامین مرزهای مشترک تاکید کردند.

#### احداث ایستگاه‌های ارتباطی تبادل برق میان عراق و عربستان

از آنجا که عراق در سال‌های اخیر به دلیل اشغالگری آمریکا و تجاوز نیروهای تروریستی زیر ساخت‌هایش تضعیف شده نیازمند ترمیم و بازسازی این زیر ساخت‌ها است که از جمله آن معضل برق در عراق است. در سالی که گذشت وزارت برق این کشور از آغاز احداث ایستگاه‌های ارتباطی با عربستان سعودی و تعیین مسیر خطوط انتقال خبر داد. سخنگوی



#### بهره سخن

کارنامه روابط عراق و عربستان از سال‌ها پیش از دوران رژیم بعث تا دوران اشغالگری نظامی آمریکا و حمله تروریست‌های داعش تحت حمایت عربستان دچار فرازها و فرودهایی بوده است. اما در سال‌های اخیر به موازات قدرت گرفتن گروه‌های مقاومت اسلامی در منطقه و عراق و تغییر موازنه قدرت در جهان روابط عراق و عربستان برای هر کدام از طرف‌ها دارای منافع سیاسی اقتصادی و راهبردی است. آنچه امروز در قالب تفاهم نامه مشترک بین عراق و عربستان روی کاغذ نوشته شده اجرای آن وابسته به شرایط ژئوپولیتیک منطقه و تحولات سیاسی پیش رو میان بازیگران مهم منطقه‌ای است. باید منتظر ماند و دید عربستان سعودی در آزمون جدید خود چه میزان به تعهدات اقتصادی و سیاسی خود به عراق پای بند است.





## برگزاری انتخابات شوراهای استانی عراق پس از ۱۰ سال

شد. همچنین انتخابات شوراهای استانی در کرکوک همزمان با سایر استان های عراق برای اولین بار از سال ۲۰۰۵ برگزار شد.

در سومین انتخابات شوراهای استانی عراق ۲۹۶ حزب سیاسی در قالب ۵۰ ائتلاف و بیش از ۶۰ نامزد نیز در فهرست های انفرادی به رقابت پرداختند. نامزدهای انتخابات شوراهای استانی عراق برای ۲۷۵ کرسی که ۷۵ کرسی آن برای زنان و ۱۰ کرسی برای اقلیت های قومی و مذهبی اختصاص یافته بود، با هم رقابت کردند.

### استقبال مردم عراق از سومین انتخابات شوراهای استانی عراق

یکی از نکات مهم سومین انتخابات شوراهای استانی در عراق در سال گذشته استقبال خوب و مشارکت نسبتا بالای مردم عراق در این انتخابات نسبت به سایر انتخابات بود.

بر اساس گزارش پایگاه خبری بغداد الیوم، کمیساریای عالی مستقل انتخابات میزان مشارکت در رأی گیری عمومی و خصوصی در انتخابات شوراهای استانی عراق را اعلام کرد که میزان مشارکت در انتخابات شوراهای استانی عراق ۴۱ درصد، معادل ۶ میلیون و ۵۹۹ هزار و ۶۶۸ رأی اعلام شد.

«عمر احمد» رئیس کمیسیون عالی مستقل انتخابات عراق در یک کنفرانس مطبوعاتی که در بغداد برگزار شد با اعلام اینکه نتایج اعلام شده ۹۴.۴ درصد از کل نتایج است تاکید کرد که این کمیسیون موفق به اجرای قانون اساسی برای برگزاری انتخابات شوراهای استان شده است.

استانی، انتخاب استانداران و جریان های فعال در شورای استان است که به حکومت های محلی مشهورند. با این روند وزن سیاسی احزاب پیروز برای توزیع قدرت در ساختار حکومت مرکزی و انتخابات پارلمانی افزایش خواهد یافت.

شوراهای استانی در عراق وظیفه انتخاب استاندار و مقامات اجرایی استان را بر عهده دارند و بر اساس قانون اساسی این کشور مصوب در سال ۲۰۰۵ میلادی، شوراهای استانی صلاحیت عزل و نصب و تصویب برنامه ها و پروژه ها بر اساس بودجه مالی تخصیص یافته به استان از سوی دولت مرکزی در بغداد را دارند.

در همین راستا سومین انتخابات شوراهای استانی در عراق ۱۸ دسامبر سال گذشته با مشارکت مقامات عراقی و مردم برگزار شد. این رأی گیری عمومی برای انتخاب ۲۵۸ عضو شوراهای ۱۵ استان عراق انجام شد.

این انتخابات برای اولین بار پس از آوریل ۲۰۱۳ و پس از ۱۰ سال برگزار شد که سومین انتخابات در نوع خود پس از حمله آمریکا در سال ۲۰۰۳ میلادی است. پیش از این انتخابات شوراهای استانی در سال ۲۰۰۹ در عراق برگزار شده بود، در سال ۲۰۱۸ و همزمان با انتخابات پارلمانی نیز قرار بود برگزار شود اما بارها به تعویق افتاد.

این انتخابات بدون مشارکت جریان صدر به رهبری «مقتدی صدر» که انتخابات را تحریم کرده بود در ۱۵ استان از ۱۸ استان عراق برگزار

خبرگزاری مهر، گروه بین الملل: یکی از رویدادهای مهم عرصه سیاسی عراق در سالی که گذشت برگزاری سومین انتخابات شوراهای استانی در این کشور بعد از ۱۰ سال بود. به گفته کارشناسان سیاسی این انتخابات با امنیت کامل برگزار شد و یکی از اقدامات مهم دوران نخست وزیری شیاع السودانی به حساب آمد.

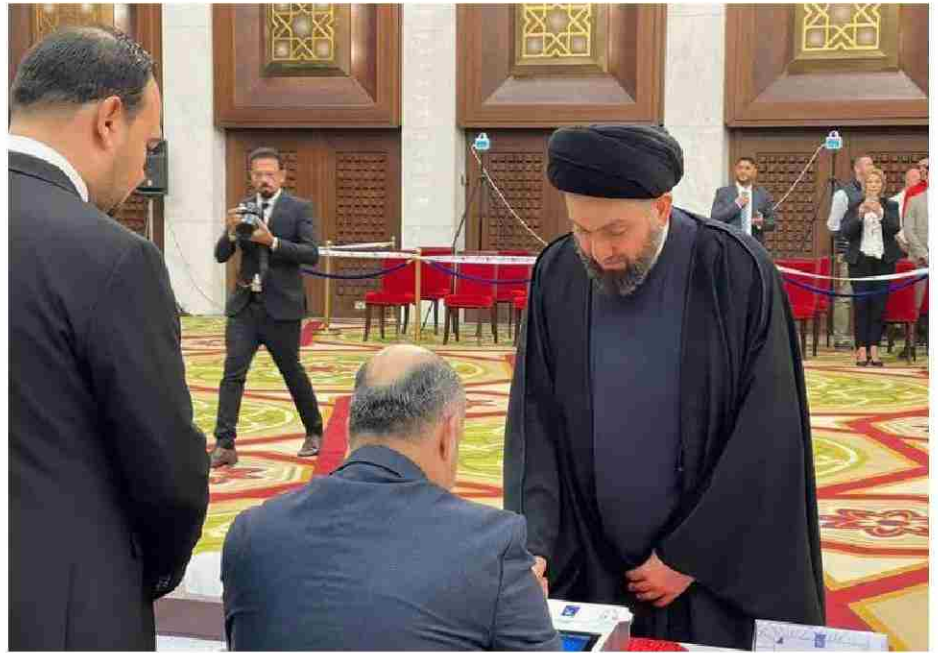
مطابق قانون اساسی عراق در هر استانی نهادی به نام شورای استان وجود دارد و علاوه بر انتخابات پارلمانی، هر چهار سال انتخابات شوراهای استانی نیز برگزار می شود. اعضای این شورا به وسیله انتخابات و بر مبنای جمعیت هر استان انتخاب می شوند که تنظیم سیاست های درونی استان و اجرای دستورها و قوانین کلی ابلاغ شده از سوی دولت مرکزی بر عهده شورای استان است. این شورا همچنین قدرت انتخاب استاندار، معاون استاندار و مقامها و مسئولان سیاسی و امنیتی درون استان را بر عهده دارد.

کارکرد دیگر شورای استانی در عراق صرف بودجه اعطایی دولت مرکزی و همچنین اخذ درآمدهای خاص استانی و صرف آن در امور استان است؛ بنابراین شورای استان قدرت مالی و تصمیم گیری مناسب، در اداره استان نقش قابل توجهی دارد و بالاترین مرجع در استان به شمار می رود.

طبق قانون اساسی عراق، شوراهای استانداری اختیارات وسیعی دارند، تا جایی که حق صدور قوانین محلی را دارا هستند و همانند یک دولت کوچک، امور استان و مسئولیت رصد بودجه بخش بهداشت، حمل و نقل و آموزش بر عهده آن هاست.

نکته مهم و راهبردی درباره انتخابات شوراهای





«نوری المالکی» نخست‌وزیر پیشین و رئیس ائتلاف «دوله القانون» از جمله چهره‌های شاخص بودند که پای صندوق‌های رأی رفتند.

### نتیجه

شرایط سیاسی عراق طی دو دهه گذشته به دلیل حضور نیروهای نظامی اشغالگر آمریکا و توطئه‌های پی در پی آنها از طریق مزدوران سیاسی و ایجاد اختلاف بین احزاب عراقی همیشه ملتهب بود و نقش مردم از طریق حضور در انتخابات سالم و عادلانه نادیده گرفته می‌شد.

سومین انتخابات شوراهای استانی عراق در حالی برگزار شد که یکی از خواسته‌های اصلی تظاهرات اکتبر ۲۰۱۹ بود که به استعفای دولت وقت عراق منجر شد. به گفته گروه‌های معترض شوراهای استانداری به دلیل عدم برگزاری انتخابات دچار فسادهای کلانی شده بودند.

با توجه به موفقیت گروه‌های شیعه در سومین انتخابات شوراهای استانی پیش بینی می‌شود جایگاه هیات هماهنگی شیعه در ساختار سیاسی عراق بیش از گذشته تقویت و تثبیت شده و این روند تا انتخابات بعدی پارلمانی عراق تداوم یابد.

به سمت تمرکززدایی اداری، حمایت از صلح جامعه و ثبات و تحقق اراده‌ای است که از سال ۲۰۱۳ به تأخیر افتاده است. وی افزود که شاید بارزترین تصویر موفقیت این انتخابات، برپایی آن در کرکوک بوده که انتخابات در آن از سال ۲۰۰۵ برگزار نشده است.

### حضور چهره‌های شاخص سیاسی در انتخابات شوراهای استانی

یکی دیگر از مشخصه‌های ویژه این انتخابات که بر اهمیت آن افزود؛ حضور چهره‌های شاخص سیاسی عراق در این انتخابات بود که تا حد زیادی موجب دلگرمی مردم و حضور بیشتر اقشار جامعه در این انتخابات شد.

«قیس الخزعلی» دبیرکل عصاب اهل الحق، «عادل عبدالمهدي» نخست‌وزیر پیشین، «سید عمار الحکیم» رئیس جریان حکمت ملی، «محمد الحلبوسی» رئیس سابق پارلمان،

### موفقیت احزاب شیعی در انتخابات شوراهای استانی عراق

اما نکته حائز اهمیت در برگزاری انتخابات شوراهای استانی عراق این بود که با وجود تحریم انتخابات توسط جنبش مقتدی صدر گروه‌های سیاسی و احزاب شیعه موفقیت چشمگیری به ویژه در جنوب و مرکز عراق از جمله بغداد در این انتخابات به دست آوردند.

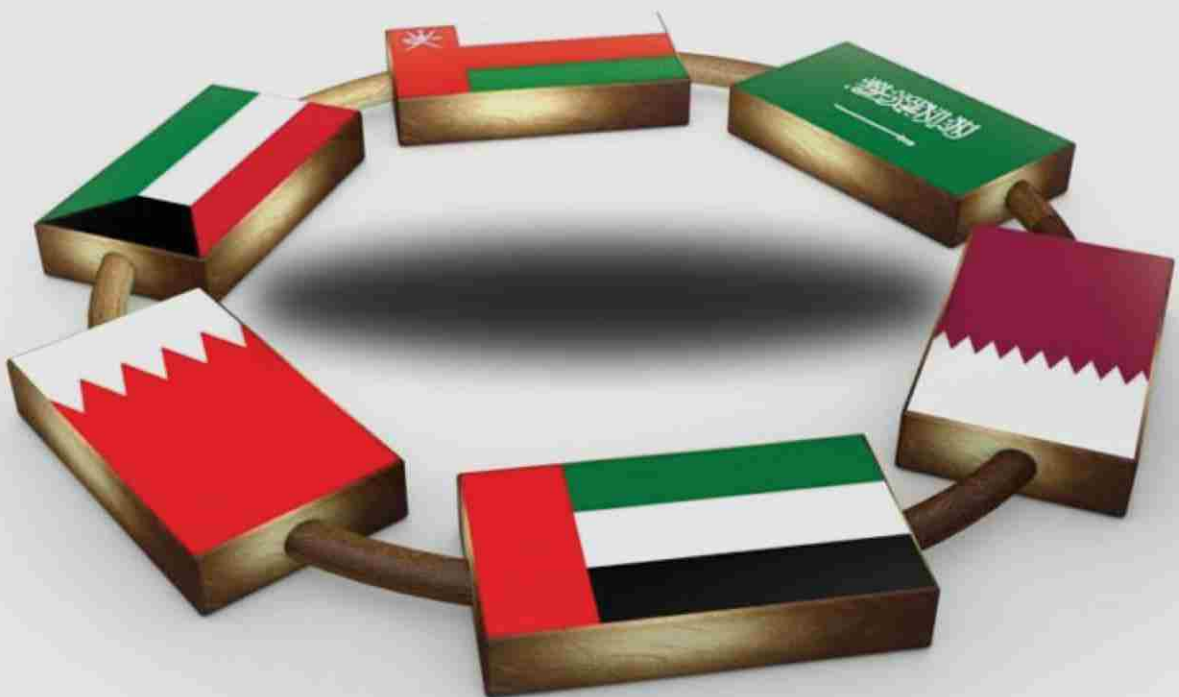
در این انتخابات حزب «پیشرفت» به رهبری «محمد الحلبوسی» رئیس سابق مجلس بیشترین آرا را به دست آورد و پس از آن به ترتیب ائتلاف «بینی» (ما می‌سازیم) به رهبری «هادی العامری» دبیرکل سازمان بدر و حزب «دولت قانون» به رهبری نوری المالکی نخست‌وزیر سابق بیشترین آرا را در بغداد پایتخت عراق به خود اختصاص دادند.

اهمیت سومین انتخابات شوراهای استانی عراق به گفته نخست‌وزیر این کشور از این حیث حائز اهمیت است که گامی مهم در تمرکز زدایی اداری به حساب می‌آید.

السودانی گفت که انتخابات شوراهای استانی، عمل کردن دولت به تعهدات خود و گامی دیگر









## پرونده خلیج فارس

چکیده:

کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در سال گذشته تحولات اقتصادی پیچیده‌ای را تجربه کردند. در صنعت گردشگری با سرمایه‌گذاری‌هایی که این کشورها در زیرساخت‌های خود انجام داده بودند رشد و توسعه قابل توجهی رخ داد؛ رشدی که حتی با وقوع جنگ غزه نیز بر خلاف کشورهایمانند لبنان و اردن متوقف نشد. در دیگر حوزه‌های اقتصادی اما شرایط چندان مطلوب نبود.

صادرات انرژی توسط کشورهای شورای همکاری خلیج فارس باوجود آنکه در سال گذشته نیز تداوم یافت همچنان فرایندی متزلزل به شمار می‌رود که با گذار جهان به انرژی‌های سبز به دوران ثروتمندی این کشورها پایان خواهد بخشید. اقتصاد کشورهای مذکور در سال گذشته به دلیل تحولات بین‌المللی و تغییر ارزش دلار دچار رکود نیز شد؛ رکودی که بسیاری از تحلیلگران اقتصادی آن را موقت دانسته و برای سال آینده پیش‌بینی رشد اقتصادی دارند.

در عرصه امنیتی کشورهای جنوب خلیج فارس در سالی که گذشت به امضای توافقنامه‌های امنیتی بسیاری پرداختند. مسئله جالب‌توجه در این توافق‌ها این بود که علاوه بر آمریکا و کشورهای اروپایی، بازیگران جدی به‌ویژه از شرق آسیا به شرکای امنیتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس پیوسته‌اند. برای این کشورها بازار تسلیحات جنوب خلیج فارس بسیار مطلوب به حساب می‌آید.

کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس در سال گذشته همچنین دیپلماسی را در دستور کار قرار داده و به تعامل با سازمان‌های بین‌المللی پرداختند. عربستان و امارات عضویت خود در بریکس را تأیید کرده و عربستان پس از قطر تبدیل به شریک بحث و گفتگو در سازمان همکاری‌های شانگهای شد. رویدادهایی که نشان از نگاه به شرق این کشورها دارد.

راهبرد منطقه‌ای کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در سال گذشته نیز مساله حائز اهمیتی است؛ در رابطه با پرونده‌های مهم منطقه از جمله مسئله فلسطین و بحران سوریه کشورهای جنوب خلیج فارس علاوه بر دیدگاه‌هایی که در برخی موارد مشابه و در برخی دیگر متفاوت بود، به اقداماتی از میانجیگری گرفته تا بهره‌گیری از عضویت خود در شورای امنیت سازمان ملل دست زدند که نقش آنها را در مسائل منطقه‌ای پررنگ‌تر کرد.

در رابطه با جمهوری اسلامی ایران نیز، فرایند بهبود روابط با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در سال گذشته نیز تداوم یافت. روابط ایران با عربستان از سر گرفته شد و به تبع آن مناسبات تهران با دیگر همسایگان ریاض نیز در مسیر توسعه قرار گرفت. به نظر می‌رسد تحولاتی که در معماری امنیتی دید خاورمیانه رخ داده است کشورها را به سمت تعامل هر چه بیشتر سوق می‌دهد.





## راهبرد امنیتی نوین کشورهای جنوب خلیج فارس؛ تعادل از روابط سیاسی تا نظامی



شروطی که به هیچ وجه مورد تأیید مقامات کنگره در آمریکا قرار نگرفت؛ برخی نمایندگان عربستان را به دلیل آنکه پیرو منافع ایالات متحده نیست غیرقابل اعتماد دانستند. از طرفی جو بایدن در تبلیغات انتخاباتی خود وعده داده بود که با عربستان مانند کشوری مطرود رفتار شود، به علاوه در بعد کلان نیز سیاست خارجی واشنگتن مبتنی تر بر بازدارندگی در مقابل کشور چین و حضور نظامی حداکثری در ژاپن و کره جنوبی است؛ لذا مداخله مستقیم در خلیج فارس برای تأمین امنیت نظامی عربستان سیاستی متناقض با رویکرد کلی سیاست خارجی این کشور بود. هرچند با وقوع جنگ غزه عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی حداقل در کوتاه مدت برای ریاض منتفی شد.

بریتانیا نیز دیگر کشوری بود که در سال گذشته توافق تسلیحاتی با عربستان امضا کرده و متعهد به فروش جنگنده های هوایی به این کشور شد. از شرق آسیا نیز کشورهای چین، ژاپن و کره جنوبی در سال گذشته موفق به امضای توافقی هایی با دولت آل سعود شدند تا به موجب آن بتوانند حضور خود در خلیج فارس را تثبیت کرده و از بازار عربستان برای فروش سلاح بهره ببرند.

از سوی ریاض توافقی جامع با کشور آفریقایی سومالی نیز به امضا رساند. این توافق شامل بندهایی در راستای مبارزه با تروریسم، تبادل اطلاعات و توسعه ظرفیت همکاری های امنیتی بود. در حقیقت عربستان با چنین توافقاتی قصد دارد خود را به یک بازگیر امنیتی کلیدی در آفریقا بدل سازد.

در حداقل یک دهه گذشته اما نظم امنیتی منطقه خلیج فارس در حال دگرگونی است؛ اکنون ایران با کشورهای همسایه خود در جنوب روابطی مبتنی بر حسن همجواری داشته و دیگر طبق الگوی واشنگتن جدی ترین هدف دفاعی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس مقابله با نظام حاکم در تهران نیست. اکنون بازیگران جدیدی در مناسبات امنیتی منطقه ورود کرده اند و همین امر در طولانی مدت منجر به شکل گیری نظامی جدید در امنیت خلیج فارس خواهد شد.

### مهم ترین توافقاتی امنیتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در یک سال گذشته

زمانی که از ظهور بازیگران جدید و کم رنگ شدن تدریجی نقش آفرینی قدرت های بزرگ در منطقه سخن به میان می آید نباید دچار این خطا شد که دوران حضور و تأثیر گذاری این کشورها به پایان رسیده است؛ به عنوان مثال واشنگتن همچنان مهره تأثیر گذاری در امنیت کشورهای جنوب خلیج فارس به شمار می رود. سال گذشته عربستان به دنبال دستیابی به توافقی با دولت بایدن بود تا از این طریق بتواند حداقل بخشی از حمایت های ایالات متحده در زمان ترامپ را بازگرداند.

آمریکا نیز برای توسعه طرح «توافق آبراهام» از اعطای امتیازاتی معقول به عربستان در ازای به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی توسط آل سعود استقبال کرد؛ عربستان برای پیوستن به توافق آبراهام پیش شرط هایی مطرح کرده بود از جمله اینکه آمریکا باید تضمین دهد که از عربستان حمایت نظامی خواهد کرد و مانع توسعه صنایع هسته ای غیر نظامی در این کشور نخواهد شد.

رویکرد امنیتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در سال های اخیر به نظر می رسد نوعی گذار از الگوی سنتی را تجربه می کند. حضور بازیگران نسبتاً جدید به ویژه کشورهای شرق آسیا پس از دوره طولانی مدت از تسلط بریتانیا و آمریکا بر خلیج فارس نیز تغییر در موازنه های امنیتی را به نوعی سرعت بخشیده است.

با وجود آنکه اقتصادهای بزرگ جهانی به ویژه چین روابط خود با کشورهای شورای همکاری خلیج را معطوف به مناسبات اقتصادی و تجاری کرده اند، امنیت منطقه استراتژیک خلیج فارس به هیچ عنوان مولفه ای قابل چشم پوشی نبوده و نیست.

پس از اتمام غلبه امپراطوری بریتانیا بر خلیج فارس، ایالات متحده آمریکا در صدر و پس از آن کشورهای اروپایی مانند آلمان و فرانسه به نقش آفرینی در این منطقه پرداختند و حضور آنها تا بدان جا توسعه یافت که در اوایل دهه گذشته میلادی آمریکا در تمام کشورهای جنوب خلیج فارس حضور مستقیم نظامی داشته و توافقاتی در راستای تأمین امنیت این کشورها با پادشاهی های آنان به امضا رسانده بود.

آمریکا در تلاش بود با معرفی ایران به عنوان دشمن شماره یک این کشورها اولاً خصومت را رژیم صهیونیستی را به حاشیه ببرد و ثانیاً بازار مصرف بزرگی در کشورهای ثروتمند جنوب خلیج فارس برای به فروش رساندن تسلیحات خود مهیا سازد. امری که به تشکیل شورای همکاری خلیج فارس و تبدیل شش کشور عربستان، امارات متحده عربی، قطر، کویت، عمان و بحرین به بزرگ ترین خریداران تسلیحات آمریکایی منتهی شد.





همچنین تأمین محصولات دامی و نیز گندم که همگی مورد نیاز قطر هستند، و به خاطر موقعیت راهبردی ویژه برای قطر در کنار دیگر کشورهای آسیای مرکزی از اهمیتی ویژه برخوردار است.

کشور عمان در سال گذشته اعلام کرد که قصد دارد سیاستی مبتنی بر متنوع‌سازی تأمین‌کنندگان تجهیزات دفاعی خود در پیش گیرد؛ لذا علاوه بر توافق نظامی با کشور چین در سال گذشته، سلطنت عمان به امضای تفاهم‌نامه امنیتی با سوئیس نیز پرداخت که در راستای تقویت امنیت و ثبات در منطقه طرحی را مبتنی بر میانجی‌گری و تحقق صلح کلید زدند.

کشور سوئیس در سال گذشته توافقنامه امنیتی و دفاعی با کویت نیز به امضا رساند. با وجود آنکه در سیاست خارجی کویت به‌ویژه در زمینه توافقات تازه نظامی نوعی رکود در سال گذشته رخ داد با این حال چین نیز در تلاش برای تثبیت حضور خود در منطقه مانند سال‌های پیشین قراردادی جدید در حوزه امنیت با کویت امضا نمود.

کشور بحرین اما در میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بیش از دیگران به متحد دیرینه خود وفادار مانده و مهم‌ترین توافق امنیتی خود در سال گذشته را با ایالات متحده آمریکا امضا نمود. قراردادی که ادعای آن یک معماری امنیتی منطقه‌ای کاملاً یکپارچه و تقویت بازدارندگی متقابل در برابر تهدیدات خارجی است. بسیاری از تحلیلگران این توافق را بیشتر نمادین دانسته تا آن که در حقیقت بتواند تغییری در چشم‌انداز امنیت خلیج فارس ایجاد کند.

کشور قطر، دیگر عضو شورای همکاری خلیج فارس نیز در سال گذشته علاوه بر قراردادی نظامی با واشنگتن که حضور آمریکا در پایگاه هوایی العدید در قطر را تمدید می‌کرد با شریک راهبردی خود ترکیه نیز توافقنامه امنیتی تازه‌ای به امضا رساند. روابط نظامی قطر و ترکیه که به‌ویژه پس از خیزش‌های عربی پررنگ‌تر شده است مناسباتی برد - برد به حساب می‌آید؛ ترکیه به‌وسیله این ارتباطات عمق استراتژیک خود را تا خلیج فارس گسترش داده و همچنین قادر به توسعه صنایع دفاعی خود با سرمایه‌گذاری قطر خواهد بود. دوحه نیز از یک پشتوانه دفاعی نسبتاً قدرتمند برخوردار می‌گردد.

کره جنوبی، بازیگر جدید در عرصه اقتصاد و امنیت خلیج فارس، با قطر نیز توافقی امنیتی در سال گذشته به امضا رساند که به‌موجب آن همکاری‌های امنیتی دو کشور به مشارکت استراتژیک جامع ارتقا یافت. پیش از نیز سنول برای تأمین امنیت دوحه در جریان جام جهانی فوتبال نیروی نظامی به قطر اعزام کرده بود.

دوحه در راستای ارتقای نقش‌آفرینی بین‌المللی خود و نیز افزایش حضور در منطقه استراتژیک آسیای مرکزی سال گذشته توافقی امنیتی با کشور قزاقستان نیز امضا نمود؛ قزاقستان به دلیل دارا بودن معادن غنی مس، آهن و طلا و

کشورهای چین، بریتانیا و رژیم صهیونیستی از جمله شرکای امنیتی امارات متحده عربی در سال گذشته بودند که به امضای توافقنامه‌های نظامی با ابوظبی پرداختند. امارات همچنین تفاهم‌نامه امنیتی با واشنگتن به امضا رساند که بر اساس آن دو

طرف برای تأمین امنیت سایبری همکاری‌های امنیتی خود را ارتقا بخشند. ابوظبی با ژاپن نیز توافق‌نامه خرید تجهیزات و فناوری دفاعی از این کشور امضا کرد.

یکی از مهم‌ترین قراردادهای نظامی امارات در سال گذشته با کشور فرانسه امضا شد و بر اساس آن پاریس متعهد شد تا جت‌های جنگنده رافال و هلیکوپترهای H225m Caracal به ابوظبی تحویل دهد. فرانسه بر خلاف ایالات متحده آمریکا معاملات تسلیحاتی خود را به تعهدات سیاسی کشورها گره نمی‌زند؛ لذا با وجود اختلافات ایدئولوژیک، امارات مهم‌ترین شریک نظامی فرانسه در منطقه خلیج فارس به شمار می‌رود.

پس از آنکه در جریان جنگ یمن امارات هدف حمله تلافی‌جویان مبارزان یمنی قرار گرفت، فرانسه بیش از واشنگتن در جهت تأمین امنیت ابوظبی به این کشور کمک کرد، اکنون پاریس سه پایگاه نظامی در خاک امارات دارد. دولت امارات نیز برای آنکه بتواند شرکای دفاعی خود را متنوع کرده و از این طریق اهرم فشاری در اختیار داشته باشد خود را نیازمند واردات تسلیحات از مقاصد مختلفی از جمله فرانسه می‌داند.

### بهره سخن

در میان بازیگران امنیتی جدید کره جنوبی در سال‌های اخیر تلاش کرده تا نقشی گسترده در منطقه خلیج فارس ایفا کند. این کشور علاوه بر هدف گرفتن بازار بزرگ خلیج فارس برای صادرات تسلیحات نیروهای نظامی خود را نیز به کشورهای این منطقه اعزام می‌کند، در تازه‌ترین این اقدامات سنول شماری از نیروهای خود را برای نظارت بر امنیت تنگه هرمز عازم این منطقه کرده است.

در مجموع با وجود پایان یافتن زمان استعمار و حتی کم‌رنگ شدن حضور نظامی مستقیم کشورهای خارجی در منطقه دولت‌های جنوب خلیج فارس کماکان امنیت خود را در گرو حمایت دیگران دانسته و به طرق مختلف برای تحقق آن تلاش می‌کنند. در این بین علاوه بر دولت‌های غربی، اکنون بازیگران جدیدی به‌ویژه از شرق آسیا به این عرصه وارد شده و اقدامات آنها نظم امنیتی منطقه‌ای را دگرگون خواهد کرد.





## حوزه خلیج فارس؛ رونق گردشگری زیر سایه سنگین رکود اقتصاد نفتی

وابستگی سبب می‌شود علاوه بر برنامه‌های مدون هر کشور و سیاست خارجی آن، تمامی رویدادهای بین‌المللی نیز از طریق تأثیرگذاری بر بازار انرژی بر تولید ناخالص داخلی آنها نیز اثرگذار باشند. در رابطه با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز این فرایند صادق است. به دنبال رکود اقتصادی جهانی، قیمت نفت خام در سال ۱۴۰۲ از ۱۲۰ دلار به ۱۰۰ دلار به ازای هر بشکه کاهش یافت و همین امر نرخ رشد اقتصادی این کشورها را دچار افت نمود.

علاوه بر این، کشورهای صادرکننده نفت به ویژه عربستان سعودی و امارات متحده عربی در بخشی از تازه‌ترین توافق اوپک پلاس، برای کاهش تولیدات نفت خود تا ۲ میلیون بشکه به نتیجه رسیدند. این امر در کنار کاهش نرخ جهانی نفت، کسری رشد اقتصادی را دوچندان کرد. در بعد کلان نیز بسیاری از بانک‌های مرکزی کشورهای واردکننده نفت برای مقابله با تورم دست به افزایش نرخ بهره زدند و یکی از نتایج این امر کاهش تقاضای این کشورها برای نفت خام بود.

با وجود آنکه تکان‌های اقتصادی ناشی از بحران اوکراین یک بار توسط کشورهای شورای همکاری خلیج فارس مدیریت شد، تداوم این بحران و پیامدهای سیاسی و اقتصادی جهانی آن در کنار وقوع جنگ غزه و بی‌ثباتی در منطقه، اختلالی جدی در نظم اقتصادی جهان ایجاد کرده است که این کشورها نیز از نتایج آن مصون نیستند. علاوه بر تأثیرگذاری چنین بحران‌هایی بر بازار انرژی، امنیت منطقه نیز یکی از قربانیان وقوع جنگ است که نتیجه مستقیم آن کاهش سرمایه‌گذاری خارجی در نزدیکی منطقه مورد مناقشه و به تبع آن کاهش رشد تولید و صادرات در کشورهایی است که بخشی از اقتصاد خود را وابسته به سرمایه‌گذاری خارجی تعریف کرده‌اند.

در سال ۱۴۰۱، زمانی که بیشتر کشورهای جهان همچنان در حال دست‌وپنجه نرم کردن با پیامدهای بحران اقتصادی ناشی از همه‌گیری ویروس کرونا بودند، شش کشور شورای همکاری خلیج فارس از این بحران عبور کرده و رشد اقتصادی چشمگیری را به ثبت رساندند. در این سال عربستان سعودی با ۸٫۷ درصد، بالاترین نرخ رشد سالانه را در میان کشورهای گروه ۲۰ به ثبت رساند و میانگین رشد همه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس ۷٫۳ درصد عنوان شد.

این کشورها با پشت سر گذاشتن بحران کرونا و نیز تنش‌هایی که در اوکراین در جریان بود، همچنین با اتکا به منابع نفتی و در پی افزایش تقاضای بین‌المللی برای نفت و گاز و به تبع آن افزایش نرخ هر بشکه نفت تا ۱۲۰ دلار، به رشد مطلوبی در تولید ناخالص داخلی خود دست یافتند. هرچند عوامل دیگری نیز در این امر دخیل بودند؛ به طور مثال میزبانی قطر از جام جهانی فوتبال، منفعت اقتصادی بسیاری برای این کشور و همسایگانش در بر داشت.

روند رشد اقتصادی مطلوب اما در سال بعد دوام نداشت. بر اساس داده‌های بانک جهانی در سال گذشته قطر رشد ۳٫۳ درصدی، امارات متحده عربی رشد ۲٫۸ درصدی، بحرین رشد ۲٫۷ درصدی، عربستان رشد ۲٫۲ درصدی، عمان رشد ۱٫۵ درصدی و کویت رشد اقتصادی ۱٫۳ درصدی را به ثبت رساندند تا میانگین رشد ناخالص داخلی این کشورها با ثبت رقم ۱٫۳ درصد، با فاصله بسیاری از سال گذشته، رکود را برای شورای همکاری خلیج فارس به ارمغان آورد.

### دلایل رکود چه بود؟

مهم‌ترین عامل زمینه‌ساز چنین نوساناتی در کشورهای صادرکننده انرژی وابستگی آنها به نفت و گاز است. این





موضوع خود را چنین اعلام کردند که تا زمانی که تقاضا برای سوخت‌های فسیلی وجود داشته باشد به استخراج و صادرات آنها خواهند پرداخت، اما خود را برای جهان پسانفت نیز آماده کرده‌اند.

مسئله اما چندان ساده نیست؛ در سال‌های اخیر بیشترین درآمد این دولت‌ها از صادرات منابع نفتی و گازی بوده و حتی به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های غیرنفتی نیز بدون درآمدهای نفتی با مشکل مواجه خواهد شد. در سال گذشته شرکت نفتی آرامکو عربستان با ثبت سود ۱۶۱ میلیارد دلاری خود از کمپانی‌های نفتی بزرگ جهان همچون شل و اکسون موبیل نیز پیشی گرفت.

### گردشگری

پس از امارات متحده عربی، دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز اقدام به سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری خود کردند. رویدادهایی مانند میزبانی عربستان از حج سالانه برای مسلمانان و یا میزبانی قطر از رویدادهای مختلف ورزشی در به ثمر نشستن این صنعت در کشورهای مذکور نقش جدی داشته است.

در سال گذشته، درآمد امارات متحده عربی از گردشگران بین‌المللی ۴۰٫۸ میلیارد دلار، عربستان ۲۱٫۷ میلیارد دلار، قطر ۱۶٫۲ میلیارد دلار، بحرین ۴٫۸ میلیارد دلار، عمان ۲٫۹ میلیارد دلار و کویت ۷۰۰ میلیون دلار بوده است. درآمدهای گردشگری در این کشورها، بر خلاف لبنان، مصر و اردن، حتی با وقوع جنگ غزه نیز چندان کاهش نیافت.

از جمله دیگر مسائلی که می‌توان از آنها به عنوان عوامل این رکود یاد کرد، متصل شدن ارزهای این کشورها به نظام پولی دلار آمریکا است. در چنین وضعیتی، هرگونه تغییر در شرایط جهانی دلار آمریکا مستقیماً بر اقتصاد کشورهای مذکور تأثیرگذار خواهد بود. در سال گذشته به دنبال رکود جهانی اقتصاد و برخی تلاش‌هایی که از جانب اقتصادهای نوظهور به ویژه چین و کشورهای بریکس صورت گرفت، تسلط دلار آمریکا بر اقتصاد جهانی با احتمال زیر سوال رفتن مواجه شد و به تبع آن نظام اقتصادی هر کشوری که ارزش ارز ملی خود را به دلار آمریکا گره زده بود از چنین شرایطی تأثیر پذیرفت.

### انرژی

در مسئله انرژی بیش از یک دهه است که کشورهای خلیج فارس بر شمشیری دو لبه قرار دارند؛ از یک سو عمده درآمد این کشورها حتی پس از متنوع‌سازی اقتصادی وابسته به صادرات هیدروکربن بوده و از سوی دیگر اقتضای جهان امروز عبور از انرژی‌های فسیلی و تمرکز هر چه بیشتر بر انرژی‌های تجدیدپذیر است.

این دوراهی در سال گذشته و با میزبانی امارات متحده عربی از اجلاس مقابله با تغییرات آب و هوایی بیش از پیش برجسته شد؛ بر اساس تصور بسیاری از تحلیلگران حوزه انرژی در جهان آینده و با به کارگیری انرژی‌های سبز جایی برای کشورهای صادرکننده هیدروکربن نخواهد بود. با این حال، کشورهای حوزه خلیج فارس از طرح‌های خود در راستای به کارگیری انرژی‌های تجدیدپذیر پرده برداشته و

### بهره سخن

اقتصاد کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در سال گذشته، با وجود رشد صنعت گردشگری و انعقاد قراردادهای جدید نفتی و گازی، به دلیل نوسان در قیمت نفت و نیز برخی تحولات بین‌المللی دچار رکود شد.

این امر نشانگر آن است که این کشورها برای متنوع‌سازی اقتصادی و کاهش اتکا به درآمدهای نفتی راه درازی در پیش دارند، اما از طی کردن آن ناگزیر هستند. چرا که تداوم رانتی بودن دولت‌ها در بلندمدت، به ویژه با توجه به مسائل جهان جدید و عزم کشورها برای مقابله با تغییرات آب و هوایی، سبب می‌شود دوران ثروت و شکوه کشورهای جنوب خلیج فارس با گذار از انرژی‌های فسیلی به پایان رسد.





## حسن همجواری؛ کلیدواژه روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس



با امارات متحده عربی دارد. به همین دلیل در بسیاری موارد زمانی که مسائلی به‌ویژه در رابطه با جزایر سه‌گانه مطرح می‌شود قادر به گسست کامل روابط تهران و ابوظبی نیست. با این حال روابط ایران با امارات نیز پس از عادی‌سازی با عربستان با سرعت بیشتری گسترش یافت.

۲۳ خردادماه سال ۱۴۰۲ علی باقری معاون سیاسی وزارت خارجه ایران به امارات سفر و با انور قرقاش مشاور دیپلماتیک رئیس کشور امارات دیدار کرد. در این سال همچنین امارات در نشست جده با حضور جو بایدن، رییس‌جمهور آمریکا اعلام کرد که به هیچ توافقی امنیتی علیه ایران نخواهد پیوست.

### بحرین؛ همسایه متفاوت

روابط ایران با بحرین با شرایط متفاوتی نسبت به دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس پی گرفته شده است. با وجود آنکه بسیاری از تحلیلگران بحرین را دنباله‌رو عربستان دانسته و معتقد بودند بهبود روابط تهران و منامه به فاصله اندکی پی از عادی‌سازی روابط ایران و عربستان به وقوع خواهد پیوست؛ اما این پیش‌بینی چندان درست از آب در نیامد.

دلیل چنین امری را باید در اکثریت شیعه در بحرین و حاکمیتی که از اقلیت سنی این کشور برآمده جستجو کرد. در حقیقت مقامات بحرین روابط نزدیک با تهران را به دلیل آنکه نظام اسلامی شیعه دارد تهدیدی برای خود تلقی می‌کنند چرا که امکان سرکوب شیعیان توسط آنها سلب خواهد شد. اعتراضات شیعیان در این کشور پس از انقلاب اسلامی و با مشاهده وضعیت هم‌کیشان در کشور همسایه بارها رخ داده و هر بار با سرکوب دستگاه دولتی به

اقتصادی و در بلندمدت پیامدهای مثبت امنیتی به همراه خواهد داشت.

### عربستان؛ رقیب بزرگ

ایران و عربستان از دیرباز به دلیل آنکه از نظر وسعت و جمعیت دو کشور بزرگ منطقه خلیج فارس به حساب می‌آیند رقبای مهمی برای یکدیگر به شمار می‌رفتند با این حال این رقابت در مقاطعی از تاریخ دوستانه و در برخی زمان‌ها خصمانه بود. پس از آنکه در سال ۱۳۹۴ روابط تهران و ریاض موقتا قطع شد تلاش‌هایی توسط سلطنت عمان و عراق برای برقراری روابط مجدد میان دو کشور صورت گرفت.

در نهایت اما کشور چین میانجیگر برنده بود و در اسفندماه سال ۱۴۰۱ ایران و عربستان پس از ۷ سال روابط دیپلماتیک دوجانبه را از سر گرفتند.

آغاز سال ۱۴۰۲ هم‌زمان با فرایند بهبود روابط دوجانبه بود؛ در شانزدهم خرداد این سال سفارت ایران در ریاض بازگشایی شد و در ۲۷ خرداد وزیر خارجه عربستان به تهران سفر کرد. سیر بهبود روابط دوجانبه در تمام سال تداوم یافت و در جریان جنگ غزه مقامات تهران و ریاض بارها به بحث و رایزنی در رابطه با حل مسئله فلسطین پرداختند.

### امارات متحده عربی؛ شریک تجاری

ایران در بین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بیشترین مناسبات اقتصادی را

به دنبال روی کارآمدن دولت سیزدهم در ایران، سیاست حسن همجواری و بهبود روابط همسایگی در دستور کار قرار گرفت و عمده اقدامات مقامات سیاست خارجی کشور در راستای برقراری تعامل سازنده با همسایگان در شمال و جنوب سامان داده شد.

بخش مهمی از روابط ایران با همسایگان جنوبی در حاشیه خلیج فارس است که در حوزه‌های مختلف تجاری، سیاسی و امنیتی سبب حصول منافع گسترده هم برای تهران و هم برای کشورهای جنوب خلیج فارس خواهد شد.

در سال‌های پس از انقلاب اسلامی با فعالیت گسترده آمریکا، ایران به‌عنوان دشمن شماره یک کشورهای عربی حوزه خلیج فارس معرفی شد و به دنبال آن رقابت تسلیحاتی صورت گرفت که کشورهای مذکور را تبدیل به بزرگ‌ترین خریداران سلاح در جهان کرد. اکنون اما با تغییر نظم بین‌المللی و تقویت نظام چندقطبی علاوه بر آنکه دیگر واشنگتن تنها قدرت خارجی تأثیرگذار بر سیاست منطقه خاورمیانه نبوده و بازیگرانی مانند چین و روسیه نیز به نقش‌آفرینی در این منطقه پر تلاطم پرداخته‌اند، کشورهای منطقه به این نتیجه رسیده‌اند که آنچه در بلندمدت سبب تحقق ثبات خواهد شد نه توسط قدرت‌های بزرگ خارجی بلکه به تبع بهبود روابط همسایگی حاصل می‌شود.

در سال گذشته کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و ایران به جز در مواردی محدود مسیر مثبتی را در گسترش روابط خود طی کردند. در واقع پس از عادی‌سازی روابط تهران و ریاض بهبود مناسبات ایران با دیگر کشورهای شورای همکاری به‌صورت دومین‌توار در حال رخ‌دادن است؛ امری که در کوتاه‌مدت منافی





حضور علی اکبر محرابیان وزیر نیرو ایران و شیخ محمد بن حمد بن قاسم العبدالله آل ثانی وزیر صنعت و تجارت قطر بود. این کمیسیون برای گسترش همکاری‌های تجاری میان دو کشور در حال فعالیت است. باتوجه به آنکه قطر نیاز جدی به واردات مواد غذایی از یک سو و مصالح ساختمانی از سوی دیگر دارد ایران می‌تواند در حوزه‌های مذکور صادرات خود به دوحه را گسترش دهد.

در جریان جنگ غزه نیز وزیر امور خارجه ایران به دوحه سفر کرد تا در رابطه با تلاش برای برقراری آتش‌بس در غزه بحث و گفتگو کنند. قطر در جنگ اخیر غزه از یک طرف با تلاش‌های دیپلماتیک خود و از طرف دیگر با به‌کارگیری شبکه الجزیره به‌عنوان بازوی قدرت نرم تلاش همه‌جانبه‌ای برای دفاع از غیرنظامیان فلسطینی انجام داده است.

و در اکثر موارد همواره حداقلی از مناسبات دیپلماتیک میان دو کشور حفظ شده است در سال گذشته مسئله میدان مشترک گازی آرش یا الدره بار دیگر سبب اختلافاتی میان دو کشور شد.

حدود ۴۰ درصد از میدان گازی آرش در آب‌های ایران و ۶۰ درصد آن در آب‌های مشترک عربستان و

کویت قرار دارد. جمهوری اسلامی ایران بارها اظهار کرده که هر سه کشور از منابع گازی این میدان سهم دارند با این حال وزیر نفت کویت بار دیگر در شهریورماه سال گذشته اعلام کرد که ما به طور کامل فعالیت‌های ایران را در اطراف میدان الدره رد می‌کنیم. الدره ثروت طبیعی کویت و عربستان است. این رویداد سبب خشم دستگاه سیاست خارجی ایران شد و تا به آنجا پیش رفت که ایران بیان کرد در صورتی که این مسئله حل نشود از مجامع قضایی بین‌المللی می‌خواهد که به آن ورود کنند.

#### قطر؛ دوست و همسایه

روابط تهران و دوحه در بیشتر مقاطع زمانی روابطی مثبت و دوستانه بوده است. در سال گذشته تهران میزبان نهمین جلسه کمیسیون همکاری‌های مشترک اقتصادی ایران و قطر با

پایان رسیده است.

#### عمان؛ یک هم‌زیستی مسالمت‌آمیز

علاوه بر آنکه سیاست خارجی عمان در همه مقاطع مبتنی بر صلح و دیپلماسی بوده است؛ اما در رابطه با جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در سال‌های اخیر علاوه بر سیاست کلان مسقط مسائل دیگری نیز وجود دارد. عمان بیش از ۹۰ درصد مواد غذایی مورد نیاز شهروندان خود را از طریق واردات تأمین می‌کند. از طرفی دسترسی این کشور به منابع نفتی و گازی محدودتر از دیگر همسایگانش است؛ لذا همواره برای تأمین انرژی مورد نیاز خود به دیگر کشورها وابسته است.

عمان در سال‌های اخیر دریافته که با وجود اختلافاتی که با امارات متحده عربی دارد، قادر به تأمین گاز طولانی‌مدت از این کشور نخواهد بود؛ لذا توسعه مناسبات با ایران عمان را قادر می‌سازد که از یک سو امکان تأمین گاز مورد نیاز خود از منابع ایران در دریای خزر را داشته باشد و از سوی دیگر ایران مسیر ترانزیتی باشد که عمان را به گاز ترکمنستان و روسیه متصل می‌سازد. در سالی که گذشت سلطان عمان به همراه هیئتی اقتصادی به ایران سفر کرد که رویداد مهمی در روابط دوجانبه تهران و مسقط تلقی می‌شد.

#### کویت؛ بحران میدان آرش

با وجود آنکه روابط سیاسی میان تهران و کویت در سال‌های گذشته هیچ‌گاه رو به وخامت نرفته

#### بهره سخن

روابط کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با جمهوری اسلامی ایران تابعی از مسائل مختلف بوده است؛ از یک سو تغییر نظم امنیتی در منطقه سبب شد تا این کشورها به‌جای اتکا به نیروی نظامی خارجی دست به بهبود روابط با همسایگان خود بزنند. از سوی دیگر دولت فعلی در ایران تمرکز خود را برای بهبود روابط به‌جای کشورهای اروپایی بر همسایگان خود در مرزهای شمالی و جنوبی معطوف کرده و از تمایل این کشورها برای توسعه روابط دوجانبه استقبال می‌نماید.

در نهایت نیز هر دو طرف به این نتیجه رسیده‌اند که اختلاف دیدگاه‌های آنان نسبت مسائل امنیتی و استراتژیک نتیجه‌ای جز رقابت تسلیحاتی و ناامنی خلیج فارس را در پی نخواهد داشت؛ لذا توسعه همکاری نخست در امور کمتر مناقشه‌برانگیز مانند مناسبات تجاری در دستور کار قرار گرفت تا در بلندمدت همکاری‌ها به حوزه‌های سیاسی و امنیتی نیز تعمیم یابد.







## الگوسازی سازمانی؛ دروازه ورود به جهان چندقطبی

سازمان بریکس برای نخستین بار از تاریخ تأسیس خود اقدام به گسترش و دعوت از اعضای جدید نموده است. گنجاندن کشورهایی مانند عربستان، امارات متحده عربی و مصر - و همچنین جمهوری اسلامی ایران - در میان کشورهای که واجد شرایط عضویت در بریکس هستند نشانگر مسیر این سازمان به سمت نقش آفرینی در حوزه خلیج فارس و شمال آفریقا می‌باشد.

سه کشور عربی مذکور با وجود ملاحظات و محدودیت‌هایی که در قبال آمریکا و اروپا داشته و سعی در آن دارند تا از احتمال تغییر رویکرد این کشورها در خلیج فارس و شمال آفریقا جلوگیری نمایند، بر اساس سیاست چندجانبه‌گرایی، موازنه مثبت و نیز منافع اقتصادی پیوستن به بریکس و دسترسی به نهادهای اقتصادی این سازمان به‌ویژه بانک توسعه جدید، عضویت در بریکس را به منزله فرصتی برای رشد اقتصادی، متنوع‌سازی شرکای تجاری و نیز فاصله‌گرفتن از مدار غرب در جهت کاهش وابستگی به حمایت‌های ایالات متحده آمریکا ارزیابی کرده و از آن استقبال می‌کنند.

### عربستان

عضویت نخستین صادرکننده بزرگ نفت جهان با تولید ناخالص داخلی سالانه بیش از یک تریلیون دلار در یک سازمان، اندازه و نفوذ آن سازمان را به میزان قابل توجهی افزایش خواهد داد. عربستان در صورت عضویت در بریکس به یک بازیگر اصلی در تجارت انرژی درون این بلوک تبدیل خواهد شد؛ کشورهای بریکس سهم بزرگی از مصرف جهانی نفت را در اختیار دارند و حضور عربستان در کنار مصرف‌کنندگان بزرگ سبب به چالش کشیدن سلطه ایالات متحده آمریکا بر بازارهای نفت می‌گردد.

به‌تبع این موضوع همکاری‌ها در زمینه انرژی میان اعضا افزایش می‌یابد، سرمایه‌گذاری‌های مشترک کلاسی در حوزه اکتشاف و تولید نفت رخ خواهد داد و همچنین مکانیسم‌های نوینی جایگزین فرایند فعلی تجارت نفت می‌شود، مکانیسم‌هایی که تا حد ممکن امنیت انرژی را در مبدأ و در مسیر انتقال افزایش دهند.

از سوی دیگر عضویت عربستان در بریکس زمینه را برای دسترسی این کشور به یک شبکه قوی از شرکای اقتصادی فراهم می‌کند و تنوع در

بازارها و شرکای تجاری سبب افزایش ثبات اقتصادی برای پادشاهی سعودی خواهد شد. عربستان با افزایش دسترسی به بازارهای چین و هند از طریق بریکس قادر به افزایش صادرات و نیز تسهیل مشارکت‌های اقتصادی خواهد بود. همچنین استفاده از فناوری‌های نوآورانه و قابلیت تولید اعضای بریکس به‌ویژه چین رشد اقتصادی عربستان را تسریع می‌کند.

### امارات

آنچه سبب شده تا امارات بر خلاف عربستان بدون تعلل عضویت در بریکس را بپذیرد چندجانبه‌گرایی این کشور است؛ امارات هم‌زمان با افزایش تقابل میان کشورهای جهان و نیز روند در حال تحول مناسبات بین‌المللی با برنامه‌ریزی بلندمدت به دنبال متحدانی متنوع است تا در صورت بروز اختلاف با شرکای پیشین خود دچار انزوای بین‌المللی نشود.

کشورهایی مانند عربستان و امارات در سال‌های اخیر به این باور رسیده‌اند که ایالات متحده آمریکا دیگر به تأمین امنیت و منافع این کشورها متعهد نیست. این مسئله به‌ویژه پس از آنکه واشنگتن در رابطه با کاهش حضور خود در خاورمیانه سخن گفته شدت یافته است؛ لذا سیاست هوشمندانه‌ای که از نظر حاکمان این کشورها باید اتخاذ شود مبتنی بر تنوع بخشیدن به روابط، جستجوی قطب‌ها، بلوک‌ها و مدارهای جدید است.

با وجود آنکه ناامیدی امارات از حمایت‌های امنیتی آمریکا سبب خروج این شیخ‌نشین از نیروی دریایی تحت رهبری ایالات متحده در خلیج فارس و نیز شرکت کردن در مانورهای نظامی مشترک با نیروی هوایی چین شد؛ اما همچنان تصمیم برای عضویت در بریکس دارای ریسک قابل توجهی برای امارات به‌ویژه در روابط این کشور با آمریکا و نیز رژیم صهیونیستی و نشانگر سیاست مبتنی بر اتخاذ تصمیمات جسورانه و مستقل این کشور است.





علاوه بر چندجانبه‌گرایی مدنظر مقامات ابوظیبی، امارات با عضویت در بریکس به بازارهای جدید آفریقا و آمریکای جنوبی بیش از گذشته دسترسی خواهد یافت و روابط تجاری غیرنفتی خود را تنوع خواهد بخشید، امری که در راستای اهداف امارات مبتنی بر دوبرابر کردن تولید ناخالص داخلی تا سال ۲۰۳۰ و کاهش وابستگی به نفت است.

در مجموع امارات از فرصت حضور در بریکس در جهت تقویت قدرت ژئوپلیتیکی خود، انطباق با دنیای چندقطبی، ارتقای همکاری‌های چندجانبه و نیز شکوفایی اقتصادی بلندمدت کشور بهره خواهد برد، همان‌گونه که مقامات امارات اظهار کرده‌اند: «عضویت در بریکس نشانگر تعهد امارات متحده عربی به ترویج گفتگوی سازنده از طریق پلتفرم‌هایی است که نشان‌دهنده اقتصادهای درحال توسعه و نوظهور و تمرکز بر شکوفایی بلندمدت و حفظ آن است.»

### سازمان همکاری‌های شانگهای

در سال گذشته عربستان نیز پس از قطر به دومین کشور شورای همکاری خلیج فارس تبدیل شد که شریک بحث و گفتگو در سازمان همکاری‌های شانگهای است. این عنوان سرآغازی برای همکاری با سازمان مذکور تلقی می‌شود و به شرط آنکه همکاری‌ها روند مثبتی را طی کنند کشوری که شریک بحث و گفتگو باشد می‌تواند ظرف مدت چند سال به عضویت دائم سازمان همکاری‌های شانگهای درآید.

با آنکه بسیاری از تحلیلگران چنین رویدادی را بیش از آنکه اجرایی تلقی کنند نمادین می‌دانند؛ اما آنچه اهمیت دارد نشانه‌ای است که این اقدام عربستان در راستای متنوع‌سازی شرکای خود و نگاه به شرق این کشور به جهان مخابره می‌کند.

سازمان همکاری‌های شانگهای ادغام اقتصادی و زیرساختی بازیگران را تسهیل کرده و اعتبار دیپلماتیک کشورها را ارتقا می‌بخشد؛ لذا عربستان با قرارگرفتن در میان شرکای این سازمان از یک سو جایگاه بین‌المللی خود را در نظم جدید جهانی بالا برده و از سوی دیگر به بازار درحال رشد اعضای سازمان دسترسی می‌یابد.

هر چند عضویت عربستان در سازمان بریکس یا سازمان همکاری‌های شانگهای را نباید اقدامی ضد غربی از جانب دولت ریاض تلقی کرد، در حقیقت عربستان با چنین رویکردی قصد دارد چنین به نظر برسد که متکی به همکاری‌های اقتصادی و نظامی با کشورها غربی نبوده و شرکای دیگری نیز دارد، به بیان دیگر عربستان با این اقدامات خواستار آن است که شریک کم‌اهمیت غرب در نظر گرفته نشود.

### بهره سخن

آنچه کشورها را به سوی عضویت در بریکس یا سازمان همکاری‌های شانگهای سوق می‌دهد نارضایتی عمومی از سیاست‌های مالی یک‌جانبه ایالات متحده آمریکا است. این سازمان‌ها حتی اگر در حال حاضر توانایی رقابت با سیستم اقتصادی دلاری در جهان را نداشته باشد حرکت اولیه قدرتمندی برای به چالش کشیدن این سیستم مالی تک‌قطبی به شمار می‌رود؛ بسیاری از مبادلات میان اعضای بریکس به وسیله ارزهای ملی کشورها و یا یوان انجام می‌گیرد.

امارات نیز که هنوز به عضویت بریکس درنیامده از سال گذشته مبادلات خود با هند و در برخی موارد با چین را به وسیله ارزهای ملی انجام داد؛ لذا می‌توان ماهیت وجودی سازمان بریکس و نیز گسترش آن را گامی مهم برای خلق یک نظام اقتصادی چندقطبی بین‌المللی دانست.

عربستان و امارات بر اساس سیاست چندجانبه‌گرایی مستقل خود و نیز موازنه مثبت، در قالب بریکس روابط خود با کشورهای غیرغربی را گسترش خواهند داد تا بدین وسیله توان چانه‌زنی خود در معادلات بین‌المللی را افزایش داده و از اتکا به غرب بپرهیزند. فعالیت‌های اقتصادی این کشورها در بانک توسعه جدید بریکس نیز قابل توجه خواهد بود، این بانک علاوه بر آنکه نمادی از نهادسازی اقتصادی قدرت‌های نوظهور محسوب می‌شود مکانی امن برای اندوخته‌های احتیاطی این کشورها به شمار می‌رود.





# مانیفست شورای همکاری خلیج فارس در منطقه؛ امنیت، ثبات، توسعه



انزوا را برای این کشور هموارتر کرد. کشورهایی مانند بحرین که تا پیش از این اعلام کرده بودند هیچ برنامه‌ای برای برقراری روابط مجدد با سوریه ندارند پس از زلزله با فشار اسد تماس گرفته و از آمادگی برای اعطای کمک به این کشور خبر دادند.

قطر نیز بارها در مجامع بین‌المللی اعلام کرده بود که تا زمانی که دلایل تحریم دولت دمشق رفع نشود به عادی‌سازی روابط با این کشور نخواهد پرداخت. با این حال پس از وقوع زلزله قطر یکی از کشورهای بود که بیشترین کمک بشردوستانه را عازم مناطق زلزله‌زده در سوریه کرد. در حال حاضر تنها کشور شورای همکاری خلیج فارس که هنوز قدمی در راستای ارتباط مجدد با دمشق برداشته کشور کویت است.

پیامد عادی‌سازی روابط سوریه با کشورهای مذکور از یک سو خروج از انزوا و بین‌المللی و جذب سرمایه‌های کشورهای خلیج فارس برای دولت دمشق و از سوی دیگر تسهیل انتقال کمک‌های بشردوستانه این کشورها به مردم سوریه است. اکنون کشورهای عربی منطقه دولت فشار اسد را به‌عنوان یک واقعیت پذیرفته‌اند؛ لذا رویکرد آنها نسبت به سوریه نه بر اساس ایدئولوژی بلکه مبتنی بر عملگرایی خواهد بود.

## جنگ غزه؛ تقریب دیدگاه‌ها

در ابتدای وقوع جنگ غزه در اکتبر سال گذشته مواضع کشورهای شورای همکاری خلیج فارس طیفی از دیدگاه‌های مختلف از محکومیت اسرائیل گرفته تا دعوت به خویشتن‌داری و حتی محکومیت عملیات طوفان الاقصی توسط حماس را در برمی‌گرفت. با این حال پس از گذشت چند ماه از جنگ مواضع این کشورها به میزان زیادی نزدیک شدند.

امارات متحده عربی، یکی از متحدان رژیم صهیونیستی با تداوم جنگ خواستار آتش‌بس فوری شد، ابوظبی طرح تل‌آویو مبنی بر تخلیه ساکنان غزه را به‌شدت محکوم کرد و از صندلی

کرد و با مقامات مسقط دیدار نمود؛ لذا عمان نیز دومین کشور شورای همکاری خلیج فارس بود که از برقراری روابط مجدد با دمشق استقبال کرد. البته با در نظر گرفتن سیاست خارجی کلان مسقط مبنی بر دیپلماسی و تلاش برای برقراری صلح و ثبات چنین رویکردی از جانب این کشور چندان دور از انتظار نبود.

پس از این دو کشور عربستان نیز به‌عنوان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین کشور عربی در سال گذشته خبر از سرگیری فعالیت دیپلماتیک خود در سوریه را اعلام کرد. این تصمیم به بیان مقامات ریاض در راستای اهتمام به گسترش همکاری مشترک کشورهای عربی و تقویت امنیت و ثبات در منطقه اتخاذ شده بود. در واقعیت اما مهم‌ترین دلیل به‌رسمیت‌شناختن دولت فشار اسد توسط عربستان به نظر می‌رسد احساس خلأ امنیتی این کشور پس از کاهش حضور تدریجی آمریکا در منطقه باشد.

به بیان دیگر با تغییر تیم ریاست‌جمهوری در آمریکا و رویکرد ایالات متحده مبنی بر مهار چین که به‌تبع آن حضور نظامی واشنگتن در خاورمیانه را کاهش و در شرق آسیا افزایش می‌داد عربستان به این نتیجه رسید که برای تأمین امنیت منطقه‌ای خود باید از اتکا به نیروی نظامی آمریکا فاصله گرفته و دست به حل‌وفصل پرونده‌های تنش بزند. اهمیت این موضوع به‌ویژه زمانی افزایش یافت که عربستان به توسعه صنعت گردشگری و نیز جذب ستاره‌های بزرگ فوتبال جهان دست زد و این اقدامات سبب شد تا بیش از گذشته در معرض دید جهانیان قرار گیرد؛ لذا اصلاح سیاست منطقه‌ای این کشور ناگزیر بود.

وقوع زلزله در سوریه نیز با وجود تبعات انسانی گسترده، در حوزه دیپلماسی مسیر خروج از

فرایند معماری امنیتی جدید خاورمیانه که در سال‌های اخیر آغاز شده در سال گذشته نیز با تغییرات ژئوپلیتیک گسترده، کاهش نقش آمریکا و تقویت نظم بین‌المللی چندقطبی ادامه یافت. در چنین فرایندی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز ناگزیر از انطباق

با تحولات جاری بوده و هستند. بخشی از این تحولات مانند بحران اوکراین و یا مسائل مربوط به چین و تایوان در عرصه بین‌الملل و گروهی دیگر از رویدادها مانند پرونده فلسطین در سوریه در عرصه منطقه‌ای مسائل قابل‌توجهی هستند که اتخاذ رویکرد سیاست خارجی متناسب را برای کشورها ضروری می‌سازند. در یک سال اخیر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس چه رویکردی در قبال مهم‌ترین پرونده‌های منطقه یعنی مسئله سوریه و مسئله فلسطین در پیش گرفتند؟

## پرونده سوریه؛ بازگشایی گره گور

در سال گذشته اتحادیه عرب پس از آنکه سوریه به دنبال جنگ داخلی خود و مخالفت دیگر کشورهای عربی با نظام حاکم در دمشق از این سازمان جدا شده بود رای به بازگشت سوریه به اتحادیه عرب داد. این موضوع البته با پیش‌شرط‌هایی مانند یافتن یک راه‌حل جامع سیاسی برای پایان بخشیدن به بحران سوریه، تأمین امنیت در نقاط مختلف این کشور و نیز فراهم کردن شرایطی رای بازگشت آوارگان و پناهندگان سوری محقق شد.

چنین رویدادی در نتیجه سلسله اتفاقاتی بود که سال ۱۳۹۸ دومین وار در راستای بازپس‌گیری مشروعیت منطقه‌ای و بین‌المللی توسط دولت فشار اسد به وقوع پیوست. ابتدا امارات متحده عربی قدم در راه عادی‌سازی روابط دیپلماتیک با سوریه گذاشت و سفر وزیر خارجه امارات به دمشق به نقطه عطفی در روابط این کشور با دولت‌های جنوب خلیج فارس پس از حدود یک دهه تبدیل شد.

بشار اسد در نخستین سفر خود به خلیج فارس پس از بحران داخلی این کشور به عمان سفر





در پی تحولات اخیر به دلیل نقش خود در رهبری جهان عربی، ظاهراً و به صورت لفظی و دیپلماتیک نقش دفاع از آرمان فلسطین را به عهده گرفته است.

وزیر امور خارجه عربستان در سخنرانی خود در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد از جامعه بین‌الملل خواست تا نهایت تلاش خود برای برقراری آتش‌بس در غزه را به کار گیرند. همچنین محمد بن سلمان ولیعهد عربستان از همه کشورهای خواسته تا صادرات سلاح به اسرائیل را متوقف نمایند.

بیش از همه نقش قطر در بحران اخیر غزه پررنگ بوده است. قطر از ابتدا به دلیل میزبانی از دفتر سیاسی حماس تنها کاتال ارتباطی رسمی را با این گروه داشت؛ لذا رژیم صهیونیست، ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپایی موقعیت میانجی‌گری قطر برای تلاش در جهت آتش‌بس و توافق تبادل اسرا را پذیرفتند. هرچند این امر برای دوحه شمشیری دولبه محسوب می‌شود و در صورتی که قادر به انجام اقدام کارآمدی نباشد باید خود را برای پاسخگویی به دلیل میزبانی از حماس مهیا سازد.

کویت از گذشته نیز کمک‌های بشردوستانه بسیاری به مردم فلسطین رده بود و یکی از بیمارستان‌های ساخت این کشور در رفج نیز در عملیات هوایی رژیم صهیونیستی هدف قرار گرفت.

سلطنت عمان با آنکه همواره سیاستی مبنی بر میانه‌روی داشته در جریان جنگ اخیر به محکومیت اسرائیل و بیش از آن به محکوم کردن آمریکا به دلیل حمایت از رژیم صهیونیستی پرداخت.

عمان همچنین از دادگاه کیفری بین‌المللی خواست تا دادگاهی برای جنایات جنگی علیه مردم فلسطین در غزه تشکیل دهد و جنایت‌کاران جنگی را محاکمه نماید. افکار عمومی در عمان نیز کاملاً بر علیه ایالات متحده است؛ شهروندان عمان به دنبال جنگ غزه به تحریم مک‌دونالد و استارباکس پرداخته و به دفعات متعدد در تظاهرات علیه جنگ شرکت کردند.

عربستان نیز با وجود اینکه پیش از وقوع جنگ خیر از عادی‌سازی قریب‌الوقوع روابط دیپلماتیک با رژیم صهیونیستی داده بود

خود در شورای امنیت سازمان ملل متحد برای درخواست از جامعه بین‌الملل برای تلاش در راستای پایان بخشیدن به جنگ بهره برد. امارات همچنین به اسرائیل هشدار داد که تداوم جنگ ممکن است روابط ابوظبی و تل‌آویو را به صلحی سرد بدل سازد.

بحرین نیز که در ابتدا به دلیل تعهدی که نسبت به «توافق آبراهام» احساس می‌کرد اقدامات حماس را محکوم نموده بود؛ اما با ادامه یافتن جنگ و کشتار غیرنظامیان فلسطینی دریافت برای اداره افکار عمومی ناگزیر از ایجاد تغییراتی دست‌کم در مواضع اعلامی خود می‌باشد؛ لذا پارلمان این کشور در حرکتی که بیشتر باید آن را نمادین دانست اعلام کرد که روابط اقتصادی خود با اسرائیل را قطع خواهد کرد. این اقدام بیش از آنکه عملی باشد به دلیل جلوگیری از بروز اعتراضات توسط شهروندان شیعه در این کشور انجام شد.

کشور کویت از ابتدا در دفاع از فلسطین اقدامات اسرائیل را محکوم کرده و اعلام نمود که این اقدامات تمام قوانین بشردوستانه و کنوانسیون‌های بین‌المللی را نقض می‌کند.

### بهره سخن

وضع کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در قبال دو برون‌ده مهم منطقه‌ای در سال گذشته بیش از هر چیز مبتنی بر کاهش تنش و برقراری ثبات در منطقه بوده است؛ این امر از یک سو به دلیل توسعه صنعت گردشگری در این کشورها و به تبع آن نیاز به جذب سرمایه‌گذاری خارجی است و پیشرفت گردشگری و افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در گرو برقراری امنیت است.

از سوی دیگر مهم‌ترین منبع درآمد دولت‌های جنوب خلیج فارس حتی پس از اقداماتی که در راستای متنوع‌سازی اقتصادی صورت گرفته گماکان از طریق استحصال و صادرات انرژی‌های فسیلی است.

این امر در تمام مراحل استخراج، تولید و انتقال نیازمند حداقلی از امنیت در منطقه و در آبراه‌های بین‌المللی است. به‌عنوان مثال در پی ورود یمن به جنگ غزه و تحرکات نظامی این کشور علیه اسرائیل اکنون صادرات گاز قطر به اروپا امکان گذر از دریای سرخ را نداشته و ناگزیر از طی کردن مسیری جایگزین و طولانی‌تر است. به همین دلیل آنچه برای بقای توسعه اقتصادی کشورهای جنوب خلیج فارس اهمیت دارد در درجه اول کاهش تنش در منطقه است.







## پرونده ترکیه

حکیده:

بررسی تحولات عمده ترکیه در سال ۲۰۲۱ هجری شمسی، ما را با نقاط عطف مهمی در این کشور روبرو می‌کند. انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی در اردیبهشت ماه سال ۲۰۲۱ هجری شمسی، یکی از مهمترین تحولات سیاسی سال اخیر بود.

بیروزی مجدد رجب طیب اردوغان و حزب عدالت و توسعه، گسترده‌ترین ائتلاف سیاسی مخالفین اردوغان را به حاشیه راند و حزب حاکم نواتست یک بار دیگر در شراکت با ملی‌گرایان راست افراطی، کابینه را تشکیل دهد.

ترکیه در سال ۲۰۲۱ شرایط اقتصادی بحرانی و دشواری را سپری کرد و واحد پول ملی این کشور یعنی لیره، بیش از ۵۰ درصد از ارزش خود در برابر دلار را از دست داد و در عرض یک سال، نرخ دلار از رقم نزدیک به ۰۲ لیره در اواخر اسفند به ۲۳ لیره نزدیک شده و بسیاری از شهروندان این کشور، در شرایط معیشتی سختی به سر می‌برند.

سال ۲۰۲۱ برای سیاست خارجی ترکیه سال مهمی بود. چرا که دولت اردوغان، مخالفت با عضویت سوئد در پیمان نظامی ناتو را به یک آلت فشار جدی تبدیل کرد و توانست با استفاده از این ابزار، آمریکا را برای فروش جنگنده‌های اف ۱۶ به نیروی هوایی ترکیه اقناع کند. اما در روابط ترکیه و اتحادیه اروپا اتفاق مثبتی روی نداد.

در یک سال اخیر، ترکیه به صورت گهگاهی و پراکنده، شاهد برخی تهدیدات امنیتی بوده و گروه تروریستی موسوم به حزب کارگران کردستان ترکیه یا ب.ک.ک، داعش و گروه تروریستی موسوم به حزب رستاخیر خلق انفلابی؛ حملاتی علیه ترکیه انجام دادند اما در مجموع، نیروهای نظامی و امنیتی ترکیه، کنترل را در دست داشته و به شکلی گسترده با تهدیدات امنیتی مقابله کردند.

ترکیه در طول یک سال اخیر، نشان داد که علاوه بر اتخاذ تصمیم مورد برجسته‌سازی اهمیت قدرت سخت، عزم خود را برای رسیدن به خودکفایی در صنایع دفاعی جزم کرده است. در این مدت، ترکیه توانست بهیادهای تولیدی خود را به چند کشور دیگر بفروشد و نخستین جنگنده ملی نسل پنجم خود به نام قان را آزمایش کند. البته شواهد نشان می‌دهد که بخش قابل توجه تجهیزات این جنگنده، به کمک آمریکا و کشورهای دیگر تولید شده است.



## دلایل پیروزی مجدد اردوغان در انتخابات اردیبهشت ماه



توانستند از مردم رای بگیرند؟ این سوال، ابعاد گسترده تری نیز دارد که با اهداف مندرج در «سند چشم‌انداز ۲۰۲۳ ترکیه» پیوند خورده است. یعنی همان سندی که اهداف بلندپروازانه آن، از سال ۲۰۱۱ میلادی از سوی اردوغان و حزب او تبلیغ شد و بر اساس اهداف کلی آن، قرار بود ترکیه در سال ۲۰۲۳ میلادی و در یکصدمین سالگرد تاسیس نظام جمهوری، به یکی از ده قدرت اقتصادی برتر جهان تبدیل شود. اما نه تنها این هدف محقق نشد، بلکه شرایط ترکیه نسبت به ۱۰ سال قبل بدتر شد و تورم در حوزه‌های حساسی همچون مسکن، غذا و پوشاک، وضعیت نگران‌کننده ۳ رقمی را نیز تجربه کرد. اینجاست که کارشناسان می‌پرسند: چرا اردوغان با وجود شکست آشکار اهداف چشم‌انداز ۲۰۲۳ باز هم به عنوان رئیس‌جمهور به کاخ بش تپه راه یافت؟ در پاسخ به این سوالات؛ مواردی ذکر شده که مهمترین آنها عبارتند از:

۱. سیاست امنیتی سازی: شش حزب مخالف اردوغان، حاضر نشدند با یکی از نهادهای اقماری پ.ک.ک به نام «حزب دموکراتیک خلق ها» یا ه.د.پ، مصالحه و ائتلاف کنند. چرا که این حزب، با آن که به طور رسمی در پارلمان ترکیه نماینده دارد، اما در آرای سیاسی و تصمیمات و مواضع خود، آشکارا از عبدالله اوجلان رهبر زندانی گروه تروریستی پ.ک.ک پیروی می‌کند. با آن که ائتلاف مخالفین اردوغان، با این حزب هم گروه نشد. اما بعدها مشخص شد که کمال قلیچداراوغلو رهبر حزب جمهوری خلق و نامزد مورد حمایت مخالفین، با حزب مزبور گفتگوهایی داشته و احیانا به توافقات پشت پرده دست یافته است. اردوغان و باغچلی، در سخنرانی‌های خود، با برجسته‌سازی این موضوع؛ عملا فضا را امنیتی‌سازی کرده و اعلام کردند که در صورت به قدرت رسیدن مخالفین، بیم آن وجود دارد که بقای ترکیه و امنیت ملی این کشور به خطر بیفتند و دولتی بر سر کار آید که با تجزیه طلب‌ها، از در مسامحه و سازش وارد شود.

۲. دوقطبی دین‌دار-سکولار: اگر چه سه حزب از مجموع شش حزب ائتلاف مخالفین اردوغان شامل احزاب «سعادت»، «دموکرات» و «آینده» به طرز جدی و آشکار، حلی ارزش‌های دینی و اسلامی بوده و در جرگه احزاب محافظه کار جای گرفته بودند، اما گرایش سه حزب دیگر به سمت باورها و رویکردهای سکولار، کاری کرد که اردوغان، با تحریک عواطف و احساسات

برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی ترکیه در اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۲ هجری شمسی، رویداد مهمی بود که نتایج آن، نهایتاً به نفع اردوغان تمام شد.

بحران گسترده اقتصادی، پیامدهای مالی زلزله بزرگ قهرمان مرعش و ۱۰ استان پیرامون آن و همچنین اوج‌گیری تنش‌ها و اختلافات سیاسی داخلی، انتخابات مزبور را به یک کارزار سیاسی بسیار مهم و سرنوشت ساز تبدیل کرد. بسیاری از تحلیلگران سیاسی در ترکیه و کشورهای دیگر، بر این باور بودند که اردوغان و شریک سیاسی او دولت باغچلی، به خاطر بحران اقتصادی و نارضایتی گسترده مردمی، نتیجه را به رقبای خود واگذار می‌کنند. آنان بر این موضوع تاکید می‌کردند که شش حزب سیاسی مهم ترکیه، برای نخستین بار، یک ائتلاف سیاسی گسترده را به نام «ائتلاف ملت» به وجود آورده‌اند که علیرغم برخی تفاوت سلیقه‌های جدی، حول محور و هدف مهمی به نام تحمیل شکست بر اردوغان، زیر یک سقف گرد هم آمده و از شانس بالایی برای پیروزی برخوردار است. اما با این وصف، اردوغان موفق شد با کسب ۵۲ درصد از آراء، برای سومین بار به مقام ریاست جمهوری ترکیه برسد.

پیروزی مجدد اردوغان و شریک او دولت باغچلی رهبر حزب راست حرکت ملی گرا، یک بار دیگر احزاب مخالف اردوغان را با سرخوردگی و شکست روبرو کرد. از آنجایی که رد نظام سیاسی-اجرایی ریاستی، اختیارات فراوانی در دست رئیس‌جمهور است و نیز با توجه به این که اکثریت ۶۰۰ کرسی پارلمان در دست اردوغان و باغچلی است، احزاب مخالف، سهم قابل توجهی در اتخاذ تصمیمات مهم ندارند و عملا قدرت در دست اردوغان، قبضه شده است. با این وجود؛ بسیج عمومی مخالفین اردوغان، کاری از پیش نبرد و نامزد مشترک مورد حمایت آنان یعنی کمال قلیچداراوغلو رهبر حزب جمهوری خلق، با کسب ۴۸ درصد آراء شکست را پذیرفت.

### اصلی‌ترین دلایل پیروزی مجدد اردوغان

یکی از سوالات مهمی که پس از اعلام نتایج انتخابات سراسری و ریاست جمهوری ترکیه مطرح شد این بود که چرا اردوغان و حزب او، با وجود بحران اقتصادی و اعمال سیاست‌ها و برنامه‌های ناکارآمد،



۵. نشست در صف مخالفین و فقدان استراتژی روشن: مدت کوتاهی قبل از برگزاری انتخابات، مرال آکشنر رهبر حزب خوب از ائتلاف ملت قهر کرد و جدا شد. او در نشست شش رعیبر عضو ائتلاف ملت، اعلام کرده بود که در صورت به قدرت رسیدن قلیچداراوغلو، باید پست معاونت ریاست جمهوری را در اختیار بگیرد. پس از قهر آکشنر، جبهه مخالفین دچار مشکل شد و قلیچداراوغلو حاضر شد علاوه بر ۵ رهبر احزاب شریک خود، به منصور یواش شهردار آنکارا و اکرم امام اوغلو شهردار استانبول نیز، وعده پست معاونت ریاست جمهوری را بدهد. این در حالی است که او و دیگر اعضای ائتلاف ملت، استراتژی و نقشه روشنی نداشتند و تنها برنامه و محور اصلی این ائتلاف، تلاش برای کنار نهادن اردوغان از صحنه قدرت بود.

پس از به قدرت رسیدن مجدد اردوغان و حزب عدالت و توسعه، زمزمه نارضایتی از عملکرد قلیچداراوغلو در مقام رهبری «حزب جمهوری خلق» روز به روز بلندتر شد و او در کنگره حزب، جای خود را به اوزگور اوزل داد. به این ترتیب اوزگور اوزل سیاستمدار جوان، رهبر قدیمی‌ترین حزب ترکیه شده و حزبی که یکصد سال تمام از عمر آن گذشته، همچنان با در اختیار داشتن یک چهارم از آرای کل مردم ترکیه، به عنوان مهمترین حزب مخالف اردوغان شناخته می‌شود. اگر چه این حزب نتوانست در انتخابات سال ۱۴۰۲ معادلات قدرت در ترکیه را تغییر دهد، اما باعث شد احزاب دیگری همچون «سعادت»، «دموکرات»، «آینده» و «جهش و دموکراسی»، تعداد قابل توجهی از کرسی‌های پارلمان ترکیه را به دست آورند.

دینی قشر محافظه کار ترکیه، وانمود کند که در صورت به قدرت رسیدن سکولارها، مفاهیمی همچون ازدواج همجنسگرایان و ارزش‌های غربی و ضددینی در ترکیه حاکم خواهند شد.

۳. رای سرنوشت ساز سینان اوغان: یکی از چهره‌های ملی گرای ترکیه که به عنوان نامزد مستقل وارد رقابت انتخابات ریاست جمهوری شد، فردی به نام سینان اوغان بود با شعارهای ملی گرایانه به صحنه آمد و با کسب ۴ درصد از آرای مردم، باعث شد انتخابات به دور دوم برود. اما او چند روز پس از اعلام نتایج، با اردوغان توافق کرد و حاضر شد از او حمایت کند. در نتیجه بخش قابل توجهی از طرفداران اوغان، رای خود را در دور دوم، به نفع اردوغان به صندوق انداختند.

۴. ناتوانی نامزد مورد حمایت مخالفین اردوغان: به محض اعلام شکست قلیچداراوغلو در برابر اردوغان، شریک اصلی او یعنی خانم مرال آکشنر رهبر حزب ملی گرای موسوم به «حزب خوب»، از ائتلاف با قلیچداراوغلو ابراز ندامت کرده و آشکارا گفت؛ اگر به توصیه او، همه مخالفین اردوغان حاضر می‌شدند اکرم امام اوغلو را به عنوان نامزد مشترک بپذیرند، تحمیل شکست بر اردوغان، کار دشواری نبود. دیگر رهبران احزاب ائتلاف مخالفین، کمابیش و به شکل تلویحی این انتقاد را پذیرفته و اذعان کردند که قلیچداراوغلو، نامزدی نبوده که بتواند در برابر اردوغان، به اندازه کافی قدرتمند و کاریزماتیک عمل کند.





# چرا بحران اقتصادی در ترکیه تاوم دارد؟



به ولخرجی‌های دولت، مداخله مداوم داماد و اطرافیان اردوغان در تصمیمات اقتصادی، استعفا داده و به آمریکا رفته بود. با این وصف، شیمشک در خرداد ماه ۱۴۰۲ به ترکیه بازگشت و مسئولیت تیم اقتصادی اردوغان را بر عهده گرفت. این تیم که متشکل از جودت ییلماز معاون رییس جمهور، مهمت شیمشک وزیر امور مالی و دارایی، عمر پولاد وزیر بازرگانی و حفیظه غایه ارکان رییس بانک مرکزی بود، از اردوغان تعهد گرفت که در اتخاذ هیچکدام از تصمیمات اقتصادی و مالی بانک مرکزی و دیگر نهادهای اقتصادی دخالت نکند.

با آن که بازگشت شیمشک به ترکیه، اثر روانی مثبتی برای بازار ترکیه به همراه داشت، اما تیم او و برنامه‌ریزی‌هایی که برای ترمیم اقتصاد کشور در نظر گرفته، هنوز هم نتوانسته کاری از پیش ببرد و در طول سال ۱۴۰۲ در بخش‌هایی همچون مسکن، غذا، انرژی، پوشاک و حمل و نقل، به طور مداوم شاهد افزایش قیمت‌ها بوده‌ایم. علاوه بر این، کمبود منابع ارزی و بالا رفتن هزینه‌های تولید، باعث شده که شمار قابل توجهی از واحدهای تولیدی در ترکیه تعطیل یا ورشکسته شوند.

## حواشی نگران‌کننده بانک مرکزی ترکیه

خانم حفیظه غایه ارکان دانش‌آموخته دانشگاه‌های آمریکا، به توصیه و پیشنهاد شیمشک و به عنوان اولین زن تاریخ جمهوری ترکیه که ریاست بانک مرکزی این کشور را در اختیار می‌گرفت، مدت کوتاهی پس از انتصاب، برخلاف سیاست‌های پیشین اردوغان، افزایش بهره بانکی را اعلام کرد. بازار ترکیه و فعالان و تحلیلگران اقتصادی این کشور، از

پولی-مالی بانک مرکزی و سپردن سکان اقتصاد کشور به دامادش برات آلبایراق، مشکلاتی برای این کشور به وجود آورده که اثرات آن طولانی مدت خواهد بود. اما خود اردوغان و مقامات حزب عدالت و توسعه، همواره تلاش کرده‌اند تا بحران اقتصادی ترکیه را به بحران اقتصاد جهانی ربط دهند و حتی در پاره‌ای موارد، ادعا کنند که برخی تیم‌های اقتصادی دشمن ترکیه در کشورهای مختلف، با برنامه‌ریزی هدفمند و خصمانه، اقتصاد این کشور را هدف گرفته‌اند! اما پروفیسور دارون عجم اوغلو اقتصاددان مشهور جهان و نویسنده کتاب «ملت‌ها چرا شکست می‌خورند؟» در سال ۱۴۰۲ و در دو مصاحبه متفاوت، اعلام کرد که اصلی‌ترین معضل اقتصادی ترکیه «بهره وری پایین» و «مشکلات ساختاری» است.

کارشناسان دیگر نیز بر این باورند که علاوه بر تاثیر سیاست‌های ناکارآمد اقتصادی، تجملگرایی و ریخت و پاش در ارگان‌های دولتی از جمله کاخ ریاست جمهوری، هزینه‌گزافی را بر اقتصاد ترکیه تحمیل کرده است.

## تیم اقتصادی جدید، کاری از پیش نبرد

پس از پیروزی مجدد اردوغان در انتخابات ریاست جمهوری، او از مهمت شیمشک اقتصاددان مشهور ترکیه دعوت کرد تا از آمریکا به ترکیه بازگردد و سکان اقتصاد را در دست بگیرد.

شیمشک، قبلا هم به عنوان یکی از نمایندگان حزب عدالت و توسعه به پارلمان ترکیه راه یافته بود و در پست‌هایی همچون وزارت امور مالی و دارایی و معاونت نخست‌وزیری، کارنامه موافقی بر جای گذاشته بود. اما در اعتراض

ترکیه در سال ۱۴۰۲ هجری شمسی، شرایط اقتصادی بحرانی و دشواری را پشت سر گذاشت. کاهش شدید ارزش لیره ترکیه در برابر دلار آمریکا، افزایش روزافزون تورم مواد غذایی و مسکن، ترکیه را تبدیل به کشوری کرده که بخش غالب شهروندان آن، برای تامین نیازهای روزانه و خرید کالاهای اساسی، با مشکل جدی روبرو هستند.

در طول سال ۱۴۰۲ هر ۱ دلار آمریکا از مبلغی نزدیک به ۲۰ لیره، در اواخر اسفند به ۳۲ لیره رسید و کارشناسان اقتصادی این کشور معتقدند که دستمزد ماهانه ۱۷ هزار لیره‌ای که برای میلیون‌ها کارگر ترکیه در نظر گرفته شده، حتی از خط گرسنگی نیز پایین‌تر است.

## ربط دادن تورم به مسائل جهانی

مردم ترکیه در سال ۱۴۰۲ شرایطی را تجربه کردند که در تاریخ ۲۲ ساله حزب عدالت و توسعه سابقه نداشته است. اما مقامات این حزب از جمله رجب طیب اردوغان رهبر حزب و رییس جمهور ترکیه، بارها اعلام کرده‌اند که تورم و گرانی در ترکیه، ارتباط معنی داری با مسائل داخلی این کشور ندارد و بخشی از یک معضل جهانی است! این در حالی است که اردوغان، در میتینگ‌های تبلیغاتی خود در آستانه انتخابات اردیبهشت ماه، وعده داده بود که در صورت انتخاب مجدد، وضعیت رفاهی ترکیه را به شرایط مطلوب می‌رساند.

کارشناسان و تحلیلگران اقتصادی ترکیه بر این باورند که بحران اقتصادی این کشور در سال ۱۴۰۲ هجری شمسی، ریشه در مشکلاتی دارد که از دو سال پیش آغاز شده بود. آنان معتقدند که دخالت مکرر شخص اردوغان رد تصمیمات





که برخلاف تصور مقامات آنکارا، اعراب نیز برای انتقال سرمایه به ترکیه، دست به عصار حرکت کرده اند و مجموع سرمایه گذاری‌های آنان در ترکیه در سال ۱۴۰۲ حتی به رقم ۵۰ میلیارد دلار هم نرسیده است.

#### اوضاع مثبت گردشگری، اوضاع منفی صادرات

سال ۱۴۰۲ را در حالی به پایان می‌رسد که بخش گردشگری ترکیه، تنها بخش اقتصادی سودآور و رو به رشد این کشور بوده است. بر اساس آمارهای رسمی وزارت فرهنگ و جهانگردی ترکیه، در طول سال ۲۰۲۳ میلادی، درآمد گردشگری ترکیه با افزایش ۱۷ درصدی نسبت به سال قبل، به رقمی بالغ بر ۵۴ میلیارد و ۳۱۵ میلیون دلار رسیده است.

برخلاف بخش جهانگردی، حوزه‌های دیگری همچون بخش صنعت، مسکن و تجارت خارجی در یک سال اخیر وضعیت نامطلوبی را پشت سر گذاشته و کسری تجارت خارجی از مرز ۱۰۶ میلیارد دلار فراتر رفته و به عبارتی دیگر، حجم واردات ترکیه ۱۰۶ میلیارد دلار بیش از حجم صادرات بوده است.

در سال ۱۴۰۲ هجری شمسی، تغییرات مثبتی به خود ندید. عدم پیروی ترکیه در چند حکم دادگاه حقوق بشر اروپا و همچنین حمایت ترکیه از تجزیه جزیره قبرس به دو بخش ترک نشین و روم نشین، یکی از مهمترین دلایل تیره شدن روابط ترکیه و اروپا بود که موجب شده سرمایه گذاران اروپایی، حاضر نشوند سرمایه‌های خود را به ترکیه انتقال دهند. در مورد آمریکا نیز، اختلافاتی همچون تفاوت دیدگاه آنکارا و واشنگتن درباره روسیه، سوریه و مسائل دیگر، مجموعاً باعث شده که بانک‌ها و گروه‌های مالی آمریکایی نیز تمایلی به سرمایه گذاری در ترکیه نداشته باشند. به همین دلیل، مهمت شیمشک و دیگر اعضای تیم اقتصادی دولت اردوغان در طول سال ۱۴۰۲ چندین سفر به کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس انجام دادند تا با انتقال سرمایه‌های عربی به ترکیه، زمینه ترمیم و ساماندهی اقتصاد و جبران کسری منابع ارزی را فراهم کنند.

سفرهای مکرر مهمت شیمشک و جوت ییلماز به امارات متحده عربی، قطر، کویت و عربستان سعودی، بخشی از تلاش مداوم آنان برای جذب سرمایه اعراب است. اما شواهد نشان می‌دهد

تصمیمات خانم ارکان استقبال کردند و این در حالی بود که اردوغان قبلاً به منظور راضی نگه داشتن طرفداران محافظه کار خود، سود بانکی را به عنوان ربا و پول حرام قلمداد کرده بود. او در نوبت بعدی نیز بهره بانکی را یک بار دیگر افزایش داد اما حواشی زندگی شخصی و خانوادگی او و از جمله دخالت‌های پدر خانم ارکان در مسائل داخلی و پرسنلی بانک مرکزی، اردوغان را وادار کرد حکم برکناری او را صادر کند. به این ترتیب خانم ارکان به عنوان فردی شناخته می‌شود که کوتاهترین دوران ریاست بانک مرکزی را بر عهده داشته است.

چند روز پس از برکناری ارکان، برخی از رسانه‌های ترکیه از این موضوع خبر دادند که بیروول ارکان پدر او، در چند محفل رسمی اعلام کرده که دخترش، رییس جمهور بعدی ترکیه خواهد بود و شواهد نشان می‌دهد که این سخن، موجب نگرانی و برآشفتنگی رییس جمهور ترکیه شده است.

#### امید ترکیه به منابع مالی جهان عرب

روابط سیاسی ترکیه با آمریکا و اتحادیه اروپا







# ترکیه، ناتو و تردید در سیاست خارجی ترکیه

به پیمان نظامی ناتو، شرایطی را پدید آورد که دولت سوئد ناچار شد در برخی قوانین خود، تجدیدنظر کند. با این حال، اقدامات موهنی همچون صدور مجوز برای قرآن سوزی، با وجود مخالفت اولیه ترکیه، نهایتاً نادیده گرفته شد.

مقامات سوئد در دو نوبت حاضر شدند برخی از اعضای کم اهمیت پ.ک.ک را به ترکیه تحویل دهند. اما موافقت نهایی ترکیه به درازا کشید. چرا که اساساً هدف اصلی دولت اردوغان، نه مخالفت با سوئد، بلکه چانه زنی برای گرفتن امتیاز از آمریکا و لغو تحریم‌های نظامی بود.

## درخواست دفاعی ترکیه از آمریکا

اخراج دولت ترکیه از فهرست خریداران جنگنده آمریکایی اف ۳۵ و همچنین اخراج از فهرست تولیدکنندگان برخی از قطعات این هواپیما به خاطر خرید سامانه موشکی اس ۴۰۰ از روسیه، موضوعی بود که بازتاب‌های آن در سال ۱۴۰۲ نیز ادامه داشت و ترکیه از آمریکا خواست؛ دست کم به جای فروش اف ۳۵ با فروش جنگنده اف ۱۶ به ترکیه موافقت شود. اما تیم جو بایدن، انجام این معامله را به موافقت نهایی اعضای کنگره منوط کرد.

در طول سال ۱۴۰۲ چندین سناتور آمریکایی، تحت تاثیر لابی‌های مختلف یونانی‌ها، آرامنه و کردها، بارها با فروش جنگنده اف ۱۶ به ترکیه مخالفت کردند. اما از آنجایی که پیوستن سوئد به ناتو برای آمریکا اهمیت ویژه‌ای داشت، بایدن از اعضای کنگره خواست با این معامله موافقت کنند.

در سوم بهمن ماه سال ۱۴۰۲ پارلمان ترکیه به طور رسمی موافقت دولت این کشور با پیوستن سوئد به ناتو را تصویب کرد و پس از آن، فرصت ۱۵ روزه مخالفت کنگره آمریکا با قرارداد فروش اف ۱۶ به پایان رسید و اعضای کنگره، مخالفت و اعتراضی ثبت نکردند. به این ترتیب، ترکیه در صف خریداران جنگنده اف ۱۶ آمریکا قرار گرفت.

سال ۱۴۰۲ در حوزه سیاست خارجی ترکیه، سال مهمی بود. چرا که این کشور، در روابط سیاسی خود با جبهه غرب، شرایط سختی را پشت سر گذاشت و علاوه بر آمریکا، اتحادیه اروپا نیز روابط گرم و پویایی با ترکیه نداشتند.

ترکیه که در سال ۱۹۵۲ میلادی به پیمان نظامی ناتو پیوسته، هفتاد سال پس از این عضویت، بالاخره در موقعیتی قرار گرفت تا اهمیت حضور خود در ناتو را به رخ دیگر اعضا بکشد و تهدید به استفاده از حق وتو کند. به عبارتی دیگر، پس از حمله روسیه به اوکراین؛ تصمیم و اقدام عجولانه ناتو برای افزودن دو عضو جدید به این پیمان نظامی، یک فرصت تاریخی در اختیار ترکیه گذاشت تا برای کسب امتیازهای حداقلی از غرب، تلاش دیپلماتیک خود را به کار ببندد. اگر چه آمریکا و دیگر اعضای ناتو، خواستار موافقت سریع ترکیه بودند و دولت اردوغان را تحت فشار گذاشتند، با این حال، برخی رویکردهای مصلحت‌اندیشانه ناتو، موجب آن شد که مطالبات و دغدغه‌های ترکیه نیز تا حدودی در نظر گرفته شود.

## فنلاند آری، سوئد خیر

دولت اردوغان خیلی زود با پیوستن فنلاند به ناتو موافقت کرد اما در مورد سوئد، رویکرد مخالفت را در پیش گرفت. دولت ترکیه اعلام کرد که استکهلم پایتخت سوئد و بسیاری از دیگر شهرهای این کشور اروپایی، به شکل آشکار به محل فعالیت سازمانی و مالی اعضای گروه تروریستی پ.ک.ک تبدیل شده و علاوه بر این، بسیاری از اعضای فراری شبکه مخوف شاگردان فتح‌الله گولن در سوئد هستند و آنکارا تنها در صورتی رای به موافقت با عضویت سوئد در ناتو خواهد داد که مجرمین، تحویل داده شوند. دولت اردوغان، بعدها در کنار انتقاد از فعالیت گروه‌های تروریستی در سوئد، رویکرد اسلام‌هراسی این کشور را نیز محکوم کرد و خواستار اصلاح این رویکرد شد.

مخالفت کشار و چانه زنی طولانی ترکیه در مورد پیوستن سوئد



## نداوم اختلافات بین ترکیه و آمریکا

با وجود حل معضل جنگنده‌های اف-۱۶ بین ترکیه و آمریکا، هنوز هم مشکلاتی جدی بین این دو کشور وجود دارد. چرا که مقامات آنکارا بارها اعلام کرده اند که همکاری آمریکا با نهادهای اقماری گروه تروریستی پ.ک.ک در شمال سوریه، در تضاد با هم‌پیمانی دو کشور مزبور در گروه نظامی ناتو است و چنین چیزی به معنی نادیده گرفتن دغدغه‌های امنیتی ترکیه از سوی دولت آمریکا، است. اما در مقابل، مقامات آمریکایی، به گلایه‌ها و انتقادات مکرر آنکارا بی‌اعتنایی کرده و ادعا کرده‌اند که همکاری آنان با گروه مزبور، در راستای تامین امنیت سوریه و مبارزه با تهدیدات گروه تروریستی تکفیری داعش است.

در سال ۱۴۰۲ نیز حمایت نظامی و ارسال کمک‌های لجستیکی و آموزشی برای گروه شبه نظامی موسوم به «تیروهای سوریه دموکراتیک» (Syrian Democratic Forces) ادامه داشت و ترکیه بارها به این اقدام آمریکا اعتراض کرد. البته علاوه بر این موضوع، یکی دیگر از اختلافات مهم بین ترکیه و آمریکا، فعالیت شاگردان گولن در چندین ایالت آمریکا است.

ترکیه در سال ۱۴۰۲ نیز دست کم دو بار، خواهان بازگرداندن فتح الله گولن به ترکیه یا اخراج او از ایالت پنسیلوانیای آمریکا شد. اما واشنگتن، این درخواست ترکیه را نادیده گرفته و هنوز هم چند موسسه آموزشی و خانه فرهنگ تحت امر گولن، در ایالات مختلف آمریکا در حال فعالیت هستند.

در مجموع و در یک ارزیابی کلی، روابط ترکیه با جبهه غرب در سال ۱۴۰۲ نیز ادامه داشت؛ اما لازم است به این نکته اشاره شود که هم آمریکا و هم اتحادیه اروپا، روابط سیاسی دیپلماتیکی با ترکیه نداشتند.

## ناتو، ترکیه و فاکتور روسیه

سفر ویکتوریا تولاند معاون سیاسی وزارت امور خارجه آمریکا به ترکیه در بهمن ماه ۱۴۰۲، و اظهارات او در گفتگو با رسانه‌ها، نشان دهنده اهمیت فاکتور روسیه در روابط غرب و آنکارا است.

نولاند در سفر به آنکارا اعلام کرد که اگر ترکیه سامانه موشکی اس ۴۰۰ روسیه را کنار بگذارد، حتی قرار دادن نام ترکیه در لیست خریداران اف ۳۵ نیز گزینه دور از دستی نیست. برخی از تحلیلگران ترکیه معتقدند که دولت اردوغان، در عمل این درخواست آمریکا را پذیرفته و فرمولی برای کاستن از حساسیت‌های ناتو پیدا کرده که در واقع تقلیدی از رفتار مشابه یونان در ادوار پیشین است. زمانی که دولت یونان به خاطر خرید سامانه موشکی اس ۳۰۰ روسیه، مورد انتقاد آمریکا و ناتو قرار گرفت، برای فرار از عواقب آن و ترس از منزوی شدن در جبهه غرب، سامانه مزبور را عملاً کنار گذاشت و این سامانه بلااستفاده ماند.

دولت اردوغان، در سال ۱۴۰۲ نیز به حمایت سیاسی و دفاعی از اوکراین ادامه داد و حتی اعلام شد که کارگاه مشترک تولید پهپادهای بیرق‌دار ترکیه در خاک اوکراین افتتاح خواهد شد. اما روسیه از این مواضع ترکیه گلهمند است و مشخص نیست که همکاری نزدیک ترکیه با آمریکا و دیگر اعضای ناتو، چه تبعاتی به دنبال بیاورد. چرا که همین حالا هم ترکیه در حوزه نفت، گاز، انرژی هسته‌ای، درآمد گردشگری، فعالیت پیمانکاران ترک در روسیه و صادرات محصولات غذایی به روسیه، وابستگی اقتصادی قابل توجهی به مسکو دارد و برخی از سیاستمداران داخل ترکیه از جمله دوغو پرینچک رهبر حزب وطن، در طول سال ۱۴۰۲ بارها هشدار داده و اعلام کردند که لازم است دولت ترکیه، روابط نزدیکی با روسیه داشته باشد و حتی در یک روند تدریجی، رفته رفته خروج از ناتو را در دستور کار قرار دهد.







# ترکیه و تهدیدات امنیتی و تروریستی

موضوع مهم را پیش کشیدند: اول این که عملیات برونمرزی ارتش ترکیه در شمال عراق، چرا باید طولانی و بدون تقویم زمانی مشخص باشد و دوم این که اتکای بیش از حد ارتش و نیروهای امنیتی ترکیه به رصد و حفاظت هوایی از راه استفاده از تصاویر ماهواره‌ای و پهپادی به خودی خود، یک ضعف و تهدید امنیتی است که باید راه چاره‌ای برای آن پیدا شود.

## تغییرات مهم در دور حوزه امنیتی ترکیه

یکی از تحولات امنیتی مهم در سال ۱۴۰۲ در ترکیه، انتصابات در دو دستگاه مهم این کشور بود. پس از پیروزی مجدد اردوغان و حزب عدالت توسعه در انتخابات اردیبهشت ماه و معرفی کابینه جدید، سلیمان سویلو وزیر کشور کابینه اردوغان که به عنوان یک سیاستمدار پرحاشیه و جنجالی شناخته می‌شد، از پست خود کنار گذاشته شد.

شواهد بسیاری مبنی بر برخی روابط مالی و سازمانی سویلو با سران شبکه‌های مافیایی و گروه‌های جرایم سازمان یافته منتشر شده بود و سادات پکر از مهمترین سران مافیای ترکیه، در چند فایل ویدیویی در فضای مجازی، مدعی شد که سویلو روابط گسترده‌ای با مافیای مواد مخدر دارد. ویدیوهای سادات پکر، مجموعاً بیش از هفتاد میلیون بار بازدید شدند و بازتاب گسترده‌ای پیدا کردند. اما حمایت تمام قد دولت باغچلی شریک اردوغان در ائتلاف جمهوری از سلیمان سویلو، برکناری او را ناممکن کرده بود. تا این که اردوغان بالاخره توانست به بهانه تغییر کابینه، سویلو را برادر و فردی به نام علی یرلی کایا را به عنوان وزیر کشور معرفی کند.

در ساختار امنیتی و انتظامی ترکیه، تشکیلات پلیس، نیروی ژاندارمری و شاخه حفاظت اطلاعات موسوم به مدیریت امنیت پلیس، مجموعاً زیر نظر وزیر کشور کار می‌کنند و در نتیجه، علاوه بر مبارزه با جرایم داخلی، مدیریت نیروهای ژاندارمری در مناطق مرزی و روستایی در حوزه مبارزه با ترور نیز بر عهده وزیر کشور است. به همین خاطر، وزیر کشور از قدرت و اختیارات فراوانی برخوردار است.

ترکیه در یک سال اخیر، انواع جدیدی از تهدیدات ضدامنیتی را تجربه نکرد و به روال سالیان گذشته و بر اساس مفاد گزارش رسمی منتشر شده توسط سرویس اطلاعاتی میت، مبارزه با تهدیدات پ.ک.ک و شبکه مخفی شاگردان فتح الله گولن و همچنین رصد تحرکات داعش، از مهمترین دغدغه‌های مقامات این کشور بود.

تهدیدات امنیتی گروه تروریستی پ.ک.ک علیه ترکیه در طول سال ۱۴۰۲ نیز ادامه داشت و مهاجمین در برخی موارد، توانستند دامنه حملات خود را به پایتخت برسانند.

دو مهاجم عضو پ.ک.ک در ۹ مهر ماه ۱۴۰۲ توانستند پس از سرقت یک خودرو در شهر قیصری، خود را به آنکارا پایتخت ترکیه برسانند تا در برابر ساختمان ریاست پلیس زیر مجموعه وزارت کشور، عملیات انتحاری انجام دهند. اما هر دو آنان، توسط نیروهای پلیس کشته شدند.

همچنین در ۱۷ بهمن ۱۴۰۲ گروه کمونیستی و افراطی موسوم به «جبهه رستگاری انقلابی خلق» به (DHKP-C) به منظور حمله تروریستی و انتحاری در دادگاه مرکزی استانبول، عملیاتی انجام دادند که منجر به مجروح شدن چند نیروی پلیس شد اما هر دو مهاجم کشته شدند. با توجه به این موارد، می‌توان گفت در شهرهای مختلف ترکیه هم در استان‌های غربی و هم در مناطق مرزی، مواجهه با تهدیدات تروریستی و واکنش سریع به حملات، در حد مطلوبی بوده اما در مناطق مرزی و برونمرزی، نظامیان ترکیه بارها در کمین مهاجمین افتادند.

در دو عملیات با فاصله چند روزه در دی ماه ۱۴۰۲ در شمال عراق، بیش از ۱۹ تن از نظامیان ترکیه کشته شدند. آمار بالای تلفات در این دو حمله، توجه تحلیلگران و هشدار منتقدین را به دنبال آورد و کارشناسان، خواستار بررسی ابعاد اطلاعاتی و فنی این موضوع شدند. مقامات دفاعی ترکیه اعلام کردند که در هر دو مورد، در هوای مه آلود شمال عراق، امکان رصد تصویری هوایی وجود نداشته و این مهمترین دلیل آسیب پذیری نیروهای ترکیه بوده است. در مقابل، تحلیلگران نیز دو





علی یرلی کابا وزیر کشور کابینه اردوغان، در طول سال ۱۴۰۲ مبارزه بی‌امان و گسترده با گروه‌های مافیایی، جرایم سازمان یافته و تهدیدات تروریستی را در دستور کار قرار داد. در طول این سال، ده‌ها تن از اعضای تحت تعقیب مافیای بین‌المللی در ترکیه دستگیر شدند، چندین سلبریتی مشهور ترکیه به اتهام دست داشتن در پولشویی دستگیر شدند، شبکه‌های گسترده قاچاق انسان و قاچاق سلاح از هم پاشیده شدند، برخی از افسران پلیس که با مجرمین در ارتباط بودند دستگیر و برکنار شدند، در چندین استان ترکیه عملیات‌های گسترده‌ای برای دستگیری اعضای داعش و همچنین سران شبکه توزیع مواد مخدر اجرا شد و این اقدامات، باعث شد که ترکیه از حیث تامین امنیت داخلی و مبارزه با مافیا، پولشویی، مواد مخدر، ترور و جرایم سازمان یافته، وضعیت بهتری پیدا کند.

یکی دیگر از تغییرات مهم در ساختار امنیتی ترکیه در سال ۱۴۰۲، معرفی رییس جدید سرویس اطلاعاتی میت بود.

خاقان فیدان که به مدت ۸ سال از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۳ میلادی ریاست سرویس اطلاعاتی میت را بر عهده داشت، پس از انتخابات به عنوان وزیر امور خارجه به کابینه اردوغان رفت و پروفسور ابراهیم کالن، سخنگوی سابق نهاد ریاست جمهوری و رییس تیم مشاورین سیاست خارجی و امنیت ملی ترکیه به عنوان رییس جدید میت معرفی شد.

نخستین اقدام مهم کالن پس از انتصاب به عنوان رییس میت، احداث دانشگاه مطالعات امنیت ملی و جذب هیات علمی و دانشجو برای این دانشگاه بود.

میت در سال ۱۴۰۲ علاوه بر ماموریت‌های پنهان، در دو حوزه عراق و سوریه، ماموریت‌های آشکار خود را با افکار عمومی ترکیه در میان گذاشت. ایجاد یک شبکه مخبرین محلی در شمال عراق و شمال سوریه به منظور کنترل تحرکات گروه تروریستی پ.ک.ک از این اقدامات بود. میت در شهرهایی همچون سلیمانیه در اقلیم کردستان عراق و چندین نقطه از شمال عراق و شمال سوریه، برخی از سران پ.ک.ک و نهادهای اقماری آن را از راه سوءقصد خیابانی و عملیات‌های مشترک پهبادی از میان برد.

سرویس اطلاعاتی میت در یک سال اخیر، به روال سالیان

گذشته حمایت و سازماندهی معارضین سوری و شبه نظامیان در لیبی را بر عهده داشت.

ابراهیم کالن رییس جدید سرویس اطلاعاتی میت، در بیان دیدگاه‌های خود درباره امنیت ملی ترکیه، همواره بر این موضوع تاکید کرده که ترکیه ناچار است برای تامین امنیت خود، به گستره و مساحتی فراتر از مرزهای خود بیاندیشد و با انجام عملیات پیشدستانه، تهدیدات احتمالی را در نطفه و در مناطق دور، خفه کند.

حملات مکرر ترکیه به پ.ک.ک در شمال عراق و شمال سوریه از اه بمباران هوایی، حملات مرزی توپخانه‌ای، حملات پهبادی و تحرکات نیروی زمینی، مشکلات امنیتی بسیاری را برای این دو همسایه ترکیه به وجود آورده است اما مقامات آنکارا اعلام کرده‌اند که هم تحرکات مزبور و هم تداوم حضور نظامیان در این دو کشور، تا رفع کامل تهدیدات، ادامه خواهد داشت. البته دست کم در مورد سوریه، می‌توان آشکارا به این موضوع اشاره کرد که در سال ۱۴۰۲ نیز؛ ترکیه به بهانه تامین امنیت و مبارزه با تهدیدات امنیتی، به طور غیرقانونی به حضور نظامی در مناطقی از خاک سوریه ادامه داد و از معارضین مسلح ضد دولت دمشق حمایت کرد.







## ترکیه، قدرت سخت و صنایع دفاعی

تکنوفست بازدید کرده‌اند و یکی از اهداف مهم این نمایشگاه، کشف استعدادها و جذب نوجوانان علاقه‌مند به صنایع هوایی و دانش رباتیک است.

اردوغان قبلا از ایلان ماسک دعوت کرده بود تا برای بازدید از نمایشگاه مزبور به ترکیه سفر کند. او در سال ۱۴۰۲ نیز در جریان سفر به نیویورک برای سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل، با ماسک دیدار کرده و یک بار دیگر از او دعوت کرده تا به ترکیه برود و از تکنوفست بعدی بازدید کند.

### جایگاه سازمان صنایع دفاعی و بودجه کلان آن

ساخت ادوات و مهمات نظامی، قبلا در یک اداره کل در زیر مجموعه وزارت دفاع ترکیه اداره می‌شد. اما از زمانی که نظام سیاسی-اجرایی ترکیه در سال ۲۰۱۸ میلادی به نظام ریاستی تبدیل شده، صنایع دفاعی نیز به عنوان یک اداره کل، تحت نظارت مستقیم رییس جمهور اداره می‌شود و بودجه و اعتبارات آن به شکل ردیف مستقل در نظر گرفته می‌شود. رییس این سازمان، مستقیما زیر نظر رییس جمهور است و اردوغان تلاش کرده همواره برای ریاست این پست، از دانشمندی استفاده کند که دارای تخصص در علوم بنیادین و گرایش‌های مرتبط با هوا فضا یا تسلیحات، دارای تخصص هستند.

قبلا به مدت چند سال، ریاست سازمان صنایع دفاعی با پروفیسور اسماعیل دمیر از دانش آموختگان دانشگاه‌های انگلیس و آمریکا بود. اما پس از انتخابات اردیبهشت ۱۴۰۲ فرد دیگری به نام پروفیسور خلوق گورگون به ریاست این سازمان گمارده شد. او دانش آموخته مهندسی الکترونیک از دانشگاه نیویورک بوده و قبلا علاوه بر ریاست یک دانشگاه فنی ترکیه، ریاست شرکت تسلیحاتی دولتی «آسلان» (ASELSAN) را نیز بر عهده داشته است.

ترکیه در چند سال اخیر، به شکلی گسترده به سرمایه گذاری در حوزه صنایع دفاعی پرداخته و موضوع خودکفایی در صنایع دفاعی را به یک مساله ملی و حساس تبدیل کرده است.

تا چند سال پیش، ترکیه به عنوان یک کشور در حال توسعه قلمداد می‌شد که برای برجسته‌سازی قدرت نرم تلاش می‌کند و در حوزه‌های مختلف فرهنگی، رسانه‌ای، دیپلماسی و دیگر حوزه‌های غیرنظامی، به دامنه و ژرفای نفوذ خود می‌افزاید. اما حالا به وضوح می‌توان دید که افزایش قدرت نظامی، برجسته‌سازی اهمیت حماسی و تبلیغاتی گفتمان میلیتاریستی و نمایش دستاوردهای دفاعی در راس برنامه‌های تبلیغاتی دولت و حزب حاکم قرار گرفته است.

### اردوغان، صنایع دفاعی و سیاست نمایشگاهی

تلاش برای درآمیختن عواطف ملی گرایی و معرفی دستاوردهای دفاعی، یکی از محورهای تبلیغاتی مهم حزب عدالت و توسعه و دولت اردوغان است و در راستای این سیاست، هر ساله یک نمایشگاه صنایع هوانوردی به نام «تکنوفست» (TEKNOFEST) برگزار می‌شود که ابتکار راه اندازی و برگزاری این نمایشگاه، از آن سلجوق بیرقدار داماد رییس جمهور ترکیه و طراح و تولیدکننده پهپادهای نظامی این کشور است. در سال ۴۰۲ نیز نمایشگاه مزبور برگزار شد و برخی از مهمانان خارجی نظیر الهام علی اف رییس جمهوری آذربایجان با اردوغان در این نمایشگاه حضور یافتند.

نکته جالب توجه این است که نمایشگاه مزبور، اندکی پیش از انتخابات سراسری برگزار شد و حزب عدالت و توسعه از این ابزار نیز، استفاده حزبی و تبلیغاتی به عمل آورد.

خبرگزاری رسمی آناتولی ترکیه اعلام کرده که یک میلیون و یکصد هزار نفر از شهروندان ترکیه از نمایشگاه هوانوردی



مهم برای تولید پهپادهای نظامی ترکیه، از کانادا، انگلیس و کشورهای دیگر وارد شده است.

### ترکیه و آزمایش جنگنده ملی در سال ۱۴۰۲

نخستین هواپیمای جنگنده نسل پنجم ترکیه با نام کآن یا قآن (KAAN)، در اسفند ماه سال ۱۴۰۲ آزمایش شد. ترکیه اعلام کرده که ساخت این هواپیما، نقطه عطفی در خودکفایی این کشور در صنایع دفاعی است. موتور جنگنده قآن توسط شرکت آمریکایی جنرال الکتریک ساخته شده و برای ساخت قطعات دیگر قطعات حساس الکترونیکی آن نیز از کشورهای دیگر کمک گرفته شده اما در تبلیغات رسمی دولت ترکیه به این موارد اشاره نشده و رونمایی از جنگنده مزبور در آستانه انتخابات شهرداریها، از نکاتی است که توجه تحلیلگران سیاسی ترکیه را به سوی خود جلب کرده است.

### ن تلاش برای قدرت نمایی در دریا

ترکیه در سال ۱۴۰۲ از آغاز پروژه ملی تولید نخستین ناوشکن ملی خود به نام 2000-TF رونمایی کرد. قرار است این ناوشکن ۱۴۹ متری ترکیه تا ۳ سال دیگر به بهره برداری برسد. در همین حال، مقامات آنکارا اعلام کرده‌اند که بخشی از پروژه تولید زیردریایی ملی نیز به پایان رسیده است. به روال پروژه‌های قبلی، آنکارا به دنبال این است که دستاوردهای خود رد صنایع دفاعی دریایی را نیز به عنوان محصول کاملاً ملی و بومی معرفی کند اما در این بخش نیز، کمک‌هایی از مهندسين و متخصصین اسپانیایی و ایتالیایی گرفته شده است.

اگر چه ترکیه اعلام کرده که یکی از مهمترین اهداف، دستیابی به توان صادرات در صنایع دفاعی بخش نیروی دریایی است، اما شواهد نشان می‌دهد که دستیابی به منابع نفت و گاز دریای مدیترانه و تبدیل شدن به یک قدرت دریایی توانمند در شرق مدیترانه، از اهداف اصلی ترکیه در این حوزه است.

در سال ۱۴۰۲ و در جریان برنامه‌ریزی اهداف جدید سازمان صنایع دفاعی ترکیه، تصمیم گرفته شد که بودجه این سازمان به میزان ۲۵ درصد افزایش یابد. به این ترتیب، ۸۳۷ میلیون لیره (رقمی نزدیک به ۳۰ میلیون دلار) برای بودجه سال ۲۰۲۴ میلادی این سازمان در نظر گرفته شد. اما همزمان با آن، یک صندوق سرمایه اختصاصی نیز با عنوان «سرمایه حمایت از صنایع دفاعی» در نظر گرفته شده که رقم کلانی نزدیک به ۶ میلیارد دلار سرمایه در آن متمرکز خواهد شد و این میزان بودجه و سرمایه گذاری در صنایع دفاعی در جمهوری ترکیه، تاکنون سابقه نداشته است.

صنایع دفاعی ترکیه در سال ۱۴۰۲ علاوه بر تداوم ساخت پهپادهای نظامی در حوزه صنایع موشکی، ماهواره، تانک و انواع خودروهای زرهی و سلاح‌های انفرادی، پروژه‌های جدیدی را آغاز کردند.

در سال ۱۴۰۲ ترکیه صادرات پهپاد بیرقدار به اوکراین را ادامه داد و اعلام شد که به زودی کارخانه مشترک تولید پهپاد مزبور در خاک اوکراین احداث خواهد شد. مقامات روسیه نیز متقابلاً اعلام کردند که مرکز تولیدی مزبور به طور طبیعی کانون اهداف حملات هوایی آنها خواهد بود و به نظر می‌رسد که ترکیه در این مورد دست به عصا حرکت می‌کند.

در سال ۱۴۰۲ قراردادهایی برای صادرات پهپاد با مقامات پاکستان، جمهوری آذربایجان، قطر، لهستان، اوکراین، سومالی، مالی، مراکش، قرقیزستان، ترکمنستان و عمان امضا شده است. مقامات ترکیه بارها اعلام کرده‌اند که این پهپادها تماماً توسط مهندسين داخلی طراحی و تولید شده اما پس از موافقت ترکیه با عضویت سوئد در ناتو، اعلام شد که کانادا، تحریم‌های نظامی را لغو کرده و موانع صادرات برخی قطعات حساس پهپادی به ترکیه، از میان برداشته شده است! اعلام این خبر نشان دهنده این است که در سال ۱۴۰۲ نیز به روال سابق، برخی از قطعات









## پرونده یمن

چکیده:

یمن در سال گذشته شاهد تحولات مهم سیاسی و نظامی بود. جنگ یمن پس از ۸ سال متوقف شد، اما عربستان رسماً پایان جنگ را اعلام نکرد. مذاکرات میان عربستان و دولت نجات ملی مستقر در صنعاء آغاز شد. تحول مهم نیز این بود که برای نخستین بار هیئت سعودی به صنعاء سفر و با مقامات دولت نجات ملی دیدار و رایزنی کرد. همچنین برای نخستین بار هیئت دولت صنعاء به عربستان سفر و با وزیر دفاع این کشور دیدار و رایزنی کرد. در ادامه نیز تحولات مربوط به جنگ یمن در راستای مذاکرات ریاض و صنعاء پیش رفت، اما هنوز درباره موضوعات مهمی نظیر خسارت‌های جنگ، رفع محاصره کامل و پرداخت حقوق کارمندان یمنی توافق نشده است. رخداد مهم دیگر در خصوص یمن، ورود این کشور به جنگ غزه است. رژیم صهیونیستی از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ جنگ علیه غزه را آغاز کرد که به نسل‌کشی منجر شد. در پی سکوت کشورهای عربی، حمایت قدرت‌های غربی به خصوص آمریکا از جنایت‌های رژیم صهیونیستی علیه غزه و همچنین ناکارآمدی شورای امنیت سازمان ملل برای متوقف کردن نسل‌کشی، ارتش یمن کشتی‌های عازم اراضی اشغالی را هدف حمله‌های موشکی و پهپادی قرار داد. در واکنش به این اقدام یمنی‌ها، آمریکا ائتلافی دریایی را برای مقابله با یمنی‌ها تشکیل داد و حمله‌های مکرر و مداومی را علیه این کشور انجام داد. با این حال، این حملات هم به توقف حمله‌های یمنی‌ها علیه کشتی‌های عازم اراضی اشغالی منجر نشد. تحولات سیاسی و نظامی یمن در یک سال اخیر نشان می‌دهد دولت نجات ملی به اصلی‌ترین بازیگر صحنه داخلی این کشور و همچنین به بازیگری مهم در منطقه غرب آسیا و محور مقاومت تبدیل شده است.





# جنگ یمن در سال گذشته؛ توقف غیررسمی جنگ بدون دستاورد نظامی معتبر



## ۲- باور و ایمان یمنی‌ها به پیروزی

دلیل دیگر ناکامی سعودی‌ها در جنگ یمن، باور و ایمان یمنی‌ها به پیروزی بود. گزاف نیست اگر بگوییم که مردم یمن پدیده عجیب و جدید سیاسی و اجتماعی در صحنه غرب آسیا هستند. این مردم از یک سو، ۸ سال تمام در مقابل بمباران روزانه این کشور توسط ائتلاف سعودی مقاومت کردند و از سوی دیگر پس از جنگ رژیم صهیونیستی علیه یمن، به صورت هفتگی میلیون‌ها یمنی به خیابان‌ها آمده و ضمن حمایت از اقدام نظامی علیه کشتی‌های عازم اراضی اشغالی، حمایت خود را از مردم غزه اعلام می‌کنند. این الگوی رفتاری بیش از همه ناشی از ایمان مردم یمن و همچنین باور آنها به قدرت مقاومت است. عربستان سعودی چنین شاخصه مهمی را در نظر نگرفته بود و وارد جنگ علیه یمنی‌ها شد.

## ۳- تقویت قدرت بازدارندگی یمنی‌ها

دیگر فاکتور مهمی که سبب ناکامی عربستان سعودی در صحنه نظامی علیه یمن شد، ارتقا قدرت بازدارندگی یمن طی ۸ سال جنگ بود. یمنی‌ها که در سال‌های ابتدایی جنگ حرف چندانی مقابل سعودی‌ها نداشتند و بیشتر شاهد بمباران روزانه بودند و از توان چندانی برای ضربه زدن نظامی به عربستان و متحدانش برخوردار نبودند، با گذر زمان موفق شدند به پهپادها و موشک‌هایی دست یابند که در دورترین نقاط عربستان فرود آمده و ضربات سنگینی به این کشور وارد کردند.

بین رفت. با این حال، انصارالله و ارتش یمن نه تنها عقب‌نشینی نکرده و تسلیم نشدند بلکه با ارتقای قدرت بازدارندگی خود، ضربات سنگینی را به عربستان و امارات وارد کردند و حتی شریان‌های اقتصادی دو کشور به خصوص عربستان را هدف حمله‌های موشکی و پهپادی قرار دادند.

سوال مهم این است که با وجود سکوت جامعه جهانی و حتی حمایت قدرت‌های غربی از عربستان، چرا جنگ یمن مطابق ادراک و منافع عربستان سعودی پیش نرفت؟ در پاسخ به این سوال، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

## ۱- برتری هویت ملی یمنی بر مزدوران اجاره‌ای سعودی

بر خلاف عربستان سعودی که از مزدوران خارجی برای جنگ با یمن استفاده کرد و نیروهای عربستانی به خصوص در جنگ زمینی حضور نداشتند، جبهه یمن متشکل از نیروهای بومی بود که برای دفاع از تمامیت ارضی و هویت ملی خود وارد جنگ شدند. طبیعتاً در چنین شرایطی، نیروی بومی از انگیزه بالایی برای دفاع از تمامیت ارضی و وطن خود برخوردار است، اما نیروی مزدور و اجاره‌ای که صرفاً با انگیزه مادی در جنگ شرکت کرد، از قابلیت نظامی بالایی برخوردار نیست. جنگ یمن ثابت کرد که عربستان سعودی به عنوان یک قدرت منطقه‌ای با ضعف نیروی انسانی در بعد نظامی مواجه است.

جنگ یمن سال گذشته سالی متفاوتی را پشت سر گذاشت. پایان جنگ رسماً اعلام نشد، اما عملاً جنگ متوقف شد و حمله‌های زیاد و جدی‌ای از سوی ائتلاف سعودی ضد یمن انجام نشد. در واقع، اوایل سال ۲۰۲۳ مشخص شد که عربستان به این برداشت رسیده است که در جنگ علیه یمن دستاورد نظامی معتبری نخواهد داشت.

در این نوشتار دلایل ناکامی عربستان در جنگ یمن و حرکت در مسیر سازش با دولت نجات ملی در یک سال گذشته به اختصار بررسی می‌شود.

عربستان سعودی و امارات متحده عربی ۲۶ مارس ۲۰۱۵ برای مقابله با قدرت گرفتن انصارالله در یمن تشکیل ائتلاف داده و به یمن حمله کردند. برداشت و ادعای عربستان سعودی این بود که طی کمتر از یک ماه می‌تواند انصارالله را شکست داده و عبدربه منصور هادی، رئیس جمهوری مستعفی وقت یمن را بار دیگر به رأس قدرت در صحنه باز گرداند. با وجود این، جنگ یمن ۸ سال به طول انجامید و سعودی‌ها نه تنها موفق نشدند انصارالله و متحدانش را شکست دهند بلکه عملاً در باتلاقی یمن گرفتار شده و آسیب‌پذیری‌های آنها علنی شده و به نوعی پذیرفتند که توان شکست دادن یمنی‌ها را ندارند. این در حالی است که بیش از ۱۰۰ هزار یمنی در این جنگ شهید و مجروح شدند، حدود ۴ میلیون نفر در داخل و خارج آواره شدند و بخش زیادی از زیرساخت‌های یمن از



رسانه‌ها در این خصوص نوشتند امارات در یمن راه خود را می‌رود و اختلاف با عربستان در پی سلطه نیروهای طرفدار آن در شورای انتقالی جنوب بر عدن در سال ۲۰۱۹ نمود بیشتری داشت. حتی می‌توان گفت امارات همکاری با رژیم صهیونیستی را به همکاری و همسویی با عربستان سعودی ترجیح داد و سعی کرد پای تل‌آویو را در یمن باز کند. در همین حال، حمله‌های انصارالله و ارتش یمن نیز به خصوص در دو سال گذشته به سمت عربستان متمرکز شد و امارات به نوعی از این حمله‌ها در امان ماند. بنابراین، ریاض به این جمع‌بندی رسید که در جنگ علیه یمن عملاً تنها مانده است و هزینه‌های این جنگ را به تنهایی پرداخت می‌کند. لذا ترجیح داد که به سمت متوقف کردن جنگ و سازش با انصارالله حرکت کند.

سنگین‌تری را برای آنها رقم خواهد زد. با توجه به طرح‌های توسعه‌ای که محمد بن سلمان برای عربستان در نظر دارد از جمله طرح ۲۰۳۰، تداوم جنگ با یمن بر این طرح‌ها اثر منفی می‌گذشت زیرا ارتقا قدرت پهبادی و موشکی یمنی‌ها عملاً امنیت عربستان سعودی را تحت تأثیر قرار داده بود.

۴- اختلاف نظر میان عربستان و امارات در صحنه جنگ یمن

دلیل دیگری که در این خصوص وجود دارد، علتی شدن اختلاف‌ها میان عربستان و امارات در صحنه‌های مختلف از جمله در جنگ یمن بود. امارات مهم‌ترین شریک عربستان سعودی در جنگ ۸ ساله علیه یمن بود، اما این کشور به تدریج به سمت سهم‌خواهی از عربستان و حتی استقبال از فرو رفتن عربستان در باتلاق یمن حرکت کرد.

حملات علیه تأسیسات عربستان در بقیق و خریص در شرق عربستان در سپتامبر ۲۰۱۹ از مهم‌ترین حمله‌هایی بود که ظرفیت تولید نفت این کشور را تحت تأثیر قرار داد و حتی عبدالعزیز بن سلمان، وزیر انرژی عربستان سعودی گفت شب حمله به بقیق و خریص، تلخ‌ترین شب زندگی وی بود. وی تأکید کرد که «در شب حادثه بزرگ‌ترین شکست زندگی خود را احساس می‌کرد، زیرا عربستان سعودی به خود می‌بالید که منبع امن و قابل اعتماد انرژی در جهان است، اما به دلیل انفجار، نیمی از ظرفیت تولیدش از بین رفته بود و در مورد ناتوانی آرامکو در تامین صادرات نفت هراس وجود داشت.»

بنابراین، ارتقا قدرت بازدارندگی یمنی‌ها عامل مهمی بود که سعودی‌ها را به این جمع‌بندی رساند گذر زمان نه تنها سبب پیروزی آنها در جنگ علیه یمن نخواهد شد بلکه شکست‌های



## نتیجه

واقعیت این است که جنگ یمن در پایان هشتمین سال عملاً متوقف شد. این جنگ خسارت‌های سنگینی برای یمنی‌ها و حتی عربستان به خصوص زیر سوال رفتن اعتبار نظامی آن داشته است، اما یکی از مهم‌ترین پیامدهای جنگ نیز تثبیت موقعیت انصارالله و دولت نجات ملی در ساختار قدرت یمن بود. همین موضوع نیز سبب شد عربستان سعودی مذاکره و گفت‌وگو با دولت نجات ملی یمن و مقامات انصارالله را در دستور کار قرار دهد.





# مذاکرات یمن و عربستان؛ دستاوردها و ناکامی‌ها

۸ سال جنگ بود. در ادامه نیز هیات دولت صنعا به ریاض سفر کرد و با مقامات عربستانی دیدار و گفتگو کردند.

## مذاکرات یمن و عربستان؛ تحولی مهم در جنگ ۸ ساله

بحران یمن یکی از مهم‌ترین موارد اختلاف میان عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران بود که پیش از میانجی‌گری چین میان دو کشور انجام شده بود. آنچه که عربستان از مناسبات با ایران می‌خواست بحث یمن و کمک به خروج از این باتلاق خودساخته بود، اما موضع ایران این بود که خود یمنی‌ها تصمیم می‌گیرند. با توجه به این اختلاف جدی، به نظر می‌رسد در توافق پکن میان تهران و ریاض، موضوع یمن به طور مستقیم مطرح نشده است. با وجود این، توافق ایران و عربستان تأثیرات زیادی بر صحنه نظامی و سیاسی یمن داشته است.

یکی از مهم‌ترین اثرات این بود که عربستان سعودی انصارالله را به رسمیت شناخت. عربستان که جنگ را با هدف حذف انصارالله به عنوان بازیگری نامشروع در صحنه سیاسی یمن آغاز کرده بود، پس از ۸ سال به این جمع‌بندی رسید که باید انصارالله را به رسمیت بشناسد. انصارالله در مذاکرات با عربستان سعودی به عنوان بازیگری مستقل ایفای نقش کرد و حاضر نشد از خواسته‌ها و مطالبات خود صرف‌نظر کند.

«وینا علی خان»، پژوهشگر یمن در گروه بین‌المللی بحران عنوان کرد: «در سفر سفیر عربستان به صنعا در ماه آوریل، وی با هم‌تایان حوثی و عملی خود دیدار کرد. در کمال تعجب

یکی از مهم‌ترین رخدادهای یمن در سال گذشته، برگزاری مذاکرات با عربستان سعودی بود. اگرچه مذاکرات طی سال‌های گذشته نیز وجود داشته، اما صنعا و ریاض به طور مستقیم مذاکره نکرده بودند. طی یک سال گذشته، طرفین مذاکرات مستقیم و مداولی داشته‌اند. این مذاکرات دستاوردها و ناکامی‌هایی داشته است که در این نوشتار به این موضوع پرداخته می‌شود.

## سه نقطه عطف برای پایان جنگ یمن

برای پایان جنگ یمن سه نقطه آغاز طی دو سال اخیر می‌توان در نظر گرفت: آوریل ۲۰۲۲، مارس ۲۰۲۳ و آوریل ۲۰۲۴. در آوریل ۲۰۲۲ با میانجی‌گری سازمان ملل متحد، ریاض و صنعا برای آتش‌بس دو ماهه به توافق رسیدند که این آتش‌بس دو بار جمعا به مدت ۴ ماه تمدید شد.

گرچه زمان آتش‌بس مورد مذاکره سازمان ملل از اکتبر ۲۰۲۳ منقضی شد، اما همچنان کم و بیش رعایت می‌شد و خشونت‌ها تا حد زیادی کاهش یافته بود. مارس ۲۰۲۳ نیز به دلیل توافق ایران و عربستان سعودی برای احیای روابط دوجانبه پس از ۷ سال حائز اهمیت بود و تأثیر مستقیمی نیز بر جنگ یمن داشته است. در آوریل ۲۰۲۴ یک هیئت سعودی برای مذاکره مستقیم با انصارالله به صنعا، پایتخت یمن، سفر کرد. در سفر هیئت سعودی به صنعا، مهدی المشاط، رئیس شورای سیاسی یمن و محمد الجابر سعودی، سفیر عربستان در یمن با هم دیدار کردند. این نخستین سفر هیئت سعودی به صنعا پس از



سیاسی تأثیر می‌گذارد.»

در بحث جبران خسارات، سعودی تضمینی به یمنی‌ها نداده است. سعودی‌ها یک ابتکار عملی دادند و پیشنهاد صندوق دادند. هدف این بود که به صورت اعانه کمک کنند. یمنی‌ها گفتند ما اعانه را قبول نمی‌کنیم و اساساً پیشنهاد صندوق را یمنی‌ها نپذیرفتند و گفتند سعودی‌ها ۸ سال جنگ به ما تحمیل کردند، کل زیرساخت ما را از بین بردند و بایستی تمام خساراتی که وارد کردند، اعاده کنند.

### دستاوردهای مذاکرات برای یمنی‌ها

اگرچه هنوز مطالبات یمن در مذاکرات با عربستان سعودی محقق نشده، اما این مذاکرات دستاوردهای مهمی نیز برای دولت صنعا داشته است. از مهم‌ترین دستاوردهای سیاسی به رسمیت شناخته شدن انصارالله توسط عربستان و حتی بازیگران جهانی بود.

دیگر دستاورد مهم این بود که انصارالله به عنوان بازیگری مستقل و عقلانی بر صحنه سیاسی یمن حاضر شد. انصارالله درک کرده است که اگر عربستان سعودی از روش نظامی رضایت داشت و روش نظامی برای این کشور موفقیت‌آمیز بود، تا امروز پیش برده و کار را تمام کرده بود و دیگر نیازی نبود که گفت‌وگوی یمنی - یمنی راه بیندازند.

دستاورد مهم دیگر برای انصارالله نیز این بود که سایه جنگ از سر یمن برداشته شد. اکنون انصارالله بازیگری «مطالبه‌گر» از عربستان سعودی است. یکی دیگر از دستاوردهای مهم این بود که آتش‌بس زمینه‌ای برای صنعا جهت سامان دادن به وضعیت نظامی خود فراهم کرد؛ این مسئله در رژه نظامی نیروهای مسلح یمن در ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۳ کاملاً مشهود بود.

سفیر محمد بن سعید الجابر، حوثی‌ها حاضر به دادن هیچ امتیازی نبودند و او دست خالی آنجا را ترک کرد.»

### محورهای مذاکرات صنعا - ریاض

یمنی‌ها در مذاکرات با سعودی‌ها پنج خواسته اصلی مطرح کردند: پرداخت حقوق کارمندان یمنی، خروج تمام خارجی‌ها از یمن، تبادل کل اسرای زندانی و بیماران و بازگشایی راه کمک‌های انسان دوستانه به صنعا، رفع کامل محاصره همه‌جانبه یمن و نهایتاً جبران خسارت‌های جنگ. با گذشت یک سال از توافق ایران و عربستان سعودی، یمنی‌ها عنوان می‌کنند غیر از تبادل اسرا (که آن هم کامل نشده) پیشرفتی در مذاکرات صنعا - ریاض حاصل نشده است.

عربستان سعودی با پرداخت حقوق کارمندان یمنی موافقت کرده، اما شرطی را مطرح کرده که دولت صنعا نپذیرفته است. در این زمینه، مهدی المشاط، رئیس شورای عالی سیاسی یمن عنوان کرد سعودی‌ها خواستار این هستند پرداخت حقوق کارمندان یمنی را در مقابل انتقال درآمدهای نفت و گاز یمن به بانک ملی عربستان انجام دهند که این به منزله غارت درآمدهای نفتی یمن و صدقه دادن به یمنی‌ها با پول خود مردم یمن است.

در بحث رفع محاصره اتفاقی نیفتاده، اما مطابق آخرین اظهارنظرها پیشرفت‌هایی به دست آمده است. محمد عبدالسلام، رئیس هیئت مذاکره کننده صنعا فوریه ۲۰۲۴ گفت: «هیئت صنعا و رهبران عربستانی دیداری را برگزار کرده و مهم‌ترین موانعی را که نقشه راه بحران یمن با آن مواجه است، پشت سر گذاشتند. هیئت صنعا بر لزوم حل پرونده انسانی تأکید کرد. این پرونده شامل بازگشایی گذرگاه‌ها، بنادر و جاده‌ها است و این مسئله بر سایر پرونده‌ها از جمله مذاکرات

### نتیجه

می‌توان گفت انصارالله یمن طی ۸ سال جنگ با عربستان سعودی به عنوان یک بازیگر تأثیرگذار و دارای پشتوانه مردمی مطرح شد. طی یک سال گذشته و در جریان مذاکرات متعدد میان صنعا و ریاض، انصارالله وزن سیاسی خود را نیز نشان داد و به عنوان مهم‌ترین بازیگر صحنه سیاسی یمن مطرح شد. اگرچه هنوز مطالبات انصارالله در مذاکرات با عربستان تأمین نشده، اما متوقف شدن جنگ سبب شد انصارالله فرصت بازپیدایی خود در محیط یمن را پیدا کند.







## وضعیت انسانی و بهداشتی یمن در سال گذشته

یمن فقیرترین کشور عربی منطقه غرب آسیا تا پیش از جنگ سال ۲۰۱۵ بود. این جنگ، وضعیت در یمن را وخیم‌تر کرده است به نحوی که این کشور تا پیش از جنگ ۷ اکتبر در غزه با بزرگ‌ترین فاجعه انسانی جهان در قرن ۲۱ مواجه بود. اگرچه جنگ طی یک سال گذشته متوقف بود، اما پیامدهای انسانی و اقتصادی ۸ سال جنگ همچنان وجود داشت. در این نوشتار به اختصار اوضاع انسانی و بهداشتی یمن در یک سال گذشته بررسی می‌شود.

### ۱- اوضاع شکننده انسانی در یمن

با وجود تداوم آتش‌بس و توقف جنگ در یمن، بسیاری از عناصر بحران بشردوستانه آن پابرجا هستند؛ وضعیت در این کشور شکننده است. آمارها گویای این شکنندگی اوضاع در یمن است:

- در سال ۲۰۲۳، حدود ۲۱.۶ میلیون نفر در یمن معادل ۶۷ درصد از جمعیت این کشور به کمک‌های بشردوستانه و خدمات حفاظتی نیاز داشتند که ۱۱ میلیون نفر کودک هستند.

- نزدیک به ۱۷ میلیون نفر یمنی با ناامنی غذایی حاد روبرو هستند؛ سوءتغذیه در این کشور به سطوح بی‌سابقه‌ای رسیده است

که در میان بالاترین‌ها در جهان قرار دارد. - صندوق کودکان سازمان ملل متحد «یونیسف» اعلام کرده است که حدود شش میلیون کودک در یمن تنها یک قدم با گرسنگی فاصله دارند و نیازمند حمایت فوری هستند.

- ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار کودک یمنی زیر ۵ سال و ۱ میلیون و ۳۰۰ هزار زن باردار و شیرده از سوءتغذیه حاد رنج می‌برند.

- بیش از ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار یمنی آواره داخلی هستند.

- ۱۴ میلیون و ۵۰۰ هزار یمنی به آب سالم و بهداشتی دسترسی ندارند.

- دسترسی دانش‌آموزان یمنی به مدارس محدود شده و آموزش به کودکان دیگر اولویتی ندارد. اساساً آموزش کودکان یمنی در اثر جنگ آسیب جدی دیده است.

### ۲- وضعیت بخش بهداشت و درمان در یمن

طی ۸ سال جنگ نامتقارن عربستان سعودی علیه یمن نظام سلامت یمن تقریباً سقوط کرده است. بخش بهداشتی و درمانی در یمن به خاطر درگیری‌های

گسترده با بحران شدید رو به رو است که منجر به شیوع وبا و سایر بیماری‌ها و بسته شدن درمانگاه‌ها و مراکز بهداشتی شده است. مراکز بهداشتی و درمانی در یمن از کمبود شدید دارو، تجهیزات و نیروی انسانی رنج می‌برند. «آرتور بیسیگان»، نماینده سازمان جهانی بهداشت در یمن گفت «یمن پس از حدود یک دهه جنگ و تنش، همچنان با یکی از شدیدترین بحران‌های جهان از نظر شرایط انسانی و بهداشتی مواجه است.

فقط ۵۱ درصد از مراکز درمانی این کشور، به طور کامل در حال فعالیت هستند. ۳۶ درصد مراکز درمانی یمن، به طور محدودی فعالیت می‌کنند.» «ناتالیا کاتیم» مدیر اجرایی صندوق جمعیت ملل متحد نسبت به وقوع فاجعه انسانی برای زنان یمنی هشدار داد و گفت هر دو ساعت یک زن یمنی به خاطر کمبود امکانات بهداشتی و درمانی به هنگام وضع حمل جان خود را از دست می‌دهد. ۱۰۰ بیمارستان از ۲۶۸ بیمارستانی که تحت پوشش صندوق سازمان ملل است، تعطیل شده است.

نهاد حقوق بشری «انتصاف» وابسته به دولت نجات ملی یمن مستقر در صنعا نیز خرداد سال گذشته در گزارشی اعلام



علیه یمن را متوقف کرد که همین مسئله باعث توقف پاکسازی مناطق مین گذاری شده در این کشور شد. این در حالی است که مواد منفجره باقی مانده از جنگ تهدید جدی روزانه برای جان نظامیان هستند.

کاهش کمک‌های بین‌المللی به یمن همزمان با تداوم وخامت اوضاع انسانی در این کشور بار دیگر ثابت کرد که اساساً حقوق بشر از مسائل دارای اولویت برای نظام جهانی محسوب نمی‌شود. حقوق بشر تحت تأثیر منافع قدرت‌های غربی قرار دارد. در همین راستا، محمدعلی الحوثی، عضو شورای عالی سیاسی یمن گفت تصمیم کاهش کمک‌های بین‌المللی به یمن سیاسی و به دستور دولت آمریکا انجام شد.

این تصمیم در شرایطی اتخاذ شده است که یمن همچنان در نتیجه تجاوز و محاصره‌ای که ۹ سال به طول انجامیده، متضرر شده و با مشکلات اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کند. وی همچنین خاطرنشان کرد: سازوکار سازمان ملل برای مقابله با بحران انسانی در یمن که بدترین بحران انسانی در جهان بوده، ناکارآمد است.

درماتی، آب غیرسالم و اوضاع بد اقتصادی دست‌وپنجه نرم کرده‌اند. کودکان یمنی در شرایط بسیار سخت و دشوار جسمی و روحی به سر می‌برند، نبود بهداشت، قتل و کشتار، آوارگی، پناهندگی و نقض همه حقوق آنها در پی محاصره یمن، این شرایط را بر آنها تحمیل کرده است.

### ۳- کاهش کمک‌های بین‌المللی به یمن

در حالی که وضعیت انسانی در یمن شکننده است و این کشور از بحران انسانی رنج می‌برد، وضعیت بهداشت و درمان نیز وخیم است، کمک‌های بین‌المللی به یمن کاهش پیدا کرد.

سازمان ملل صرفاً توانسته بودجه یک چهارم از کمک‌های مورد نیاز را برای یمن فراهم کند. برنامه جهانی غذا اعلام کرد که کمک‌ها به یمن را کاهش داده است. کاهش کمک‌های برنامه جهانی غذا، نیم میلیون خانواده یمنی را که اغلب آنها زن و کودک هستند و از سوءتغذیه رنج می‌برند، از غذا محروم کرد. در همین حال، سازمان ملل در ماه اوت ۹۵ درصد از کمک‌های مخصوص به پاکسازی آثار برجای مانده از جنگ

کرد که زنان یمنی در زیر فشار کمیود مراقبت‌های بهداشتی، کشتار، آوارگی و نقض کلیه حقوق آنها که از سوی قوانین و معاهده‌نامه‌های بین‌المللی تضمین شده است، زندگی می‌کنند. در این گزارش آمده است که زنان در یمن با یکی از بیشترین اشکال خشونت روبرو هستند، به ویژه در مورد حق برخورداری از امنیت شخصی و دریافت مراقبت‌های بهداشتی در دوران بارداری و زایمان، به طوری که نرخ مرگ‌ومیر زنان یمنی یکی از بالاترین‌ها در جهان است. بیش از ۵۰ درصد زایمان‌ها توسط افراد غیرمتخصص انجام می‌شود. هر دو ساعت یک زن و شش نوزاد به دلیل عوارض دوران بارداری یا زایمان جان خود را از دست می‌دهند و تعداد زنانی که ممکن است در دوران بارداری یا زایمان جان خود را از دست بدهند حدود ۱۷۰۰۰ زن تخمین زده می‌شود.

نکته دیگر این است که کودکان یمنی بیشترین قربانیان این وضعیت وخیم به شمار می‌روند که در این چند سال با مرگ، گرسنگی، آوارگی معلولیت‌های جسمی، مشکلات بهداشتی و بیماری‌های ناشی از کمیود غذا یا تغذیه غیرسالم، نبود سیستم



### نتیجه

یمن سال گذشته میلادی شاهد تداوم آتش‌بس و توقف جنگ ۸ ساله بود، اما اوضاع انسانی در این کشور به خصوص در مناطق تحت کنترل دولت نجات ملی بهبود پیدا نکرد زیرا از یک سو، محاصره یمن پایان نیافت و از سوی دیگر با فشار دولت آمریکا، کمک‌های بین‌المللی به یمن کاهش پیدا کرد. بهبود اوضاع انسانی در یمن به سال‌ها و حتی دهه‌ها زمان نیاز دارد، البته در صورتی که محاصره پایان یابد و یمن امکان استفاده از درآمدهای نفتی خود را نیز پیدا کند.





## صحنه سیاسی - نظامی داخلی یمن طی یک سال گذشته

زیر را بر صحنه داخلی یمن داشته است:

### - تشدید وضعیت دوقطبی در یمن

یمن از سال‌های گذشته شاهد حضور همزمان دو دولت بود. دولت نجات ملی در صنعا و دولت مستعفی منصور هادی در جنوب. پس از استعفای منصور هادی، شورای ریاستی در جنوب یمن تأسیس شد که مورد حمایت یمن و سازمان ملل متحد قرار دارد. عربستان سعودی طی ۸ سال جنگ تلاش کرد دولت نجات ملی یمن را به رسمیت نشناسد، اما دعوت از دولت نجات ملی به ریاض در سال گذشته به منزله پذیرش این دولت و انصارالله بود. اگرچه عربستان بر لزوم اجماع گروه‌های یمنی برای تشکیل دولت ملی تأکید دارد، اما در یک سال گذشته دوقطبی‌گرایی در یمن تشدید شده است.

شورای ریاستی یمن مذاکرات ریاض- صنعا را تضعیف این شورا می‌داند و موافق این مذاکرات نیست. وضعیت یمن به میزانی آشوب‌زده و پیچیده است که مانع هر گونه زمینه‌سازی برای شکل‌گیری یک کشور واحد تحت حکومت واحد با وحدت ملی می‌شود.

بنابراین با اینکه خروج عربستان سعودی و نیروهای ائتلاف و پذیرش نقش انصارالله در داخل یمن می‌تواند یک آغاز خیلی جدی‌تر برای حل و فصل بحران فراهم کند، اما اساساً بعید است به این سادگی‌ها یمن از این حالت آشفته خود خارج شود. به نظر نمی‌رسد تعارض و تضاد شمال و جنوب یمن در کوتاه‌مدت پایان یابد و می‌تواند موضوع جدیدی برای امنیت و قدرت در یمن باشد.

در یک سال گذشته، صحنه سیاسی- نظامی یمن تحت تأثیر دو رخداد مذاکرات ریاض- صنعا و همچنین جنگ رژیم صهیونیستی علیه غزه قرار داشت. این نوشتار، وضعیت سیاسی- نظامی یمن در یک سال گذشته را به اختصار بیان می‌کند.

### ۱- تأثیر مذاکرات صنعا- ریاض

عربستان سعودی از آوریل ۲۰۲۳ مذاکرات مستقیم با یمنی‌ها را در دستور کار قرار داد. در همین راستا، هیئت سعودی برای نخستین بار از سال ۲۰۱۵ به صنعا سفر کرد و هیئت یمنی نیز برای نخستین بار به عربستان سفر کرد.

با این حال، نکته حائز اهمیت این است که تمایل عربستان برای تغییر رویکرد در قبال یمن (توقف جنگ و روی آوردن به مذاکره) به منزله خارج شدن یمن از اولویت عربستان نیست. سعودی‌ها به جنگ علیه یمن پایان دادند، اما همچنان در صحنه سیاسی یمن حضور دارند.

عربستان سعودی به پایان دادن جنگ یمن علاقمند است، اما ریاض حاضر به از دست دادن یمن و بی‌تفاوت شدن نسبت به ساخت و چینش قدرت نیست زیرا یمن برای عربستان سعودی موضوع اولیه و راهبردی است. عربستان همچنان به حمایت از شورای ریاستی یمن ادامه می‌دهد. پس از اینکه، عربستان از دولت نجات ملی یمن برای سفر به ریاض و گفتگو با مقامات سعودی دعوت کرد، این موضوع با انتقاد رشاد العلیمی، رئیس شورای ریاستی یمن که وابسته به عربستان است، مواجه شد زیرا این سفر به منزله به رسمیت شناختن دولت نجات ملی یمن بود. لذا می‌توان گفت مذاکرات صنعا- ریاض طی یک سال گذشته تأثیرات



## ۲- تأثیرات جنگ غزه - رقابت‌های نظامی در داخل یمن افزایش پیدا کرد

یکی از مهم‌ترین رخدادهایی که بر صحنه سیاسی-نظامی یمن طی سال گذشته تأثیر گذاشت، جنگ و نسل‌کشی رژیم صهیونیستی علیه مردم غزه بود. نسل‌کشی رژیم صهیونیستی در غزه که از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ آغاز شد از یک سو یمن بار دیگر شاهد حضور میلیونی مردم در خیابان‌ها بود و از سوی دیگر یمنی‌ها با حمله به کشتی‌های عازم اراضی اشغالی، قدرت نظامی خود را نشان دادند.

به دنبال عملیات طوفان الاقصی و حملات تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی علیه غزه، تظاهرات گسترده و فعالیت‌های همبستگی با غزه سراسر یمن را فرا گرفت. همچنین صنعا از طریق انجام عملیات نظامی علیه اهداف مختلفی در اراضی اشغالی، رسماً مشارکت خود در نبرد علیه رژیم صهیونیستی را اعلام کرد.

هدف قرار دادن کشتی‌های وابسته به رژیم اشغالگر و نیز کشتی‌های عازم این رژیم سبب شد آمریکا به بهانه تأمین امنیت دریای سرخ، در ۱۹ ماه دسامبر از تأسیس ائتلاف دریایی برای مقابله با عملیات صنعا خبر داد. نکته حائز اهمیت این است که با وجود حمله‌های آمریکا و متحدانش علیه یمن، اما نه تنها حمله‌های یمنی‌ها علیه کشتی‌های عازم اراضی اشغالی متوقف نشد بلکه تظاهرات میلیونی و هفتگی مردم یمن، پشتوانه مردمی دولت نجات ملی را نیز ثابت کرد. همچنین دولت نجات ملی ثابت کرد که یکی از اعضای مهم و مؤثر محور مقاومت در منطقه غرب آسیا است. بنابراین، توجه جهانی به دولت نجات ملی یمن پس از جنگ غزه افزایش یافته است.

یکی دیگر از پیامدهای مذاکرات صنعا-ریاض، افزایش رقابت‌های نظامی در داخل یمن است. حمایت عربستان و امارات از گروه‌های نزدیک به خود در جنوب یمن ادامه دارد. «طارق محمد صالح»، خواهرزاده علی عبدالله صالح در عدن، جنوب یمن، شبکه حامیان دیکتاتور سابق یمن را گردآوری کرد و اکنون تحت حمایت امارات متحده عربی قرار دارد و علیه انصارالله نیز فعالیت می‌کند.

طارق محمد صالح درصدد است ارتش یمن که متحد انصارالله است را علیه نیروهای انصارالله تحریک کند. علاوه بر این، اگرچه برخی از اعضای شورای ریاستی یمن را رهبران شورای انتقالی جنوب تشکیل می‌دهند، اما همچنان رقابت‌های سیاسی و نظامی میان شورای انتقالی و شورای ریاستی جنوب وجود دارد.

همزمان با این رقابت‌ها، دولت نجات ملی مستقر در صنعا، پایتخت، نیز به تقویت قدرت بازدارندگی خود ادامه داد. در همین راستا، بزرگ‌ترین رژه نظامی نیروهای مسلح یمن وابسته به دولت نجات ملی در ۲۱ ماه سپتامبر به نمایش گذاشته شد. در این رژه نظامی، نیروهای مسلح یمن از زرادخانه خود مجهز به تسلیحات پیشرفته، راهبردی و جدید رونمایی کردند. این رژه نشان داد که دولت نجات ملی مستقر در صنعا درصدد تقویت قدرت نظامی خود است. این رویکرد ضمن اینکه برای مقابله با تهدیدهای خارجی است، می‌تواند برتری دولت نجات ملی در مقابل رقبای جنوبی را نیز تثبیت کند.



### نتیجه

یمن در سال گذشته شاهد شدت گرفتن تعارض‌های داخلی و دوقطبی‌گرایی بود. این وضعیت برونداد مذاکرات صنعا-ریاض و تداوم حمایت‌های عربستان و امارات از گروه‌های نزدیک به خود در یمن بود.

در عین حال، دولت نجات ملی مستقر در صنعا نیز از توقف جنگ برای تقویت قدرت بازدارندگی خود بهره گرفته است و بزرگ‌ترین رژه نظامی خود را در سپتامبر ۲۰۲۳ برگزار کرد تا نشان دهد قوی‌ترین بازیگر سیاسی و نظامی صحنه یمن است.

جنگ رژیم صهیونیستی علیه غزه نیز بر صحنه یمن تأثیرگذار بود و سبب شد در سایه سکوت عربستان، این بار آمریکا و انگلیس علیه یمن اقدام نظامی انجام دهند، اقدامی که منجر به عقب‌نشینی یمنی‌ها از حمله علیه کشتی‌های عازم اراضی اشغالی نشد.



# ورود یمن به جنگ غزه؛ ابعاد و پیامدها



صهیونیستی تحت فشار قرار گرفت. این رژیم پس از جنگ در جبهه غزه در جنوب و حزب الله لبنان در شمال، باید با یمنی‌ها نیز وارد جنگ می‌شد. درگیر شدن در چند جبهه جنگ، فشار بیشتر افکار عمومی در داخل اراضی اشغالی را در پی داشته است.

پیامد مهم دیگر این بود که رژیم صهیونیستی اقدامی علیه یمن انجام نداد زیرا توان درگیری در جبهه سوم را نداشت. از این رو، آمریکا به همراه چند کشور دیگر اقدام نظامی علیه یمن انجام دادند. اقدام آمریکا ثابت کرد که عملاً حقوق بشر معنایی پیدا نمی‌کند.

پیامد چهارم اقدام یمنی‌ها، شدت گرفتن فشارهای اقتصادی رژیم صهیونیستی بود. رژیم صهیونیستی در اثر جنگ غزه با افزایش مشکلات اقتصادی از جمله بیکاری و تورم مواجه شد. حمله به کشتی‌های مرتبط با رژیم صهیونیستی حمله به شریان اقتصادی این رژیم بود. بر اساس برآورد بانک جهانی، ۳۴ درصد از تولید ناخالص داخلی رژیم صهیونیستی به تجارت کالا بستگی دارد. این

تداوم نسل‌کشی رژیم صهیونیستی در غزه و همچنین حمایت همه‌جانبه آمریکا و سه کشور فرانسه، آلمان و بریتانیا به همراه سکوت مرگبار کشورهای عربی، سه عامل اصلی بود که سبب شد یمنی‌ها علیه رژیم صهیونیستی وارد جنگ شوند. اقدام یمنی‌ها از این جهت ارزش بیشتری داشت که این کشور از سال ۲۰۱۵ به مدت ۸ سال درگیر جنگی نامتقارن با عربستان سعودی بود، جنگی که سبب شد یمن تا پیش از جنگ غزه، در صدر فاجعه انسانی جهانی قرار داشته باشد.

## پیامدهای اقدام یمنی‌ها

اقدام یمنی‌ها چند پیامد مهم داشت. پیامد نخست این بود که یمنی‌ها به حملات موشکی و پهپادی علیه کشتی‌های عازم اراضی اشغالی، توانمندی نظامی خود را نشان دادند. این حملات نشان داد بازیگر جدیدی در صحنه نظامی و امنیتی غرب آسیا ظهور کرده است.

پیام دوم این بود که با این حمله‌ها، رژیم

پس از ۴۰ روز از نسل‌کشی رژیم صهیونیستی علیه باریکه غزه، یمن با حمله به کشتی‌های صهیونیستی یا کشتی‌های عازم اراضی اشغالی وارد جنگ غزه شد. اقدام یمن تنها اقدام عملی برای حمایت از مردم غزه در مقابل جنایت‌های رژیم صهیونیستی بود. در این نوشتار به اختصار، ابعاد و پیامدهای این اقدام یمنی‌ها بررسی می‌شود.

جنگ رژیم صهیونیستی علیه غزه از ۷ اکتبر آغاز شد. پس از تداوم حمله‌های رژیم صهیونیستی و ناتوانی جامعه جهانی برای متوقف کردن این حمله‌ها، دولت نجات ملی یمن مستقر در صنعا بارها هشدار داد در صورت تداوم جنگ، علیه رژیم صهیونیستی اقدام خواهد کرد.

سرانجام نیز این هشدار در تاریخ ۱۹ نوامبر (۲۸ آذر) با حمله به کشتی‌های مرتبط با رژیم صهیونیستی، جنبه عملیاتی پیدا کرد. یمنی‌ها از ۱۹ نوامبر تا اواخر فوریه ۲۰۲۴ حداقل ۵۷ حمله به کشتی‌های تجاری و نظامی در دریای سرخ و خلیج عدن انجام داده‌اند.





در عین حال، این اقدام سبب توجه بیشتر افکار عمومی جهان به نسل‌کشی رژیم صهیونیستی در غزه شد.

سالانه حدود ۱۷ هزار کشتی تجاری و نفتی برای حمل کالا و نفت بین آسیا و اروپا از تنگه باب‌المنندب عبور می‌کنند. در واقع به طور تقریبی هر روز ۵۰ کشتی در این محدوده در حال رفت‌وآمد بوده و عمده عملیات نیروهای یمنی نیز در این محدوده در جنوب دریای سرخ صورت می‌گیرد.

پیامد مهم دیگر نیز این بود که حمله به کشتی‌های مرتبط با رژیم صهیونیستی بار دیگر پشتوانه مردمی دولت نجات ملی یمن را به تصویر کشید. با وجود اینکه، مردم یمن ۸ سال جنگ را پشت سر گذاشته و متحمل خسارت‌های انسانی و مادی سنگینی شدند، اما از اقدام دولت نجات ملی در حمله به کشتی‌های عازم اراضی اشغالی حمایت کرده و حمله‌های آمریکا و متحدانش علیه یمن را نیز محکوم کردند. حضور میلیونی مردم یمن در تظاهرات هفتگی به خصوص در صعده و صنعا، به نوعی قدرت‌نمایی دولت نجات ملی این کشور هم در مقابل رقبای داخلی و هم در مقابل دشمن بیرونی بود.

سرانجام آمریکا با تشکیل ائتلافی متشکل از ۱۰ کشور حمله‌هایی را علیه یمنی‌ها انجام داد. ائتلاف آمریکا در شرایطی تشکیل شد که از میان کشورهای عربی تنها بحرین بود که در این ائتلاف عضویت پیدا کرد. سفرهای مکرر مقامات آمریکایی به منطقه غرب آسیا و دیدار آنها با مقامات عربی منجر به عضویت دیگر کشورهای عربی به خصوص عربستان سعودی در ائتلاف ضد یمن نشد. آمریکا حتی بار دیگر انصارالله را به فهرست تروریستی خود افزود، اما این اقدام هم سبب توقف حمله‌های یمنی‌ها به کشتی‌های عازم اراضی اشغالی نشد.

این شکست در کنار هزینه‌هایی که آمریکا بابت همراهی و حمایت از رژیم صهیونیستی در نسل‌کشی مردم غزه پرداخت کرد و در شهرهای مختلف جهان، مردم با برگزاری تظاهرات ضد آمریکایی، حمایت از این جنایت را محکوم کردند، سبب شد آمریکا از بازندگان اصلی جنگ غزه باشد. این موضوع نیز یکی از دلایل افزایش شکاف میان دولت جو بایدن در آمریکا و کابینه بنیامین نتانیاهو است.

نکته مهم دیگر درباره اقدام یمن این است که اهمیت ژئوپلیتیک یمن برجسته شد و

رژیم نزدیک به ۹۹ درصد کالاهای مبادلاتی خود را از طریق آبراهها و کشتیرانی وارد و صادر می‌کند.

بخش عمده‌ای از این واردات، شامل مواد غذایی‌ای است که در اراضی اشغالی قابل تولید نیست و همین سه مؤلفه به‌وضوح به یمن نشان داد کجا را هدف قرار دهد. تأثیر فوری حمله یمن بر تجارت دریایی رژیم صهیونیستی، خود را در تغییر مسیر کشتی‌ها و انتخاب راه‌های طولانی‌تر نشان داد.

تل‌آویو همچنین ناچار شد به حمل‌ونقل پرهزینه هوایی متوسل شود و در این میان نرخ بیمه‌نامه کشتی‌هایی که کالای موردنیاز رژیم صهیونیستی را حمل می‌کنند، هر روز بالاتر رفت. تخمین زده می‌شود که از زمان شروع حملات یمنی‌ها، بندر اصلی فلسطین اشغالی در ایلات ۸۵ درصد کاهش فعالیت داشته است.

پیامد مهم دیگر، شکست آمریکا در اجماع‌سازی علیه یمن بود. آمریکایی‌ها به یمن درباره تداوم حمله‌ها علیه کشتی‌های عازم اراضی اشغالی هشدار دادند، اما یمنی‌ها به این هشدارها توجهی نکردند.

#### نتیجه

یمن با ورود به جنگ غزه نشان داد صحنه سیاسی- نظامی منطقه غرب آسیا در حال تغییر است. انسجام و یکپارچگی محور مقاومت به تصویر کشیده شد.

حکام عربی مدعی در منطقه غرب آسیا به خاطر سکوت و انفعال در قبال نسل‌کشی رژیم صهیونیستی زیر سؤال رفته‌اند. اقدام آمریکا علیه یمنی‌ها بار دیگر چهره این کشور و وجهه آنرا نزد افکار عمومی جهانی بیش از گذشته تخریب کرد زیرا در حمایت از رژیم صهیونیستی حتی مبادرت به اقدام نظامی کرد، اما نسل‌کشی رژیم صهیونیستی علیه مردم غزه را مصداق دفاع مشروع تعریف کرد. اقدام یمن بر مشکلات داخلی رژیم صهیونیستی از جمله مشکلات اقتصادی آن افزوده است.







## پرونده اوکراین

چکیده:

برخلاف سال ۱۴۰۱ که غرب تمرکز تسلیحاتی و تبلیغاتی بر مساله اوکراین داشت، سال ۱۴۰۲ وضعیت به گونه‌ای دیگر رقم خورد. در این سال از شدت کمک مالی و نظامی غرب به اوکراین کاسته شد اما همچنان این حمایت‌ها و مجازات روسیه با ابزار تحریم تداوم داشت.

غرب با وجود اثبات ناکارآمدی تحریم، در سال گذشته نیز کماکان به این ابزار متکی بود به عنوان نمونه آمریکا در هفته‌های پایانی سال به مناسبت دومین سالگرد تهاجم روسیه به اوکراین بیش از ۵۰۰ شخص و سازمان روسی را تحریم کرد.

سال گذشته با ورود بحران اوکراین به سال دوم جنگ، سلاح‌های غیرمعارف و کشتار جمعی نیز از سوی غرب با محوریت آمریکا راهی میدان شدند.

آمریکا به خاطر هراس از تبعات یک جنگ هسته‌ای و جلوگیری از تکرار فاجعه حمله اتمی که در دو شهر ژاپن با بیش از ۲۰۰ هزار قربانی رخ داد، سال گذشته جنگ‌افزار نامتعارف اما با تخریب کمتر از قبیل بمب خوشه‌ای و مهمات حاوی اورانیوم ضعیف را روانه اوکراین کرد؛ سیاستی که با هدف توازن‌بخشی به جبهه‌ها اتخاذ شد اما برآیند آن، ویرانی افزون‌تر اوکراین و نیز کشتار غیرنظامیان بود بدون اینکه معادله جنگ را تغییر دهد.

سال ۱۴۰۲ بعد از چند ماه تبلیغات غربی‌ها و جوسازی رسانه‌ای آنها مبنی بر اهمیت و بزرگی ضدحمله بهاره، «ولودیمیر زلنسکی» رئیس‌جمهور اوکراین سرانجام دهم ژوئن (۲۱ خرداد) آغاز این حملات را بدون اشاره به جزئیات آن اعلام کرد.

خروجی ضدحمله بهاره اوکراین از برآورده نشدن انتظارات اولیه طرف‌های غربی نشان داشت؛ ضدحمله‌ای که کی‌یف اعتقاد داشت حتی می‌تواند شبه‌جزیره کریمه را به این کشور بازگرداند اما در نهایت کی‌یف موفق به بازپس‌گیری سه روستا در منطقه دونتسک در جنوب شرقی این کشور شد.

ارتش کی‌یف که اردیبهشت ماه شهر راهبردی «باخموت» را از دست داده بود، ۹ ماه بعد (بهمن ماه) به دلیل ورود کتد گلوله‌های توپخانه‌ای از سوی اتحادیه اروپا و توقف کمک‌های نظامی آمریکا ناشی از درگیری‌های حزبی در کنگره آن کشور، مجبور به عقب نشینی از شهر راهبردی «آودیو» کا شده‌اند؛ موضوعی که ارتباط مستقیمی با درگیری غرب با محوریت آمریکا در جنگ علیه غزه داشت.

از آنجا که در دو سال اخیر هیچ بحرانی به اندازه جنگ اوکراین بر امنیت و اقتصاد بین‌الملل تأثیر نگذاشته است، ده‌ها کشور برای میانجی‌گری میان مسکو و کی‌یف اعلام آمادگی کردند. به رغم تلاش‌های میانجی‌گرانه کشورهای مختلف جهان همچون چین، هند، اندونزی، ایران، عربستان، امارات، عراق، برزیل، ترکیه، الجزایر، سنگال و غیره، بحران اوکراین طی سال ۱۴۰۲ همچنان لاینحل باقی ماند.





# جنگ اوکراین در سال ۱۴۰۲ چگونه پیش رفت؟

شکست ارتش اوکراین نبود بلکه فاجعه کامل نظامی برای ناتو و آمریکا بود که با مدرن‌ترین تسلیحات خود در برابر ارتش روسیه صف‌آرایی کرده اما پیشرفت چشمگیری به دست نیاورده بودند.

**تصرف ۲ شهر راهبردی؛ سنگینی کفه ترازو به نفع مسکو**

ار دیبهبشت ۱۴۰۲، نیروهای روسیه اعلام کردند کنترل کامل شهر «باخموت» را در اختیار گرفته‌اند و به درگیری چندین ماهه شدید در این شهر واقع در شرق اوکراین پایان داده‌اند؛ شهری که تا آن زمان، کانون طولانی‌ترین و خونین‌ترین نبردهای جنگ اوکراین بود.

تصرف باخموت یک سکوی پرتاب برای نیروهای روسیه محسوب می‌شد. این شهر یک مرکز حمل و نقل و لجستیک منطقه‌ای در استان «دونتسک» اوکراین است؛ استانی صنعتی و عمدتاً روس‌زبان که مسکو قصد داشت با عملیات ویژه نظامی آن را ضمیمه خاک خود کند.

با تصرف باخموت، ۲ شهر بزرگ‌تر منطقه دونتسک یعنی «کراماتورسک» و «اسلاویاتسک» که کرملین مدت‌ها در صدد تصرف آنها برآمده بود، در برد آسان

**«ضدحمله بهاره» بزرگترین پروژه نظامی اوکراین**

سال ۱۴۰۲ بعد از چند ماه تبلیغات غربی‌ها و جوسازی رسانه‌ای آنها مبنی بر اهمیت و بزرگی ضدحمله بهاره، «ولودیمیر زلنسکی» رئیس‌جمهور اوکراین سرانجام دهم ژوئن (۲۱ خرداد) آغاز این حملات را بدون اشاره به جزئیات آن اعلام کرد.

مقامات و رسانه‌های غربی و اوکراینی از ماه‌ها پیش از عملیات مدام اعلام می‌کردند در حال تجهیز ارتش اوکراین با انواع تسلیحات نظامی پیشرفته هستند تا با انجام «ضد حملات بزرگ» و «بهاره» تکلیف جنگ اوکراین را مشخص کنند و ضمن بازپس‌گیری مناطق از دست رفته، در گفت‌وگوهای صلح احتمالی، در میز مذاکره دست برتر داشته باشند.

خروجی ضدحمله بهاره اوکراین از برآورده نشدن انتظارات اولیه طرف‌های غربی نشان داشت؛ ضدحمله‌ای که کی‌یف اعتقاد داشت حتی می‌تواند شبه‌جزیره کریمه را به این کشور بازگرداند اما در نهایت کی‌یف موفق به بازپس‌گیری سه روستا در منطقه دونتسک در جنوب شرقی این کشور شد.

شکست اوکراین در این ضدحملات صرفاً

خبرگزاری مهر، گروه بین‌الملل: برخلاف سال ۱۴۰۱ که غرب تمرکز تسلیحاتی و تبلیغاتی بر مساله اوکراین داشت، سال ۱۴۰۲ وضعیت به گونه‌ای دیگر رقم خورد. در این سال از شدت کمک مالی و نظامی غرب به اوکراین کاسته شد اما همچنان این حمایت‌ها و مجازات روسیه با ابزار تحریم تداوم داشت.

غرب با وجود اثبات ناکارآمدی تحریم، در سال ۱۴۰۲ نیز کماکان به این ابزار متکی بود به عنوان نمونه آمریکا در هفته‌های پایانی سال به مناسبت دومین سالگرد تهاجم روسیه به اوکراین بیش از ۵۰۰ شخص و سازمان روسی را تحریم کرد.

این رشته تحریم‌ها اما برخلاف پیش‌بینی‌های غرب موثر واقع نشده و «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهور روسیه دوشنبه (۲۳ بهمن) در نشستی درباره مسایل اقتصادی با بیان اینکه تولید ناخالص داخلی روسیه در سال ۲۰۲۳ (۱۴۰۲) تا ۳.۶ درصد رشد داشته است، تاکید کرد: اقتصاد روسیه برخلاف کشورهای اروپا در حال رشد و توسعه است. این رقم بالاتر از میانگین نرخ رشد اقتصادی جهان است که سه درصد می‌باشد.



توپخانه نیروهای روسیه قرار گرفتند.

از آن زمان حمله‌های موشکی مرگبار روسیه به شهر کراماتورسک شروع شد و از راه‌آهن گرفته تا رستوران‌های این شهر ۱۵۰ هزار نفری همواره مورد اصابت موشک قرار گرفتند. همزمان حمله هوایی ارتش روسیه به شهر اسلاویانسک اوکراین با ۶۳ هزار جمعیت نیز ادامه یافت.

بعد از تصرف شهر باخموت در ۹ ماه قبل، در روزهای گذشته (اواخر بهمن ماه) شهر صنعتی «آودیوکا» با بیش از ۷۰ هزار جمعیت به تصرف روسیه درآمد؛ تصرف آودیوکا ضربه‌ای استراتژیک به ارتش اوکراین قلمداد می‌شود، زیرا آودیوکا یک سنگر دفاعی اوکراین در منطقه دونتسک بود که روسیه را در معرض تهدید دائمی قرار می‌داد.

همچنین عقب راندن نیروهای اوکراین از اطراف دونتسک، سبب می‌شود تا اوکراینی‌ها نتوانند به راحتی به مرزهای روسیه نفوذ کنند. ضمن اینکه با تقویت پدافندهای روسی در این منطقه، قدرت مانور حمله‌های پهبادی کی‌یف به عمق خاک روسیه کاهش خواهد یافت.

از این رو آودیوکا را می‌توان به عنوان دروازه ورود به شهر دونتسک دانست. مقام‌های روسی تاکید می‌کنند که مناطق مسکونی این کشور توسط نیروهای اوکراینی، گاهی وقت‌ها از آودیوکا گلوله باران شده‌است. وزارت دفاع روسیه گفت که آودیوکا یک مرکز دفاعی قدرتمند برای نیروهای مسلح اوکراین بود و تصرف آن خط مقدم را از دونتسک دور می‌کند و توانایی اوکراین را برای گلوله‌باران سنگر روسیه کاهش می‌دهد.

از طرفی، تصرف شهر آودیوکا می‌تواند روحیه سربازان روسیه را تقویت و در مقابل، روحیه نیروهای اوکراینی را پس از

ناکامی ضدحمله بهار تضعیف کند.

آودیوکا که به خاطر کارخانه بزرگ که سوخت میتنی بر زغال سنگ به نام «کک» تولید می‌کند، شناخته شده‌است و به لحاظ اقتصادی هم برای روس‌ها دستاورد بزرگی به حساب می‌آید. این شهر به شدت با شبکه‌ای از تونل‌ها و استحکامات بتنی مستحکم شده که می‌تواند به عنوان سکوی پرشی برای پیروزی‌های احتمالی مسکو در آینده باشد.

در مجموع پس از شکست ضدحمله اوکراین در خردادماه ۱۴۰۲ و تصرف ۲ شهر مهم اوکراین از سوی روس‌ها، موج جنگ به نفع مسکو تغییر کرده‌است. به طوری که وزارت دفاع اوکراین روز جمعه (۴ اسفند) در بیانیه‌ای اعلام کرد که نیروهای روسیه پس از کنترل شهر آودیوکا اوکراین، به سمت غرب پیشروی کرده‌اند.

### جنگ غزه و به حاشیه رفتن اوکراین

آن‌چنان که از موضع‌گیری‌ها بر می‌آید، ارتش کی‌یف به دلیل ورود کند گلوله‌های توپخانه‌ای از سوی اتحادیه اروپا و توقف کمک‌های نظامی آمریکا ناشی از درگیری‌های حزبی در کنگره آن کشور، مجبور به عقب نشینی از آودیوکا شده‌اند؛ موضوعی که ارتباط مستقیمی با درگیری غرب با محوریت آمریکا در جنگ علیه غزه دارد.

مجلس سنای آمریکا به رهبری دموکرات‌ها اگرچه در نهایت در ساعت‌های اولیه بامداد سه‌شنبه (۲۴ بهمن) لایحه کمک ۹۵ میلیارد دلاری این کشور را به اوکراین، رژیم صهیونیستی و تایوان تصویب کرد اما ماه‌ها است که آنها بر سر کمک به این بازیگران اختلاف نظر جدی دارند.

بعد از بروز اختلاف در کنگره آمریکا بر سر کمک یا عدم کمک به اوکراین در آبان ماه،

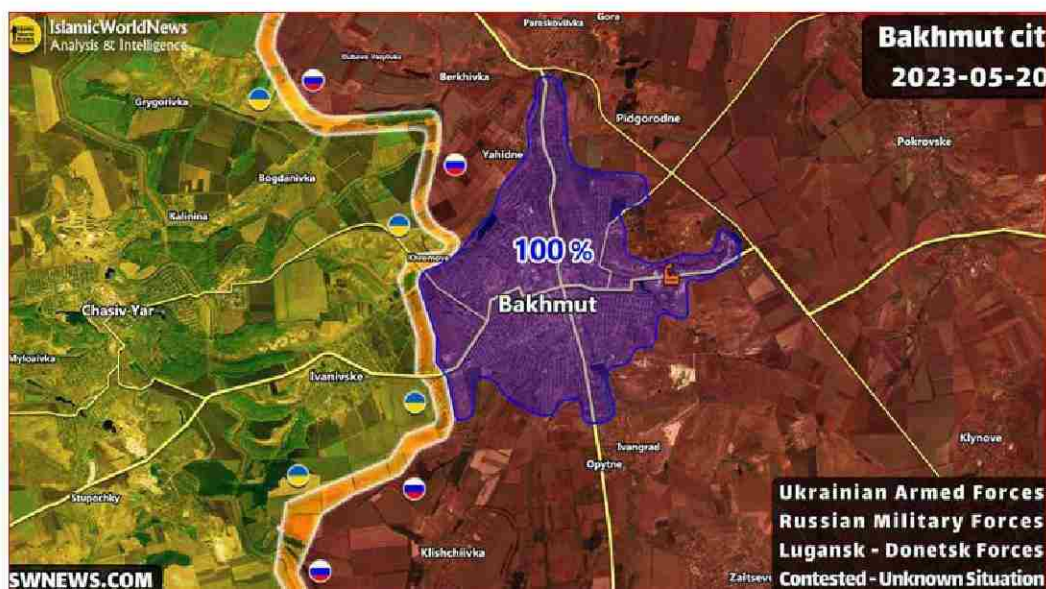
سناتورهای دموکرات لایحه پیشنهادی جمهوری خواهان کنگره مبنی بر ارسال کمک‌های اضطراری به رژیم صهیونیستی و عدم کمک به اوکراین را مسدود کردند.

بنابراین شکست‌های پیاپی اوکراین از این جهت است که اجماع در کنگره آمریکا بر سر ادامه کمک‌ها به کی‌یف از بین رفته‌است. جمهوری خواهان دیگر حاضر به کمک به اوکراین نیستند و بر این باورند که باید کمک به رژیم صهیونیستی در اولویت قرار بگیرد. در مقابل دموکرات‌ها همچنان به ادامه کمک‌ها به اوکراین متعهدند.

از این رو پیشتر دموکرات‌های سنای آمریکا لایحه پیشنهادی جمهوری خواهان مجلس نمایندگان مبنی بر ارسال کمک‌های اضطراری به رژیم صهیونیستی را مسدود کردند چرا که در این لایحه هیچ کمکی برای اوکراین در نبرد با روسیه در نظر گرفته نشده بود.

اینک آمریکا از یک سو بین ۲ بحران بزرگ خودساخته در اوکراین و غزه گرفتار آمده‌است و از سوی دیگر، زلنسکی که به امید حمایت غرب وارد جنگی تمام عیار با روسیه شده‌بود، سنگر به سنگر باید عقب‌نشینی کند و به رغم وعده‌های غرب، همچنان پشت درهای بسته ناتو به انتظار عضویت بنشیند.

این تحولات میدانی که سال ۱۴۰۲ در جریان بحران اوکراین شاهد بودیم، به احتمال قوی می‌تواند در انتخابات ۱۷ مارس (۲۷ اسفند) به نقطه افتخاری برای پوتین تبدیل شود زیرا او به دنبال پنجمین دوره ریاست جمهوری است. بنابراین پوتین که در سال ۲۰۱۸ توانست با کسب حدود ۷۷ درصد آرا با فاصله زیادی از رقیبان خود در انتخابات پیروز شود به خاطر دست برتر در جبهه اوکراین، شانس بالایی برای ورود مجدد به کرملین دارد.







## غرب در حمایت از اوکراین طی سال ۱۴۰۲ چه کرد؟

مختلف اروپا از جمله بازیگران تروئیکا (آلمان، انگلیس و فرانسه) سفر کرد که با چند توافق تسلیحاتی بزرگ همراه بود؛ توافقی‌هایی که حل بزرگترین بحران کنونی جهان را با مانع‌های جدی روبه‌رو کرد.

در این سفر، زلنسکی موفق شد با «ریشی سوناک» نخست‌وزیر انگلیس، «ولاف شولتس» صدراعظم آلمان و «اماتوئل ماکرون» رئیس‌جمهور فرانسه دیدار و گفت‌وگو کند.

در سفر زلنسکی به برلین، صدراعظم آلمان از اختصاص بسته جدید کمک نظامی به کی‌یف به ارزش ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون یورو خبر داد که بزرگ‌ترین بسته کمک تسلیحاتی این کشور به اوکراین از آغاز عملیات نظامی روسیه در این کشور به شمار می‌رفت.

به گفته «بوریس پیستوریوس» وزیر دفاع این کشور، این بسته که سه میلیارد دلار ارزش داشت؛ بسته‌ای که شامل ۲۰ دستگاه خوردوی جنگی پیاده نظام «مادرر»، ۳۰ فروند تانک «لئوپارد ۱»، ۱۵ دستگاه ضد هوایی خودکششی «گپارت»، ۲۰۰ پهپاد شناسایی، چهار سامانه پدافندی Iris-T، مهمات و تجهیزات توپخانه و بیش از ۲۰۰ خودروی زرهی رزمی و لجستیکی» می‌شد.

آلمان سال ۱۴۰۱ نیز کمک نظامی به ارزش ۲ میلیارد یورو برای اوکراین تامین کرد و سال ۱۴۰۲ نیز اعتباری معادل ۲.۲ میلیارد یورو برای کمک به این کشور تخصیص داد.

از نگاه ناظران، آلمان به بهانه جنگ اوکراین، ضمن اعمال تحریم‌های شدید علیه روسیه در حال اختصاص بودجه کلان برای بالا بردن توان ارتش آلمان و خریدهای تسلیحاتی تازه از آمریکا است؛ کشوری که به دلیل آغازگری جنگ‌های جهانی اول

خبرگزاری مهر، گروه بین‌الملل: بحران اوکراین در سال ۱۴۰۲ همچون سال قبل، بازار خرید و فروش سلاح‌ها و جنگ‌افزارهای خشونت‌بار را در جهان داغ کرد؛ رقابتی تسلیحاتی میان آمریکا و بازیگران اروپایی که این جنگ را از مرز دوسالگی گذراندند و به سال سوم وارد کردند.

### سهم آمریکا و اروپا در تسلیح اوکراین

در سال ۱۴۰۲ همانند سال ۱۴۰۱، آمریکا بزرگ‌ترین کمک‌کننده مالی و تسلیحاتی به اوکراین بود که نزدیک به ۸۰ میلیارد دلار به این کشور کمک کرد.

وبسایت آماری «استاتیتستا» ۲۲ آذرماه ۱۴۰۲ در گزارشی نوشت که از این کمک‌ها، حدود ۴۳.۹ میلیارد یورو (۴۷.۵۴ میلیارد دلار) به کمک‌های نظامی آمریکا اختصاص دارد که نشان می‌دهد ایالات متحده بسیار بیشتر از هر کشور دیگری به کی‌یف کمک مالی کرده‌است.

البته دولت بایدن در روزهای آخر سال گذشته قصد تصویب بسته کمکی ۶۰ میلیارد دلاری به اوکراین بود که به دلیل مخالفت جمهوری خواهان با مشکل مواجه شد و دعوی دو طیف بر سر این بسته، بسترساز شکست‌های مداوم کی‌یف در میدان جنگ شد. بر پایه این گزارش، بعد از آمریکا آلمان با ۱۷.۱، انگلیس با ۶.۶ و اتحادیه اروپا ۵.۶ میلیارد یورو به ترتیب در جایگاه‌های بعدی قرار گرفتند.

تورهای تروئیکای زلنسکی با انبوهی از توافقی تسلیحاتی - امنیتی

نخستین تور اروپایی زلنسکی برای جذب حمایت مالی و تسلیحاتی اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ اتفاق افتاد که وی به کشورهای



طبق گزارش «سی‌ان‌ان» در آن برهه، یک گروه تبهکار پس از نفوذ به یک گردان از گروه‌های داوطلب سلاح‌های مختلفی از جمله یک نارنجک‌انداز و سلاح‌های دیگر را به سرقت برده‌بودند. در همان ماه، گروهی از تبهکاران اوکراینی که خودشان را نیروهای امدادی جا زده بودند، معادل ۱۷ هزار دلار جلیقه ضدگلوله سرقت کردند.

شهریورماه ۱۴۰۲ نیز روزنامه آمریکایی «تیویورک تایمز» نوشت که برکناری وزیر دفاع اوکراین نشان‌دهنده چالش‌های پیاپی اوکراین با مساله فساد است. برکناری این وزیر در پی انتشار گزارش‌های مبنی بر دزدی جنگ‌افزارها، اختلاس و سوءمدیریت مالی نشانگر چالش‌های داخلی اوکراین هم‌زمان با نبرد خارجی است.

مشکل بزرگ دیگری که اوکراین نیمه دوم سال ۱۴۰۲ با آن مواجه شد، زرادخانه‌های خالی و روند کاهش کمک‌ها و سلاح‌های ارسالی از سوی آمریکا و اروپا است.

اواخر بهمن ماه ۱۴۰۲ شبکه خبری «یورونیوز» اعلام کرد که کمبود تجهیزات وارداتی از غرب به اوکراین و همچنین افزایش نگرانی‌ها از توقف کمک‌های نظامی آمریکا، کی‌یف را مجبور به حفظ موجودی‌های نظامی خود کرده‌است.

طبق بررسی‌های انجام شده در موسسه مطالعات جنگ (ISW) مستقر در آمریکا، تاخیر در کمک‌های امنیتی غرب به اوکراین به حمله‌های نظامی روسیه کمک کرده و سربازان اوکراینی را از دفاع در برابر پیشروی‌های روسیه باز داشته است.

یورونیوز با اشاره به مصاحبه «آسوشیتدپرس» با چندین فرمانده نظامی اوکراینی پیش از سقوط شهر رهبریدی «آودیوکا»، نوشت: کمبود تجهیزات جنگی که مدت‌ها گریبانگیر نیروهای این کشور بوده از پاییز گذشته بدتر شده‌است. کاهش تامین ذخایر توپخانه‌های دوربرد اوکراین توسط غرب به این معنی است که نیروهای ارتش کی‌یف نمی‌توانند به اهداف جنگی در اعماق مرزهای روسیه حمله کنند.

بی‌اعتنایی آمریکا و اروپا به اوکراین که ارتباط مستقیمی به درگیری آنها در جنگ غزه دارد، باعث انتقاد سیاست‌های غرب از سوی زلنسکی شده‌است.

در همین پیوند، زلنسکی ۱۲ اسفند ۱۴۰۲ در گفت و گو با «اکنومیست» در انتقاد از مواضع اخیر غرب نسبت به جنگ با روسیه، گلایه کرد که «غرب احساس فوریت در مورد جنگ را از دست داده‌است و شهروندان اوکراینی هم احساس تهدید علیه خود و مملکتشان را در این جنگ از دست داده‌اند.»

دوم، همواره با محدودیت برخورداری از ارتش نیرومند مواجه بوده‌است. در همین راستا، آمریکا همان زمان خبر داد که در قراردادی به ارزش حدود ۸.۵ میلیارد دلار ۶۰ فروند بالگرد نظامی «شینوک-۴۷» و دیگر تجهیزات مرتبط به آلمان می‌فروشد.

لندن مقصد سفر دیگر زلنسکی بود و دولت انگلیس در بیانیه‌ای مطبوعاتی اعلام کرد این کشور جنگ‌افزارهای جدیدی در اختیار کی‌یف قرار خواهد داد از قبیل صدها موشک پدافندی و سامانه‌های پهبادی شامل صدها پهپاد تهاجمی دوربرد با بردی معادل بیش از ۲۰۰ کیلومتر.

سفر زلنسکی به پاریس هم برای زلنسکی بی‌ثمر نبود. کاخ الیزه پس از دیدار سه ساعته ماکرون با زلنسکی اعلام کرد که پاریس ده‌ها تانک سبک و خودروی زرهی به اوکراین تحویل خواهد داد. فرانسه همچنین متعهد به تحویل سامانه‌های دفاع هوایی به کی‌یف شد.

در روزهای پایانی بهمن ۱۴۰۲ بار دیگر زلنسکی تور اروپایی خود را با هدف گفت و گو با سران برلین و پاریس آغاز کرد که امضای پیمان امنیتی ۱۰ ساله میان اوکراین و فرانسه از جمله دستاوردهای این سفر بود.

### سلاح‌هایی که سال گذشته میان راه ناپدید شدند

با نگاهی به آمار سه نوع کمک‌های ارسالی به اوکراین می‌توان به این واقعیت پی برد:

۱. کمک‌های نظامی بیش از نیمی از کمک‌های غرب به ویژه آمریکا به اوکراین را تشکیل می‌دهد. کمک‌های نظامی برای پهپادها، تانک‌ها، موشک‌ها و سایر سیستم‌های مهمات و همچنین آموزش، لجستیک و پشتیبانی اطلاعاتی پرداخت می‌شود.

۲. کمک‌های بشردوستانه اما شامل کمک‌های غذایی، آب آشامیدنی سالم، تجهیزات پزشکی و سایر ملزومات برای اوکراینی‌هایی است که در نتیجه جنگ آواره شده‌اند.

۳. بخشی نیز کمک‌های مالی و اقتصادی است که دولت اوکراین با تکیه با آن می‌تواند حقوق کارمندان دولت، کارکنان مراقبت‌های بهداشتی، مربیان و غیره را پرداخت کند.

خبری که سال گذشته سر و صدای زیادی به پا کرد و به کمک‌های نظامی ارتباط می‌یافت، این بود که بسیاری از این کمک‌ها میانه راه ناپدید می‌شدند. اواخر تیرماه ۱۴۰۲ گزارشی از دفتر بازرسی کل پنتاگون نشان می‌داد بخشی از تسلیحات ارسالی شده از کشورهای غربی برای اوکراین ناپدید شده و احتمالاً به دست گروه‌های تبهکار افتاده‌است.

البته در نسخه رسته‌ای شده گزارش دفتر بازرسی کل وزارت دفاع آمریکا، بخش‌هایی از مطالبی که به توضیح درباره قرار گرفتن این سلاح‌ها در دستان گروه‌های ناخواسته می‌پرداخت، لاک گرفته شده‌بود.







## چرا رویای الحاق اوکراین به ناتو و اتحادیه اروپا تحقق نیافت؟

در سال گذشته ناتو آغوش خود را بر روی دو کشور حوزه اسکاندیناوی یعنی فنلاند و سوئد باز کرد که در نهایت فنلاند به عضویت این سازمان در آمد. به احتمال قوی در سال ۱۴۰۳، سوئد نیز به پیکره ناتو خواهد پیوست اما درهای ناتو روی اوکراین بسته ماند.

ناتو سیاست درهای باز دارد به این معنی که هر کشوری در صورت ابراز علاقه می‌تواند برای پیوستن به آن دعوت شود، تا زمانی که بتواند و مایل باشد از اصول این اتحادیه دفاع کند. با این حال، بر اساس قوانین الحاق، هر کشور عضو می‌تواند درخواست عضویت کشوری را که استانداردهای لازم برای پیوستن به اتحاد را رعایت نمی‌کند، وتو کند؛ مواجهه فنلاند و سوئد با وتوی ترکیه در سال ۱۴۰۲ یک نمونه از این روند به شمار می‌رفت.

طبق وبسایت ناتو، این استانداردها شامل توانایی نشان دادن یک «سیستم سیاسی دموکراتیک کارآمد مبتنی بر اقتصاد بازار» و «رفتار منصفانه با جمعیت‌های اقلیت»، همراه با موارد دیگری است که هم اکنون با توجه به اینکه اوکراین در حال جنگ است تحقق همه این شرایط برایش امکان پذیر نیست.

عضویت اوکراین همچنین سوال‌هایی را در مورد مهمترین جنبه ناتو یعنی «تضمین امنیت ائتلاف» ایجاد می‌کند. بر اساس ماده پنچ پیمان، اعضای ناتو این فرض را می‌پذیرند که

اتحادیه اروپا را با جدیت دنبال کرد؛ سیاستی که در نهایت منجر به حمله نظامی روسیه به این کشور شد.

همزمان با تکاپوی دیپلماتیک زلنسکی برای عضویت در ناتو طی این دو سال جنگ، همواره شاهد تهدیدهای مکرر مقام‌های کرملین بوده‌ایم که نسبت به پیامدهای الحاق هشدار داده‌اند.

تیرماه ۱۴۰۲ «دیمیتری پسکوف» سخنگوی ریاست جمهوری روسیه با بیان اینکه پیوستن اوکراین به ناتو پیامدهای بسیار منفی برای ساختار امنیتی اروپا دارد، گفت: شما از موضع کاملا قابل درک و ثابت روسیه آگاه هستید که عضویت اوکراین در ناتو پیامدهای بسیار منفی برای کل ساختار امنیتی نیمه ویران اروپا خواهد داشت و خطری مطلق و تهدیدی برای روسیه خواهد بود.

اواخر آبان ماه نیز «ماریا زاخارووا» سخنگوی وزارت خارجه روسیه در نشستی خبری در پاسخ به اظهارات «آندرس فوگ راسموسن» دبیرکل سابق ناتو درباره عضویت بخشی از اوکراین در این ائتلاف، اظهار داشت: ما بارها موضع خود را در مورد پیوستن اوکراین به ناتو توضیح داده‌ایم. الحاق اوکراین به بلوک ناتو برای روسیه به هر شکلی غیرقابل قبول است.

جراحی مخالفت اتحادیه با الحاق اوکراین به ناتو

خبرگزاری مهر، گروه بین‌الملل: اوکراین بعد از آغاز جنگ خود با روسیه به ویژه طی سال ۱۴۰۲ اصرار چشمگیری برای پیوستن به ناتو داشته‌است. در حالی که سران کشورهای غربی بارها اعلام کرده‌اند تا پایان جنگ، امکان الحاق اوکراین به این ائتلاف ۳۰ عضوی وجود ندارد.

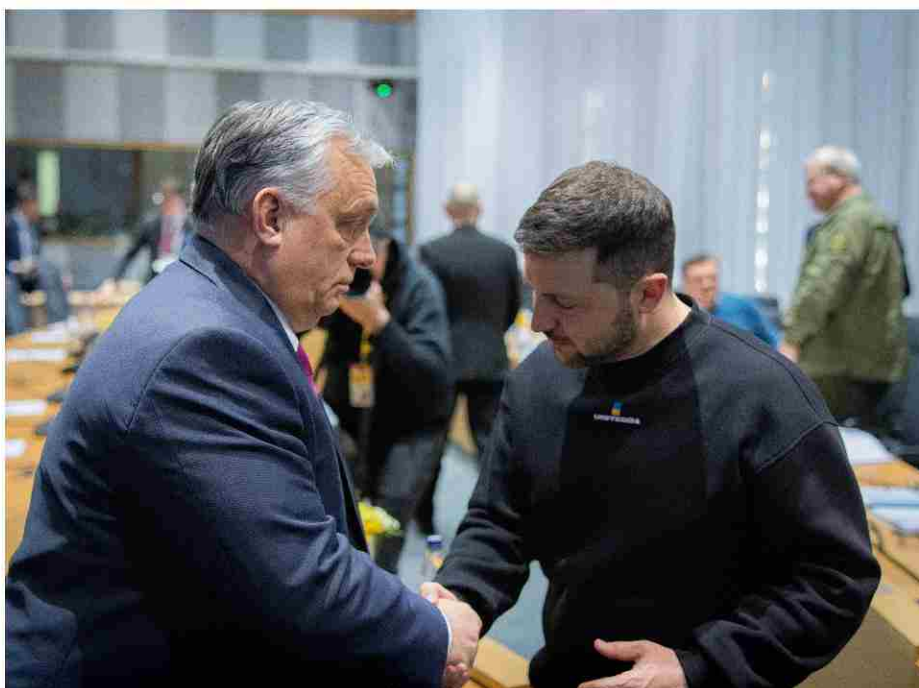
البته تلاش‌های اوکراین برای پیوستن به ناتو مساله جدیدی نیست. سالیان سال است که اوکراین بین سیاست پیوستن و نپیوستن به ناتو در نوسان است. «ویکتور یوشچنکو» رئیس‌جمهور سابق این کشور خواهان ورود به ناتو بود اما پس از حمله روسیه به گرجستان، اوکراینی‌ها به دنبال کردن این سیاست بی‌میل شدند.

جانشین یوشچنکو به نام «ویکتور یانوکویچ» هرگونه تمایل برای عضویت را کنار گذاشت و روابط نزدیکتر با روسیه را ترویج کرد. حتی توافق کرد که مسکو به اجاره یک بندر دریایی دریای سیاه در کریمه ادامه دهد.

در دوران دولت «باراک اوباما»، مقامات آمریکایی اوکراین را تشویق کردند تا به جای تلاش برای پیوستن به ناتو، یک توافقنامه رسمی با اتحادیه اروپا امضا کند. اما پوتین به یانوکویچ فشار آورد تا این توافق را رد کند که منجر به اعتراضات «یورومیدان» در سال ۲۰۱۳ شد و در نهایت یانوکویچ را برکنار کرد.

با به قدرت رسیدن زلنسکی اوکراین عضویت در





آشکارا مخالفت کردند. آذرماه «پیتر سیارتو» وزیر امور خارجه این کشور اعلام کرد که این توافق جمعی همچنان بین کشورهای ناتو ادامه دارد که پیوستن اوکراین به این ائتلاف در حال حاضر غیرممکن است اما در صورت تحقق شرایط و توافق متحدان ممکن است در آینده امکان پذیر باشد.

از نگاه ناظران، در ارتباط با چرایی مخالفت مجارستان با عضویت اوکراین در ناتو و اتحادیه اروپا ۲ دلیل را می توان مطرح کرد؛

نخست اینکه بوداپست در یک مبارزه طولانی با اتحادیه اروپا بر سر نقض حاکمیت قانون و استانداردهای حقوق بشر در این کشور به سر می برد. این امر منجر به عدم پرداخت میلیاردها یورو از بودجه اتحادیه اروپا به این کشور شده است. به همین دلیل مجارستان برای کاهش فشارهای اتحادیه اروپا و دریافت بودجه این اتحادیه از رای خود برای پیوستن اوکراین به ناتو و اتحادیه به عنوان اهرم فشار استفاده می کند.

دلیل دوم به اختلاف بین دولت اوکراین و مجارستان بر سر اقلیت مجار ساکن در اوکراین برمی گردد. اوربان نخست وزیر مجارستان نیز چند ماه پیش، اوکراین را به دلیل آنچه که به گفته او نقض حقوق مجارهای غرب اوکراین برای تحصیل به زبان خود است، مورد انتقاد قرار داد و به پارلمان مجارستان گفت که دولت وی تا زمانی که حقوق زبانی اقلیت ها در اوکراین احیا نشود، در هیچ موضوع بین المللی از این کشور حمایت نخواهد کرد.

را اشتباه خواند و گفت که کی یف چندین سال نوری با عضویت در این اتحادیه فاصله دارد. اوربان اظهار کرد: وظیفه ما این است که وعده اشتباه بروکسل برای آغاز گفت و گو با اوکراین برای عضویت در اتحادیه اروپا را اصلاح کنیم.

اوربان همچنین تهدید کرد که از طرح اتحادیه اروپا برای ارایه بسته کمکی چهار ساله ۵۰ میلیارد یورویی (حدود ۵۳ میلیون دلاری) به اوکراین جلوگیری خواهد کرد. او طی یک سخنرانی در مورد اوکراین گفت که که استراتژی اتحادیه اروپا برای جنگ شکست خورده است و او دلیلی نمی بیند که مجارستان پول مالیات دهندگان خود را برای حمایت از کشور جنگ زده اوکراین ارسال کند.

مقامهای مجارستانی نه تنها با الحاق اوکراین به اتحادیه اروپا بلکه با پیوستن کی یف به ناتو هم

حمله به یکی، حمله به همه است. ملتی که مورد حمله قرار می گیرد می تواند به ماده مذکور استناد کند و در تئوری بقیه اتحاد را وادار کند که به کمک آنها بیایند.

با توجه به اینکه اوکراین در حال حاضر در جنگ است، پذیرش عضویت این کشور، ناتو را به اجبار در برابر روسیه قرار می دهد و هیچ کس در ائتلاف نمی خواهد این اتفاق بیفتد. برخی به این دلیل که می ترسند تشدید تنش باعث شروع یک جنگ جهانی شود و برخی دیگر به این دلیل که هنوز روابط هرچند محدودی با روسیه دارند.

تا زمانی که جنگ روسیه و اوکراین ادامه دارد، الحاق اوکراین به ناتو می تواند به معنای ورود مستقیم ناتو به جنگ با روسیه باشد. حتی پس از خاتمه این جنگ نیز پیوستن کی یف به ناتو بی خطر نیست به ویژه از این نظر که احتمالاً مناقشه های سرزمینی اوکراین و روسیه تا سالها باقی خواهد ماند و ممکن است هرازگاهی به زد و خوردهای مرزی میان آنها بیانجامد.

این وقایع به آسانی می تواند دلیلی برای ورود ناتو به مناقشات کی یف و مسکو شود و یا در صورت عدم مداخله، اعتبار ناتو را به منزله یک اتحاد نظامی زیر سوال ببرد.

### اوکراین پشت درهای بسته اتحادیه اروپا با سد مجارستان

در سال ۱۴۰۲ نه تنها رویای اوکراین برای الحاق به ناتو تحقق نیافت بلکه این کشور حتی مجوز عضویت در اتحادیه ۲۷ عضوی اروپا را نیز به دست نیاورد؛ موضوعی که بی ارتباط با مخالفت های جدی مجارستان نبود.

آبان ماه «ویکتور اوربان» نخست وزیر مجارستان مذاکره با اوکراین برای پیوستن به اتحادیه اروپا





# جنگ اوکراین در سال ۱۴۰۲ و مخاطره‌های کاربرد سلاح‌های ممنوعه

آمریکا بمب‌های حاوی اورانیوم ضعیف شده را طی سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ میلادی در شهرهای العماره، بغداد، بصره، فلوجه و حتی کربلای مقدسه پرتاب کردند.

به گفته دولت عراق، در سال ۲۰۰۵، میانگین ابتلاء به سرطان در این کشور به دلیل استفاده از گلوله‌های [حاوی] اورانیوم ضعیف شده از ۴۰ به یک هزار و ۶۰۰ مورد در هر ۱۰۰ هزار نفر افزایش یافته‌است. بغداد به همین دلیل از آمریکا در سال ۲۰۲۲ شکایت کرد و غرامت خواست.

در همین ماه (فروردین)، روزنامه «گاردین» در گزارشی به مطالعه‌ای بر اساس اطلاعات و داده‌های ارائه شده توسط پزشکان در عراق در مورد افزایش قابل توجه نرخ سرطان و نقایص مادرزادی پس از شروع بمباران آمریکا پرداخت و نوشت که حمله آمریکا به عراق در ۲۰ سال پیش، میراثی بدتر از بمباران هیروشیما با بمب هسته‌ای توسط آمریکا، برجای گذاشته‌است.

با توجه به مخاطرات جدی استفاده از بمب‌های حاوی اورانیوم ضعیف شده، بسیاری از مردم و مقام‌های جهان مخالف ارسال این گونه تسلیحات نامتعارف به اوکراین بودند که این نگرانی در اظهارات سخنگوی سازمان ملل متحد نیز به چشم می‌خورد.

«فرحان حق» معاون سخنگوی سازمان ملل متحد چند روز پیش پس از تایید گزارش‌ها مبنی بر ارسال گلوله‌های تانک حاوی اورانیوم ضعیف شده گفت که سازمان ملل همواره نگران استفاده از این نوع مهمات در هر نقطه از جهان است و تاکید کرد: «نگرانی‌های ما در مورد استفاده از اورانیوم ضعیف شده در هر نقطه از جهان ثابت بوده و همچنان پابرجاست.»

**از بمب‌های خوشه‌ای تا هراس از بمب اتمی تاکتیکی؛ ورود جنگ به مرحله پرخطر**

با ورود جنگ اوکراین به دومین سال خود و فرسایشی شدن بحران، کاخ سفید ارسال سلاح‌های نامتعارف و کشتار جمعی را در پیش گرفته‌است که ارسال بمب‌های خوشه‌ای در میانه تیرماه ۱۴۰۲ از آن جمله بود. این نوع سلاح‌های نامتعارف به اوکراین ارسال و بلافاصله از سوی مقامات نظامی کی‌یف مورد استفاده قرار گرفت.

بمب‌های خوشه‌ای حامل مهمات منفجره کوچک‌تری هستند که معمولاً علیه پرسنل



را به اوکراین تحویل خواهیم داد و زمان آن هنوز تعیین نشده‌است. ما مقداری مهمات اورانیوم ضعیف شده را که نیاز ۳۱ تانک آبرامز را برآورده می‌کند، به اوکراین عرضه خواهیم کرد.

همان طور که اشاره شد، این مهمات برای شلیک از تانک یا زره پوش برای نابودی تانک‌های روسی مورد استفاده قرار می‌گیرد و گلوله‌ها که از تانک‌های آبرامز آمریکا شلیک می‌شوند.

از طرفی، اورانیوم ضعیف شده نیز محصول جانبی غنی‌سازی اورانیوم است که در ساخت مهمات استفاده می‌شود زیرا چگالی بسیار زیاد آن به گلوله‌ها این توانایی را می‌دهد تا به راحتی در پوشش زرهی نفوذ کنند و آن را در ابری از گرد و غبار و فلز بسوزانند. در هر حال این مهمات منتقدان زیادی دارد چرا که نتایج آن به خصوص در عراق نشان داد که این مهمات می‌توانند به بروز مشکل‌های جسمی زیادی از قبیل سرطان و نقص‌های مادرزادی منجر شوند.

تجارب جنگی نشان داده‌است که همانند بمب‌های خوشه‌ای، مهمات حاوی اورانیوم با غنای کم نیز بیش از نظامیان از بین مردم عادی قربانی می‌گیرد. آمریکا از این نوع سلاح‌های نامتعارف در برهه‌های مختلف همچون در دو جنگ اول و دوم عراق استفاده کرده‌است.

«ایگور کريلوف» فرمانده واحد دفاع زیستی، شیمیایی و پرتوی ارتش روسیه، فروردین ماه از جنایت آمریکا در جریان حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ پرده برداشت و گفت که جنگنده‌های

خبرگزاری مهر، گروه بین‌الملل: سال گذشته با ورود بحران اوکراین به سال دوم جنگ، سلاح‌های غیرمتمعارف و کشتار جمعی نیز از سوی غرب با محوریت آمریکا راهی میدان شدند.

آمریکا به خاطر هراس از تبعات یک جنگ هسته‌ای و جلوگیری از تکرار فاجعه حمله اتمی که در دو شهر ژاپن با بیش از ۲۰۰ هزار قربانی رخ داد، سال گذشته جنگ‌افزار نامتعارف اما با تخریب کمتر را روانه اوکراین کرد؛ سیاستی که با هدف توازن‌بخشی به جبهه‌ها اتخاذ شد اما برآیند آن، ویرانی افزون‌تر اوکراین و نیز کشتار غیرنظامیان بود بدون اینکه معادله جنگ را تغییر دهد.

**مهمات حاوی اورانیوم با غنای کم انگلیسی و آمریکایی در مسیر اوکراین**

مهرماه ۱۴۰۲ یعنی حدود ۶ ماه پس از ارسال مهمات حاوی اورانیوم ضعیف شده اهدایی انگلیس به اوکراین، دولت بایدن آماده شده که برای اولین بار این نوع مهمات را روانه کی‌یف کند.

وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) با اعلام بسته نظامی ۱۷۵ میلیون دلاری واشنگتن به اوکراین هم‌زمان با سفر «آنتونی بلینکن» وزیر خارجه دولت بایدن به کی‌یف، اعلام کرد که در این بسته نظامی، مهمات حاوی اورانیوم ضعیف شده به اوکراین می‌دهد.

در گزارشی که پنتاگون انتشار داد بخشی از کاربرد این مهمات به چشم می‌خورد و در این گزارش آورد: ما در پاییز امسال ۳۱ تانک آبرامز



۱۴۰۲ در حالی مطرح شد که آمریکا تنها کشور استفاده کننده از بمب اتمی راهبردی است. به خاطر اینکه آمریکا در سال آخر جنگ جهانی دوم در ژاپن از بمبهای اتمی استفاده کرد، همواره این هراس وجود داشت که در بحران اوکراین از بمبهای اتمی تاکتیکی استفاده کند.

لازم به ذکر است که «کلاهکهای تاکتیکی» در برابر «کلاهکهای راهبردی» قرار می‌گیرند. اگرچه کلاهکهای تاکتیکی، قدرت تخریبی و کشندگی بسیار بالایی دارند، گاهی به این سلاحهای تاکتیکی هسته‌ای، «اتمهای کوچک» هم گفته می‌شود. این نوع سلاحها برای حمله‌های کوچک و اهداف ویژه و نزدیک مانند مراکز فرماندهی استفاده می‌شود یا برای از بین بردن ستونی از تانکها یا گروههای جنگی ناو هواپیمای مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بمبهای تاکتیکی از آنجا که برای تخریب هدفهای خاص استفاده می‌شوند، به گونه‌ای طراحی شده‌اند که تشعشعات هسته‌ای زیادی نداشته باشند اما به هر حال همیشه در جریان استفاده از بمبهای هسته‌ای، تشعشعات هسته‌ای هم وجود دارد.

بنابراین سال ۱۴۰۲ در جریان بحران اوکراین خطر استفاده از این نوع سلاح ممنوعه بیش از حد جدی به نظر می‌رسید به طوری که بسیاری نسبت به پیامدهای کاربرد سلاحهای هسته‌ای تاکتیکی که می‌توانست به جنگ اتمی تمام عیار ختم شود، هشدار می‌دادند.

از نگاه ناظران ارسال سلاحهای نامتعارف و کشتار جمعی از بمب خوشه‌ای گرفته تا مهمات با اورانیوم ضعیف شده و موشکهای بالستیک با هدف توازن بخشی به جبهه‌هایی صورت گرفت که در نهایت بی‌نتیجه ماند و روسیه همواره دست برتر را در میدان جنگ داشت.

جدید کمکهای نظامی واشنگتن به کی‌یف، گفت: با این حال، ممکن است برنامه‌های واشنگتن در مورد ارایه این موشکها به اوکراین تغییر کند.

همچنین چند تن از مقامات ارشد آمریکایی در حالی که خواستند نام آن‌ها فاش نشود به رویترز گفتند که کاخ سفید به صدور مجوز انتقال سامانه‌های موشکی تاکتیکی ارتش (ATACMS) یا سامانه‌های موشک پرتاب چندگانه هدایت‌شونده (GMLRS) یا هر دو سامانه به اوکراین نزدیک شده است.

هر دو این سامانه‌ها از قابلیت مجهز شدن به بمبهای خوشه‌ای بهره‌مند هستند که پیش از این واشنگتن در بسته‌های تسلیحاتی در اختیار کی‌یف قرار داده است.

### چند قدمی کاربرد سلاح هسته‌ای تاکتیکی و خطر جنگ جهانی سوم

خردادماه ۱۴۰۲ «سرگئی شویگو»، وزیر دفاع روسیه و «ویکتور خرنین» هم‌تای بلاروسی او چند در مینسک مجموعه‌ای از اسناد را برای تعریف روش نگهداری تسلیحات هسته‌ای غیراستراتژیک روسیه در تاسیسات ذخیره سازی ویژه این کشور در خاک بلاروس امضا کردند.

پیش از آن نیز «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهور روسیه در اواخر اعلام کرد که مسکو و مینسک برای استقرار تسلیحات هسته‌ای تاکتیکی روسیه در بلاروس به توافق رسیده‌اند.

بایدن رئیس‌جمهور آمریکا در واکنش به استقرار سلاحهای هسته‌ای تاکتیکی روسیه در بلاروس هشدار داد که تهدیدهای پوتین مبنی بر استفاده از سلاح اتمی در صورت لزوم، تهدیدی واقعی است و باید آن را جدی گرفت.

خطر کاربرد سلاحهای اتمی تاکتیکی در سال

و وسایل نقلیه سبک استفاده می‌شوند. از آن جایی که برخی از مهمات پس از شلیک منفجر نمی‌شوند و می‌توانند برای چندین دهه در مناطق درگیری سابق به صورت منفجر نشده باقی بمانند، زندگی افراد و غیرنظامیان را در معرض خطر قرار می‌دهند. از این رو، بیش از ۱۲۰ کشور از جمله اعضای ناتو با ممنوع کردن استفاده از سلاحها موافقت کرده‌اند.

بمبهای خوشه‌ای برای اولین بار در جنگ جهانی دوم مورد استفاده قرار گرفتند و حداقل ۱۵ بازیگر از قبیل اریتره، اتیوپی، فرانسه، رژیم صهیونیستی، مراکش، هلند، بریتانیا، روسیه، آمریکا و غیره در سالهای پس از آن از این بمبها استفاده کرده‌اند.

در این میان اما آمریکا رتبه نخست را در بین کشورهای دارد که از این سلاح مرگبار و نامتعارف استفاده کرده‌اند. بنابراین مردم کشورهای چون افغانستان، آلبانی، بوسنی و هرزگوین، کامبوج، گرانادا، ایران، عراق، کویت، لاتوس، لبنان، لیبی، عربستان سعودی، سودان، ویتنام، یوگسلاوی سابق (کوزوو، مونته‌نگرو و صربستان) و یمن در برهه‌های گوناگون تا کنون در زمره قربانیان مستقیم یا غیرمستقیم جنگ‌طلبی آمریکا بوده‌اند.

به عنوان نمونه تخمین زده می‌شود که آمریکا بین سالهای ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۳ حدود ۲۶۰ میلیون بمب خوشه‌ای را در لاتوس پرتاب کرد. به نوشته «رویترز» تاکنون در این کشور جنوب شرقی آسیا حدود ۴۰۰ هزار از این بمبها پاکسازی و دست کم ۱۱ هزار نفر کشته شده‌اند.

افزون بر بمبهای خوشه، موشکهای بالستیک تاکتیکی نیز در سال ۱۴۰۲ سر و صدای زیادی به پا کرد. مهرماه ۱۴۰۲ یک مقام آمریکایی در گفت و گو با شبکه «ای بی سی» آمریکا با تایید وجود موشکهای بالستیک تاکتیکی در بسته





# میانجی‌گران جنگ اوکراین در سال ۱۴۰۲؛ کلاف سردرگمی که باز نشد



در این مسیر عزمی راسخ دارد؛ طرحی که با استقبال هر دو طرف درگیر رو به رو شد.

به دنبال رونمایی چین از سند ابتکاری خود در یکسالگی شروع این جنگ، «ولودیمیر زلنسکی» رئیس‌جمهور اوکراین گفت که قصد دارد با همتای چینی خود دیدار کند. همزمان «دیمیتر کولیا» وزیر امور خارجه اوکراین در گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی «الشرق» با تأکید بر اینکه کشورش طرح صلح پکن را رد نکرده و درحال بررسی آن است، ابراز امیدواری کرد که رئیس‌جمهور چین با زلنسکی دیدار کند.

پاسخ روسیه نیز به این طرح ابتکاری چین مثبت بود و «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهوری روسیه به همتای چینی خود گفت که مسکو طرح پکن برای خاتمه دادن به بحران اوکراین را مورد بررسی قرار خواهد داد.

دال مرکزی طرح پکن، دو اصل «کاهش تنش» و «اهمیت میز مذاکره» بود. در این طرح آمده بود همه طرف‌ها باید عقلانیت و خویشتن‌داری از خود نشان دهند و از دامن زدن به تنش‌ها و اتخاذ اقدامات برای تشدید درگیری‌ها و خارج شدن اوضاع از کنترل جلوگیری و به تماس بین روسیه و اوکراین و از سرگیری گفت‌وگوهای مستقیم و کاهش تنش تدریجی کمک کنند.

چین در این سند پیشنهادی خود نوشته بود که مذاکرات صلح باید آغاز شود. گفت‌وگو و مذاکره تنها راه حل بحران اوکراین است و همه تلاش‌ها برای حل مسالمت‌آمیز بحران باید مورد تشویق و حمایت قرار بگیرند.

در مجموع این طرح ۱۲ ماده‌ای را می‌توان به این صورت خلاصه کرد: لحاظ شدن منافع و نگرانی‌های امنیتی مشروع همه کشورها، کنار گذاشته شدن

خبرگزاری مهر، گروه بین‌الملل: در دو سال اخیر هیچ بحرانی به اندازه جنگ اوکراین بر امنیت و اقتصاد بین‌الملل تأثیر نگذاشته است تا جایی که همه کشورهای دنیا به صورت مستقیم و غیرمستقیم از پیامدهای نامطلوب تداوم جنگ متأثر شده‌اند. تأثیر این جنگ بر اقتصاد جهان از صادرات غلات گرفته تا انرژی و بحران مهاجرت، سران کشورها را در قاره‌های مختلف جهان به فکر میانجیگری انداخت.

در این میان پاپ و «آنتونیو گوترش» دبیر کل سازمان ملل متحد تکاپوی میانجی‌گرانه داشتند که راه به جایی نبرد و همزمان برخی مقام‌های عالی‌رتبه از کشورهای گوناگون جهان نیز به انحای مختلف مسیر میانجی‌گری را پیمودند.

## رونمایی چین از طرح ابتکاری ۱۲ ماده‌ای

چین از جمله کشورهای پیشرو در سال ۱۴۰۲ با هدف میانجی‌گری و حل‌وفصل بحران اوکراین بود؛ کشوری که هم انکیزه و هم توان کلفی را برای حل اختلافات بزرگ و فرسوده دارد. باز شدن گره روابط ایران و عربستان به دست سران پکن نیز نشان داد که می‌توان روی چین بیش از هر بازیگر دیگری حساب باز کرد.

اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ «شی جین پینگ» رئیس‌جمهوری چین برای اولین بار از زمان آغاز بحران با «ولودیمیر زلنسکی» همتای اوکراینی به صورت تلفنی گفت‌وگو کرد؛ این نخستین گفت‌وگوی آنها در ۲۱ ماه اخیر به شمار می‌رفت.

اگرچه این نخستین گفت‌وگوی تلفنی آنها از آغاز بحران بود اما چین پیشتر با رونمایی از طرح ۱۲ ماده‌ای شامل آتش‌بس و پایان تحریم‌های غرب علیه روسیه نشان داد که



### برزیل پویاترین کشور آمریکای لاتین در مساله اوکراین

اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ بعد از اظهار نظرهای «لوتیز ایناسیو لولا داسیلوا» رییس جمهور برزیل درباره آمادگی این کشور با هدف کمک به حل بحران اوکراین، وزارت خارجه برزیل نیز بر این آمادگی تاکید کرد.

«مائورو وپیرا» وزیر امور خارجه برزیل گفت که این کشور آماده پیوستن به دیگر کشورهایی است که برای حل بحران اوکراین با طرفهای درگیر در تماس هستند.

«لولا داسیلوا» نیز در پیامی توئیتری با اشاره به گفت‌وگوی تلفنی خود با ولادیمیر پوتین رییس جمهوری روسیه خاطر نشان کرد: در این گفت‌وگو، اعلام کردم که برزیل در کنار هند، اندونزی و چین، آماده گفت‌وگو با طرفین برای رسیدن به صلح است.

### ترکیه؛ عضو ناتو و متحد روسیه

ترکیه از یک سو عضو ائتلاف ۳۰ عضوی ناتو است و از سوی دیگر روابط حسنه‌ای با روسیه دارد. این کشور با توجه به پتانسیل بالای خود تلاش کرد تا یک میانجی برای بحران فرسوده اوکراین باشد.

«ترکیه به دنبال میانجی‌گری در جریان جنگ اوکراین است»؛ این خبر را «دیمیتر لوبینتس»، کمیسر حقوق بشر اوکراین اواخر دی ماه ۱۴۰۲ اعلام کرد. این مقام اوکراینی گفت که ترکیه خاک خود را به عنوان پایگاهی برای کریدور بشردوستانه بین روسیه و اوکراین پیشنهاد کرده‌است، اگرچه تردیدهایی هنوز از سوی طرفهای درگیر وجود دارد.

مقام اوکراینی طرح مورد نظر ترکیه را به این شرح اعلام کرده‌است: «آنها می‌خواهند میانجی شوند، آنها می‌خواهند از کاتال‌های ارتباطی که با فدراسیون روسیه دارند، استفاده کنند و در این صورت اگر این میانجی‌گری صورت گیرد، غیرنظامیان یا سربازان زخمی ما می‌توانند بازگردند.»

این مقام اوکراینی همچنین تاکید کرد که این طرح فقط یک پیشنهاد در حال حاضر روی میز است و هنوز کار بیشتری صورت نگرفته‌است.

ذهنیت جنگ سردی، رد تأمین امنیت منطقه‌ای از طریق تقویت بلوک‌های نظامی، شدت‌یابی کمک‌های انسانی و بشردوستانه، اهمیت تبادل زندانی میان روسیه و اوکراین، ضرورت احترام به قوانین و حقوق بین‌المللی از سوی همه طرفها، اجتناب از حمله به تأسیسات غیرنظامی، احترام به حقوق زنان، کودکان و زندانیان جنگی، تضمین صادرات غلات به بازارهای جهانی، جلوگیری از گسترش سلاح‌های اتمی، حفظ امنیت نیروگاه‌های اتمی و منع گسترش سلاح‌های بیولوژیک و شیمیایی.

همان‌طور که انتظار می‌رفت میانجیگری موثر چین مورد تایید آمریکا به عنوان بزرگترین رقیب پکن مقبول واقع نشد و سران واشنگتن با ادعای نزدیکی چین و روسیه از آن استقبال نکردند.

### میانجی‌گری هند؛ واقعی یا در رقابت با چین؟

اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ و تنها چند روز پس از میانجی‌گری چین، سران دهلی نو هم وارد گود شدند. «سوبرامتیام جایشانکار» در یک سخنرانی با اشاره به تلاش‌های چین برای میانجی‌گری در از سرگیری روابط تهران-ریاض، گفت که هند نیز تلاش کرده است به حل‌وفصل درگیری روسیه و اوکراین کمک کند؛ نه به این خاطر که چین کاری انجام داده، بلکه به این دلیل که وضعیت اوکراین سزاوار چنین اقدامی است.

وزیر امور خارجه هند درباره تمایل این کشور برای کمک به حل‌وفصل درگیری میان روسیه و اوکراین گفت: من با کسی رقابت نمی‌کنم. اگر کاری در اوکراین انجام دهم، به این خاطر نیست که چین کاری در اوکراین انجام داده‌است. این کار را به این دلیل انجام خواهم داد که وضعیت اوکراین سزاوار آن است.

وی ادامه داد که «واقعیت امر این است ما از آغاز این جنگ، به روش‌های مختلفی سعی کرده‌ایم کمک کنیم. نخست‌وزیر مودی از رهبرانی بوده‌است که مدام با رییس جمهور زلنسکی در ارتباط بوده و من هم با همکارانم در ارتباط بوده‌ام.»







جمشیدی در توثیق خود توضیح داده بود که پس از مجموعه‌ای از رایزنی‌ها، این بسته ابتکار صلح در کنار یک «پیام مهم» از سوی امیر عبداللهمیان وزیر امور خارجه به مسکو ارسال شده است.

در پی انتشار این توییت، مشخص شد که «امانوئل ماکرون» رییس جمهوری فرانسه از ایران درخواست کرده‌است برای حل بحران اوکراین پا پیش بگذارد.

اوایل مهرماه نیز آیت‌الله «سیدابراهیم ریسی» رییس جمهور ایران در گفت‌وگو با شبکه «راشاتودی» اعلام کرد که ایران معتقد به پایان هرچه سریع‌تر جنگ اوکراین است و آمادگی دارد تا بین روسیه و اوکراین میانجی‌گری کند.

همچنین رییس جمهور ایران در نیویورک در دیدار با جمعی از اندیشمندان آمریکایی از آمادگی ایران برای میانجی‌گری در بحران اوکراین خبر داد و گفت: ما با جنگ مخالفیم و برای میانجی‌گری به منظور پایان دادن به آن نیز اعلام آمادگی کرده‌ایم، اما مالیات مردم آمریکا خرج جنگ‌افروزی و پر کردن جیب کارخانجات اسلحه‌سازی از محل فروش اسلحه در این زمینه می‌شود.

در سال ۱۴۰۲ بازیگران دیگر نیز برای میانجی‌گری و حل بحران اوکراین وارد گود شدند که عربستان، امارات، عراق، اندونزی، الجزایر، آفریقای جنوبی، سنگال از آن جمله بودند.

با وجود تمامی این تلاش‌ها اما بحران اوکراین از مرز دو سالگی گذشت و این پرسش به ذهن می‌رسد که «با چه مکانیسمی می‌توان بر بحران اوکراین و این جنگ فرسایشی پایان داد و اساساً چه قدرتی ظرفیت و پتانسیل برقراری فضای مذاکره و گفت‌وگو میان رهبران روسیه و اوکراین را دارد؟»

گرایش ترکیه به ایفای نقش میانجی در بحران اوکراین در حالی صورت گرفت که همزمان «ینس استولتنبرگ» دبیرکل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در سخنانی اعلام کرد: به زودی تسلیحات سنگین بیشتری در اختیار اوکراین قرار خواهیم داد.

دبیرکل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی در این ارتباط اضافه کرد: جنگ در اوکراین در مقطع حساسی قرار دارد و سلاح‌هایی که پیروزی را به ارمان می‌آورند باید برای کی‌یف ارسال شوند.

### فرانسه دست به دامن ایران برای میانجی‌گری

فرانسه، آلمان و دیگر کشورهای اروپایی که خود در جبهه اوکراین قرار دارند، تلاش زیادی را برای ایفای نقش میانجی به کار بستند که مستقیماً و با صراحت از سوی کرملین رد شد.

«دمیتری پسکوف» سخنگوی کاخ کرملین در گفت‌وگو با خبرنگاران درباره تلاش‌های پاریس به منظور حل مسأله اوکراین، گفت که از نظر روسیه، فرانسه حق میانجی‌گری درباره مسأله اوکراین را ندارد.

پسکوف تصریح کرد: فرانسه نمی‌تواند ادعای میانجی‌گری درباره مسأله اوکراین را داشته باشد چرا که حامی یکی از طرف‌های درگیر است. از سوی دیگر پاریس به صورت مستقیم و غیرمستقیم در مسأله اوکراین نقش دارد.

صبح روز چهارشنبه (۹ شهریور) «محمد جمشیدی» معاون سیاسی دفتر رییس جمهوری در حساب کاربری خود در توئیتر سابق (ایکس) با اعلام این موضوع، از ارسال «یک ابتکار صلح در کنار یک پیام مهم» از تهران به مسکو خبر داد.



## پرونده اروپا و آمریکا

حکیده:

آمریکا در سال ۱۴۰۲ در حوزه سیاست خارجی، ناکارآمدی خود را نشان داد. چک سفید امضای «جو بایدن» رئیس جمهوری این کشور به «بنیامین نتانیاهو» نخست وزیر رژیم صهیونیستی برای نسل کشی در نوار غزه و وتوی مداوم قطعنامه‌های آتش بس از سوی نماینده آمریکا در سازمان ملل آتش به خرمن خاورمیانه زد.

این کشور همچنین در صدد خروج از عراق برآمد و سال گذشته در این مسیر ۶ ماه مذاکره بین واشنگتن و بغداد صورت گرفت؛ تصمیمی که برآیند استقلال طلبی و بیگانه ستیزی مردم عراق و نیز فضای رعب و ناامنی بود که طی ماه‌های گذشته به خاطر جنگ غزه بر نظامیان و پایگاه‌های آمریکایی سایه انداخت.

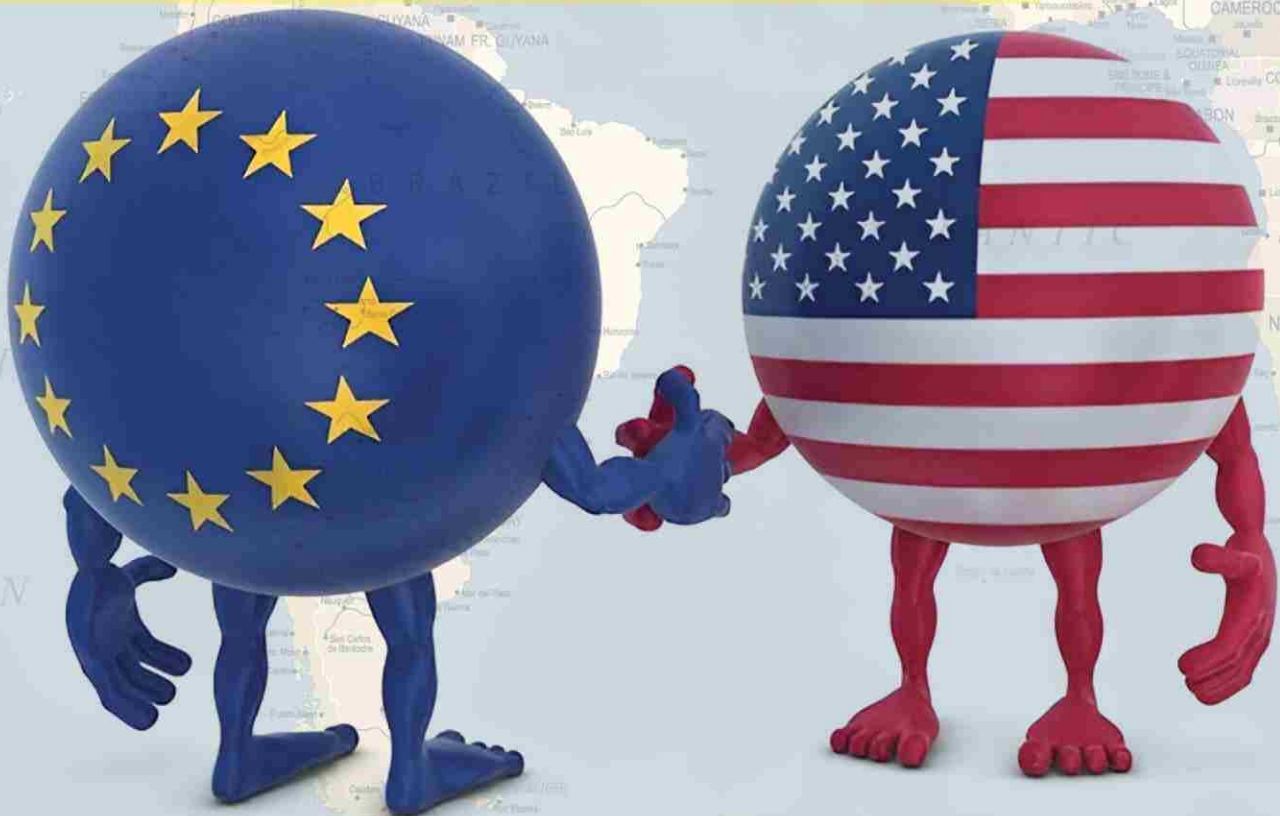
آمریکا همزمان با تلاش برای خروج از عراق، رویکرد کاهش تنش با چین را به خاطر درگیری همزمان با دو بحران بزرگ یکی در اوکراین و دیگری در غزه در پیش گرفت که البته باعث بی‌اعتنایی به اوکراین و شکست‌های پی در پی کی‌یف شد.

سال ۱۴۰۲ در حالی پایان یافت که کشور آمریکا در این سال به شدت درگیر رقابت حزبی برای انتخابات ریاست جمهوری پیش رو بود؛ انتخاباتی که قرار است روز سه‌شنبه ۵ نوامبر ۲۰۲۴ (۱۵ آبان ۱۴۰۳) برگزار شود. رقابت‌های انتخاباتی میان دو طیف دموکرات و جمهوری خواه در سال گذشته از کاهش چشمگیر محبوبیت بایدن نشان داشت و ترامپ نیز با وجود پیشتازی در حزب خود، بین دوراهی محاکمه و انتخابات سردرگم بود.

قاره اروپا نیز در سال ۱۴۰۲ تحولات متفاوتی را تجربه کرد. اهانت به قرآن مجید و اسلام در کشورهای شمال اروپا از قبیل سوئد، هلند و دانمارک در این سال افزایش قابل توجهی یافت؛ موضوعی که افزون بر تقابل با رشد اسلام‌گرایی، هدف‌هایی سیاسی داشت و فشار بر ترکیه برای موافقت با عضویت کشورهای اروپایی در ناتو از آن جمله بود.

همچنین در این سال، آغوش قاره اروپا روی افراط گراها باز بود. بنابراین موج محبوبیت و قدرت‌یابی جریان راست افراطی به عنوان حزب‌هایی ضدمهاجر، نژادپرست و ستیزه‌جو که طی سال ۱۴۰۱ در فرانسه، ایتالیا، سوئد و اسپانیا به راه افتاده‌بود در سال ۱۴۰۲ به آلمان و هلند رسید.

از طرفی بحران اوکراین که در سال ۱۴۰۱ لرزه بر پیکر اروپا انداخته‌بود، پس لرزه‌های آن در قالب مشکل‌های اقتصادی- معیشتی و مهاجرت به سال ۱۴۰۲ کشیده‌شد. احتمال آن وجود دارد که این بحران اقتصادی و معیشتی بر اروپای ۱۴۰۳ نیز سایه بیافکند؛ موضوعی که باعث شد مردم کشورهای مختلف این قاره همواره برای برون‌رفت از بحران اقتصادی از قبیل تورم و بیکاری راهی خیابان‌ها شوند و با برگزاری تجمع‌های اعتراضی و اعتصاب‌ها در صدد فشار بر مسؤولان برآیند.





# اروپای ۲۰۲۱ در گیرودار دوگانه «مهاجرت» و «معیشت»



منبع دولتی که نخواستند نامشان فاش شود، نوشت: برلین به ایالت‌ها اعلام کرده که سال ۲۰۲۴ (۱۴۰۳) حداکثر ۱.۷ میلیارد یورو برای پوشش دادن هزینه‌های پناهجویان اختصاص خواهد داد؛ رقمی که در سال جاری میلادی ۳.۷۵ میلیارد یورو بود.

تنها آلمان نیست که از مهاجران و پناهجویان هراس دارد بلکه این بحران به پاشنه آشیل اتحادیه تبدیل شده است. همزمان با اقدام آلمان در کاهش هزینه‌های پناهجویان، «جوزف بورل» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا سناریوی «انحلال اتحادیه» را محتمل دانست و هشدار داد که این اتحادیه با شکاف عمیق بر سر سیاست‌های مهاجرتی دست و پنجه نرم می‌کند و مساله مهاجرت می‌تواند اتحادیه اروپا را به انحلال بکشاند.

بورل این اختلاف را ناشی از اختلافات عمیق فرهنگی و سیاسی بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا دانست و گفت: برخی از اعضای اتحادیه اروپا در خصوص پذیرش مهاجران مقاومت کرده و مانند ژاپن رفتار می‌کنند و می‌گویند ما نمی‌خواهیم افراد خارجی و مهاجر را بپذیریم و با آنها مخلوط شویم و می‌خواهیم خلوص نژادی خود را حفظ کنیم.

و پناهجو را از اقصی نقاط جهان به ویژه کشورهای خاورمیانه که با مداخله و جنگ‌افروزی غرب به بحران کشیده شده‌اند در خود جای داده است.

بر اساس آماری که بعد از آغاز بحران اوکراین «اژانس پناهندگان سازمان ملل متحد» منتشر کرد، کشورهای اروپایی هر کدام سهمی از میزبانی آوارگان اوکراینی داشته‌اند. در این میان لهستان با بیش از ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در جایگاه نخست، آلمان با بیش از یک میلیون نفر در جایگاه دوم و جمهوری چک با ۴۶۳ هزار نفر در جایگاه سوم قرار داشت. مولداوی، بلغارستان، ایتالیا، فرانسه، انگلیس و ایتالیا نیز هر کدام مقصد صدها هزار پناهجوی اوکراینی بودند.

فشار مهاجران بر اعضای این قاره تا جایی پیش رفت که قطعه‌های دومینوی پناهجوستیزی در این قاره طی سال ۱۴۰۲ یکی پس از دیگری افتاد. یکی از موارد آن به تغییر سیاست مهاجرتی آلمان برمی‌گشت؛ کشوری که لیبر اتحادیه اروپا و نیز موتور اقتصادی منطقه یورو قلمداد می‌شود.

خبرگزاری «رویترز» مه‌ماه به نقل از دو

خبرگزاری مهر، گروه بین‌الملل: اتحادیه اروپایی که تا سال‌ها پیش به عنوان یک الگوی همگرایی منطقه‌ای از آن نام برده می‌شد، در سال‌های اخیر به ویژه در جریان بحران دو ساله اوکراین رو به افول نهاده و با چالش‌هایی جدی رو به رو است.

بنابراین تحولات قاره اروپا را در این بازه زمانی (۱۴۰۱ و ۱۴۰۲) نمی‌توان بی‌اعتنا به بحران اوکراین مورد موشکافی قرار داد. البته پیامدهای این رخداد بزرگ که تمام جهان را به شکل‌های مختلف تحت تأثیر قرار داد، در سال نخست بیشتر عیان بود؛ از سیل میلیونی پناهجویان اوکراینی به کشورهای اروپایی به ویژه به لهستان و آلمان گرفته تا تورم بی‌سابقه، کمبود انرژی و زمستان سرد و سخت.

در سال ۱۴۰۲ اگرچه از تأثیر بحران اوکراین بر کشورهای اروپایی در قیاس با سال قبل تا حدی کاسته شد ولی تبعات آن همچنان چالش‌هایی را پیش روی مردم قاره سبز و سران بروکسل قرار داده است.

سیاست مهاجرتی؛ پاشنه آشیل اتحادیه اروپا طی دهه‌های پیش میلیون‌ها مهاجر





هستند. بنابراین مهاجرت به بسیاری از کشورهای اروپایی کمک کرد تا بر مشکل کاهش جمعیت خود فایق آیند؛ زیرا در این کشورها به دلیل نرخ پایین باروری و ساختار سنی جمعیت سالمند، میزان مرگ و میر از میزان موالید بیشتر است.

بر اساس داده‌های پایگاه آماری «استاتیستا» در سال ۲۰۲۱، اروپا از نظر نسبت جمعیت سالمند با ۱۹ درصد، پس از آن آمریکای شمالی با ۱۷ درصد، اقیانوسیه با ۱۳ درصد و آسیا و آمریکای جنوبی هر کدام با ۹ درصد، پیشتر بود.

### سایه بحران معیشت بر سر شهروندان اروپایی

در سال ۱۴۰۱ و همزمان با آغاز بحران اوکراین، اروپا درگیر تورم بی‌سابقه، کمبود انرژی و زمستان سرد و سخت بود و دامنه این مشکل‌ها به سال ۱۴۰۲ نیز تسری یافت که چند ماه پیش در آستانه کریسمس، وضعیت معیشتی دشوار، خود را نشان داد.

در آستانه فرا رسیدن کریسمس و فصل خرید در اروپا بیشتر کشورهای این منطقه پیش‌بینی مبهمی از وضعیت اقتصادی‌شان داشتند و انتظارات اقتصادی‌شان را کاهش دادند. روزنامه انگلیسی «گاردین» در این باره در گزارشی نوشت که «کریسمس قرار است فصل شادی باشد اما امسال افزایش هزینه‌های پذیرایی جشن در سراسر اروپا درخشش این جشن‌ها را از بین برده‌است.»

در ادامه گزارش گاردین آمده‌بود که «هزینه غذا و نوشیدنی و هدایایی مانند کتاب، فرقی نمی‌کند قیمت‌های بالاتر زندگی را برای خانواده‌های اروپایی سخت‌تر می‌کند.» چرا که قیمت مرغ در انگلیس طی سال

که بابت عدم پذیرش پناهجو تعیین شده، موجب می‌شود که هزینه‌هایش بالا برود.

اختلاف بر سر پذیرش مهاجران و پناهجویان در حالی همواره ادامه دارد که همواره شاهد استاندارد دوگانه اروپایی‌ها در مواجهه هستیم. ایجاد موانع در مسیر ورود پناهجویان، رویگردانی برخی بازیگران از سیاست مهاجرتی اتحادیه، برخورد خشونت‌بار با جنگ‌زدگان و بازتاب خبر کاهش بودجه مرتبط با هزینه‌های پناهجویان در سال ۱۴۰۲، دم خروس حقوق بشر و سیاست پناهجوپذیری قاره سبز را به تصویر کشید.

استاندارد دوگانه و رفتار تبعیض‌آمیز با مهاجران و پناهجویان در حالی انجام می‌گیرد که آنها نیروی کار ارزان قیمت و نجات دهنده اروپا از خطر پیری جمعیت

لازم به ذکر است که مسؤولیت اسکان مهاجران به طور مساوی در سراسر اتحادیه اروپا تقسیم نشده‌است. از سال ۲۰۱۵ که تعداد پناهجویان و مهاجران عازم اروپا به اوج خود رسید، تا کنون آلمان بخش عمده پناهجویان را به کشور راه داده‌است در حالی که لهستان (به استثنای پذیرش پناهجویان اوکراینی) و مجارستان حتی حاضر نشده‌اند سهمیه‌ای را که اتحادیه اروپا برای آنها تعیین کرده بپذیرند؛ مسائلی از این دست موجب شده‌است که اختلافات شدیدی میان اعضای اتحادیه اروپا بروز پیدا کند.

نشست‌ها و سیاست‌های مهاجرتی اتحادیه نیز تا کنون راهگشا نبوده‌است. تیرماه ۱۴۰۲، اتحادیه اروپا برای اولین بار پس از سال‌ها موافقت کرد که سیاست مهاجرت خود را اصلاح کند. تلاش‌های قبلی برای تنظیم مهاجرت بر اساس مقررات دولین، که تصریح می‌کند پناهجو باید در اولین کشور عضوی که وارد آن می‌شود، درخواست اسکان دهد، کارساز نبود.

بازنگری در قانون دولین که سهمیه‌های پذیرش اجباری را بر کشورهای عضو تحمیل می‌کرد، تنها شکاف درون بلوک را عمیق‌تر کرد. بر اساس قانون پیشنهادی جدید، کشورها می‌توانند مهاجرانی را که تحت سیستم سهمیه‌بندی مسؤولیت آنها را برعهده گرفته‌اند، نپذیرند اما باید برای هر پناهنده‌ای که از پذیرش آن امتناع می‌کنند، ۲۲ هزار یورو بپردازند.

این اقدام برای دولت‌هایی که در پذیرش مهاجران مردد هستند، انعطاف‌پذیری ایجاد می‌کند. البته برخی از کشورهای اروپای شرقی هنوز ناراضی هستند. به‌عنوان مثال، لهستان مخالفت و استدلال کرد که رقمی







۱۴۰۲)، اعلام کرد که ۲ هزار و ۷۰۰ شغل خود را کاهش می‌دهد.

گروه خودروسازی آلمانی «زداف فریدریشسهافن» که به اختصار گروه ZF نیز شناخته می‌شود نیز از تعطیلی یکی از کارخانه‌های خود خبر داد که در آن ۷۰۰ نفر در آن مشغول به کار بودند. همچنین خودروسازی «کانتینتال» از حذف هزاران شغل اداری خود خبر داد.

«شارلوت دو مونپلیه» اقتصاددان بانک «آی‌ان‌جی» (ING) مستقر در آمستردام هلند در همین زمینه گفت: صنعت آلمان به شدت تحت تأثیر قیمت‌های بالای انرژی قرار دارد و در موضوع انتقال به سمت خودروهایی الکتریکی تحت فشار شدید است.

در مجموع بحران اقتصادی که در دو سال گذشته بر قاره سبز سایه انداخته‌بود، به احتمال بر اروپای ۱۴۰۳ نیز سایه خواهد افکند؛ موضوعی که باعث شد مردم کشورهای مختلف این قاره همواره برای برون‌رفت از بحران اقتصادی از قبیل تورم و بیکاری راهی خیابان‌ها شوند و با برگزاری تجمع‌های اعتراضی و اعتصاب‌ها در صدد فشار بر مسوولان برآیند.

۱۴۰۲ نیز به چشم می‌خورد و شبکه خبری «فرانس ۲۴» چند هفته پیش (۲۴ بهمن) با اشاره به بحران‌های متعدد در اتحادیه اروپا به ویژه تشدید چالش‌های اقتصادی، تاکید کرد: افزایش هزینه مواد غذایی، رکود اقتصادی و پایین آمدن استانداردهای زندگی، زنگ خطر افزایش محبوبیت راست افراطی را در انتخابات آتی اتحادیه اروپا به صدا درآورده‌است.

به نوشته فرانس ۲۴، شهروندان اتحادیه اروپا در حال حاضر درگیر بحران‌های بسیاری هستند؛ از وضعیت اقتصادی پس از پایان همه‌گیری ویروس کرونا گرفته تا جنگ در اوکراین. همچنین جستجوی اروپا برای یافتن جایگزین منابع انرژی روسیه سبب شده تا خانواده‌ها تحت فشارهای شدید اقتصادی قرار گیرند.

بنابراین در این شرایط وخیم اقتصادی، شاهد افزایش تعطیلی کارخانه‌ها یا تعدیل نیرو در اروپای ۱۴۰۲ بودیم که این رخداد برای خودروسازی آلمان در روزهای پایانی سال رقم خورد.

بر اساس گزارش فرانس ۲۴، «بوش» به عنوان یکی از معروف‌ترین کارخانه‌های تولیدکننده قطعات خودرو در آلمان بین ماه نوامبر ۲۰۲۳ تا ژانویه ۲۰۲۴ (آبان تا دی

۲۰۲۳ نسبت به سال گذشته پنج درصد افزایش داشت و در مقایسه با سال ۲۰۲۰ میلادی نیز ۳۰ درصد رشد یافت که به شام پرهزینه‌تر برای بسیاری از خانواده‌ها منجر شد.

این افزایش در ایرلند و فرانسه نیز وجود داشت، اگرچه تورم در آنجا کمتر از انگلیس ارزیابی می‌شود. در آلمان هم قیمت نسبت به سال ۲۰۲۲ اندکی کاهش یافت اما ۴۳ درصد گران‌تر از قبل از ایام جشن‌های سال ۲۰۲۰ بود.

اداره آمار اروپا (یورو استات) در گزارشی نوشت که نرخ سالانه تورم در منطقه یورو به‌رغم کاهش جزئی در ماه نوامبر، همچنان برای مواد غذایی، نوشیدنی، محصولات تنباکو بالا بوده‌است. در نتیجه خانواده‌های اروپایی برخی از جشن‌ها و خریدهای سنتی کریسمسی را کاهش داده‌اند.

در مجموع، وضعیت نابسامان اروپا در سال ۲۰۲۳ (۱۴۰۱) به سال ۲۰۲۳ (۱۴۰۲) نیز کشیده شد. پیش‌بینی می‌شود که تولید ناخالص داخلی این اتحادیه در سال ۲۰۲۴ (۱۴۰۳) حدود ۱.۳ درصد و منطقه یورو ۱.۲ درصد افزایش یابد که هر ۲ رقم از پیش‌بینی‌های قبلی کمتر است.

این وضعیت ناگوار حتی در روزهای پایانی



# آغوش باز اروپا برای راست افراطی در سال ۱۴۰۲



و امنیت برمی‌گشت. برخی از این پیروزی‌ها در کشورهایی مانند فرانسه، آلمان، و هلند به وقوع پیوست و نشان داد که نیروهای راست افراطی در برخی از کشورهای اروپایی توانسته‌اند نفوذ خود را در صحنه‌های سیاسی افزایش دهند.

حزب راست‌گرای پوپولیست «برای آزادی» به رهبری «خیرت ویلدرز» در انتخابات پارلمانی هلند به یک پیروزی چشمگیر دست یافت. این حزب با کسب بیش از ۲۳ درصد آرا به ۳۷ کرسی از ۱۵۰ کرسی مجلس دست یافت که ۲ برابر کرسی‌های این حزب در دوره قبلی مجلس بود.

این پیروزی‌ها نشان می‌داد که جریان راست افراطی در جامعه هلند در حال گسترش است و آنها توانسته‌اند پایگاه خود را گسترش دهند. ویلدرز و حزب وی در هلند با شعارها و ایده‌هایی مانند بستن مرز به روی پناهجویان، تعطیل مساجد و ممنوعیت قرآن شناخته می‌شوند. خروج از اتحادیه اروپا از طریق همه‌پرسی نیز جزیی از برنامه این حزب است.

قدرت‌یابی راست افراطی در سال ۱۴۰۲ تداوم جریان محبوبیت این حزب‌ها در سال ۱۴۰۱ بود که در ادامه به قدرت‌یابی پوپولیست‌ها طی این سال اشاره خواهد شد.

سوئد در حالی طی سال ۱۴۰۲ به میزبان هتاکان به قرآن تبدیل شده بود که سال ۱۴۰۱ شاهد پیروزی راست‌گراها در این کشور بودیم. در جریان آن انتخابات، ائتلاف راست‌گرایان متشکل از اعتدال‌گرایان، لیبرال‌ها، دموکرات‌های مسیحی و دموکرات‌های سوئدی موفق شدند که ۱۷۶ کرسی پارلمان را به دست آورند.

خبرگزاری مهر، گروه بین‌الملل: با نگاهی به سراسر پهنه قاره اروپا از شمال تا جنوب و شرق تا غرب در سال ۱۴۰۲ در می‌یابیم که حزب‌های راست افراطی با شعارهای گوناگون همچون ملی‌گرایی نوستالژیک، ملی‌گرایی عوام‌گرایانه، محافظه‌کاری دواتشه با ریشه‌های فاشیستی و گرایش‌های دیگر از بازگشت چشمگیر خود به صحنه سیاسی به وجد آمده‌اند.

قدرت‌یابی حزب‌های پوپولیست و افراطی در سپهر سیاسی کشورهای مختلف قاره اروپا، خطر تشدید بحران‌ها به ویژه بحران‌هایی را که به مهاجران ارتباط می‌یابد، افزایش داده است. آنها با بهره‌گیری از مسایل و مشکل‌های معیشتی و امنیتی، نوک پیکان اتهام را به سمت مهاجران نشانه می‌روند تا بجای سیاست‌گذاری‌های ناصحیح و سیاست‌های اشتباه سردمداران، پناهجویان و مهاجران را ریشه تمامی مشکل‌های غرب معرفی کنند.

همین شعارهای ضد مهاجرتی و پروژه مقصرنمایی مهاجران، بستر را برای قدرت‌یابی آنها در انتخابات سیاسی هموار کرده است که موفقیت‌های آنها در قدرت‌یابی و رقابت‌های سیاسی از اهمیت فزاینده حزب‌های مذکور پرده برمی‌دارد.

## سیطره راست افراطی بر پهنه اروپای ۱۴۰۲

طی یکسال گذشته، در برخی کشورهای اروپایی انتخابات مختلف برگزار شد که در جریان آن، حزب‌ها یا نهادهای راست افراطی به پیروزی دست یافتند؛ پیروزی‌هایی که عمدتاً به عواملی مانند نگرانی‌های مردم در مورد مهاجرت، اقتصاد



### مقابله‌ای

از زمانی که وضعیت اقتصادی اروپا به ویژه پس از بحران اوکراین دچار چالش شده و موج مهاجرت به اروپا افزایش پیدا کرده، به همان اندازه حزب‌های راست افراطی قدرت و محبوبیت یافته‌اند. این حزب‌ها بر خلاف حزب‌های راست میانه رو، چپ و راست، روایت متفاوتی از چگونگی مقابله با رکود اقتصادی و مهاجران دارند و بسیاری از مشکل‌های اقتصادی و اجتماعی کشورهای خود را به افزایش مهاجران نسبت می‌دهند.

این شعارها باعث شده که حتی احزاب راست میانه برای از دست ندادن پایگاه اجتماعی خود در صدد اتخاذ سیاست‌های محدودکننده بیشتری برای ورود و جذب مهاجران برآیند. از این رو، اکثر کشورهای اروپایی با یک چالش جدی در موضوع مهاجرپذیری و مواجهه با ورود مهاجران به کشورشان روبرو شده‌اند.

از طرفی، این جریان است افراطی، سیاست‌های ضداتحادیه رو ترویج و با توجه به گرایش‌های ملی‌گرایانه‌ای که دارند، روند همگرایی در اتحادیه اروپا را تضعیف می‌کنند. یکی از موضوع‌های بسیار مهمی که اروپایی‌ها نتوانسته‌اند بر سر آن به یک سیاست مشترک دست پیدا کنند، تدوین قوانین جدیدی برای پذیرش مهاجران است. این چالش مهاجرین به حدی است که چند ماه پیش «جوژپ بورل» مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا اعلام کرد که ناتوانی دولت‌های اروپایی در اتخاذ سیاست مشترک مهاجرتی می‌تواند موجب تضعیف این اتحادیه و حتی خطری برای همگرایی اروپایی باشد.

افزایش قدرت راست افراطی که باعث افزایش اقدام‌ها و تبلیغ‌های نژادپرستانه شده‌است، سران اتحادیه اروپا را نسبت به پیامدهای جدی امنیتی و انسانی آن نگران ساخته و آنان را به چاره‌جویی واداشته‌است.

اوایل مهرماه همان سال نیز در انتخابات پارلمانی ایتالیا، راست‌گراترین جناح این کشور به رهبری «جورجیا ملونی» به پیروزی رسید. پیروزی حزب «فراتیلی دیتالیا» (برادران ایتالیا) به رهبری ملونی، نگرانی مهاجران و اقلیت‌های دینی و قومی-نژادی را برانگیخت زیرا این حزب پیروزی و رهبری آن مواضع ضد مهاجرتی اتخاذ کردند و خواستار بسته شدن کامل مرزها به روی مهاجران و پناهندگان شدند.

ایتالیا تنها کشور اروپایی برای ظهور راست افراطی در اروپا نیست و می‌توان آن را امتدادی از حرکت رادیکالی دانست که قاره اروپا در طول سال‌های اخیر شاهد آن بوده‌است.

پیشتر حزب راست افراطی «آلترناتیو برای آلمان» در انتخابات پارلمانی این کشور توانست ۱۰ درصد آرا را به دست آورد که یک پیروزی بی‌سابقه برای تندروها در این کشور به شمار می‌رفت.

در اسپانیا هم از زمان مرگ ژانرال «فرانسیسکو فرانکو» برای نخستین بار در سال ۱۳۹۷، یک حزب کوچک به نام «وُکس» از جناح راست افراطی در صحنه سیاسی و انتخابات محلی استان اندلس به پیروزی دست یافت و ۱۲ نماینده از این حزب توانستند کرسی‌های مجلس را تصاحب کنند و به این ترتیب به اقتدار مطلق سوسیالیست‌ها پایان دهند؛ حزبی که به شدت مخالف مهاجران غیرقانونی است.

در فرانسه نیز حزب «جبهه ملی» یا همان «اجتماع ملی» به ریاست «مارین لوپن» سال ۱۴۰۱ توانست در دور دوم انتخابات پارلمانی، ۸۹ کرسی را به دست آورد. این از معدود بارهایی بود که راست افراطی این درصد از کرسی‌ها را به دست آورد. در انتخابات ریاست جمهوری این کشور هم رقابت تنگاتنگ بود و ماکرون به سختی در دور دوم توانست از سد لوپن بگذرد.

چرایی محبوبیت فزاینده راست افراطی و سازوکارهای







جلسه رهبران ارشد این حزب و برخی از چهره‌های تاثیرگذار دست راستی درباره ایده «اخراج وسیع مهاجران» از خاک آلمان با هم صحبت کرده‌اند.

فیزر وزیر کشور، طرح دولت آلمان را حاوی ۱۳ محور برای مبارزه با راست افراطی معرفی کرد که به گفته او بزرگترین تهدید فعلی جامعه آلمان است؛ طرحی که شامل قوانین جدیدی است که دست دولت را برای مسدود کردن حساب‌های بانکی و مدل‌های جذب منابع مالی توسط افراط‌گرایان باز می‌کند. مطابق این قوانین جدید حتی کمک کنندگان مالی به این گروه‌ها هم هدف مجازات قانونی قرار خواهند گرفت.

همچنین قوانین جدید به دولت آلمان برای تضعیف شبکه و گروه‌های راست افراطی اجازه خواهد داد که با سهولت بیشتری مانع برگزاری تجمع‌های آنها شود و حتی ورود و خروج فعالان راست‌گرای افراطی از خاک آلمان را هم در موارد مجاز متوقف کند.

ضمن اینکه در لایحه جدید قوانین ضد راست افراطی دولت آلمان بنا دارد مقررات مالکیت و خرید سلاح را هم سخت‌تر و بستر قانونی را برای اخراج آن دسته از کارمندان دولت که در زمینه چنین فعالیت‌هایی مقصر شناخته شوند، تسهیل کند.

با وجود اینکه جدی‌ترین گام در راستای جلوگیری از رشد حزب‌های راست افراطی در سال ۱۴۰۲ از سوی آلمان به عنوان پرچمدار اتحادیه اروپا برداشته شد اما با وجود بحران‌های رو به تعمیق و چندوجهی اتحادیه، مهار این جریان دور از ذهن به نظر می‌رسد و این تدابیر تنها می‌تواند سرعت رشد آنها را کند کند.

از این رو سران بروکسل طی یکسال گذشته، برای مقابله با راست‌افراطی در اروپا اقدام‌های مختلفی انجام داده‌اند که برخی از این تدابیر عبارتند از افزایش آگاهی‌بخشی و آموزش در مدرسه‌ها، ترویج قوانین ضد تبعیض، تشدید تدابیر امنیتی برای پیشگیری از خشونت، تشویق به مشارکت سیاسی و اجتماعی، ترویج دیالوگ بین فرهنگی و غیره.

خطر قدرت‌گیری و محبوبیت راست افراطی در جامعه اروپا به حدی جدی است که برخی دولت‌ها دست به تصویب قوانین برای به انزوا کشاندن و محدودیت فعالیت‌های آنها زده‌اند که نمونه آن در سال ۱۴۰۲، کشور آلمان است.

### خیز آلمان برای تقابل جدی با راست افراطی

وزارت کشور آلمان گزارش کرده که در حال حاضر ۲۰ هزار جرم و حمله مرتبط با راست افراطی هر سال در آلمان ثبت می‌شود و این آمار همچنان رو به افزایش است. نهادهای اطلاعاتی این کشور هم می‌گویند پلیس ۳۸ هزار نفر را تحت عنوان راست افراطی شناسایی کرده که از میان آنها ۱۴ هزار نفر با عنوان «پرخاشجو بالقوه» طبقه‌بندی شده‌اند.

پس از آن که طی هفته‌های اخیر ده‌ها هزار نفر از مردم آلمان در تجمع و تظاهرات متعدد مخالفت خود با اقدام‌های راست افراطی در این کشور را نشان دادند، «نانسی فیزر» وزیر کشور آلمان اواخر بهمن ۱۴۰۲ از برخی پیشنهاد دولت برای مقابله با رشد افراطی‌گری دست‌راستی پرده برداشت.

هراس مردم آلمان از راست افراطی زمانی بالا گرفت و آنها را برای اعتراض به خیابان‌ها کشاند که آنها از افشای محتوای جلسه «مخفی» سران حزب دست راستی «آف‌دی» (حزب آلترناتیو آلمان) شوکه شدند چرا که گزارش شد در این





## پشت پرده پروژه قرآن‌سوزی‌های مکرر در اروپا طی سال ۱۴۰۲

رشد اسلام‌گرایی در دهه‌های اخیر، منجر به تمایز شده‌است؛ تمایز بین مجموعه‌های اسلام‌گرا و گروه‌های دیگری که اسلام‌گرایی را برای خود تهدید می‌دانند.

کارشناسان و صاحب‌نظران، اهانت مکرر به قرآن کریم در کشورهای سوئد، دانمارک و هلند را پروژه‌ای هدفمند از سوی غرب می‌دانند و تاکید می‌کنند که قرآن سوزی و اسلام‌هراسی بیش از آنکه «کنش» باشد، «واکنشی» به رشد اسلام‌گرایی در اروپا و پیشرفت‌های چشمگیر مهاجران مسلمان است.

اکنون این پرسش‌ها مطرح می‌شود که مسلمانان اروپا چند میلیون نفر برآورد می‌شوند و چند درصد از جمعیت این قاره را تشکیل می‌دهند؟ بیشترین جمعیت مسلمان در کدام کشورها سکونت دارند؟

باوجود اینکه کشورهای غرب معمولاً آمار دقیقی از مسلمانان انتشار نمی‌دهند، در گزارش وبسایت آماری «استاتیستا» که در سال ۲۰۱۶ منتشر شد، تخمین زده می‌شد که حدود ۵.۷۲ میلیون مسلمان در فرانسه زندگی می‌کنند که بیشترین تعداد مسلمانان در فهرست کشورهای ذکر شده است. آلمان و بریتانیا نیز به ترتیب با ۴.۹۵ میلیون و ۴.۱۳ میلیون جمعیت مسلمان زیادی دارند.

در همان سال وبسایت «مرکز تحقیقات پیو» (پیو ریسرچ) در گزارشی نوشت که تعداد مسلمانان کشورهای اروپایی ۴۴ میلیون نفر یا پنج درصد کل جمعیت تخمین زده و پیش‌بینی می‌شود که در سال ۲۰۳۰، مسلمانان بیش از ۱۰ درصد از کل جمعیت

خلیج فارس، کویت، فلسطین، لبنان، مصر و غیره این حرکت شنیع، غیرانسانی و غیراخلاقی را محکوم کردند.

شدیدترین برخورد با کشور حرمت‌شکن در عراق صورت گرفت که مردم خشمگین، نشان ملی سوئد را از سر در سفارت استکهلم در بغداد پایین کشیدند و کارکنان سفارت سوئد با هراس سفارتخانه را ترک کردند.

در ایران نیز واکنش‌های متعددی علیه اهانت سوئد صورت گرفت. کاردار سفارت این کشور در تهران در غیاب سفیر این کشور برای طرح این اعتراض به اداره کل غرب اروپای وزارت امور خارجه ایران احضار شد.

در مجموع، نگاهی به رفتار ضداخلاقی اعضای جناح‌های راست افراطی مبنی بر هتک حرمت قرآن کریم در میان کشورهای چون سوئد، دانمارک و هلند طی سال ۱۴۰۲ از چراغ سبز حاکمان آنها نشان داشت و توهین به اعتقادات قریب به ۲ میلیارد جمعیت جهان در این کشورها با مجوز رسمی و حمایت نهادهای امنیتی صورت گرفت.

**رفتار شنیع قرآن‌سوزی؛ واکنشی به رشد اسلام‌گرایی**

نظام سرمایه‌داری امروزه با چالش‌های جدی روبرو است که مهمترین آن چالش هویتی است. به موازات رشد هویت اسلامی، هویت‌های ضد اسلام نیز در غرب به صورت برنامه‌ریزی شده رشد یافته‌اند. بنابراین

خبرگزاری مهر، گروه بین‌الملل: تکرار رفتار شنیع تندروهای اروپایی با قرآن مجید و اسلام در سال گذشته باعث شد که همواره نگاه‌ها به سمت این قاره به ویژه کشورهای شمالی اروپا از قبیل سوئد، هلند و دانمارک جلب شود؛ کشورهایی که در کمتر از ۶ ماه قریب به ۱۰ مورد از این نوع هتاک‌ها در خاک آنها صورت گرفت.

نام «مومیکا سلوان» از شهروندان تندروی سوئدی که اصلیت عراقی دارد، در سال ۱۴۰۲ همواره به گوش می‌رسید؛ فردی که از نگاه ناظران، وابستگی وی به تل‌اویو و نیز جنون شهرت باعث تکرار اهانت‌ها به قرآن مجید از سوی او شده‌بود.

در کنار این فرد تندرو، نام احزاب ملی‌گرای افراطی هم به چشم می‌خورد. به عنوان مثال «ادوین واگنسفلد» رهبر گروه افراطی اسلام‌ستیز «پگیدا» در هلند یک نسخه از قرآن کریم را پس از پاره کردن و هتک حرمت آن، سوزاند.

در موردی دیگر پنج تن از اعضای گروه افراطی «ملی‌گرایان دانمارکی» هم اهانت به قرآن کریم را با سوزاندن این کتاب آسمانی در مقابل سفارت مصر در این کشور تکرار کردند و موارد مشابه دیگر.

تکرار این رفتارهای ناپسند، غیراخلاقی و غیرانسانی خشم مسلمانان را در جهان برانگیخت. تیرماه سال گذشته بلافاصله پس از هتک حرمت قرآن در سوئد، بسیاری از کشورهای مسلمان جهان به آن واکنش نشان دادند و ایران، عراق، اردن، ترکیه، روسیه، عربستان، مراکش، شورای همکاری

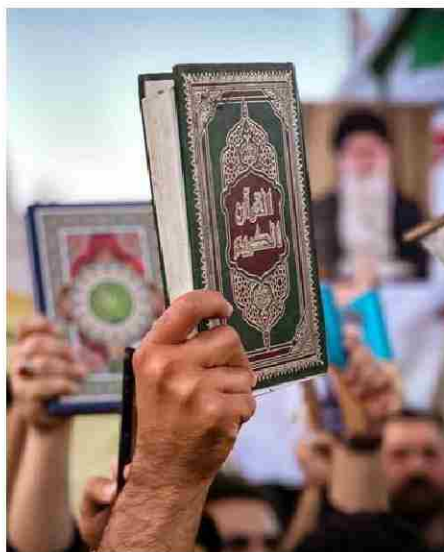


ترکیه این افراد را تروریست اعلام کرده و خواستار تحویل آنها از سوی سوئد شده، در حالی که استکهلم با این درخواست مخالف است. از این رو روشن است موضوع مجوز دادن برای قرآن سوزی آن طور که مقامات سوئدی مدعی هستند ربطی به بیان عقاید و آزادی بیان ندارد، بلکه ابزاری برای بهره‌برداری‌های سیاسی دولت این کشور است.

پس از ماجرای اهانت به قرآن مقابل سفارت ترکیه، «رجب طیب اردوغان» رئیس‌جمهور این کشور اعلام کرد که به دلیل قرآن‌سوزی توسط یک راست‌گرای افراطی، سوئد که پیشتر از سوی این کشور متهم به پناه دادن به «تروریست‌های کرد» شده بود، دیگر نمی‌تواند روی حمایت ترکیه برای پیوستن به ناتو حساب کند.

بنابراین وقتی که پارلمان ترکیه با عضویت فنلاند به ناتو موافقت کرد و این کشور حوزه اسکاندیناوی در ۱۵ فروردین طی یک نشست برنامه‌ریزی شده رسماً به عضویت ناتو درآمد و سی و یکمین عضو این ائتلاف نظامی شد، مقام‌های سوئد نیز تاحدی تغییر رویکرد دادند اما سوئد تا پایان سال ۱۴۰۲ نتوانست موافقت کامل ترکیه را برای الحاق به ناتو به دست آورد.

در مجموع سال گذشته، یک سال استثنایی در زمینه تکرار حرکت شنیع قرآن‌سوزی بود؛ موضوعی که نشان می‌داد استاندارد دوگانه آزادی بیان غربی در قبال ادیان نیز وجود دارد. در حالی که آنها سخن گفتن از هولوکاست را جرمی غیرقابل گذشت و با مجازات سنگین می‌دانستند، برای هر پیشنهاد قرآن‌سوزی مجوز صادر کردند.



دانمارکی در اقدامی موهن، یک نسخه از قرآن را در مقابل ساختمان سفارت ترکیه در پایتخت سوئد سوزاند. او هم مانند قرآن‌سوزی‌های دیگر، برای این کار خود از مقامات سوئد مجوز گرفته بود.

قرآن‌سوزی مقابل سفارت ترکیه از سیاسی‌کاری دولت سوئد پرده برداشت. صدور مجوز قرآن‌سوزی از سوی فردی افراطی آن هم مقابل سفارت ترکیه بی‌ارتباط با حضور ترکیه در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و از سویی مخالفت ترکیه با پیوستن سوئد و فنلاند به ناتو نبود.

مدتهاست که موضوع درخواست ترکیه از سوئد برای برگرداندن ۱۳۰ نفر از اعضای گروه پ.ک.ک به این کشور که در سوئد پایگاه و حضور گسترده‌ای دارند، به مساله‌ای چالش برانگیز میان آنکارا و استکهلم تبدیل شده‌است.

۱۰ کشور اروپایی را تشکیل دهند: کوزوو (۹۳.۵ درصد)، آلبانی (۸۳.۲ درصد)، بوسنی و هرزگوین (۴۲.۷ درصد)، جمهوری مقدونیه (۴۰.۳ درصد). مونته‌نگرو (۲۱.۵ درصد)، بلغارستان (۱۵.۷ درصد)، روسیه (۱۴.۴ درصد)، گرجستان (۱۱.۵ درصد)، فرانسه (۱۰.۳ درصد) و بلژیک (۱۰.۲ درصد).

بنابراین مسلمانان با بیش از ۴۰ میلیون نفر، بزرگترین اقلیت در جامعه اروپایی به شمار می‌روند و بیشتر این افراد نیز در کشورهای اروپای غربی و شمالی ساکن هستند؛ جایی که خاستگاه فکری و اجرایی راست افراطی است و قرآن‌سوزی در کشورهای این حوزه انجام می‌گیرد.

البته طی چند ماه گذشته که بمباران غزه در شدیدترین وضعیت ادامه داشته‌است، بسیاری از غیرمسلمانان اروپایی با انتشار تصاویری از آغاز مطالعه قرآن خبر داده‌اند. جایگاه برجسته قرآن کریم در میان فلسطینی‌ها باعث شده تا غیرمسلمانان با هدف پاسخ به چرایی مقاومت آنان، به مطالعه و تحقیق در قرآن بپردازند.

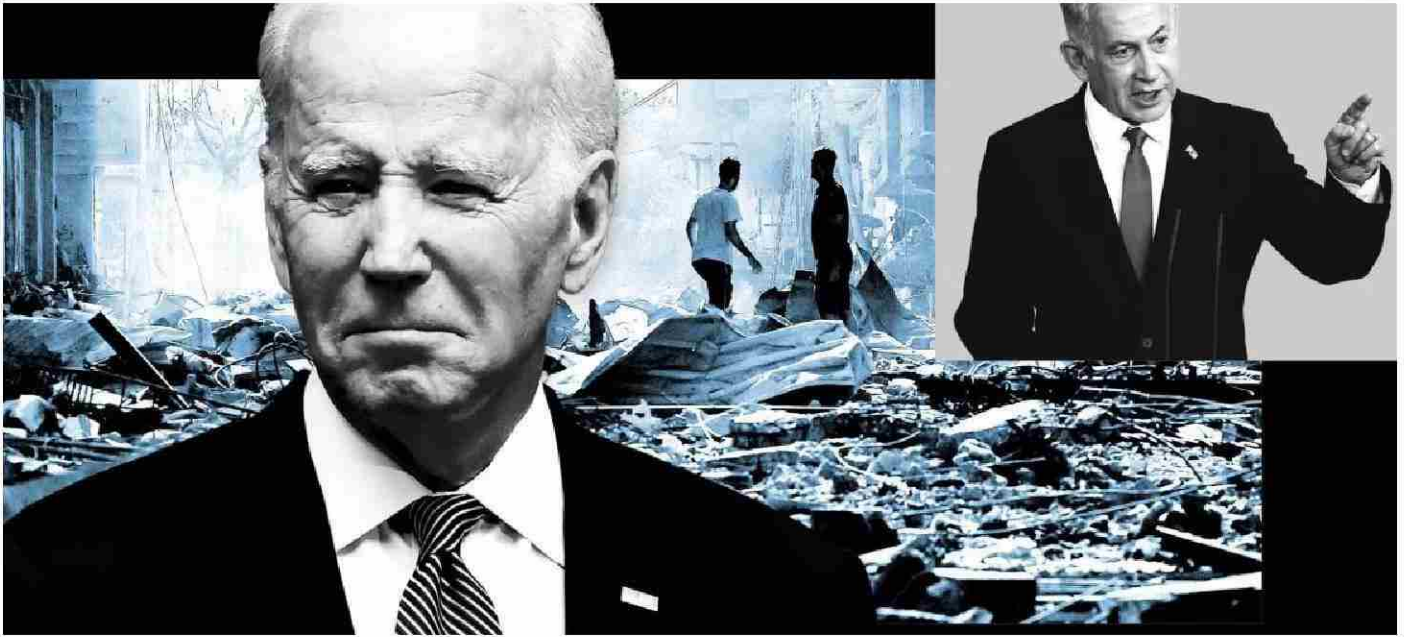
### اهانت به قرآن با هدف‌های سیاسی

پروژه قرآن‌سوزی در سال ۱۴۰۲ ارتباط تنگاتنگی با پروژه گسترش ناتو داشت. به عنوان نمونه سوزاندن کتاب مقدس مسلمانان از سوی فردی افراطی آن هم مقابل سفارت ترکیه پاسخی به مخالفت سران آنکارا با پیوستن سوئد و فنلاند به ناتو قلمداد می‌شد.

چندی پیش «راسموس پالودان» یک شهروند تندرو و اسلام ستیز سوئدی -







## راهبرد شکست خورده بایدن از غزه تا اوکراین در سال ۱۴۰۲

مجله «ریسپانسیبل استیت گرفت» که توسط مؤسسه آمریکایی «کوئینسی» منتشر می‌شود، سیاست خارجی بایدن را در سال گذشته «شکست خورده» توصیف کرد. به نوشته این مجله، دولت بایدن نه تنها اعتبار واشنگتن را با توجه به حقوق بشر و قوانین بین‌الملل سوزاند، بلکه آمریکا را نیز با جنایات جنگی مرتکب شده علیه غیرنظامیان فلسطینی پیوند داد.

این مجله آمریکایی تاکید کرد که بایدن سیاست خارجی خود را با اتکای بیش از حد به ابزارهای نظامی و تلاش اندک در تعامل دیپلماتیک تعریف کرد و این موضوع ممکن است یکی از دلایل عدم حمایت مردم از مدیریت بایدن در سیاست خارجی باشد.

تصمیم آمریکا برای خروج از عراق بعد از ۶ ماه مذاکره

حدود ۲ سال پس از خروج غیرمسئولانه آمریکا از افغانستان، در سال ۱۴۰۲ تصمیم خروج از عراق جدی‌تر از قبل به چشم می‌خورد؛ تصمیمی که برابند استقلال‌طلبی و بیگانه‌ستیزی مردم عراق و نیز فضای رعب و ناامنی بود که طی ماه‌های گذشته به خاطر جنگ غزه بر نظامیان و پایگاه‌های آمریکایی سایه انداخت.

جنگ رژیم صهیونیستی علیه غزه تحت حمایت آمریکا که بیش از چهار ماه از آغاز آن می‌گذرد، باعث شده‌است که مقاومت عراق طی ۶ ماه گذشته بیش از ۱۰۰ نقطه و بالغ بر ۱۵۰ مرتبه علیه مواضع آمریکایی عملیات انجام دهد.

سراسری در بیش از یکصد کشور جهان علیه جنگ و درخواست‌ها برای اینکه آمریکا از حمایت صهیونیست‌ها دست بردارد، نه تنها مؤثر واقع نشد بلکه کنگره و کاخ سفید به تأمین مالی ارتش رژیم صهیونیستی ادامه دادند.

آمریکا تنها به حمایت کلامی و کمک مالی-نظامی بسنده نکرد و از همان روزهای نخست جنگ علیه غزه، نظامیان خود را با رزمناو به این منطقه گسیل داشت؛ اقدامی که باعث شد در این چند ماه بیشترین حملات به کشتی‌های آمریکایی در دریای سرخ از سوی ارتش ملی یمن صورت گیرد که در مقابل، ائتلاف آمریکا و انگلیس نیز بارها «الحدیده» یمن را هدف قرار داد.

حضور نظامی آمریکا در منطقه و حمایت تمام قد دولت بایدن از رژیم صهیونیستی باعث شد که مواضع و پایگاه‌های آمریکا بارها از سوی مقاومت عراق و سوریه نیز هدف قرار گیرد؛ مسائلی که کلاف درهم تنیده بحران غزه را پیچیده‌تر ساخت.

در نهایت حمایت بایدن از رژیم به سرعت به ایجاد شکاف در حزب منجر شد و نظرسنجی‌هایی به ویژه در میان جوانان و مسلمانان حکایت از کاهش شدید محبوبیت او داشت و این کشور در سطح جهان نیز بیش از پیش مورد انزوا و تنفر قرار گرفته‌است.

خبرگزاری مهر، گروه بین‌الملل: آمریکا در حالی خود را برای انتخابات ریاست جمهوری آماده می‌کند که محبوبیت دموکرات‌های حاکم به خاطر راهبرد اشتباه «جو بایدن» به شدت زیر سوال رفته‌است.

دولت آمریکا در سال ۱۴۰۲ افزون بر آتش‌افروزی در غرب آسیا با دامن زدن به جنگ علیه غزه بستر را برای شکست‌های پیاپی در اوکراین هموار ساخت. تلاش برای خروج از عراق بعد از گفت و گوهای شش‌ماهه و نیز پیشبرد رویکرد کاهش تنش با چین از دیگر اتفاقات‌های مهم سیاست خارجی آمریکا در این سال به شمار می‌رفت.

آتش‌افروزی آمریکا در غرب آسیا با جنگ غزه

در سال ۱۴۰۲، چک سفید امضای «جو بایدن» رئیس جمهوری آمریکا به «بنیامین نتانیاو» نخست وزیر رژیم صهیونیستی برای نسل‌کشی در نوار غزه و توی مداوم قطعنامه‌های آتش‌بس از سوی نماینده آمریکا در سازمان ملل آتش به خرمن خاورمیانه زد.

پس از حمله حماس در هفتم اکتبر (۱۵ مهر) به رژیم صهیونیستی در پاسخ به ۷۵ سال اشغالگری این رژیم، دولت بایدن به طور کامل از اسرائیل حمایت و همچنان ادعا کرد که این رژیم حق دارد از خود دفاع کند؛ موضعی که توسط متحدان آن از جمله فرانسه و انگلیس تکرار شد.

این در حالی است که با اعتراض‌های گسترده



۱۴۰۲، کی‌یف از سوی متحدان غربی خود نیز با مهری مواجه شد و تمام این سال را پشت درهای ناتو به انتظار عضویت نشست اما نتیجه نگرفت.

### راهبرد کاهش تنش با چین

آمریکا به خاطر اینکه در سال ۱۴۰۲ همزمان درگیر ۲ بحران یکی در اوکراین و دیگری در غزه بود، تلاش زیادی را برای کاهش تنش با چین به کار بست؛ روابطی که پیشتر پرتنش بود و حتی در مساله تایوان، پکن و واشنگتن تا حد رویارویی نظامی پیش رفته بودند.

بایدن و «شی جین پینگ» رئیس‌جمهوری چین سرانجام در اقدامی غیرمنتظره در جهت عادی‌سازی روابط در در سانفرانسیسکو آمریکا دیداری رو در رو برگزار و توافق کردند که هر دو طرف آن را موفقیت‌آمیز توصیف کردند.

آنها در این دیدار تصمیم گرفتند که با تجارت «فنتانیل» (یک مسکن مخدر شبه مورفین) مقابله کنند و گفت‌وگوهای نظامی و بحث‌های رسمی درباره فناوری هوش مصنوعی را از سر بگیرند. همچنین این دستاوردها با تلاش‌های چین از جمله برای تقویت گروه «بریکس» و حادثه ورود بالن‌های چینی به حریم هوایی آمریکا، مورد بحث قرار گرفت.

ارزیابی مثبت وانگ یی و بایدن از روابط دوجانبه در حالی است که منابع اصلی تنش بین آنها از جمله مساله تایوان و ادعاهای ارضی در دریای جنوبی چین همچنان تنش‌آفرین است. ضمن اینکه پکن و واشنگتن در مورد مسائل مهمی از فناوری و تجارت گرفته تا حقوق بشر با یکدیگر اختلاف‌های آشکاری دارند.

آن در روند جنگ با روسیه متجر شد. این بی‌اعتمادی تنها منحصر به «ولودیمیر زلنسکی» رئیس‌جمهور اوکراین نبود بلکه حامیان غربی وی را نیز شامل می‌شد.

اردیبهشت ماه ۱۴۰۲، نیروهای روسیه اعلام کردند کنترل کامل «باخموت» را در اختیار گرفته و به درگیری چندین ماهه شدید در این شهر واقع در شرق اوکراین پایان داده‌اند؛ شهری صنعتی و راهبردی که تا آن زمان، کانون طولانی‌ترین و خونین‌ترین نبردهای جنگ اوکراین بود.

همچنین تصرف شهر راهبردی «آودیوکا» در شرق اوکراین طی روزهای پایانی بهمن‌ماه بعد از تصرف شهر باخموت، آشکارا از وزن سنگین روسیه در بحران اوکراین حکایت می‌کرد؛ مسیری که انتظار تداوم آن در سال ۱۴۰۳ وجود دارد.

تصرف آودیوکا که پس از چهار ماه نبرد خونین چند ماه طی روزهای اخیر به دست روس‌ها افتاد، بزرگترین تغییر در خط مقدم به طول بیش از هزار کیلومتر به شمار می‌رود. این دستاورد نظامی آشکارا نشان می‌دهد که چگونه پس از شکست ضدحمله اوکراین در سال گذشته، موج جنگ به نفع مسکو تغییر کرده‌است.

از نگاه ناظران، تصرف آودیوکا ضربه‌ای استراتژیک به ارتش اوکراین قلمداد می‌شود زیرا آودیوکا یک سنگر دفاعی اوکراین در منطقه دونتسک بود که از چندین مواضع کلیدی ارتش محافظت می‌کرد و شهر دونتسک را که در نزدیکی کنترل روسیه قرار داشت در معرض تهدید دائمی قرار می‌داد.

افزون بر شکست میدانی اوکراین در سال

در چنین شرایطی، روابط عمومی دفتر نخست‌وزیری عراق، روز شنبه (۷ بهمن) از آغاز گفت‌وگوهای دوجانبه بغداد و واشنگتن برای پایان دادن به مأموریت ائتلاف در عراق خبر داد.

وزارت خارجه عراق هم روز چهارشنبه (۴ بهمن)، با صدور بیانیه‌ای از توافق با دولت آمریکا در پی گفت‌وگوهای شش‌ماهه با این کشور برای کاهش تدریجی نیروهای ائتلاف موسوم به ضد داعش خبر داد و گفت که طبق این توافق مأموریت «مبارزه با داعش» که این ائتلاف برای خود تعریف کرده‌است، به پایان می‌رسد.

دفتر نخست‌وزیری عراق سپس با انتشار تصاویری از اولین نشست دو طرف، اعلام کرد «محمد شیاع السودانی» نخست‌وزیر عراق بر این نشست نظارت داشته‌است.

آمریکا در حالی با وجود چند دور مذاکره راهبردی میان بغداد و واشنگتن برای پایان دادن به حضور نظامی، هنوز با نقض این مصوبه در خاک عراق حضور دارد که این کشور اشغالگر هزینه بالایی را تا به امروز متحمل شده‌است.

به گزارش چندی پیش پنتاگون، جنگ آمریکا در عراق به مرگ ۴ هزار و ۴۳۱ نظامی و غیرنظامی آمریکایی و زخمی شدن ۳۲ هزار نیروی دیگر انجامیده‌است.

نشریه «شننال» هم در گزارشی به هزینه این اشغالگری برای عراق پرداخته و نوشته‌است که آمار تلفات غیرنظامیان در جنگ، دقیق ثبت نشده اما حتی به نقل از این آمار غیردقیق، اشغال عراق به مرگ بیش از ۲۰۹ هزار غیرنظامی عراقی انجامیده‌است. صدها هزار نفر نیز با عواقب ناشی از جنگ، همچون کم‌آبی و بیماری‌های مختلف مواجه و ۹.۲ میلیون عراقی ناگزیر به کوچ اجباری شده‌اند.

### روند رو به کاهش حمایت از اوکراین

راهبرد آمریکا در جنگ اوکراین و روسیه که همواره پشتیبانی از کی‌یف بوده‌است در سال ۱۴۰۲ به ویژه ماه‌های پایانی سال تا حدی تغییر ملموسی داشت؛ تغییری که برآیند آغاز جبهه دیگر در غزه و غرب آسیا بود و سیل سلاح‌ها و کمک‌های مالی از اوکراین به سمت اراضی اشغالی شیفت پیدا کرد.

بنابراین سال ۱۴۰۲ سال خوبی برای اوکراین نبود و روز به روز در مقابل روسیه تضعیف و ناچار به عقب‌نشینی شد. شکست ضدحمله اوکراین علیه روسیه در بهار و تابستان به بی‌اعتمادی مردم این کشور در قبال حاکمیت







## رقابت‌های انتخاباتی آمریکا در سال ۱۴۰۲؛ بایدن و ترامپ کجا ایستادند؟

و دانشگاه «شیکاگو»، ۷۷ درصد از آمریکایی‌ها احساس می‌کنند که اگر بایدن برای دومین بار در مقام ریاست جمهوری پیروز شود، برای اداره کشورش بسیار پیر خواهد بود.

نگرانی‌ها درباره سن رییس جمهور آمریکا صرفاً مربوط به حزب خاصی نیست، به طوری که ۸۹ درصد جمهوری خواهان و ۶۹ درصد دموکرات‌ها نگران هستند که این موضوع (سن بالای بایدن) بر ریاست جمهوری او نیز تأثیر بگذارد.

بایدن ۸۰ ساله خود نیز می‌داند که بزرگترین نقطه ضعف و پاشنه آشیل او همان سن و سالش است که در حال حاضر به مسن‌ترین رییس جمهور تاریخ آمریکا شهرت یافته است. به فرض پیروزی در انتخابات تا سن ۸۵ سالگی در این سمت باقی خواهد ماند. با این درک، شاهد اعلام آمادگی «کامالا هریس» معاون اول او هستیم که همواره تأکید می‌کند در صورت اجازه بایدن، نامزد دموکرات‌ها برای انتخابات پیش رو خواهد شد.

البته کهولت سن بایدن به عنوان مسن‌ترین رییس جمهوری آمریکا به منزله آن نیست که ترامپ در این زمینه عملکرد بهتری دارد؛ البته نظرسنجی‌ها در سال ۱۴۰۲ از پیش‌تازای ترامپ مقابل بایدن حکایت می‌کردند.

ترامپ که بایدن را همواره به دلیل کهولت سن و گاف‌های مکرر مورد سرزنش و تمسخر قرار می‌دهد، از نگاه مردم آمریکا برای ورود مجدد به کاخ سفید سالخورده است. وی اینک ۷۷ ساله است و در صورت پیروزی در انتخابات، تا پایان دوره چهارساله ۸۲ سال خواهد شد که در آن زمان، دو سال مسن‌تر از بایدن کنونی است.

خبرگزاری مهر، گروه بین‌الملل: سال ۱۴۰۲ در حالی پایان یافت که کشور آمریکا در این سال به شدت درگیر رقابت حزبی برای انتخابات ریاست جمهوری پیش رو بود؛ انتخاباتی که قرار است روز سه‌شنبه ۵ نوامبر ۲۰۲۴ (۱۵ آبان ۱۴۰۳) برگزار و مشخص شود که کدام نامزد برای چهار سال آینده به کرسی ریاست جمهوری آمریکا تکیه خواهد زد.

**سایه بحران‌های چندگانه بر سر دولت نامحبوب بایدن**

مهمترین بحرانی که شخص بایدن با آن درگیر است و در سال گذشته نیز روز به روز بر عمق آن افزوده می‌شد، کهولت سن رییس جمهوری آمریکا بود که پاشنه آشیل بایدن در انتخابات سال آینده میلادی خواهد بود.

چرت زدن و خوابیدن در جلسات و اجلاس مهم از قبیل کنفرانس آب‌وهوایی 26COP در گلاسکو اسکاتلند، گم شدن در باغ کاخ سفید، دست‌دادن‌های مکرر با موجودات خیالی، فراموش کردن اسامی نزدیکان و غیره تنها چند نمونه از این موارد به شمار می‌رفت.

موارد زیادی نیز وجود دارد که از ضعف جسمانی او حکایت می‌کند از سقوط از دوچرخه در «دلاور» و چندین بار زمین خوردن هنگام بالا رفتن از پله‌های «ایر فورس وان» (هوایی‌های مخصوص ریاست جمهوری آمریکا) گرفته تا زمین خوردن روی صحنه هنگام تیریک به دانشجویان فارغ التحصیل در آکادمی نیروی هوایی کلرادو.

به خاطر همین گاف کلامی و فیزیکی رییس جمهور آمریکا است که مردم این کشور نگران ورود مجدد وی به کاخ سفید هستند. بر اساس نظرسنجی اخیر «آسوشیئدپرس»



مربوط به رای دهندگان عرب- آمریکایی و مسلمانان آمریکایی در میشیگان را تحت تاثیر حمایت‌های آشکارش از رژیم صهیونیستی از دست داده‌است و بسیاری معتقدند که آرای آنها در ایالت‌های کلیدی از جمله میشیگان، مینه سوتا، جورجیا و آریزونا بسیار حیاتی است و می‌تواند بر سرنوشت انتخابات ۲۰۲۴ آمریکا علیه دموکرات‌ها اثرگذار باشد.

افزون بر بحث کهولت سن، جنگ‌های اوکراین، غزه و انزوای بین‌المللی، موضوع‌های داخلی همچون تورم، کاهش ارزش دلار، کسری بودجه را می‌توان از مولفه‌های کاهش محبوبیت دولت بایدن به شمار آورد.

ترامپ به تازگی هشدار داد که دلار و بانک‌های آمریکایی در حال فروپاشی‌اند و به زودی دلار دیگر ارز معیار جهانی نخواهد بود. او با بیان اینکه آمریکا احتمالاً به سمت یک رکود بزرگ خواهد رفت، گفت: دلار تنها در مدت سه سال بیش از ۲۰ درصد ارزش خود را از دست داده‌است. جو بایدن ۱۱.۵ تریلیون دلار هزینه‌های بیهوده داشته و کسری بودجه در حال انفجار است.

ترامپ به بدهی‌های خارجی آمریکا نیز اشاره کرد و گفت که هیچ رئیس‌جمهوری تا به حال تلاشی را برای پرداخت بدهی ملی ایالات متحده که در حال حاضر بر اساس محاسبات خود خزانه‌داری به ۳۲.۶ تریلیون دلار می‌رسد، انجام نداده است. هرچند برخی برآوردها نشان می‌دهند که این بدهی ممکن است خیلی بیشتر باشد.

از موضوع کهولت سن که بگذریم، عمکرد بایدن نیز مزید بر علت شده‌است که روند نامحبوبیت وی شتاب گیرد. محبوبیت بایدن که در جریان بحران خودساخته اوکراین در سرایشی افول قرار گرفته بود با فرو رفتن این کشور در باتلاق غزه شتاب بیشتری گرفته‌است؛ بحران‌هایی همزمان که نه تنها شخص رییس‌جمهور آمریکا بلکه طیف دموکرات را در آستانه انتخابات ۲۰۲۴ با چالش محبوبیت مواجه کرده‌است.

جنگ علیه غزه و شهادت بیش از ۳۰ هزار فلسطینی می‌تواند بر سرنوشت انتخابات آمریکا اثرگذار باشد. میشیگان یکی از بزرگترین جمعیت مسلمان و عرب آمریکایی را دارد و گفته می‌شود حمایت ساکنانش از بایدن برای بالا بردن آرای وی نسبت به رقیب انتخاباتی‌اش در سال ۲۰۲۰ بسیار مفید بوده‌است. با این حال اکنون مسلمانان و اعراب این کشور چیزی جز ناامیدی از بایدن و تهدید به عدم رای مجدد به او را مطرح نمی‌کنند.

اگر چه مسلمانان اقلیت کوچکی (۱.۳ درصد) از جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند با این حال تعداد آنها به سرعت روز به افزایش است و هر دو حزب آمریکا به طور فزاینده‌ای برای جلب حمایت از آنها با یکدیگر رقابت می‌کنند. تا قبل از بحران مزبور، دموکرات‌ها در این زمینه موفق‌تر عمل کرده بودند و سیاست‌های ترامپ مبنی بر ممنوعیت سفر مسلمانان به این کشور بین جمهوریخواهان و مسلمانان فاصله انداخته بود.

در حال حاضر همزمان با آغاز درگیری‌ها میان مقاومت فلسطین و رژیم صهیونیستی، بایدن تقریباً همه آرای

## 2024 VOTE PREFERENCE

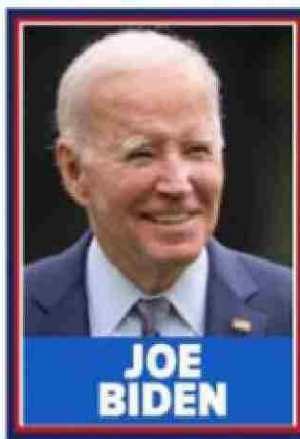
AMONG ALL ADULTS

ABC NEWS / WASHINGTON POST POLL



**51%**

**42%**







### ترامپ در گپرو دار محاکمه و انتخابات

ترامپ اوایل سال گذشته به رغم گرفتار شدن در پرونده ای با ۳۴ فقره جرم، در حزب خود با ۸ رقیب مواجه بود که بیشتر آنها از اعضای تیم او بودند از «مایک پتس» معاون اول و «مایک پمپئو» وزیر خارجه او گرفته تا «نیکی هیلی» سفیر ترامپ در سازمان ملل.

در کنار این سه نفر افراد دیگری همچون سناتور «تد کروزر»، سناتور «جاش هاولی»، «گلن یانگکین» فرماندار ویرجینیا و «لیز چنی» قانونگذار ایالت وایومینگ و دختر «دیک چنی» معاون «جورج بوش» هم به چشم می‌خوردند.

بزرگترین رقیب ترامپ «ران دسانتیس» فرماندار ایالت فلوریدا بود که در نظرسنجی‌ها نیز محبوبیت نسبتا بالایی داشت اما دسانتیس و برخی از رقبای ترامپ همچون پتس به تدریج به نفع ترامپ از رقابت‌ها کنار کشیدند و در حمایت از ترامپ موضع‌گیری کردند.

نظرسنجی‌های جدید از به خطر افتادن پیشتازی ترامپ، نامزد مطرح جمهوری‌خواهان در ایالت‌های کلیدی انتخاباتی ریاست جمهوری آمریکا خبر می‌دهند و هیلی سفیر سابق این کشور در سازمان ملل را به‌عنوان یک رقیب غیرقابل انکار در برابر رییس‌جمهوری سابق معرفی می‌کنند. به عنوان نمونه نظرسنجی اواخر بهمن ماه گروه تحقیقاتی آمریکا نشان داد هیلی با ۲۹ درصد آرا در مقابل ۲۳ درصد حمایت از ترامپ، تنها چهار امتیاز از او عقب‌تر است.

«دونالد ترامپ» در حالی سال گذشته (۱۴۰۲) برای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ آمریکا خیز برداشت که انتشار کیفرخواست با ۳۴ فقره اتهام سال گذشته را برای او سال سختی ساخت؛ پرونده‌ای که نه تنها برای رییس جمهوری سابق بلکه برای طیف جمهوریخواه حامی وی نیز گران تمام شد.

نخستین جلسه دادگاه کیفری رییس جمهور سابق آمریکا روز سه شنبه چهارم آوریل (۱۵ فروردین) برگزار شد تا اولین قدم در مسیر محاکمه وی برداشته شود؛ دادگاهی که در آن بخش‌هایی از کیفرخواست علتی و جلسه بعدی دادگاه نیز متعاقبا برگزار شد.

اگر چه پیشتر پیش‌بینی‌ها از ۲۴ فقره جرم علیه ترامپ حکایت می‌کرد اما در این جلسه دادگاه، شمار آن ۳۴ مورد اعلام شد که البته همان طور که انتظار می‌رفت، تمامی آنها از سوی رییس جمهوری قبلی آمریکا رد شد. ترامپ خود را بی‌گناه و اتهام‌ها را پرونده‌سازی دانست.

یکی از اتهام‌های مطرح‌شده علیه ترامپ پنهان‌کاری درباره پرداخت ۱۵۰ هزار و ۱۳۰ هزار دلار حق‌السکوت به دو زن بود. ترامپ علاوه بر این متهم شد که به نگهبان برج خود مبلغ ۳۰ هزار دلار به عنوان رشوه پرداخت کرده‌است. افزون بر حق‌السکوت و رشوه، ترامپ به جعل اسناد تجاری متهم شد.



در سال ۱۴۰۲ هجری شمسی، شاهد تحولاتی در قاره آفریقا بودیم که بروز کودتا و ناامنی در چندین کشور قاره از جمله نیجر، گابن و چاد، از موارد مهم بوده است. شرایط دشوار اقتصادی و شکست بسیاری نخبگان سیاسی و احزاب کشورها برای مقابله با مشکلات، باعث شد فضا برای کودتا مهیا شود و در این میان، بخش قابل توجهی از جوانان نیز، نه تنها مخالفتی با قدرت نظامیان ندارند؛ بلکه در موارد متعدد شاهد حمایت از کودتا بوده‌ایم. شکست فرانسه برای اعمال دیدگاه‌های سیاسی و امنیتی بر کشورهای آفریقایی در سال ۱۴۰۲ به مثابه مخالفت قاطعانه دولت‌ها و ملل آفریقایی با استعمار، قلمداد شد.

کشور عربی-آفریقایی مصر در سال ۱۴۰۲ هجری شمسی، شرایط سختی را از سر گذراند. این کشور، علاوه بر رویداد مهم انتخابات ریاست جمهوری، شاهد افزایش تورم و عمیق‌تر شدن بحران اقتصادی بود و معیشت میلیون‌ها نفر از شهروندان ۱۱۴ میلیون نفری مصر، در تنگنا قرار گرفت. در انتخابات آذر ماه ۱۴۰۲ هجری شمسی، عبدالفتاح السیسی که از سال ۲۰۱۴ بدین سو قدرت را در دست گرفته، با کسب نزدیک به ۴۰ میلیون رای یعنی ۸۹.۶ درصد مجموع آرای کشور، برای سومین دوره پیاپی به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد.

یکی از مهمترین رویدادهای سیاسی در آفریقا و در سال ۱۴۰۲ هجری شمسی، اقدام ارزشمند آفریقای جنوبی برای طرح شکایت علیه رژیم صهیونیستی اسرائیل بود. آفریقای جنوبی، رژیم صهیونیستی را به اتهام نسل کشی در غزه، در دیوان بین‌المللی بر کرسی متهم قرار داد و اسرائیل و حامیانش، عملاً با یک شوک و یک حمله حقوقی و غافلگیرکننده روبرو شدند.

قاره آفریقا در سال ۱۴۰۲ نیز صحنه رقابت اقتصادی بسیاری از کنشگران جهانی و منطقه‌ای بود. اما در این میان، چین با فاصله‌ای بسیار، مهمترین سرمایه گذار در کشورهای آفریقایی بوده است. عربستان سعودی نیز در آفریقا تحریکات اقتصادی فراوانی دارد و علاوه بر صادرات کلان پتروشیمی به این کشورها، منابع فلزاتی همچون مس و نیکل را نیز در اختیار گرفته است. ترکیه نیز به عنوان یک کشور فعال در آفریقا شناخته می‌شود اما بیشتر در حوزه نفوذ امنیتی و فروش محصولات صنایع دفاعی به کشورهای آفریقایی فعالیت می‌کند.

دو موضوع مهم تغییرات اقلیمی و مهاجرت، به مشکلات بزرگ بسیاری از کشورهای آفریقایی تبدیل شده‌اند و چندین کشور این قاره، با سیل و خشکسالی روبرو بودند و سال ۱۴۰۱ سال تهدید امنیت غذایی آفریقا و افزایش مهاجران به سمت اروپا بود.



# کودتا و ناامنی در آفریقا



کودتا در کشورهای آفریقایی مانند نیجر و گابن، یک بار دیگر ضرورت تاریخی مرور نقش استعمار فرانسه در قاره سیاه را به میان آورد.

در سال ۱۴۰۲ هجری شمسی، شاهد سالی پر تب و تاب در قاره آفریقا بودیم. یکی از اصلی‌ترین رویدادهای سیاسی در چند کشور آفریقایی در یک سال اخیر، بروز کودتا بود. موج تلاش نظامیان برای در دست گرفتن کودتا، در طول سال ادامه داشت و آخرین مورد آن نیز تلاش برای کودتا در کشور آفریقایی چاد در اسفند ماه سال ۱۴۰۲ بود. همچنین ناامنی و اعتراضات گسترده در سنگال، باعث شد برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در این کشور به تعویق بیفتد و در بهمن ماه هم خیابان‌های سنگال، شاهد درگیری و خشونت بود. علاوه بر اینها، نیجر، بورکینافاسو، سودان، سومالی، گابن، اتیوپی، لیبی و مالی، با ناامنی و تنش جدی روبرو شدند.

از پیامدهای تلخ کودتا در کشورهای آفریقایی در سال ۱۴۰۲ می‌توان به این اشاره کرد که علاوه بر خشونت و تلفات انسانی، در حوزه اقتصادی و معیشتی، مشکلات بزرگی برای جوامع آفریقایی به وجود آمده و برخلاف ادعای اولیه فرماندهان نظامی، عملاً روندی به نام انتقال قدرت وجود ندارد و نظامیان، حتی پس از تثبیت شرایط، حاضر نیستند زمینه برگزاری انتخابات را فراهم آورده و قدرت را به نخبگان سیاسی واگذار کنند.

علاوه بر این، به وجود آمدن ناامنی و بی‌ثباتی در قاره آفریقا، راه را برای فعالیت گروه‌های افراطی هموار می‌کند.

## مواجهه با استعمار

بسیاری از رسانه‌ها و اندیشکده‌های آمریکا و اروپا، تلاش می‌کنند تا دلایل بروز کودتا در کشورهای مختلف قاره آفریقا را به فقر اقتصادی و مشکلات فرهنگی و اجتماعی ربط دهند. آنان ادعا می‌کنند که بیکاری و فقر در کنار دسترسی آسان به سلاح؛ موجب شده که جوانان آفریقایی به حضور در رقابت‌های نظامی در قابل کودتا، تمایل نشان دهند. اما بدون شک، چنین تحلیلی برای وصف دلایل بروز کودتا و ناامنی در آفریقا، نه تنها ناقص و نارسا، بلکه به شدت سوگیرانه و جانبدارانه است. چرا که از منظر نقش تاریخی، خود غربی‌ها، در ترویج خشونت و فعالیت مسلحانه در آفریقا بسیار موثر بوده‌اند و به منظور استفاده از منابع طبیعی قاره سیاه، در مقاطع مختلف، به دنبال تاسیس دولت‌های دست نشانده بوده‌اند و آسان‌ترین راه برای نیل به مقاصد سیاسی، امنیتی و اقتصادی‌شان از راه تشویق و ترویج کودتا گذشته است.

حالا، آفریقا یک بار دیگر علیه استعمار برخاسته و به قول ژان هروه ژرکل، مدیر منطقه ساحل گروه بین‌المللی بحران (International Crisis Group) دولت‌های منطقه ساحل به دنبال آن هستند که به جای کنشگران خارجی،

خودشان ابتکار عمل را در دست گیرند.

با آن که ۱۳ سال از حمله آمریکا و ناتو به لیبی سپری شده اما در سال ۱۴۰۲ هم شاهد ناامنی و مشکلات بزرگ در لیبی و چندین کشور ساحل آفریقا بودیم که مطمئناً بیش از هر چیزی تحت تاثیر سیاست‌های زیاده خواهانه غرب قرار گرفته و امنیت و ثبات خود را از دست داده‌اند.

## سال ۱۴۰۲ سال شکست فرانسه در آفریقا

یکی از کشورهای دارای سابقه سیاه استعمارگری در قاره آفریقا، فرانسه است. کودتا در کشورهای آفریقایی مانند نیجر و گابن، یک بار دیگر ضرورت تاریخی مرور نقش استعمار فرانسه در قاره سیاه را به میان آورد. این کشور اروپایی در سال ۱۴۰۲ هجری شمسی، بخش قابل توجهی از نفوذ و قدرت خود را در قاره آفریقا از دست داد و به صراحت می‌توان گفت؛ دیپلماسی فرانسه در آفریقا در سال اخیر تضعیف شد. چرا که بسیاری از دست نشانده‌گان و متحدان سابق فرانسه از این کشور فاصله گرفتند و منافع دولت ماکرون پس از پس از سرنگونی رهبران نیجر، بورکینافاسو و مالی، با چالش‌های جدیدی روبرو شده است.

به باور باباکار اندیایه، محقق ارشد مؤسسه تیمبوکتو در سنگال، فرانسه در سال ۱۴۰۲ در روابط خود با آفریقا، نقطه عطفی روبرو شده که بدترین موقعیت برای دولت پاریس از دوران آغاز استعمار و برده داری، قلمداد می‌شود.



اغلب کشورهای آفریقایی، زمینه اجتماعی را برای ظهور نظامیان مقتدر فراهم کرده و تحقیقات میدانی گسترده‌ای که در غنا و چند کشور ساحل آفریقا انجام شده، نشان دهنده این است که اقدام به کودتای نظامی؛ در میان قشر جوان، طرفداران فراوانی دارد و چنین تصور می‌کنند که کودتا، حداقل به عنوان یک کاتالیزور یا شتاب دهنده، باعث می‌شود روند تحولات سیاسی کشورها، سرعت بیشتر به خود بگیرد و شرایطی به وجود آید که شاید مردم عادی نیز از مواهب و منابع ملی کشور، برخوردار شوند.

### آفریقا و تغییرات اقلیمی

تحلیل وضعیت دشوار اقتصادی بسیاری از کشورهای آفریقا، صرفا با نگاه عامل امنیتی و کودتا، راه به سوی یک خطای راهبردی آشکار می‌برد. چرا که در سال ۱۴۰۲ نیز، یک بار دیگر این واقعیت به اثبات رسید که عوامل طبیعی نیز در بحران‌های اقتصادی آفریقا، نقشی انکارناپذیری دارند. به عنوان مثال تغییرات جهانی آب و هوایی و از جمله خشکسالی، تاثیر مخربی بر چندین کشور قاره آفریقا گذاشته و به عامل تشدید فقر و گرسنگی تبدیل شده است. تغییرات اقلیمی در شرق آفریقا، سیل بی‌سابقه در لیبی و سودان جنوبی و طوفان‌های مرگبار در جنوب آفریقا، شرایط را برای جوامع و دولت‌های آفریقایی دشوار کرده و متأسفانه بستر لازم برای دست زدن به خشونت، فراهم شده است.

در تابستان سال ۱۴۰۲ هجری شمسی، میانگین جهانی تورم در حد ۷ درصد ثبت شد اما این میانگین در قاره آفریقا، از ۱۶ درصد بالاتر رفت و البته در برخی کشورها، وضع از این هم بدتر بود و تورم در نیجریه و اتیوپی به عنوان دو کشور پرجمعیت آفریقا، به بالای ۲۵ درصد رسید.

عدم اعتماد مردم آفریقا به نخبگان سیاسی یکی از دلایل حمایت برخی از مردم کشورهای آفریقایی از نظامیان، ظهور رهبران و نخبگان سیاسی ناتوان و ناکارآمد است.

خانم کامفورت ارو مدیر عامل گروه بین‌المللی بحران که قبلا به عنوان نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد در لیبیا فعالیت کرده و از دیپلمات‌های آفریقایی است، در آذر ماه ۱۴۰۲ و در فرین افروز اعلام کرد: «در سالیان اخیر، موج کودتا در آفریقا رو به فزونی یافته و از مرداد ۱۳۹۹ تا آبان ۱۴۰۲ هجری شمسی، دست کم هفت رهبر آفریقایی به دست ارتش، از قدرت ساقط شده‌اند. کودتاهای نظامی غالبا در یک کمربند بی‌ثباتی از نیجر تا سودان امتداد داشته و احتمال سرایت آن به مناطق دیگر وجود دارد».

کامفورت ارو همچنین در بیان دلایل حمایت بخش قابل توجهی از مردم آفریقا از کودتا در سال ۱۴۰۲ گفته است: «چنین به نظر می‌رسد که حمایت نمایان بسیاری از شهروندان آفریقایی از کودتا و حکومت نظامی، به دلیل عدم اعتماد آنان به نخبگان شکست خورده است و نمی‌توان چنین چیزی را به عنوان بیزاری از دموکراسی تلقی کرد. در شرایطی که نخبگان سیاسی نتوانند راه حلی برای گذار از مشکلات مردم پیدا کنند، شهروندان ناامید، حمایت از حکومت نظامیان را به عنوان یک جایگزین در نظر می‌بینند».

شواهد نشان می‌دهد که در کودتاهای روی داده در گابن و چند کشور دیگر، تحریکات گروه‌های افراطی موثر بوده اما در عین حال، انگیزه‌ها و عوامل محلی نیز تاثیر به سزایی داشته است. ناامیدی از شرایط اقتصادی و معیشتی و سرخوردگی از «دموکراسی» در

در سال ۱۴۰۲ عملا شاهد فروپاشی ائتلاف پنج کشوری، معروف به G5 ساحل بودیم. یعنی ائتلافی که فرانسه با ۵ کشور آفریقایی موریتانی، مالی، نیجر، بوركینافاسو و چاد به وجود آورده بود.

شرایط در آفریقا برای فرانسه روز به روز بدتر شده و در اواخر سال ۱۴۰۲ ناچار شد سفارت خود در نیامی، پایتخت نیجر را به دلیل «تقویت احساسات ضدفرانسوی» ببندد. این در حالی است که در جمهوری آفریقای مرکزی نیز، نیروهای بومی موسوم به مقاومت، جایگزین سربازان فرانسوی شدند.

در سال ۱۴۰۲ فرانسه برای تداوم حضور نیروهای نظامی خود در ساحل عاج، سنگال، گابن، جیبوتی و چاد، با بلا تکلیفی مواجه شده و موقعیت دیپلماتیک و نظامی خود را در «ساحل» از دست داد. آنچه «شارل دوگل» و «ژاک فوکار» پس از پایان دوره استعمار ساختند دیگر وجود ندارد. این در حالی است که در اغلب کشورهای آفریقایی، چین به یک کنشگر اقتصادی و سرمایه گذار فعال تبدیل شده و بزرگ‌ترین سرمایه گذار آفریقا است. علاوه بر چین، آمریکا، انگلیس، ترکیه و ژاپن نیز در حال کار و فعالیت گسترده در آفریقا هستند.

در حالی که جای پای حضور نظامی روسیه در آفریقا مستحکم شده، نیروهای فرانسوی از بوركینافاسو و مالی رفته‌اند و امانوئل ماکرون رییس جمهور فرانسه در اسفند ۱۴۰۲ و قبل از سفر به گابن، آنگولا، جمهوری کنگو و جمهوری دموکراتیک کنگو، اعلام کرد که فرانسه قرار نیست سپر بلای آفریقا شود و او در سفر خود به قاره سیاه، دیدار با هنرمندان آفریقایی و بحث بر سر حفاظت از محیط زیست را خواهد برد.





# تحوالات مصر، از انتخابات تا بحران اقتصادی

با وجود پیروزی مجدد سبسی در انتخابات اخیر، کشور عربی-آفریقایی مصر در سال ۱۴۰۲ با مشکلات اقتصادی، سیاسی و امنیتی متعددی روبرو شد.

کشور عربی-آفریقایی مصر در سال ۱۴۰۲ هجری شمسی، شرایط سختی را از سر گذراند. این کشور، علاوه بر رویداد مهم انتخابات ریاست جمهوری، شاهد افزایش تورم و عمیق‌تر شدن بحران اقتصادی بود و معیشت میلیون‌ها نفر از شهروندان ۱۱۴ میلیون نفری مصر، در تنگنا قرار گرفت.

در انتخابات آذر ماه ۱۴۰۲ هجری شمسی، عبدالفتاح السبسی که از سال ۲۰۱۴ بدین سو قدرت را در دست گرفته، با کسب نزدیک به ۴۰ میلیون رای یعنی ۸۹.۶ درصد مجموع آرای کشور، برای سومین دوره پیاپی به عنوان رئیس جمهور انتخاب شود. با این تفاوت که این بار، قرار است او در یک دوره ۶ ساله، تصدی این پست را بر عهده داشته باشد.

سه نامزد دیگر انتخابات مصر، مجموعاً تنها ۱۰ درصد از آرای مردم را کسب کردند و مردم مصر با مشارکت ۶۶.۱ درصدی، همچنان به نفع سبسی به پای صندوق‌های رای رفتند. رئیس سازمان ملی انتخابات مصر اعلام کرده که انتخابات آذر ماه ۱۴۰۲ مصر، شاهد ثبت بالاترین میزان مشارکت رای دهندگان در تاریخ این کشور بوده است.

## مصر و بحران اقتصادی

با ورود پیروزی قاطعانه سبسی در کارزار انتخابات، مصر در سال ۱۴۰۲ نیز نتوانست از گردنه بحران اقتصادی بگذرد.

تحلیلگران مسائل خاورمیانه و آفریقا بر این باورند که مصر به عنوان یکی از کشورهای مهم و دارای موقعیت ژئوپولیتیک در شمال آفریقا، با چندین بحران مهم روبروست. از جمله افزایش روزافزون تورم مواد غذایی و عدم تطابق درآمدها و هزینه‌های کشور.

وضعیت اقتصادی مصر در سال ۱۴۰۲ نیز بحرانی بود و بر اساس آمارهای رسمی، اقتصاد مصر بیش از ۴۰۰ میلیارد دلار بدهی خارجی و داخلی به بار آورده و شاخص‌های اقتصادی مصر در شرایط ناپایدار و نامساعد است.

طی یک سال اخیر، ارزش پول ملی مصر بیش از ۵۰ درصد کاهش یافته و وضعیت بحرانی اقتصاد مصر، باعث شده برخی از دولت‌های ثروتمند منطقه همچون امارات متحده عربی و



عربستان، به دنبال خرید املاک و دارایی‌های دولتی در مصر باشند و علاوه بر این، موضوعاتی همچون احتمال فروش جزایر توریستی برای جبران کسری منابع ارزی، موجب بروز واکنش‌های منفی نزد نخبگان مصری شده است. گفته می‌شود بیش از ۶۰ درصد از اقتصاد مصر در دست نظامیان است و با آن که در سال ۱۴۰۲ هجری شمسی، اعتراضات گسترده مردمی در خیابان‌های قاهره مشاهده نشده اما کارشناسان مصری نگران آن هستند که وضعیت این کشور، از چیزی که هست بدتر شود. به ویژه در شرایطی که به خاطر تنش‌های روی داده در دریای سرخ، از میزان عبور کشتی‌های تجاری به سوی کانال سوئز کاسته شده و مصر ۵۰ درصد از درآمدهای عاید از این گذرگاه استراتژیک دنیا را از دست داده است.

به موازات مشکلات اقتصادی و دغدغه مقامات مصری در خصوص بدهی‌های کلان خارجی، در حوزه سیاست خارجی و ژئوپولیتیک منطقه نیز مشکلاتی همچون ناامنی در لیبی، سودان و تنش آبی با اتیوپی در سال ۱۴۰۲ نیز بخشی از تاب و توان مقامات مصری را گرفت.

## نگرش دولت سبسی به مساله فلسطين

شرایط جغرافیایی مصر و اهمیت ژئوپولیتیک دروازه رفح باعث شد که این کشور، بیش از دیگر کشورهای منطقه، تحت تاثیر رویدادهای پس از عملیات طوفان الاقصی قرار بگیرد.

از ۱۵ مهر ماه ۱۴۰۲ به بعد، یک بار دیگر، توجه بسیاری از ناظران مسائل بین الملل، معطوف به این موضوع شد که دولت سبسی، به چه شیوه‌ای با موضوع غزه مواجه خواهد شد. چرا که جنگ حماس و رژیم صهیونیستی اسرائیل، شرایط نوینی در منطقه و جهان به وجود آورد و در این میان، مصر به عنوان همسایه نزدیک، با دغدغه‌های جدیدی روبرو شد.



پناهجویان بود و استحکامات و تجهیزات مرزی بیشتری در نظر گرفته شد تا امکان ورود فلسطینی‌ها به مصر به صفر برسد.

بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی پیشنهاد داد که با هماهنگی دولت سبسی، شمار زیادی از پناهجویان فلسطینی، غزه را ترک کنند و در سینا سکنی گزینند. اما سبسی آشکارا این درخواست مودیانه را رد کرد. چرا که از دید او، اقامت فلسطینیان در سینا، می‌تواند بهانه‌ای همیشگی به دست نیروی هوایی رژیم صهیونیستی برای حمله به این منطقه بدهد و امنیت مصر را به خطر اندازد و حاکمیت ملی این کشور را نادیده بگیرد.

### عادی‌سازی روابط قاهره-آنکارا

یکی از مهمترین رویدادهای دیپلماتیک مرتبط با مصر در سال ۱۴۰۲ هجری شمسی، عادی شدن روابط مصر و ترکیه سفر رجب طیب اردوغان به قاهره بود.

با توجه به حمایت آشکار ترکیه از محمد مرسی و جریان اخوان المسلمین در دوران موسوم به «بهار عربی» و مخالفت اردوغان با سبسی، چالشی جدی در روابط بین آنکارا و قاهره به وجود آمده بود، اما در بهمن ماه ۱۴۰۲ اردوغان در چرخشی آشکار و عملگرایانه، حاضر شد پس از ۱۲ سال یک بار دیگر به مصر سفر کند.

البته ذکر این نکته نیز مهم است که در دوران طولانی اختلافات ترکیه و مصر، روابط تجاری بین این دو کشور مستمر بود و ترکیه با اختلافی معنی‌دار، تراز تجارت ۸ میلیارد دلاری را به نفع خود تغییر داده بود. این تجارت در سال ۱۴۰۲ نیز ادامه یافت و چنین به نظر می‌رسد که عادی شدن روابط قاهره-آنکارا، باعث می‌شود که بخش قابل توجهی از اختلافات آنان در مورد لیبی نیز پایان یابد.

یکی از امتیازات مهمی که سبسی در جریان عادی شدن روابط، از اردوغان گرفت؛ محدود شدن فعالیت رسانه‌ای و سازمانی سران مصری اخوان المسلمین در ترکیه و لغو تابعیت ترکیه‌ای آنها بود.

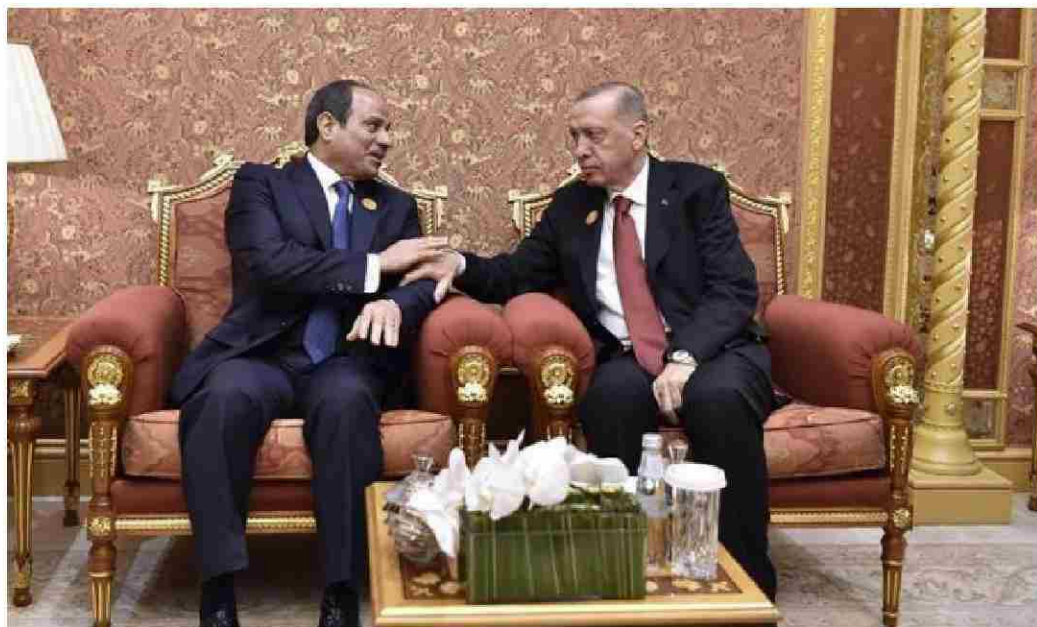
نگاهی به مواضع سیاسی مقامات قاهره در سال ۱۴۰۲ هجری شمسی، نشان دهنده این است که عبدالفتاح سبسی نیز مانند روسای جمهور قبلی مصر، به دنبال ایجاد موازنه در مورد اسرائیل و فلسطین بوده است. البته ناگفته پیداست که همکاری‌های مصر و رژیم صهیونیستی در سطح بالایی است و با وساطت اروپایی‌ها، همکاری مصر و رژیم در حوزه انرژی و تبدیل و انتقال گاز به شکل مایع، به یکی از انگیزه‌های مهم در نزدیکی سیاسی قاهره و اسرائیل تبدیل شده است. خود مصری‌ها نیز با طرح این موضوع مشکل و مخالفتی ندارند که این دولت عربی از یک سو شریک نزدیک اسرائیل است و از دیگر سو، همکاری گسترده‌ای در زمینه مسائل نظامی و اطلاعاتی دارند.

با آن که اسرائیل حملات پهنادی را علیه گروه‌های مسلح در شمال سینای مصر انجام داده، اما نشانه‌ای از ناهماهنگی و اختلاف جدی به چشم نمی‌خورد. اما در هر حال، مصر در تلاش برای حفظ موازنه، در برخی بزنگاه‌ها، به طور محدود و نسبی، اقداماتی برای کمک به مردم فلسطین نیز انجام داده است.

دولت قاهره توانست با استفاده از مزیت موقعیت جغرافیایی، با وجود اعتراضات صهیونیست‌ها، نزدیک به ۱۲۰۰ کامیون را از طریق گذرگاه مرزی رفح به سمت غزه عبور دهد اما سازمان ملل اعلام کرد که میزان کمک‌ها باید بیشتر شود و بسیاری از مقامات منطقه نیز از مصر خواستند در این مورد تلاش بیشتری انجام دهد. با آن که بخش اعظم مذاکرات مربوط به مبادله اسرا بین اسرائیل و حماس بر عهده دیپلمات‌های قطری بود، اما مصر نیز در این زمینه اقدامات موثری انجام داد.

### مصر و شرایط بحرانی غزه

یکی از مهمترین نگرانی‌های دولت قاهره، آن است که فلسطینی‌های مهاجر از غزه وارد خاک مصر شوند. پیداست چنین وضعیتی، علاوه بر فشار اقتصادی قابل توجه، دغدغه‌های امنیتی جدیدی نیز برای دولت سبسی به وجود می‌آورد. به همین دلیل، دولت سبسی در سال ۱۴۰۲ و در حال رصد رویدادها غزه، به شدت نگران بحث آوارگان و







## اقدام تاریخی آفریقای جنوبی در قبال نسل‌کشی اسرائیل در غزه

و گردن انداخته بود، با خبرنگاران صحبت کرده و گفت: «رویدادهای غزه، نمونه آشکاری از رویکرد ظالمانه امپریالیسم غرب و نفاق و دورویی کشورهای غربی است. همه آنها حاضر شدند ولادیمیر پوتین و روسیه را تحریم کنند اما در برابر نظام آپارتاید اسرائیل، کاری نکردند و جرات نداشتند حکم جلب بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل و وزرای جنایتکار کابینه او را صادر کنند».

نوه ماندلا همچنین درباره اقدام حقوقی علیه رژیم صهیونیستی گفت: «تیم آفریقای جنوبی، توانست با انجام یک اقدام فوق العاده، خواستار محاکمه و مجازات اسرائیل شود. چرا که بدون شک، در نوار غزه و سراسر فلسطین، مرتکب کشتار جمعی، پاکسازی نژادی و جنایات جنگی شده است. اکنون در کشور من، نسلی سر برآورده که به تعهدات و آرمان‌های ماندلا در قبال آزادی فلسطین، پایبند است».

**وقتی که فشار صهیونیست‌ها کارساز نشد**  
با وجود اعمال فشار آشکار آمریکا، اسرائیل و برخی از حامیان اروپایی صهیونیسم، این دادگاه در یک حکم موقت در ژانویه ۲۰۲۴ میلادی، دادخواهی آفریقای جنوبی را یک شکایت قابل قبول دانست و به رژیم صهیونیستی دستور داد، هر چه زودتر نسل‌کشی را متوقف کند. دادگاه همچنین خواستار این شد که از ارائه کمک‌های بشردوستانه به غیرنظامیان غزه، کسب اطمینان شود.

زنده کرد و با ندایی انسانی و بشردوستانه، درباره مردم فلسطین اظهار نظر کرد.

سیریل رامافوسا رئیس‌جمهوری آفریقای جنوبی در جمع تماشاگران فوتبال در یک بازی با نام «فوتبال برای بشریت» بین تیم‌های فلسطین و آفریقای جنوبی در کیپ تاون، اعلام کرد: «اظهارات نلسون ماندلا رهبر ضد آپارتاید کشورمان، برای ما یک میراث فکری و معنوی است و سخنان او را به یاد می‌آوریم که گفته بود: آزادی آفریقای جنوبی، در گروی آزادی فلسطینی هاست. آری! ماندلا به ما آموخت، آزادی ما زمانی کامل خواهد شد که آزادی فلسطین محقق شود».

رامافوسا همچنین گفت: «ما در کنار مردم فلسطین هستیم و از تلاش و مبارزات آنها برای تحقق آزادی حمایت می‌کنیم. این همان دلیلی است که باعث شد مساله فلسطین را به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع دهیم. اطمینان داریم که مردم کشور ما، دولت و حزب «کنگره ملی آفریقا»، حامی تلاش مردم فلسطین در مسیر آزادی هستند».

نوه ماندلا تأکید کرد تیم آفریقای جنوبی اقدام فوق‌العاده‌ای را در مقابل دیوان بین‌المللی دادگستری برای محاکمه رژیم صهیونیستی به دلیل نسل‌کشی در غزه انجام داد.

نوه جوان نلسون ماندلا به نام زوولبولیله ماندلا نیز پس از اقدام حقوقی کشورش، در حالی که یک چفیه فلسطینی بر شانه

آفریقای جنوبی با الهام از میراث ارزشمند نلسون ماندلا با طرح شکایت علیه رژیم صهیونیستی در قامت یک کشور ظالم ستیز و حامی مظلومان، شگفتی ساز شد.

یکی از مهمترین رویدادهای سیاسی در آفریقا و در سال ۱۴۰۲، اقدام ارزشمند دولت آفریقای جنوبی برای طرح شکایت علیه رژیم صهیونیستی بود. آفریقای جنوبی، رژیم صهیونیستی را به اتهام نسل‌کشی در غزه، در دیوان بین‌المللی بر کرسی متهم قرار داد و این رژیم و حامیان‌ش، عملاً با یک شوک و یک حمله حقوقی و غافلگیرکننده روبرو شدند.

به گواه بسیاری از کارشناسان حوزه روابط بین‌الملل، آفریقای جنوبی با الهام از میراث ارزشمند نلسون ماندلا، با طرح شکایت علیه رژیم صهیونیستی، در قامت یک کشور ظالم‌ستیز و حامی مظلومان، شگفتی ساز شد.

تیم حقوقی اعزام شده از آفریقای جنوبی، موضوع حساس عدم پایبندی رژیم صهیونیستی به کنوانسیون نسل‌کشی ۱۹۴۸ را دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح کرد و عملاً رژیم صهیونیستی را در یک موقعیت بن‌بست و آچمز قرار داد.

### فلسطین و موضع انسانی شاگردان «ماندلا»

یکی از ابعاد به یاد ماندنی و ستودنی اقدام آفریقای جنوبی، این بود که رییس‌جمهور این کشور، سخنانی بر زبان آورد که پس زمینه تاریخی ظلم علیه سپاهان را در اذهان





سوی دو سیاستمدار آفریقایی جنوبی درباره حکم دیوان بین‌المللی را منتشر کردند که بدون شک هر دو آنها، ماندگار خواهند بود.

فیکله مبالولا دبیرکل حزب حاکم آفریقایی جنوبی موسوم به «حزب کنگره ملی آفریقا» اعلام کرد: «این حکم یک نقطه عطف به یادماندنی برای همه کسانی است که می خواهند شاهد شکل‌گیری صلح در فلسطین باشند».

همچنین کلاسون مونی یلا، سخنگوی وزارت امور خارجه آفریقایی جنوبی در شبکه اجتماعی ایکس چتین پیامی به یادگار گذاشت: «بگذارید تاریخ ثبت کند که آفریقایی جنوبی برای معنا بخشیدن به شرط عدم تکرار جنایات در جامعه بین‌المللی پیشگام شد. آری! مردم فلسطین حق زیست دارند».

ائتلاف «ملی» مذهبی رژیم صهیونیستی، طرح اخراج این نماینده را مطرح کنند اما از مجموعه ۱۲۰ نماینده تنها ۸۵ نفر رای دادند و به این ترتیب، نماینده مزبور جایگاه خود را حفظ کرد.

### زمانی برای شکست آمریکا در برابر آفریقایی جنوبی

اقدام هوشمندانه دولت آفریقایی جنوبی، مصداق واکنش‌های بین‌المللی بود که آمریکا به عنوان بزرگترین حامی رژیم صهیونیستی، انتظار آن را نداشت و غافلگیر شد. به همین دلیل، دولت جو بایدن، خیلی زود وارد صحنه شد تا با چانه زنی، دادن امتیاز یا حتی استفاده از زبان تهدید، آفریقایی جنوبی را از طرح شکایت و پیگیری، منصرف کند.

آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه آمریکا، بارها از مقامات آفریقایی جنوبی خواست از اقدام خود منصرف شوند. اما او نتیجه‌ای نگرفت. با این حال، حتی چند ساعت قبل از تصمیم‌گیری دادگاه بین‌المللی در لاهه، با همتای خود نالدی پاندور گفتگو کرد. اما این گفتگو هم نتیجه نداد و پس از آن بود که بلینکن خطاب به رسانه‌ها گفت: «شکایت علیه تل آویو در دیوان کیفری بین‌المللی به نتیجه نخواهد رسید». اما برخلاف خواست آمریکا و دیگر حامیان رژیم صهیونیستی، آفریقایی جنوبی عامل شنیده شدن صدای عدالت و حق خواهی شد و به این ترتیب، حمایت این کشور از مردم مظلوم غزه، تبدیل به نقطه عطف مهمی در منطقه و جهان شد.

بسیاری از رسانه‌های جهان دو پیام مهم از

پس از اقدام آفریقایی جنوبی، این باور نزد تحلیلگران بسیاری از رسانه‌های جهان شکل گرفت که اقدام ارزشمند آفریقایی جنوبی، علاوه بر آن که نویدبخش حمایت آفریقایی‌ها از آرمان فلسطین است، این واقعیت را نیز گوشزد می‌کند که آفریقایی جنوبی، برای پیگیری حقوقی موضوع فلسطین، حتی از کشورهای عربی نیز موثرتر عمل کرده است.

خانم نالدی پاندور وزیر امور خارجه آفریقایی جنوبی وزیر امور خارجه آفریقایی جنوبی اعلام کرد که حکم دیوان بین‌المللی دادگستری، یک دستاورد گرانبها و پیروزی ارزشمندی برای حقوق بین‌الملل است و صدور این حکم، گامی در مسیر تحقق عدالت برای مردم فلسطین خواهد بود. پاندور همچنین خطاب به منتقدین غربی آفریقایی جنوبی گفت: «تصمیم دیوان لاهه نشان داد که به راستی، نسل‌کشی علیه شهروندان در نوار غزه رخ داده است و ما باید از آن ممانعت کنیم. چرا که بر اساس اصل همبستگی بین‌المللی، در برابر آن چه که در غزه روی می‌دهد، مسئول هستیم».

مقامات رژیم صهیونیستی از اقدام حقوقی و انسانی آفریقایی جنوبی، دچار خشم و استیصال شدند. اما جالب اینجاست که برخی از اسرائیلی‌ها نیز از اقدام آفریقایی جنوبی حمایت کردند.

یکی از این افراد، عوفر کسیف عوفر کسیف در پارلمان صهیونیستی بود که آشکارا اعلام کرد: متن آماده شده از سوی تیم حقوقی آفریقایی جنوبی، ابعاد انسانی و حقوقی قابل قبولی دارد و نمی‌توان نسبت به آن بی‌اعتنایی کرد. این جملات باعث شد که نمایندگان







## چشم‌انداز رقابت‌های اقتصادی چین و دیگران در آفریقا

استراتژی‌های توسعه کشاورزی آغاز کرد.

موونچا در ادامه درباره اهمیت الگوهای چین برای کشورهای آفریقایی گفته است: پیشتازی چین در عرصه صنایع و فن آوری مدرن، برای کشورهای آفریقایی الهام بخش است و مسیر توسعه را برای ما نمایان می‌کند. مدرنیزاسیون چین نشان داد که هیچ الگوی مطلق و یکسانی برای توسعه وجود ندارد و هر کشوری باید مسیری را انتخاب کند که مناسب شرایط و واقعیت‌های ملی خود باشد. کشورهای آفریقایی می‌توانند از تجربه چین بیاموزند، اما لازم است راه‌های توسعه خود را بر اساس تاریخ، فرهنگ و آرزوهای خود کشف کنند. کشورهای آفریقایی نیز می‌توانند مانند چین، خوداتکایی و نوآوری خود را افزایش دهند و اقتصاد و بازار خود را متنوع کنند و در عین حال توسعه سبز و پایدار را ترویج کنند و رشد اقتصادی و حفاظت از محیط زیست خود را متعادل کنند.

چین بزرگترین شریک تجاری، سرمایه‌گذار و تامین‌کننده مالی زیرساخت در آفریقا است. به باور کارشناسان آفریقایی، همکاری بین چین و اتحادیه آفریقا نقش مهمی در حکمرانی جهانی ایفا خواهد کرد، زیرا هر دو طرف منافع و دیدگاه‌های مشترکی برای نظم بین‌المللی عادلانه‌تر دارند. چرا که چین و اتحادیه آفریقا می‌توانند در سطح جهانی، از اصول چندجانبه‌گرایی حمایت کنند و از نقش سازمان ملل و سایر سازمان‌های بین‌المللی حمایت کنند. چین و اتحادیه اروپا همچنین می‌توانند از اصلاحات و بهبود سیستم حکمرانی جهانی و نمایندگی و صدای کشورهای در حال توسعه حمایت به عمل آورند.

میلیارد دلار رسانده است. اما این مبلغ فقط مربوط به پروژه‌های جدید در کشورهای امن آفریقایی است و شرکت‌های چینی در چند سال گذشته در آفریقا و در مجموع؛ پروژه‌های زیربنایی به ارزش بیش از ۴۰۰ میلیارد دلار انجام داده‌اند. این شرکت‌ها سرمایه‌گذاری خود را در این قاره از بخش‌های سنتی از جمله کشاورزی و صنایع دستی، ساخت‌وساز، معدن و تولید، تا صنایع نوظهور مانند لجستیک، اقتصاد دیجیتال، انرژی پاک، سلامت، توسعه سبز و امور مالی گسترش داده‌اند.

### چین، الهام بخش توسعه برای کشورهای آفریقایی

بسیاری از نخبگان آفریقایی، درباره چند و چون فعالیت پیمانکاران اروپایی و به ویژه شرکت‌های فرانسوی و آمریکایی در آفریقا حساس هستند. اما در مورد چین چنین نگرشی وجود ندارد.

اراستوس موونچا، معاون سابق کمیسیون اتحادیه آفریقا (AU) در بهمن ماه سال ۱۴۰۲ و در مصاحبه با گلوبال تایمز (GT) درباره دیپلماسی چین و همکاری این کشور با اتحادیه آفریقا اعلام کرده که چین در یک سال اخیر، چندین دستاورد دیپلماتیک قابل توجه داشته است. این قدرت جهانی، علاوه بر فعالیت موثر برای نزدیک کردن عربستان سعودی به ایران، در مناطق دیگر از جمله آفریقا نیز اقدامات فراوانی انجام داده که به عنوان نمایی از نفوذ فزاینده چین در صحنه جهانی تلقی می‌شود. شده است. چین مجموعه‌ای از طرح‌ها را در سال ۱۴۰۲ با هدف حمایت از صنعتی شدن آفریقا و

چین، تجارت، سرمایه‌گذاری و انجام پروژه‌های زیرساختی در کشورهای آفریقایی را به صدها میلیارد دلار رسانده و با فاصله بسیار، کنشگران دیگری همچون ترکیه، عربستان سعودی و ژاپن نیز در آفریقا کار می‌کنند.

قاره آفریقا دارای بخشی از غنی‌ترین معادن و منابع جهان است. اما این قاره به درازای چند قرن، برای استعمار و فقر را تحمل کرده است. ولی حالا شرایط برای بسیاری از کشورهای قاره سیاه تغییر یافته و اینک تبدیل به میدانی برای سرمایه‌گذاری رقبای بزرگ جهانی شده است.

در سال ۱۴۰۲ هجری شمسی، چند کنشگر اقتصادی جهان و منطقه در کشورهای آفریقایی اقدام به فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذار کردند. اما در میان آنها، چین به عنوان کشوری شناخته می‌شود که بیش از دیگر کنشگران، برای فعالیت در آفریقا کار می‌کند و جالب اینجاست که حساسیت خاصی از جانب جوامع آفریقایی در برابر حضور این غول اقتصادی وجود ندارد. بر اساس آمارهای رسمی مقامات پکن، چین برای ۱۴ سال متوالی بزرگترین شریک تجاری آفریقا بوده و مجموع مبادلات تجاری این کشور با کل کشورهای قاره آفریقا با ۱۱ درصد نسبت به سال گذشته افزایش داشته و به ۲۸۲ میلیارد دلار رسیده است.

وانگ دونگ، معاون بخش غرب آسیا و امور آفریقای وزارت بازرگانی چین اعلام کرد که چین در سال ۱۴۰۲ میزان سرمایه‌گذاری خود را نسبت به سال گذشته ۴،۴ درصد افزایش داده و به رقمی بیش از ۴



از اعزام نیرو و مداخله نظامی نیز ابایی نداشته است. نیروهای شبه نظامی تحت امر ترکیه در سال ۱۴۰۲ نیز در لیبی حضور داشتند و علاوه بر این، پایگاه نظامی ترکیه در سومالی، ه عنوان بزرگترین پایگاه نظامی برونمرزی این کشور، وظیفه آموزش افسران سومالیایی را بر عهده گرفته است.

مبالغ سرمایه گذاری ترکیه در کشورهای مختلف آفریقا، ارقام کلانی نیست. به عنوان مثال، در سال ۱۴۰۲ سرمایه گذاری ترکیه در آفریقای جنوبی با افزایش ناچیزی به ۲۷۴ میلیون دلار رسیده است. اما بین ۶۰ تا ۷۰ شرکت ترکیه‌ای در آفریقای جنوبی کسب و کار راه اندازی کرده‌اند که در بخش‌های مختلف از جمله منسوجات و مواد غذایی فعالیت می‌کنند.

یکی از بزرگترین سرمایه گذاران ترکیه به نام «آرچلیک» تولیدکننده در آفریقای جنوبی شروع به کار کرده و برای ۱۶ کشور آفریقایی دیگر، محصول تولید می‌کند. «اسلسان» به عنوان یکی از شرکت‌های دولتی صنایع دفاعی ترکیه نیز در جنوب صحرای آفریقا فعالیت می‌کند. اما دولت اردوغان، موفق شده که چند کشور آفریقایی پهباد نظامی، نفربر نظامی، ادوات زرهی و تجهیزات پلیسی صادر کند.

ترکیه همچنین با افتتاح نهادهای آموزشی دینی به نام بنیاد معارف در چند کشور آفریقایی، مشغول فعالیت است و در یک جمع‌بندی کلی، شیوه کار ترکیه در کشورهای مختلف قاره آفریقا، بیش از آن که نشان دهنده تلاش برای توسعه فعالیت اقتصادی باشد، نشان دهنده تلاش برای نفوذ امنیتی، فروش محصولات دفاعی و به دست‌آوردن مدیریت پروژه‌های بندرگاهی، فرودگاهی، انتقال آب، انتقال گاز و تولید برق در آفریقا است.

یافته و بخش مواد شیمیایی و پلیمری در صدر فهرست ارزش صادرات قرار گرفته و تنها ظرف یک سال اخیر به ۲۱ میلیارد دلار رسیده است.

بیشترین محصولات صادراتی عربستان به کشورهای آفریقایی در سال ۱۴۰۲ پلی پروپیلن، پلی اتیلن و کودهای شیمیایی بوده و کشورهای مصر، الجزایر، آفریقای جنوبی در صدر فهرست کشورهای آفریقایی واردکننده محصولات عربستان قرار دارند و پس از آن مراکش، سودان، کنیا و نیجریه قرار دارند و مجموع مقاصد آفریقایی عربستان به ۵۵ کشور رسیده است.

مقامات ریاض اعلام کرده‌اند که بر اساس توافقاتی که در سال ۱۴۰۲ امضا شده، حضور در نمایشگاه غذای آفریقا، نمایشگاه Pack Process خاورمیانه و آفریقا در مصر، نمایشگاه ساخت و ساز آفریقا در کنیا، و نمایشگاه جیتکس آفریقا در مراکش، هدف گذاری شده است.

### ترکیه، به دنبال فعالیت اقتصادی و دفاعی در آفریقا

ترکیه در چند سال گذشته، تمایل زیادی برای توسعه روابط خود با آفریقا نشان داده در سال ۱۴۰۲ هجری شمسی نیز، به تلاش‌های خود برای توسعه روابط با کشورهای قاره سیاه ادامه داد. ترکیه در ۵۰ کشور آفریقایی سفارتخانه دارد و علاوه بر اهمیت دادن به توسعه روابط دوجانبه با کشورهای آفریقایی، روابط با اتحادیه آفریقا (AU) را نیز به شکل هدفمند، پیش برده است.

یکی از تفاوت‌های عمده شیوه کار ترکیه در آفریقا در مقایسه با چین و دیگران، این است که آنکارا، نفوذ امنیتی-دفاعی و استفاده از موقعیت ژئوپولیتیک کشورهای آفریقا را در اولویت نخست خود قرار داده و هر جا که منابع خود را در خطر دیده،

### عربستان به دنبال ثروت اندوزی در آفریقا

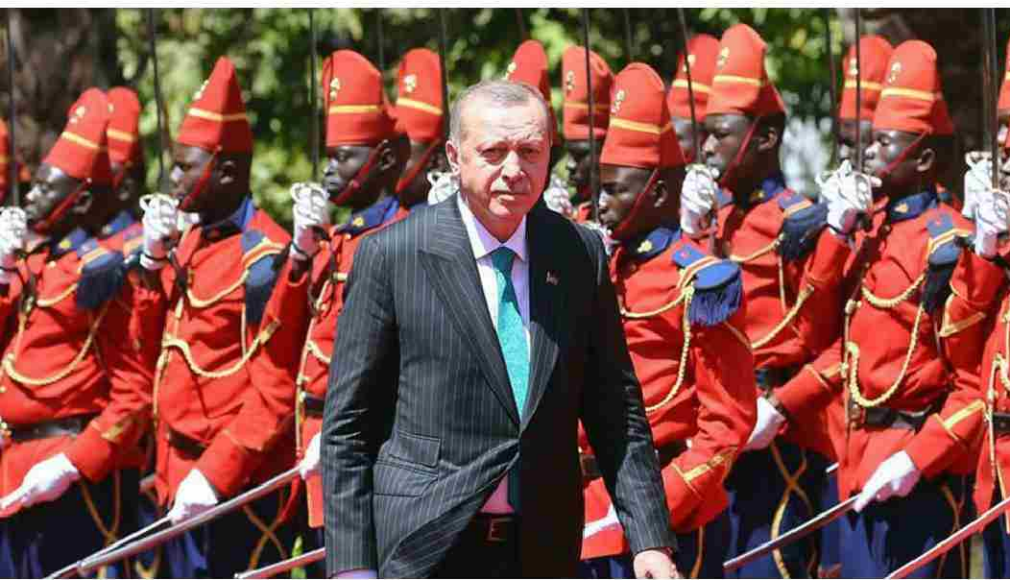
عربستان سعودی نیز یکی دیگر از کشورهای است که در سال ۱۴۰۲ هجری شمسی، به تلاش برای توسعه روابط اقتصادی و سرمایه گذاری در چند کشور آفریقایی ادامه داد. نکته جالب توجه درباره عربستان سعودی این است که فعالیت در حوزه معادن فلزی را ترجیح داده و در زامبیا و تانزانیا بر روی دو فلز مس و نیکل، متمرکز شده است.

در سال‌های اخیر، پادشاهی عربستان سعودی تمرکز خود را از وابستگی به نفت به سمت توسعه معادن سنگ سخت و جذب سرمایه گذاری خارجی تغییر داده است. پادشاهی عربستان سعودی همچنین در سطح بین‌المللی به دنبال تأمین منابع معدنی بوده و مشارکت خود را افزایش داده و در تعدادی از پروژه‌های معدنی در آفریقا سرمایه گذاری کرده است.

عربستان متعهد شده که طی پنج سال آینده ۱۰ میلیارد دلار در پروژه‌های معدنی آفریقا سرمایه گذاری کند. این سرمایه گذاری بخشی از اهداف چشم‌انداز ۲۰۳۰ برای تنوع بخشیدن به اهداف اقتصادی و تجارت خارجی است.

عربستان به طور فزاینده‌ای به آفریقا به عنوان منبع مواد معدنی و فلزات حیاتی نگاه می‌کند و احتمالاً سرمایه گذاری‌های آن در سال‌های آینده رشد خواهد کرد. ذکر این نکته ضروری است که برخی از این پروژه‌ها هنوز در مراحل اولیه توسعه هستند و مشخص نیست که آیا همه آنها به مرحله اجرا در می‌آیند یا خیر.

با این حال، علاقه فزاینده عربستان سعودی به استخراج معادن آفریقا، نشانه‌ای از اهمیت روزافزون این قاره به عنوان منبع غنی ذخایر معدنی است. البته صادرات عربستان سعودی به کشورهای آفریقایی نیز افزایش







# آفریقا، تغییرات اقلیمی و مهاجرت

سال ۱۴۰۲ علاوه بر سیل، خشکسالی و موج گرمای فزاینده نیز تأثیرات مخربی بر کشاورزی، منابع آب، زیرساخت‌ها و معیشت در سراسر قاره آفریقا گذاشت. در یک سال اخیر هم، بسیاری از مناطق آفریقا با کمبود آب مواجه شدند و این وضعیت، تغییرات آب و هوایی و خشکسالی را تشدید می‌کند. الگوهای بارندگی نامنظم و خشکسالی‌های طولانی مدت منجر به کمبود آب شده و این وضعیت، علاوه بر تأثیر منفی بر کشاورزی و امنیت غذایی آفریقا، ثبات، امنیت و سلامت عمومی را تحت تأثیر قرار داد.

در سال ۱۴۰۲ به طور مداوم، شاهد افزایش دمای آفریقا بودیم و در نتیجه جمعیت‌های آسیب پذیر تحت تأثیر بیماری‌های مربوط به گرما قرار گرفتند. علاوه بر این، مناطق ساحلی در آفریقا در برابر افزایش سطح دریا آسیب پذیر شدند که جوامع، اکوسیستم‌ها و زیرساخت‌ها در امتداد ساحل را تهدید می‌کند.

کشورهایی مانند مصر، نیجریه و سنگال در حال حاضر شاهد اثرات فرسایش سواحل و شور شدن منابع آب شیرین هستند. تغییرات آب و هوایی به تخریب اکوسیستم‌های آفریقا از جمله جنگل زدایی، بیابان زایی و از بین رفتن تنوع زیستی منجر شده است.

چه بسیاری از کشورهای آفریقایی، به دنبال مقابله با پیامدهای تغییرات اقلیمی هستند و مرور اسناد و گزارش‌های متعدد سازمان‌هایی مانند پانل بین دولتی تغییرات آب و هوا (IPCC)، مرکز سیاست گذاری آب و هوای آفریقا (ACPC) و بانک توسعه آفریقا (African Development Bank) نشان می‌دهد که بسیاری از کشورهای آفریقایی در سال ۱۴۰۲ یک بار دیگر موضوع مهم «انعطاف پذیری و سازگاری با آب و هوا» را پیگیری کردند و برای جذب همکاری بین‌المللی، وارد مذاکره شدند. اما با وجود تلاش این کشورها و توجه به ابتکاراتی مانند دستور کار ۲۰۶۳ اتحادیه آفریقا و ابتکار انرژی‌های تجدیدپذیر، تغییر چندانی در وضعیت آنان روی نداد.

ارتباط بین تغییرات اقلیمی و مهاجرت

چرخه تغییرات اقلیمی و تهدید امنیت غذایی و به تبع آن افزایش میزان مهاجرت از کشورهای آفریقایی به مقاصد دیگر، قاره سیاه را با وضعیتی دشوار روبرو کرده است.

دو موضوع مهم تغییرات اقلیمی و مهاجرت در آفریقا، ارتباط تنگاتنگی با هم دارند و عملاً به دو معضل مهم اغلب کشورهای آفریقایی تبدیل شده‌اند. در سال ۱۴۰۲ هجری شمسی، شاهد تداوم این معضلات در بسیاری از کشورهای جهان بودیم و همزمان با افزایش مشکلات این کشورها در حوزه تغییرات اقلیمی که منجر به خشکسالی و فقر روزافزون شده، آمار مهاجرت از آفریقا به سوی اروپا و بعضاً آمریکا، بالاتر رفته است.

پس از سیلاب‌های عظیم آفریقای جنوبی در شاخ آفریقا و کشور سومالی نیز در پاییز سال ۱۴۰۲ شاهد تلفات و خسارات سنگینی بودیم که به خاطر پدیده آب و هوایی موسوم به ال نینو، آوارگی نیم میلیون نفر از شهروندان سومالیایی را رقم زد.

ال نینو یک الگوی آب و هوایی در مقیاس بزرگ است که در آن، بارندگی به صورت پیاپی روی داده و به شکل ناگهانی بر آب و هوای جهان اثر می‌گذارد. این پدیده طی یک بازه زمانی دو تا هفت ساله، با شدت‌های متفاوت بروز می‌کند و در جریان آن، دمای آب‌های شرق اقیانوس آرام تا چهار درجه سانتیگراد گرم‌تر از حد معمول می‌شود و بارندگی منجر به سیلاب‌های عظیم می‌شود.

آفریقا، خشکسالی و امنیت غذایی

ال نینو سبب بروز سیل شدید در بخش‌های شرقی آفریقا شد پس از آن، رانش زمین، افزایش بیماری‌ها و کمبود مواد غذایی، سومالی را دچار مشکلات بزرگ کرد و همزمان با بروز سیل شدید در شرق آفریقا، بخش‌های شمالی و جنوبی این قاره، با خشکسالی شدید مواجه شدند.

بارش باران مداوم و بی‌امان در ماه اکتبر، مرگ، ویرانی و آوارگی مردم در سومالی، کنیا و اتیوپی را به دنبال آورد و در



را از دست داده اند که مرگبارترین رویدادها در شهر ساحلی استکاتو دی کوترو ایتالیا و جزیره پیلوس یونان رخ داد.

### روبارویی غرب با مهاجران آفریقایی

کشورهای ایتالیا، اسپانیا، یونان، فرانسه، آلمان و انگلیس، سختگیری در برابر مهاجرین آفریقایی را افزایش دادند و با توجه به تعداد بالای ورود مهاجرین غیرقانونی آفریقایی به اروپا، در سال ۱۴۰۲ شاهد اتخاذ تصمیمات و سیاست‌های سختگیرانه از جانب اتحادیه بودیم.

اورسلا وندر لاین، رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا، در سال ۱۴۰۲ یک طرح ده فقره‌ای را برای حمایت از ایتالیا در برابر موج مهاجران آفریقایی ارائه داد که مبنای اصلی تصمیمات آن، تلاش برای برگرداندن یا اخراج سریع مهاجرین، تقویت مرزها و مبارزه علیه باندهای قاچاق انسان است. در سال ۱۴۰۲ بیشترین میزان اخراج مهاجران آفریقایی و بازگرداندن آنها به کشور مبدأ و به ویژه کشورهایی مانند گینه، ساحل عاج، سنگال و بورکینا فاسو و تونس ثبت شد.

در سال ۱۴۰۲ علاوه بر اروپا، مکزیک نیز شاهد ورود موج پناهجویان غیرقانونی آفریقایی بود و وزارت کشور مکزیک اعلام کرد که تعداد مهاجران غیرقانونی آفریقایی که وارد این کشور شده اند، نسبت به سال قبل از آن ۹ برابر افزایش یافته و از ۶ هزار و ۶۷۲ نفر، به ۵۹ هزار و ۸۳۴ نفر رسیده است.

در یک ارزیابی کلی، چرخه پایدار تغییرات اقلیمی و تهدید امنیت غذایی در آفریقا، بروز مشکلات بزرگ در حکمرانی کشورهای آفریقایی و به تبع آن افزایش مهاجرت غیرقانونی، شرایط را برای بسیاری از کشورهای قاره سیاه دشوار کرده است و در کشورهای مقصد مهاجرت نیز، غالب مهاجرین آفریقایی با سیاست سختگیرانه و احتمال دیپورت یا تبعیض و استعمار روبرو می‌شوند. اما دروازه ورود برای جذب نخبگان و تحصیلکردگان آفریقایی باز نگه داشته می‌شود و به این ترتیب، بخش منابع انسانی و تخصص‌های علمی کشورهای قاره سیاه نیز با مشکلات بزرگ مواجه می‌شود.

فقر گسترده و عدم دسترسی به منابع غذایی و رفاه، از مشکلات عمده بسیاری از کشورهای آفریقایی بوده که باعث مهاجرت شهروندان کشورهای این قاره شد است و اما در سال ۱۴۰۲ شاهد افزایش آمار مهاجرت آفریقایی‌ها بودیم و عوامل مهمی مانند تلاش برای دستیابی به فرصت‌های اقتصادی، فرار از بی‌ثباتی سیاسی و درگیری، فقدان امنیت غذایی به خاطر تغییرات آب و هوایی، فقر و عدم دسترسی به خدمات اولیه، بسیاری از آفریقایی‌ها را عمدتاً از مسیرهای مختلف دریای مدیترانه، راهی اروپا کرد. مدیترانه همچنان یک مسیر کلیدی برای مهاجرت از شمال آفریقا به اروپا است و مهاجران اغلب سفرهای خطرناکی را از طریق دریا در جستجوی فرصت‌های بهتر آغاز می‌کنند و در سال ۱۴۰۲ نیز در این مسیر، شاهد بروز حوادث متعدد و افزایش تلفات انسانی بودیم.

با وجود تداوم حرکت پناهجویان آفریقایی به سمت اروپا در سال ۱۴۰۲ کشورهای اتحادیه اروپا (EU) سیاست‌ها و چارچوب‌های مهاجرتی مختلفی را برای مدیریت و رسیدگی به جریان‌های مهاجرت از آفریقا و سایر مناطق اجرا کرد. این سیاست‌ها شامل کنترل مرزها، موافقت نامه‌های مهاجرت با کشورهای آفریقایی، رویه‌های پناهندگی و تلاش برای مقابله با مهاجرت غیرقانونی و قاچاق انسان است.

هانس لایتنس مدیر اجرایی فرانتکس، آژانس محافظت از مرزهای خارجی اتحادیه اروپا، اعلام کرده که با وجود همه سختگیری‌ها و تدابیر امنیتی، توقف کامل مهاجرت به سمت اروپا غیر ممکن است. طبق آمار، مهاجرت غیرقانونی به اتحادیه اروپا از غرب آفریقا در سال ۱۴۰۲ بیش از ده برابر افزایش یافته است. در یک سال اخیر، ۳۸۰ هزار گذرنامه جعلی برای ورود به اروپا از مهاجرین آفریقایی به دست آمده و با این حال، افراد بیشتری همچنان از کشورهای جنوب صحرای آفریقا برای سفر به اروپا تلاش می‌کنند. داده‌های فرانتکس در ژانویه ۲۰۲۴ میلادی نشان داده که اقیانوس اطلس شلوغ‌ترین مسیر مهاجرت غیرقانونی به اتحادیه اروپا است و داده‌های سازمان ملل نشان می‌دهد که در یک سال اخیر، بیش از سه هزار و ۷۰۰ مهاجر در راه اروپا جان خود





